



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در اثبات وجوب دعا برای فرج امام زمان او احنا فداء

در اثبات وجوب دعا برای فرج امام زمان او احنا فداء

رفیع الدین رفیعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

واجب فراموش شده در اثبات وجوب دعا برای فرج امام زمان ارواحنا فداه

نویسنده:

رفیع الدین سید جعفر رفیعی

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی و تحقیقاتی یاران قائم (ع)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	واجب فراموش شده در اثبات وجوب دعا برای فرج امام زمان ارواحنا فداه
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۲	اهداء
۱۴	مقدمه
۲۰	سرود غربت
۲۸	معرفت
۲۹	اقسام واجب
۲۹	اشاره
۲۹	۱- واجب نفسی و واجب غیرى
۳۰	۲- واجب تعبدی و توصلی
۳۰	۳- واجب عینی و کفایی
۳۱	۴- واجب تعیینی و تخییری
۳۱	۵- واجب مطلق و مشروط
۳۲	۶- واجب مُنَجَّز و مُعَلَّق
۳۲	۷- واجب شرعی و عقلی
۳۳	۸- واجب مولوی و ارشادی
۳۴	۹- واجب مَوْسَع و مَضِیق
۳۵	۱۰- واجب فوری و غیر فوری
۳۵	ترک دعا برای فرج از گناهان کبیره است
۳۸	تقسیم دیگری از واجبات
۳۹	فرق میان وجوب و لزوم
۴۱	ادله وجوب دعا برای فرج

۴۱	اشاره
۴۱	دلیل عقل
۵۲	دلیل نقل
۶۱	داستان غیبت عبرت انگیز ادريس پیامبر
۷۱	نکات این روایت
۷۹	دلیل انتظار
۸۱	انتظار، بهترین عمل
۸۱	عبادت و انتظار
۸۱	برترین عبادتها
۸۲	انتظار محبوب ترین اعمال
۸۲	انتظار بزرگترین گشایش
۸۲	انتظار، برترین عمل شیعه
۸۲	انتظار عمل بزرگ
۸۳	صفات منتظران
۸۳	ارزش انتظار
۸۳	مکان بهشتی منتظران
۸۴	شخصیت منتظران
۸۴	فضیلت منتظران
۸۵	موقعیت منتظران
۸۵	پاداش منتظران
۸۵	مقام منتظران
۸۶	جایگاه منتظران
۸۶	عاقبت منتظران
۸۷	خوشا به حال منتظران
۸۸	منتظران در قرآن
۸۸	منتظران در پیشگاه خدا

۸۹	منتظران و حزب الله
۹۰	منتظران پیروز
۹۰	منتظران استوار
۹۱	صبر و انتظار در قرآن
۹۲	انتظار و ائمه علیهم السلام
۹۲	پاداش صبر و انتظار
۹۳	انتظار و یاری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
۹۵	ولایت در زمان انتظار
۹۵	صبر و انتظار
۹۶	عبادت زمان انتظار
۹۷	مردم در زمان انتظار
۹۸	انتظار، وظیفه هر مسلمان
۹۹	تکلیف در زمان انتظار
۹۹	انتظار مخلصان
۱۰۰	شیعه در زمان انتظار
۱۰۰	انتظار، نه یأس
۱۰۱	انتظار وعده خدا
۱۰۱	دعای زمان انتظار
۱۰۲	عاقبت منکرین امام منتظر عجل الله تعالی فرجه
۱۰۲	انتظار، ملاک پذیرش اعمال
۱۰۴	موارد دعا
۱۰۵	آثار و برکات دعا برای فرج
۱۰۵	اشاره
۱۰۵	۱-قرب معنوی
۱۰۵	۲-یاد امام زمان علیه السلام و آرامش روانی
۱۰۶	۳-عامل بازدارنده از گناه

- ۴- غفلت زدایی - ۱۰۶
- ۵- ظلم زدایی - ۱۰۶
- ۶- عامل پرورش فضائل اخلاقی - ۱۰۶
- ۷- همدلی و هم‌گرایی - ۱۰۷
- ۸- نفی طاغوت و ایستادگی در مقابل ظلم و ستم - ۱۰۷
- این واجب الهی دارای احکامی می‌باشد - ۱۰۹
- مصدق این واجب الهی چگونه عمل می‌شود؟ - ۱۱۰
- مستحبات ادای این فریضه الهی عبارتند از: - ۱۱۱
- برهان چیست؟ - ۱۱۳
- تقسیم برهان عقلی به مستقلات عقلیه و غیر عقلیه - ۱۱۷
- برهان عقلی - ۱۲۰
- برهان لَمَّ - ۱۲۱
- برهان اِنَّ - ۱۲۲
- برهان خُلْف - ۱۲۴
- برهان حکمت - ۱۲۶
- برهان صدیقین - ۱۳۱
- فضیلت صلوات همراه با "عَجَل فرجهم" با توجه به برهان صدیقین - ۱۳۴
- دعا برای فرج در سجده - ۱۴۵
- دعا برای فرج در قنوت نماز - ۱۴۹
- دعا برای فرج امام زمان علیه السلام در تعقیبات نمازها - ۱۵۵
- گلایه سید بن طاووس رحمه الله از کسانی که دعا برای فرج نمی‌کنند و امام زمانشان را به فراموشی سپرده‌اند - ۱۶۴
- در سپردن سید قدس سره فرزند خود را به امام عصر علیه السلام - ۱۶۸
- در طریق وصول به جواب امام عصر علیه السلام - ۱۷۲
- اهمیت دعا برای فرج امام زمان علیه السلام در کتاب مستطاب اقبال الاعمال سید بن طاووس رحمه الله - ۱۷۵
- آیا امام زمان علیه السلام احتیاج به دعای ما دارد؟! - ۱۸۰
- آیا امر به دعا برای فرج امام زمان علیه السلام با احادیثی که از تعجیل در ظهور نهی شده است، در تناقض نیست؟! - ۱۸۴

- ۱۸۴ اشاره
- ۱۸۵ ۱-عجله مذموم
- ۱۸۵ ۲-عجله ممدوح
- ۱۸۶ اگر ظهور امام زمان علیه السلام امری است که نزد خدای تعالی تقدیر یافته و تا زمانش فرا نرسد صورت نمی گیرد، پس دعای ما چه فایده ای دارد؟
- ۱۸۹ جای خالی دعا برای فرج در رساله های عملیه
- ۱۹۶ اهمیت دعا برای ظهور امام زمان علیه السلام در نظر علمای گذشته
- ۲۰۴ دلیل عدم ذکر وجوب دعا برای فرج در کتب فقهی
- ۲۰۸ عوامل منفی عدم دعا برای فرج
- ۲۱۰ دعا برای تعجیل در فرج امام زمان ارواحنا فداه در ادعیه و زیارات
- ۲۶۱ مؤیدات "وجوب دعا برای فرج"
- ۲۶۱ امر به دعا برای فرج پس از ذکر مصائب امام حسین علیه السلام
- ۲۶۱ امر و پیام امام محمد باقر علیه السلام در امر دعا برای فرج
- ۲۶۲ تشرف شیخ حسین سامرائی
- ۲۶۳ تشرف حاج محمد علی فشنندی
- ۲۶۳ فرمان امام حسن مجتبی علیه السلام در امر دعا برای فرج
- ۲۶۴ قصیده سید حیدر حلاوی
- ۲۶۵ رؤیای آیت الله سید محمد هاشمی گلپایگانی رحمه الله
- ۲۶۶ پیام امام زمان علیه السلام به حاج آقا حسن قمی رحمه الله
- ۲۶۷ مرحوم شیخ احمد کافی رحمه الله می فرمود
- ۲۶۸ تشرف مشهدی حسن یزدی
- ۲۷۰ شیخ عبدالعلی بحرانی و نقل دعا برای فرج
- ۲۷۲ فهرست
- ۲۷۵ دیگر آثار مؤلف
- ۲۸۰ درباره مرکز

واجب فراموش شده در اثبات وجوب دعا برای فرج امام زمان ارواحنفاذاه

مشخصات کتاب

سرشناسه: رفیعی، رفیع الدین سیدجعفر، 1349 -

عنوان و نام پدیدآور: واجب فراموش شده در اثبات وجوب دعا برای فرج امام زمان ارواحنفاذاه/ نویسنده رفیع الدین سیدجعفر رفیعی .

مشخصات نشر: قم: یاران قائم علیه السلام، 1398 .

مشخصات ظاهری: 256 ص.؛ ؛ 14 × 20 س م.

شابک: 250000 ریال 5-28-8895-964-978

یادداشت: این کتاب در سال 1398 تجدید چاپ شده است.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس .

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق. - - دعاها

Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Prayers: موضوع

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق. - - غیبت

Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Occultation: موضوع

موضوع: مهدویت - - انتظار

Mahdism -- *Waiting: موضوع

رده بندی کنگره: BP224/4

رده بندی دیویی: 297/462

شماره کتابشناسی ملی: 5744569

وضعیت رکورد: رکورد کامل

ص: 1

اشاره

واجب فراموش شده در اثبات وجوب دعا برای فرج امام زمان ارواحنا فداه

نویسنده: رفیع الدین سید جعفر رفیعی

ص: 2

به منتظرين واقعي امام زمان عليه السلام

ص: 3

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ عَرَّفَنِیْ نَفْسَهُ وَ لَمْ یَتْرُکْنِیْ عَمِیَانَ الْقَلْبِ • الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ جَعَلَنِیْ مِنْ اُمَّةٍ مُّحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهِ وَ لَمْ یَجْعَلْنِیْ مِنْ سَائِرِ
الْاُمَمِ • الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ جَعَلَ رِزْقِیْ عَلٰی یَدِهِ وَ لَمْ یَجْعَلْهُ فِیْ اَیْدِ النَّاسِ • الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ سَتَرَ ذُنُوبِیْ وَ لَمْ یَفْضَحْنِیْ بَیْنَ النَّاسِ اللّٰهُمَّ عَجِّلْ
لِوَلِیِّكَ الْفَرَجَ اللّٰهُمَّ الْعِنِ الْجَبْتِ وَ الطَّاغُوتِ

ص: 4

مقدمه

تردیدی نیست که دعا، از عبادت های بزرگ است و آثار فراوانی دارد و ما در این رساله در مقام اثبات و جوب و تکلیفی بودن آن در امر ظهور و فرج حضرت بقیه الله ارواحنا فداه می باشیم.

گفتنی است که جهان آفرینش بر پایه اسباب و مسببات می باشد و پیدایش هر پدیده مشروط به وجود شرایط و زمینه های آن است. طبق آموزه های دین مقدس اسلام (که عقل نیز آن را تأیید می کند) دعا یکی از اسباب و زمینه های تحقق پدیده ظهور می باشد.

به عبارت دیگر، امر ظهور وابسته به تحقق شرایط و زمینه ها می باشد و دعا به عنوان جزء العله یکی از اسباب تعجیل در فرج است و جزء فعل و عمل مؤمن می باشد، لذا دعا برای فرج و ظهور امام زمان علیه السلام از باورهای قلبی

و تکلیف های عملی یک فرد مسلمان است که در قیام به آن باید اهتمام ورزد و آن را سبک نشمارد.

این تکلیف الهی در منظر بعضی از مجتهدین صاحب فتوی از تکالیف واجب است که به هیچ نحو ساقط نمی گردد و تارک آن مستحق عذاب سخت در دنیا و آخرت می گردد همانند فریضه نماز که یک تکلیف واجب الهی می باشد و به هیچ عنوان از مکلف ساقط نمی گردد و مکلف نباید منتظر آثار این فریضه در زندگیش باشد که اگر اثری از این تکلیف ندید آن را ترک کند، بلکه این فریضه (نماز) چه اثر داشته باشد و چه نداشته باشد، باید مکلف آنرا به پا دارد؛ همچنین است دعا برای فرج که به هیچ عنوان از مکلف ساقط نمی گردد، چه این فریضه اثر داشته باشد یا نداشته باشد، به این معنا که دعا چه به هدف اجابت مقرون گردد و ظهور موفور السرور آن حضرت محقق شود، و چه امر ظهور به تأخیر افتد، وظیفه مکلف در هر صورت دعا کردن است.

در فتوای دیگر از علماء و مجتهدین، امر دعا برای فرج و ظهور امام زمان علیه السلام از مستحبات مؤکده آمده است که ترک آن بدون عذر شرعی خود یک نوع هتک و سبک شمردن تکلیف مستحبی است که تارک آن نیز به جهت تعمد در ترک یک امر استحبابی دارای عقاب و عذاب می باشد.

شایان ذکر است با کمال تأسف این فریضه الهی (وجوب دعا برای امام زمان علیه السلام) به فراموشی سپرده شده تا جایی که مجتهدین صاحب فتوی نیز که معتقد به وجوب یا استحباب آن هستند در رساله های عملیه خود از

این امر و تکلیف (وجوبی یا استحبابی) غفلت کرده اند و ذکری از آن به میان نیاورده اند! بدین جهت است که مسلمانان به این تکلیف و فریضه الهی راهنمایی نشدند و قیام به عمل آن ننموده اند.

حال آنکه در جای خود مبرهن است که "انتظار ظهور امام زمان علیه السلام" که داخل در اصل امامت و ولایت می باشد، از افعال تکلیفی نیز هست، لذا بر هر فرد مسلمان واجب و لازم است که این اصل را در اعتقادات قلبی خود بگنجانند و با اعمال و کردارهای خود آن را آشکار نمایند. بدین جهت نیز هست که در روایات فرموده اند: «افضل اعمال امت انتظار فرج است»⁽¹⁾

و حال آنکه "انتظار" امری قلبی است، پس اینکه می فرمایند "افضل اعمال" اشاره به این حقیقت دارد که "انتظار" امری قلبی و تکلیف آور است که با اعمال و جوارح آشکار می گردد و یکی از راه های آشکار نمودن آن، دعا برای فرج و ظهور امام زمان علیه السلام است.

اگر در ماهیت و شکل دعا برای فرج دقت شود می بینیم که دعا برای فرج بهترین شیوه اظهار انتظار می باشد که تجلی گاه درخواست و نیاز به کمال عبودیت و بندگی است. لذا در روایات آمده است: «افضل اعمال امت انتظار فرج است»؛ و اگر مشکلات روزمره بشر را در نظر بگیریم می بینیم عمده آن ها به خاطر فراموشی و یا بی توجهی به امام زمان علیه السلام است که این فراموشی موجب مشکلات و سختی های طاقت فرسای بشری و ظلم و ستیز نمودن

ص: 7

برخی به برخی دیگر شده است و با جرأت می توان گفت حتی دلیل فراموشی قیامت نیز که موجب جرأت یافتن انسان ها بر گناه می شود، بی توجهی و غفلت از یاد آن حضرت است.

یکی از فوائد مهم دعا برای فرج که عقل و نقل بدان اتفاق دارند و آن را یکی از اسرار عبادتها به شمار آورده اند، تأثیر آن بر قلب و جوارح است، زیرا از هر عبادتی در قلب اثری حاصل می شود که از آن در روایات به نقطه سفید و سیاه در دل تعبیر شده است،⁽¹⁾ به این معنا که بین ظاهر و باطن و غیب و شهود انسان، یک ارتباط و علاقه ای نهفته است و آثار هر یک و افعال و حرکات یکی بر دیگری سرایتی عظیم و تأثیری شگرف دارد، و این مطلب، هم برهانی است و هم وجدانی؛ لذا دعا برای فرج نیز اینگونه است که در روح و قلب اثر گذاشته و حالت انتظار را تقویت می بخشد و در نهایت همانند نقطه سفید همه قلب را فرا می گیرد و در جوارح تأثیر گذاشته و باعث کنترل اعضا و جوارح می گردد و انسان از بسیاری از زشتی ها و ردائل اخلاقی اجتناب و دوری می کند، و به عبارت دیگر با روی آوردن به انسان کامل، خود نیز به سوی کمال به حرکت می افتد.

نهایتاً می توان نتیجه گرفت که با توجه به اهمیت و سفارش قرآن و ائمه اطهار علیهم السلام، "انتظار و دعا برای فرج"، بهترین عبادت ها و بهترین وسیله تقرب به سوی خدای تعالی می باشد که در اثر آن خط مشی زندگی مؤمن تعیین می گردد و ترک آن کم منجر به ترک اعمال صالحه و بی توجهی به آن ها

ص: 8

و در نهایت به ترک صراط مستقیم دین که همان ولایت اهل بیت علیهم السلام است، خواهد انجامید.

از این رو معلوم می شود هرکس که ترک دعا برای فرج می کند هم گرفتار گناه می شود و هم به دام های اعتقادی شیاطین جنی و انسی می افتد.

برخی از کارشناسان دینی معتقدند دعا و انتظار در انسان امید به زندگی را قوت می بخشد و او را در مبارزه با مشکلات روزمره یاری می دهد.

پیشرفت سریع و پیچیده تمدن مادی و در عین حال بی توجهی به ارزش های مذهبی و دینی، هر روز بیش از پیش برای افراد و مجامع بشری اضطراب ها و مرض های روحی جدیدی بوجود آورده است. مبرهن است که یک انسان نامتعادل که در اثر دوری از معصوم علیه السلام به انواع گرفتاری ها، نگرانیها، نیازها، مشکلات عدیده زندگی و به ناهنجاریهای روحی روانی دچار شده نهایتاً به یک نوع یأس گرفتار می گردد و امید به زندگی معنوی و مادی را از دست می دهد، لذا دست به بزرگترین جنایت های تاریخ بشری می زند و از درک فیوضات کامل هستی و رحمت بیکران الهی محروم می گردد. ولی انسان منتظر با دعا برای ظهور امام زمان علیه السلام که برای حضرتش انتظار می کشد، خود را در مقابل هر عاملی که قصد به خطر انداختن دین و دنیای او را دارد تا وی را به بردگی بکشاند، می ایستد و تا سر حدّ شهادت جلو می رود.

این رساله، بیشتر در مقام تبیین حکم وجوبی "دعا نمودن برای ظهور و فرج" است، تا مؤمنین به این تکلیف الهی، همانند سایر فرایض الهی مثل

فریضه نماز به نحو و جوب نگاه کنند و عمل نمایند و خود را جزء منتظرین واقعی قرار دهند و از فیوضات مادی و معنوی آن بهره مند شوند. به امید اینکه روزی این تکلیف الهی در رساله های عملیه مجتهدین وارد شود و مؤمنین بیشتر متوجه این حکم الهی گردند.

البته به طور کلی باید توجه داشت هر چند دعا و درخواست از حضرت حق، در تسریع فرج بسیار مؤثر است، ولی آنچه مهم تر است و جزء تکالیف و جوبی هر مؤمنی نیز می باشد، آن است که شیعیان و عاشقان، حقیقت انتظار را در زندگی خود جاری کنند، بدین معنی که سعی کنند حقیقتاً دستورات اسلام را عمل نمایند و با تلاش در تهذیب نفس و خدمت به مردم، لیاقت یاری حضرت را کسب نمایند و برای امر فرج زمینه سازی کرده و مردم را برای پذیرش حرکت عدالت خواهانه حضرت آماده سازند.

در خاتمه عاجزانه از خوانندگان گرامی درخواست می کنم این حقیر و والدینم را نزد آن امام مهربان یاد کنند و از جانب حقیر به آن حضرت عرضه بدارند: «کلبکم باسط ذراعیه بالوصید.»⁽¹⁾

رفیع الدین سید جعفر رفیعی

ص: 10

1- . کلبهم باسط ذراعیه بالوصید(سوره کهف، آیه 18)

سرود غربت

به نام ربّ مهدی لب گشایم

سرود غربتش را می سرایم

غم مهدی غمی جان گاه باشد

از آن کم تر کسی آگاه باشد

کجا یوسف چنین زندان کشیده

کجا یعقوب این هجران کشیده

شکیبایی از او شرمنده گشته

زغم جان و دلش آکنده گشته

زند ایوب زانو محضر او

بیاموزد صبوری در بر او

هزار و یک صد و هشتاد سال است

که می داند که مولا در چه حال است؟

فدای غربتش یاور ندارد

به این غربت کسی باور ندارد

از او مظلوم تر در این جهان کیست

ز کُنه غربتش کس با خبر نیست

به غیبت سوز و اشک و آه دارد

چو جدّ خویش سر در چاه دارد

تو گویی خار در چشمش نشسته

دلش از غفلت شیعه شکسته

قسم بر صورت زهرا که نیلی ست
به رخساری که آزرده ز سیلی ست
در این غم اشک آل الله جاری ست
حدیث قرن ها چشم انتظاری ست

ص: 11

غریب و یگه و تنهاست مهدی
کجا شد شیعیان پس رسم مردی؟!
به مهدی عرصه عالم چو تنگ است
چنین غفلت برای شیعه ننگ است
همه در عالم ذر عهد بستیم
و لیکن عهد خود با او شکستیم
همه کردیم مهدی را فراموش
رسد هل من معین همواره بر گوش
به مهدی ظلم ها بسیار کردیم
به او رفتار چون اغیار کردیم
به سینه سوز هجرانش نداریم
خبر از اشک چشمانش نداریم
ولی اندوه ما بر او گران است
دعاگوی تمام شیعیان است
بیا هجرت کنیم اینک به کوش
رویم «العفو» گویان رو به سویش
ز رنج غربتش یادی نماییم
امام خویش را یاری نماییم
بیا زهرای اطهر شاد سازیم
ز زندان یوسفش آزاد سازیم
پس از عمری که دنبال سراپیم

بیا چون «حُرِّ» به درگامش شتاییم

که مهدی چشمه آب حیات است

سبیل الله، کشتی نجات است

ص: 12

مدار دهر، قطب روزگار است
در این دوران ولیّ کردگار است
به یمن اوست نازل گشته باران
مطیع اوست خورشید درخشان
قرار آسمانها و زمین است
چو احمد رحمه للعالمین است
به جسم مرده عالم چو جان است
پدر بر جمله خلق جهان است
حسین بن علی در این زمان اوست
ولیّ امر بر خلق جهان اوست
هر آن کس معرفت بر او ندارد
به راه جاهلیّت پا گذارد
خوش آن روزی که مولا بازگردد
«انا المهدی» طنین انداز گردد
خدایا پرچمش را بازگردان
به زهرا یوسفش را بازگردان
به حق مادرش زهرای اطهر
به خون فرق اکبر، حلق اصغر
به شام و کوفه غم بار زینب
وداع آخر دلدار زینب
دگر اصلاح کن امر فرج را

عیان کن بر جهان ختم حجج را

غم مهدی مگر پایان ندارد؟

سحر آیا شب هجران ندارد؟

ص: 13

خداوندا ظهورش دیر گردید
بسا عاشق در این ره پیر گردید
مهیا کن تو اسباب ظهورش
منور کن تو گیتی را ز نورش
خدایا دشمنانش خوار فرما
ذلیل و جمله بی مقدار فرما
بیا ای مظهر عدل خدایی
که تا پایان پذیرد این جدایی
بیا مولا جهان پر شد ز بیداد
ز ظلم ظالمان فریاد فریاد
به قربان تو و صبر عجیبیت
بخوان آن آخرین آمن یحییبت
بیا غیر از تو ما منجی نداریم
اگر آبی دگر رنجی نداریم
پس از حیدر عدالت رخت بر بست
بیا برگیر تیغش در کف دست
بیاور ذوالفقار حیدری را
ز بُن بر کن مرام حَبْتِری (1)
را
بیا ما را سعادت‌مند گردان
رها از هر چه قید و بند گردان

همه عالم فدای تار مویت

نگاه عالمی باشد بسویت

امید فاطمه برگرد برگرد

به هستی قائمه برگرد برگرد

ص: 14

1- . کنایه از اسم اولین غاصب است.

معرفت ولیّ خدا، به شناخت صفات جلال و جمال او است که از مقوله تشکیک است و مراتب و درجات متفاوتی دارد و به حسب آن، مراتب آثارش در اخلاق و کردار و رفتار شخص عارف هویدا می گردد که منجر به کمالات معنوی می شود.

هرچه معرفت کامل تر باشد این صفات کمالیه نیز در انسان کامل تر می شود. محبت و دوستی ولیّ خدا که از اعظم درجات و متعالی ترین مقامات است محصول معرفت است. زیرا انسان هرکس و هر چیز را که دوست می دارد برای این است که او را به کمالات متصف می داند؛ عالم را برای علمش، بخشنده را برای بخششش، جمیل و زیبا را برای زیبایش، قادر و توانا را برای قدرت و توانایش، مهربان را برای مهربانیش و خلاصه هرکس را که دوست می دارد برای این است که او را دارای وصفی از کمال می شمارد، چون حب به "کامل و کمال" امری فطری در بشر است و بر حسب این فطرت وقتی انسان معرفت به ولیّ خدا مثل امام زمان علیه السلام پیدا کند که مظهر کمال مطلق در میان مخلوقات و جامع جمیع کمالات است و در حقیقت او بخشنده هر کمالی به هر صاحب کمالی است، لذا او را دوست خواهد داشت و هرچه به او تعلق دارد از آن جهت که وابسته به اوست نیز دوست می دارد و همیشه طالب اوست و در انتظارش به سر می برد و دعا و درخواستش آن حضرت می شود و عرضه می دارد:

«اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيَّكَ الْفَرَجَ»

حاصل آنکه آثار معرفت باید در اعمال و رفتار انسان ظاهر باشد، به مثل اینکه اثر معرفت و محبت به امام زمان علیه السلام، انتظار و دعا برای فرج آن حضرت می باشد؛ لذا اگر آثار شیئی وجود نداشته باشد، از عدم اثر پی به عدم مؤثر می بریم به این معنا که آن شیء در واقع وجود نداشته است، پس از جمله علائم معرفت به امام زمان علیه السلام، شوق به دیدار و تقرب و انس با آن حضرت است که به انجام وظایف و تکالیف نسبت به آن جناب می انجامد که از جمله آن ها، دعا و مناجات و بی تابی در فراق آن حضرت است. پس عدم دعا برای فرج امام زمان علیه السلام نشأت گرفته از عدم معرفت و عدم انتظار است.

اقسام واجب

اشاره

در مباحث فقهی تکالیف و عبادات و معاملات به اقسامی تقسیم شده است که می توان جایگاه وجوبی هر تکلیفی را یافت و در عمل به آن کمال کوشش و اهتمام را به خرج داد. ما در این قسمت از این رساله اقسام واجبات را با مثال می آوریم تا با کمال وضوح دریابید که در "دعا برای فرج امام زمان علیه السلام" معنای واجب نهفته شده و تارک آن یقیناً واجبی از واجبات الهی را ترک نموده است.

1- واجب نفسی و واجب غیری

واجب نفسی آنست که خود عمل واجب است، نه برای رسیدن به عمل

دیگر، مانند نمازهای فریضه، روزه و دعا برای فرج نیز فی نفسه واجب است و یک تکلیف نفسی می باشد.

واجب غیر عملی است که برای رسیدن به واجب دیگر واجب شده مانند وضو، غسل جنابت، پاک کردن لباس از نجاست برای نماز و این قسم را واجب مقدمی نیز می گویند. دعا برای فرج مقدمه برای ظهور امام عصر علیه السلام است پس واجب مقدمی نیز می باشد.

2- واجب تعبّدی و توصلی

واجب تعبّدی عملی است که باید آن را به قصد قربت و نیت عبادت به جا آورد و الا باطل خواهد بود، مانند حج، نماز و دعا برای ظهور را نیز باید به قصد عبادت انجام داد.

واجب توصلی آنست که انجام اصل عمل کافی است گرچه به نیت قرب نباشد، مانند شستن چیز نجس و پاک کردن بدن برای نماز.

3- واجب عینی و کفایی

واجب عینی آنست که از هر یک از مکلفین بالخصوص خواسته شده، و به عبارت دیگر مکلفین باید شخصاً آن را انجام دهند مانند نماز، روزه، وضو و دعا برای ظهور امام زمان علیه السلام نیز واجبی است عینی که همه مؤمنان باید آن را انجام دهند و از خدای تعالی تقاضای ظهور و فرج را نمایند.

واجب کفایی آنست که یک عمل معین، از یک گروه خواسته شده مانند دفن یک میت، از کسانی که مطلع شده اند، به عبارت واضح تر در واجب کفایی تحقق

عمل مهم است و همه وظیفه دارند که برای انجام آن عمل به پا خیزند، لذا اگر یکی از آن افراد برخاست و عمل را به جا آورد، چون کار انجام شده است، دیگر نیازی به انجام دیگران نیست و از گردن دیگران ساقط می شود. لذا اگر کسی قیام به دفن میت کرد، این وجوب از سایرین برداشته می شود، ولی دعا برای فرج، چون تکلیفی عینی است با دعا کردن دیگران، از سایرین ساقط نمی شود.

4- واجب تعیینی و تخییری

واجب تعیینی آن است که یک عمل معین و به یک شکل خاص از مکلف، خواسته شده، مانند نماز صبح که عوض ندارد. دعا برای فرج نیز یک عمل معینی است که از هر مکلفی خواسته شده است به این نحو که عوض برای آن وارد نشده است که مکلف مخیر باشد بین دعا برای فرج و عمل دیگری که کفایت کند از آن.

واجب تخییری آن است که یکی از چند عمل، به نحو تخییر خواسته شده است، مانند نماز جمعه و ظهر، و یا کفاره افطار روزه در ماه رمضان، چنانکه می دانید کسی که روزه اش را در ماه رمضان به عمد باطل کند باید بعد ماه رمضان علاوه بر قضای آن روز، کفاره نیز بپردازد، چنین فردی می تواند یکی از سه کفاره مشخص شده، یعنی 60 روز روزه یا غذا دادن به 60 فقیر و یا آزاد کردن برده (که امروزه به علت نبودن برده منتفی است) را انتخاب و انجام دهد.

5- واجب مطلق و مشروط

واجب مطلق آن است که وجوب عمل، قید و شرطی ندارد، مانند واجب بودن جواب سلام. دعا برای فرج از جمله واجبات مطلق می باشد یعنی بدون

قید و شرط باید برای آن حضرت دعا کرد.

واجب مشروط عملی است که وجوب آن، قید و شرط دارد، مانند حج که وجوبش مشروط به استطاعت است. یعنی حج وقتی واجب می شود که فرد شرایطش، مانند قدرت مالی، توان جسمی، امنیت و ... را داشته باشد که به مجموعه این شرایط، استطاعت می گویند.

6- واجب مُنَجِّز و مُعَلَّق

واجب منجز عملی است که باید در حال حاضر آن را انجام داد، مانند ادای دینی که وقتش رسیده باشد و یا نماز صبح بعد از اذان صبح. با محقق شدن غیبت امام زمان علیه السلام دعا برای فرج واجب منجز می باشد که همه باید برای تحقق ظهور و رفع غیبت امام زمان علیه السلام دعا کنند.

واجب معلق آنست که عملی را برای آینده و پس از مدتی بخواهند انجام دهند، آن واجب معلق است تا زمانش برسد مانند ادای دین بعد از دو ماه، پس ادای دین واجب است ولی معلق است تا زمان آن برسد، و یا رفتن به مکه در ایام حج چرا که فرد به محض مستطیع شدن (مثلاً پولدار شدنش با آن شرایط خاص که در مباحث مربوط به حج آمده است) حج بر او واجب می شود ولی باید صبر کند تا وقت حج در ماه آن یعنی ذی الحجه فرا رسد، آنگاه برای انجام واجب، به مکه رود.

7- واجب شرعی و عقلی

واجب شرعی عملی است که در قرآن و سنت پیامبر و امامان معصوم -

علیهم السلام، واجب شمرده شده است. دعا برای فرج، هم به حکم سنت و هم به حکم عقل واجب می باشد که در این رساله گوشه هایی از وجوب شرعی و عقلی آن آورده شده است.

واجب عقلی عملی است که عقل انسان آن را لازم داند، مثلاً اگر در شرع اسلام به جا آوردن حج و عمره واجب شود، عقل مکلف، لازم می بیند که وسایل سفر را تهیه نماید، در این صورت خود حج و عمره، واجب شرعی و تهیه مقدمات آن ها واجب عقلی است، و نیز مانند خداشناسی، نیکی در مقابل نیکی، شکر در مقابل نعمت، پرهیز از ظلم و دروغ و ... که از احکام عقلی شمرده شده اند. ناگفته نماند که ممکن است شرع نیز بر طبق برخی از این دستورات عقلی، حکم کرده باشد، لذا فرموده اند: «کلما حکم به الشرع حکم به العقل و کلما حکم به العقل حکم به الشرع». وجوب دعا برای فرج امام زمان علیه السلام را، هم شرع و هم عقل به آن حکم می کنند.

8- واجب مولوی و ارشادی

امری که از طرف یک مقام واجب اطاعه مانند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا امام معصوم علیه السلام یا منصوب از طرف آن ها مثل حضرت ابوالفضل علیه السلام و مسلم بن عقیل علیه السلام، صادر شود، اگر مستقلاً از طرف خود او باشد، یعنی کاری را برحسب مصلحت واجب کند، آن امر، امر مولوی و امر ولایی، و آن واجب، واجب مولوی است.

و اگر به عنوان هدایت و ارشاد به یک واجب دیگری باشد، آن امر و آن

واجب، ارشادی است، مثلاً اگر امام علیه السلام یا منصوب او مانند حضرت ابوالفضل علیه السلام که فرمانده کل قوا در روز عاشورا بود، دستور نظم ارتش و فرمان حمله یا آتش بس دهد، این کارها واجب مولوی است و اگر امر به نماز و روزه کند، امر او و ایجاب او را ارشادی نامند. دعا برای فرج به جهت روایاتی که امر به آن نموده اند هم واجب مولوی و هم واجب ارشادی می باشد.

9- واجب موسّع و مضیق

واجب موسّع عملی است که وقت به جا آوردن آن وسیع باشد و مکلف بتواند عمل را در یک پاره زمانی، هر وقت که دلش خواست یا توانست، انجام دهد، مانند نماز ظهر که وقتش از اول اذان ظهر تا مغرب است.

واجب مضیق عملی است که وقت آن، مشخص و دقیقاً به اندازه وقتی باشد که انجام آن عمل نیاز دارد، مانند روزه هر روز ماه رمضان که وقتش از صبح تا مغرب است و جلو و عقب انداختن آن شرعاً جایز نیست، و مانند قضای روزه ماه مبارک رمضان که به تعداد روزهای قضا شده به ماه رمضان آینده مانده است، در این صورت بر مکلف واجب و مضیق می گردد که در این روزهای معدود قضای روزه های قبل را بجا آورد، و مانند نماز جمعه که باید اول ظهر جمعه در مدت گنجایش نماز متعارف انجام گیرد.

دعا برای فرج هم واجب موسّع است و هم واجب مضیق؛ واجب موسّع است به این معنا که مکلف در شبانه روز حداقل یک مرتبه باید به این واجب عمل نماید و واجب مضیق است به این معنا که زمان و زمین به تنگ آمده و

نباید زمان و فرصت را از دست داد، بلکه باید شبانه روز دعا برای فرج امام عصر علیه السلام نمود.

10- واجب فوری و غیر فوری

واجب فوری عملی است که باید فوری و بدون تأخیر انجام داد، مانند توبه بعد از گناه، یا نماز آیات بعد از زلزله، یا بدهی هایی که وقتشان رسیده و طلبکاران هم آن را مطالبه کرده اند. واجب غیر فوری در مقابل آنچه گفته شد اموری است که نیازمند عجله در بجا آوردن آن ها در اولین فرصت ممکن نیست و می توان در فرصتی دیگر به آن پرداخت، مانند نماز های روزانه ای که قضا شده و یا بدهی که صاحبش می گوید: هر وقت که دلت خواست پرداخت کن.

دعا برای فرج واجب فوری است به این معنا که هر مؤمنی باید از خدای تعالی هر روز طلب فرج و گشایش بکند و این واجب فوری را تأخیر نیندازد، لذا در دعاهای وارده برای آن حضرت طلب تعجیل شده است که خود دارای معنای «فوری»

است، به عبارت واضح تر هرگاه مؤمن طلب ظهور و فرج را از خدای تعالی فوراً می خواهد خود نیز باید در دعا تعجیل کند و فوراً دعا نماید.

ترک دعا برای فرج از گناهان کبیره است

علمای دین پژوه، طبق آنچه از احادیث استفاده کرده اند، برای تشخیص گناهان کبیره، سه عنوان زیر را میزان قرار داده اند:

اول- در متن روایات، اسم کبیره بر آن ها اطلاق شود.

ص: 22

دوم- در کتاب و سنت به مرتکب آن ها وعده عذاب و آتش داده شود.

سوم- در نظر مسلمین و متدینین، بزرگ و کبیره محسوب شود.

1- پر واضح است در روایات بیشماری امر به اطاعت و یاری کردن معصوم علیه السلام شده است که سرپیچی کننده از آن مرتکب گناه کبیره می گردد و از جمله موارد نصرت و یاری دعا برای فرج می باشد، چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله والعن علی من ظلمه»⁽¹⁾

یعنی: «خداوندا! دوست بدار هرکس دوست بدارد علی علیه السلام را، و دشمن بدار هر کس که دشمنی کند با او و یاری کن هر کس که یاری دهد او را و خوار و زبون کن کسی را که او را رها کند و لعنت کن هر کس که به علی علیه السلام ظلم نماید.»

پرواضح است که از مفهوم روایات امر بر نصرت امیرالمؤمنین علیه السلام، اطلاق گناه کبیره بر یاری نکردن امیرالمؤمنین علیه السلام می شود.

2- در روایت دیگری حضرت امام زین العابدین علیه السلام از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم روایت نموده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«در بهشت سه درجه و در جهنم سه درکه است، پس اعلی درجات بهشت مخصوص کسانی است که ما را با قلب خود دوست داشته و با زبان و دست

ص: 23

1- احتجاج شیخ طبرسی، ترجمه و شرح غفاری، ج 1، ص 230

خود یاری کنند، و در درجه دوّم کسانی اند که ما را با قلب خود دوست داشته و با زبانشان یاری کنند، و در درجه سوّم کسانی اند که ما را فقط با قلب خود دوست داشته باشد.

و در اسفل درک آتش کسانی اند که ما را با قلب دشمن داشته و در ظلم بر ما با زبان و دست خود یاری کنند، و در درک دوّم از آتش کسانی اند که دشمن دارند ما را با قلب خود و در ظلم بر ما با زبان خود یاری کنند، و در درک سوّم کسانی اند که ما را با قلب خود دشمن بدارند.» (1)

3- در نزد مسلمین و مؤمنین یاری نکردن، نصرت نمودن و تنها گذاشتن معصوم علیه السلام از گناهان کبیره است، لذا ترک نمودن "دعا برای فرج" که اقل مراتب و مصادیق یاری کردن امام زمان علیه السلام در دوران غیبت است، مصداق بارز یاری نکردن و مستلزم فراموشی امام زمان علیه السلام می باشد که گناهی است بس بزرگ و باعث از دست دادن حالت "انتظار" نیز می گردد که امری قلبی و وجوبی و از تبعات اصل امامت و ولایت است، لذا ترک کردن "دعا برای فرج" از گناهان کبیره محسوب می شود.

پس یاری و نصرت معصوم علیه السلام واجب است و تارک آن به حکم هر سه مورد فوق مرتکب گناه کبیره شده است به این معنا که هر کس امام علیه السلام را یاری نکند و تنها گذارد مرتکب گناه کبیره شده است.

ص: 24

تقسیم دیگری از واجبات

طبق تقسیم دیگری در علم کلام، حکم واجبات بر سه قسم تقسیم می شود:

1- واجبات اعتقادی، یعنی هر مسلمان واجب است با الزامی عقلی به اصول دین معترف و معتقد باشد که در غیر صورت از دین خارج است.

2- واجبات شرعی، یعنی هر مسلمان پس از قبول اصول دین باید به قوانین و فروع دین پایبند بوده و به دستورات آن عمل نماید.

3- واجبات عرفی و اخلاقی، یعنی هر مسلمان لازم است به نکات عرفی و اخلاقی که در دین اسلام به آن ها سفارش شده توجه داشته باشد و آن ها را رعایت کند. در این باب می توان به رعایت شئون و عرفیات جامعه اسلامی اشاره کرد، مثل اینکه از رفتار و اعمالی که با شئون و عرفیات جامعه اسلامی منافات دارد پرهیز نمود، مانند حضور و ظهور زنان در جامعه که باید با حجاب اسلامی باشد. با این بیان لازم است که هر فردی شئون اخلاقی را در جامعه اسلامی رعایت کند و به طور کلی یک سری بایدها و نبایدها در عرف اسلام وجود دارد که عدم رعایت آن ها با اسلام و مسلمانی سازگاری ندارد.

"دعا برای فرج" داخل در این سه تقسیم فوق می باشد به این معنا که اعتقاد به وجود آن امام همام واجب است و شرعاً نیز انتظار آن حضرت واجب می باشد و از نظر عرف و اخلاق نیز یاد و زنده نگه داشتن ذکر آن حضرت واجب می باشد و غافل و فراموش کننده آن حضرت مذموم و مستحق عذاب است.

در این صورت همه این سه امر وجوبی در "دعا برای فرج" حاصل می شود. به عبارت واضح تر "دعا برای فرج" ایمان به وجود آن امام همام را تثبیت می کند و با دعا برای آن حضرت تکلیف انتظار جلوه گر می گردد و عرفاً و اخلاقاً نیز با دعای برای آن حضرت یاد و ذکر آن حضرت فراموش نشده و امر آن حضرت زنده نگه داشته می شود.

فرق میان وجوب و لزوم

در فقه برای واجب بودن دعا برای فرج گاهی کلمه "لزوم" و گاهی کلمه "وجوب" به کار می رود. ما برای تبیین معنای این دو واژه به تعاریف آنها در فقه و فلسفه می پردازیم.

در عمل این دو واژه با هم فرقی نداشته و مترادف اند، اما میان وجوب و لزوم از جهت نظری تفاوت هایی وجود دارد که برخی از آنها بیان می شود:

1- واژه وجوب یک اصطلاح منطقی و فقهی است، ولی لزوم یک اصطلاح عقلی و فلسفی است. (1)

2- در فقه، وجوب، وصف فعل واجب است و در مقابل حرام قرار می گیرد اما لزوم، نحوه وجود

دو امر است که تصور وجود هر یک بدون تصور وجود دیگری امکان ندارد، به بیان دیگر لزوم عبارت است از رابطه منطقی بین مبادی و نتایج.

3- وجوب، یکی از احکام پنج گانه تکلیفی است، اما لزوم، یک حکم عقلی

ص: 26

1- فرهنگ معارف اسلامی، سجادی، ج 3، ص 2099

است.

با این وجود، درباره وجوب و لزوم به چند نکته باید توجه نمود:

یک- در عمل این دو واژه باهم فرقی نداشته و مترادف اند و اگر کسی متعلق وجوب و لزوم را ترک نماید مستحق عذاب و مذمت واقع می شود.

دو- واژه وجوب در برخی از بحث های فقهی به معنای لزوم نیز به کار می رود. مانند اینکه در برخی از بحث های مربوط به معاملات، وجوب عقد بیع، به معنای لزوم عقد است. همچنین در فقه اصلی به نام "اصاله اللزوم العقد" داریم.

سه- هرگاه عقل حکمی به "لزوم" کاری نماید، شرع نیز حکم به "وجوب" آن کرده و حکم عقل را امضا و تأیید می نماید.

با توجه به تعاریف "لزوم" و "وجوب"، دعا برای فرج امام زمان روحی لتراب مقدمه الفداء از نظر شرع و عقل واجب و الزامی است. به عبارت دیگر دعا برای فرج هم تکلیف وجوبی و شرعی، و هم تکلیفی لزومی و عقلی می باشد.

ص: 27

اشاره

پس از ذکر معانی فقهی "واجب" و اقسام آن و انطباق آن با وجوب "دعا برای فرج" در این جا به ادله وجوب عقلی و نقلی (شرعی) می پردازیم.

ادله ای که از آن ها وجوب دعا برای فرج استنباط می شود به سه بخش تقسیم می گردد:

الف- دلیل عقل

ب- دلیل نقل

ج- دلیل انتظار (دلیل انتظار خود برگرفته از دلیل عقل و نقل است که به جهت اهمیت آن مستقلاً ذکر شده است).

دلیل عقل

حجیت عقل در مسائل شرعی در نظر شیعیان، به این معناست که اگر عقل در موردی حکم قطعی دانست، آن حکم به حکم اینکه قطعی و یقینی است حجت است.

در نظر شیعیان احکام شرعی تابع و منبث از یک سلسله مصالح و مفسد واقعی است. یعنی هر امر شرعی به علت یک مصلحت لازم الاستیفاء است و هر نهی شرعی ناشی از یک مفسده واجب الاحتراز است.

به عبارت دیگر خداوند متعال برای اینکه بشر را به یک سلسله مصالح واقعی که سعادت او در آن است برساند، یک سلسله امور را واجب یا مستحب

کرده است و برای اینکه بشر از یک سلسله مفاسد دور بماند او را از پاره ای کارها منع کرده است.

اگر آن مصالح و مفاسد نمی بود نه امری بود و نه نهی، و به تعبیر دیگر: آن حکمت ها به نحوی است که اگر عقل انسان به آن ها آگاه گردد همان حکم را می کند که شرع کرده است.

بدین جهت است که علمای اصول و همچنین متکلمین می گویند چون احکام شرعی تابع و دائرمدار حکمتها و مصلحتها و مفاسد هایی هستند، خواه آن مصالح و مفاسد مربوط به جسم باشد یا جان، مربوط به فرد باشد یا اجتماع، مربوط به حیات فانی باشد یا حیات باقی، پس هر جا که آن حکمت ها وجود دارد، حکم شرعی مناسب هم وجود دارد، و هر جا که آن حکمت ها وجود ندارد، حکم شرعی آن وجود ندارد.

حال اگر فرض کنیم در مورد به خصوصی از طریق نقل هیچگونه حکم شرعی به ما ابلاغ نشده است، ولی عقل به طور یقین و جزم به حکمت خاصی در ردیف سایر حکمت ها پی ببرد، کشف می کند که حکم شارع چیست.

مثلاً اگر در نزد مجتهدی ثابت شود سیگار سرطان زاست، به دستور عقل حکم می کند که سیگار شرعاً حرام است. [\(1\)](#)

متکلمین و اصولیون تلازم عقل و شرع را قاعده "ملازمه" می نامند و می گویند: «کَلِمَا حَكْمٌ بِهَ الْعَقْلِ حَكْمٌ بِهَ الشَّرْعِ وَ كَلِمَا حَكْمٌ بِهَ الشَّرْعِ حَكْمٌ بِهَ الْعَقْلِ.»

ص: 29

و همچنین عقل حکم به لوازم هر حکمی نیز می کند، مثلاً اگر مکلف امر به چیزی بشود مثل نماز یا حج، عقل امر به مقدمات آنها نیز می کند مثل تحصیل طهارت برای نماز و فراهم نمودن مقدمات سفر حج.

با بیان حجیت عقل در احکام شرعی عرض می کنیم:

اگر هیچ دلیل نقلی بر "وجوب دعای فرج" نداشتیم دلیل عقل خود بر وجوب آن کفایت می کند، زیرا همانطور که قبلاً متذکر شدیم عقل به تنهایی پی به مصالح بسیار مهم در امر دعا برای ظهور و فرج امام زمان علیه السلام می برد، لذا حکم بر وجوب آن می نماید که در آینده مفصلاً به برهان عقلی در امر "وجوب دعا برای فرج" خواهیم پرداخت.

به عبارت ساده تر تمام مصالح فردی و اجتماعی بشر به ولایت و ظهور امام عصر علیه السلام بر می گردد، به این معنا که اگر حضرتش ظهور نموده و آشکار شود تمام خیرها و نیکی های دنیا و آخرت به بشر می رسد، در این صورت است که عقل پس از درک مصالح و حکمتهای ظهور، حکم بر وجوب دعا برای فرج و ظهور آن حضرت می نماید.

وجه دیگر اینکه عقل با در نظر گرفتن مصالح، حکم می کند مکلف برای محبوب خود دعا کند و او را فراموش ننماید و این عدم فراموشی امر فطری بشر نیز هست. زیرا محبت به امام زمان علیه السلام بر می گردد به این که تمام منافع و بهره های مادی و معنوی به برکت وجود آن حضرت به خلائق می رسد، چون آن جناب فرد کامل بلاشبیه است و هر انسانی فرد کامل را دوست می دارد و به

او محبت می ورزد، لذا عقل حکم می کند که همه انسانها برای این فرد کامل دعا کنند.

وجه دیگر اینکه انسان مؤمن که معرفت به آن حضرت دارد و به خصائص کمالی آن حضرت پی برده است، عقلش حکم بر دعا برای آن حضرت می کند، لذا هرکس معرفتش نسبت به فضائل شریف آن جناب بیشتر باشد، دعا کردن در نظر او مهم تر است، زیرا اهتمام و کوشش در دعای او نشأت گرفته از معرفت او است، لذا عقل وی حکم بر وجوب دعا برای فرج آن حضرت می کند.

وجه دیگر اینکه هنگامی که مؤمن ایمان به ولایت و استیلاء و سرپرستی آن حضرت آورد به این معنا که آن حضرت در تمام آنچه متعلق به ماست از خود ما شایسته تر و اولی است، عقلاً بر خود لازم خواهیم دانست که در همه چیزهایی که مورد علاقه ما است، آن حضرت را اولی و شایسته تر و مقدم بداریم که از جمله آنها دعا می باشد، پس عقلاً ولایت آن

حضرت موجب می شود آن حضرت را در تمام امور مقدم بداریم که یکی از مهمترین امور دعاست، که کلید هر خیر و سعادت است.

از طرفی عقلاً با کاوش در آیات و روایات در می یابیم اصل دعا کردن و فلسفه آن موضوع بسیار مهم و گسترده ای است که به صورت یک تکلیف بر بندگان در آمده است و متمرّد از آن کافر می باشد، لذا خدای تعالی می فرماید:

«قُلْ مَا يَعْزُبُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ»⁽¹⁾

ص: 31

یعنی: «(ای پیامبر) بگو اگر دعای شما نباشد خداوند هیچ اعتنایی به شما نمی کرد.»

بر این اساس ما امر به "دعا" شده ایم و این امر الهی در همه امور و موضوعات زندگیمان می باشد که باید از خدای تعالی درخواست رفع نواقص مادی و معنویمان را بکنیم و بدین وسیله اظهار عجز و ناتوانی خود را در پیشگاه پروردگار قادر توانا آشکار سازیم، از این رو اصل دعا کردن تکلیفی است که اعتنا و رضایت الهی را در پیش خواهد داشت، لذا خداوند در قرآن دستور و امر فرموده است:

«ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»⁽¹⁾

یعنی: «مرا بخوانید، شما را اجابت می کنم.»

در این راستا، به حکم قاطع عقل چه حاجتی و چه نیازی با اهمیت تر از "ظهور امام علیه السلام" است که از خدای تعالی طلب کنیم؟! زیرا هرچه خوبی، زیبایی، سعادت، رفاه، آسایش، عدالت، نجات از گرفتاری ها و بدبختی ها، نجات از ظالمین، نجات از کید های شیاطین، نجات از کمبود ها و بیماری ها و ... و جان کلام هر چه رزق مادی و معنوی است، همه و همه تحت حکومت و لوای امام زمان علیه السلام می باشد. لذا به حکم قاطع عقل باید همه برای تعجیل در امر ظهور و فرج امام علیه السلام دعا کنند و بدین وسیله احساس نیاز خود را به وجود امام معصوم علیه السلام با کمال خضوع و خشوع در پیشگاه الهی ابراز کرده و دعا کنند، در غیر اینصورت بشریت در جهل و بدبختی خود خواهد ماند و تا وقتی که

ص: 32

این قیام همگانی صورت نگیرد و مردم دست به دعا بلند نکنند ظهوری در کار نخواهد بود زیرا مَثَل امام علیه السلام مَثَل کعبه است که باید به سراغ حضرتش رفت و حضرتش را درخواست نمود نه اینکه توقع داشته باشیم آن حضرت به سوی ما بیاید. چنانکه در روایتی آمده است شخصی به حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها عرضه داشت: سرورم چرا حضرت علی علیه السلام حق خود را نگرفتند؟ حضرت زهرا سلام الله علیها فرمودند: مَثَل امام علیه السلام مَثَل کعبه است که باید مردم به سراغ او بروند نه آنکه امام علیه السلام به سراغ مردم برود! (1)

از این بیان نورانی حضرت زهرا سلام الله علیها کاملاً معلوم می شود که امت باید به سراغ امامشان بروند و در دوران غیبت که دسترسی به آن حضرت وجود ندارد با دعا برای ظهور آن حضرت، از خدای تعالی طلب این کعبه آمال را بنمایند و اظهار شیفگی و احساس نیاز به امام علیه السلام را در عمل و اقدام، در سیمای یک منتظر واقعی نشان دهند، پس چه وسیله ای بهتر از دعا در این امر که: «الدعاء سلاح المؤمن» (2)، دعا سلاح مؤمن است.

فرو گذاشتن وظیفه دعا کردن در دوران غیبت سبب هلاکت مردم می شود آنچنان که امام حسن عسکری علیه السلام پدر بزرگوار امام عصر علیه السلام فرمودند: هلاکت شما ناشی از غفلت و فراموشی و کوتاهی در وظایف نسبت به

ص: 33

-
- 1- . عن فاطمه الزهراء سلام الله علیها، قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: مثل الامام مثل الكعبه، اذ تؤتى ولا تأتى. بحار الانوار، ج 34، ص 353
 - 2- . کافی، ج 1، ص 468

امامی که ما را فراموش نمی کند (انا غیر مهملین لمراعاتکم...) و ما را به حال خود رها نمی نماید چگونه است که ما خود را از یاد او دور می کنیم و در کمترین وظایفمان نسبت به حضرتش عجل الله تعالی فرجه کوتاهی می نماییم؟! وای بر ما که در مورد امام زمان علیه السلام این کمترین کار یعنی دعا در تعجیل ظهور را فرو گذاریم، آیا جز این نیست که حضرت خود فرمودند: "ما نظر خود را از شما بر نمی گیریم تا به حال خود رها شوید و فراموشتان نمی کنیم وگرنه دشمنان، شما را از بین می بردند!" (2) پس باید انصاف داشت!!! و دعا نمود.

از مجموع آنچه گذشت و در معنای واجب عقلی گفتیم، عقلاً معلوم می گردد که دعا در تعجیل فرج و ظهور امام زمان علیه السلام امری است واجب که بر گردن همه مردم است مانند ادای دیگر فرائضی که عمل نکردن به آنها موجب هلاکت در دنیا و آخرت می گردد.

صاحب مکیال می فرماید: «و چون ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام از اموری است که به خواست خدا ممکن است جلو بیفتد و منافع آن نیز بیشمار است، هر مؤمنی که بر این باور باشد (عقلاً) بر خود واجب می داند که جدیت کند تا در اولین زمانی که صلاحیت ظهور در آن باشد، خداوند آن را برساند، در

ص: 34

-
- 1- . قال ابی محمد الحسن بن علی علیهما السلام: «و الله لیغیبن غیبه لا ینجو فیها من الهلکه إلا من ثبته الله عز و جل علی القول یامامته و وفقه فیها للدعاء بتعجیل فرجه»، کمال الدین، ج 2، ص 384
 - 2- . احتجاج، ج 2، ص 497

عین حال صبر کند و تسلیم باشد تا آن هنگام فرارسد.»(1)

یکی از مصادیق کلام صاحب مکیال که می فرماید: «... بر خود واجب می داند که جدیت کند...» یعنی برای تعجیل فرج آن حضرت دعا کند.

اکنون به بیان آثار و فوائد و ویژگی هایی که بر دعا کردن برای تعجیل فرج مترتب است و عقل حکم بر وجوب آن می کند، می پردازیم.

دعا برای فرج، تحقق فرمایش حضرت ولی عصر علیه السلام است که فرمود:

«و بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج که فرج شما در آن است»(2)، اینکه فرمود: «فرج شما در آن است» منظور فواید بیشماری است که در آن می باشد از جمله اینکه صاحب کتاب مستطاب "مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام" می فرماید: سبب زیاد شدن نعمت ها، اظهار محبت قلبی، نشانه انتظار، زنده کردن امر ائمه اطهار علیهم السلام، مایه ناراحتی شیطان لعین، نجات یافتن از فتنه های آخرالزمان، اداء قسمتی از حقوق آن حضرت - که اداء حق هر صاحب حقی از واجب ترین امور است - تعظیم امر خداوند و دینش، موجب دعای حضرت صاحب الزمان علیه السلام در حق دعا کننده، ورود در شفاعت آن حضرت در قیامت، و نیز مشمول شفاعت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است.

ص: 35

1- . مکیال المکارم، ج 1، ص 352

2- . «و اکثروا الدعاء بتعجیل الفرج، فان ذلک فرجکم.» بحار الانوار، ج 52، ص 92

همچنین این دعا، امتثال امر الهی و طلب فضل و عنایت او، مایه استجابت دعا، اداء اجر رسالت، مایه دفع بلا، و وسعت روزی، و آمرزش گناهان، و تشریف به دیدار آن حضرت در بیداری یا خواب، و رجعت به دنیا در زمان ظهور آن حضرت، و به شمار آمدن از برادران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و باعث تعجیل در فرج مولای ما حضرت صاحب الزمان علیه السلام می باشد.

همچنین سید بن طاووس رحمه الله می فرماید: «این حقیقتی آشکار و روشن است که هر کسی مولای ما را واگذارد و به او بی توجهی روا دارد به خدا سوگند در اشتباهی تأسف بار به سر می برد (که برای آن باید سوگواری نمود!) بنابراین از زیاد دعا نمودن در نماز های واجب برای آن حضرت خودداری نکنید.» (1)

بنابراین از نظر عقل ضروری ترین دعا در زمان غیبت، دعا برای ظهور مولایمان حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف است زیرا او صاحب ما و صاحب عصر و زمان بلکه صاحب امر الهی و سرپرست تمام جهان است. با این وجود چگونه نسبت به آن حضرت که پیشوا و امام ماست، غفلت و بی توجهی کنیم؟! در حالی که این غفلت در حقیقت بی توجهی به یکی از اصول و پایه های پنجگانه دین است، لذا عقلاً دعا برای آن حضرت باید بیش از هر دعای دیگری صورت گیرد.

سید بن طاووس رحمه الله و جوب دعا برای فرج و ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه را عقلاً اینگونه ثابت می کند که محدث قمی رحمه الله آن را

ص: 36

«هرگاه از خدای تعالی حاجتی خواستی دست کم حالت مانند آن کسی باشد که حاجت مهمی از یکی از پادشاهان دنیا می طلبد، زیرا هرگاه حاجتی به پادشاهی داشته باشی، خشنودی او را به هر صورت که ممکن است می جویی، پس هنگام حاجت خواستن از خدا، در به دست آوردن خشنودی حضرتش سخت بکوش، و مبادا روی آوردنت به خدا کمتر از روی آوردنت به پادشاهان دنیا باشد، که اگر حال تو چنین باشد از مسخره کنندگان و هلاک شوندگان خواهی شد.

و چگونه قابل قبول است که اهتمام تو به خشنودی خدا کمتر از اهتمام تو به خشنودی بندگان خدا باشد؟! پس هرگاه منزلت خدا نزد تو کمتر از منزلت پادشاهان دنیا باشد، پادشاهانی که بندگان خدای تواند، در این صورت تو خدا را استهزاء کرده و کوچک دانسته ای، و عظمت و شکوه او را نادیده گرفته ای... .

بدان که مهم ترین حوائج، حاجت آن کسی است که تو در پناه هدایت و حمایت اوئی، و آن امام زمان تو صلوات الله علیه است، پس باید نماز و روزه ات نخست برای قضای حاجات آن حضرت باشد و سپس دعایت برای آن حاجتی که برایت پیش آمده و قصد آن را داشته ای، باشد. مثلاً هرگاه ستمگری درصدد کشتن تو باشد، و تو برای خلاصی از گزند او روزه حاجت گرفتی، باید توجه داشته باشی که مهم تر از آن، حاجت دینی تو است، به این معنا که درخواست گذشت و رضای حق تعالی را داشته باشی و دیگر اینکه بر تو اقبال کند و اعمال را بپذیرد، زیرا در این صورت اگر کشته شوی با کشته شدنت دنیایت فاسد می شود ولی

دینت سالم می ماند، به علاوه اگر کشته نشوی به ناچار یک روزی خواهی مرد، و اگر عفو و رضای خدا برایت حاصل نشود، در دنیا و آخرت هلاک خواهی شد، و هراس ها و شدایدی که به خیالت نمی رسد برایت پیش خواهد آمد، پس در مرتبه اول باید دعایمان برای امور دینی و سپس برای امور دنیایی باشد.

اینکه گفتیم حاجت امام زمان علیه السلام را بر حوائج خود پیش اندازی برای این است که بقای دنیا و اهل آن به واسطه وجود آن حضرت است، بنابراین هرگاه وجود تو محفوظ به وجود شخص دیگری باشد چگونه قابل قبول است که حوائج و خواسته های خود را بر حوائج حضرتش مقدم بداری؟! و بر تو معلوم باد که آن حضرت در حاجات خود از نماز و روزه تویی نیاز است و نیازی به تو ندارد، ولی مقتضای بندگی و وظیفه تو آن است که به آن (نماز و روزه و...) عمل کنی، چنانکه دعاهای خود را با صلوات بر ایشان صلوات الله علیهم آغاز می کنی و اول از خدای تعالی بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیتش طلب رحمت می کنی و سپس برای خودت دعا می کنی، چنین است در دعا برای آن امام همام که اول باید برای فرج آن حضرت دعا کنی و سپس حوائج خودت را طلب نمایی. (1)

چنانچه قبلاً نیز متذکر شدیم بعداً بطور مفصل دلیل عقل را با موضوعات متعدد آن از قبیل مستقلات عقلیه، مستقلات غیر عقلیه، برهان لمّ، برهان انّ، برهان خلف، برهان حکمت و برهان صدیقین ذکر خواهیم کرد.

ص: 38

در این قسمت آیات و روایاتی را نقل می کنیم که از آنها استنباط می شود "دعا برای فرج و ظهور موفور السرور امام زمان ارواحنا لتراب مقدمه الفداء" واجب می باشد.

1- دعا برای ظهور امام عصر علیه السلام از راه های نجات در دوران ظلمانی و غیبت هست، زیرا امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند:

«والله لیغیبنّ غیبه لا ینجوا فیها من الهلکه الا من تثبته الله علی القول بامامته و وقفه فیها للدعاء بتعجیل فرجه.» (1)

یعنی: «به خدا قسم فرزندانم غیبتی خواهد کرد که در آن غیبت از هلاکت نجات پیدا نمی کند مگر کسی که خداوند متعال او را بر امامتش ثابت قدم بدارد و او را موفق کند به دعا نمودن برای تعجیل در فرجش».

2- امام عصر علیه السلام در توقیعی این فرمان را صادر فرموده اند:

«واکثروا الدعاء بتعجیل الفرّج، فانّ ذلك فرجکم» (2)

یعنی: «برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که فرج شما در آن است.»

این توقیع معتضد به روایات دیگر است که امر به دعا برای فرج وارد شده است، و مزید بر صحت آن گردیده شده است.

ص: 39

1- . کمال الدین، ج 2، ص 384

2- . بحار الانوار، ج 52، ص 92

3- در برخی روایات، دعا برای فرج از حقوق اهل بیت علیهم السلام بر شیعیان شمرده شده است، چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده اند:

همانا از حقوق ما بر شیعیان این است که بعد از هر نماز واجب، دست هایشان را بر چانه گذاشته و سه مرتبه بگویند:

«يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ عَجَّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ،

يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ إِحْفَظْ غَيْبَهُ مُحَمَّدٍ،

يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ اِنْتَقِمِ لِابْنِهِ مُحَمَّدٍ.» (1)

یعنی: «ای پروردگار محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرج و گشایش امور آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را تعجیل فرما.

ای پروردگار محمد صلی الله علیه و آله و سلم، محافظت کن (دین را در) غیبت محمد صلی الله علیه و آله و سلم.

ای پروردگار محمد صلی الله علیه و آله و سلم، انتقام دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم را بگیر.»

4- سدیر صیرفی می گوید: من و مفضل بن عمر و ابوبصیر و ابان بن تغلب بر مولایمان امام صادق علیه السلام وارد شدیم..... امام صادق علیه السلام فرمودند:

«... و أما غيبه عيسى عليه السلام فان اليهود والنصارى اتفقت على أنه قتل و كذبهم الله عز وجل بقوله: «وما قتلوه و ما صلبوه و لكن شبه لهم» كذلك غيبه القائم عليه السلام فان الامه تنكرها (لطولها) فمن قائل بغير هدى بأنه

ص: 40

لم یولد و قائل یقول: إنه ولد و مات و قائل یکفر بقوله إن حادی عشرنا کان عقیما و قائل یمرق بقوله إنه یتعدی إلی ثالث عشر فصاعدا و قائل یعصی الله عزوجل بقوله: إن روح القائم علیه السلام ینطق فی هیکل غیره...» (1)

یعنی: «... و اما در غیبت عیسی علیه السلام، به درستی که یهودیان و مسیحیان هم دست شدند بر این که او کشته شده، ولی خداوند عزوجل آنان را تکذیب نمود و فرمود او را نکشتند و به دار نیاویختند ولی مطلب بر آنان مشتبه شد. غیبت قائم علیه السلام نیز همین گونه است که سر انجام، این امت آن را انکار می ورزند و در اثر طولانی شدن آن، بعضی از هدایت نیافتگان قائل می شوند که آن حضرت اصلاً متولد نشده، و برخی دیگر خواهند گفت که او متولد شد و از دنیا رفت و گروهی کافر می شوند، به خاطر این که می گویند یازدهمین نفر از ما بدون فرزند بوده و کسانی دیگر سرکش خواهند شد به خاطر این اعتقاد که امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت دهند و بعضی هم خداوند عزوجل را عصیان و نافرمانی می کنند به این که می گویند روح امام قائم علیه السلام در پیکر شخصی دیگر وارد شده و سخن می گوید...»

پر واضح است که نجات یافتن از تمام این انحرافات اعتقادی که امام صادق علیه السلام بیان فرمودند، توسط دعا برای فرج می باشد. زیرا مؤمنی که شب و روز برای آن حضرت دعا کند ایمانش نسبت به وجود آن حضرت تثبیت

ص: 41

می شود و حالت انتظار آن حضرت تقویت می یابد و نهایتاً دچار این عقائد انحرافی نمی گردد.

5- فرمان امام زمان علیه السلام به شیعیان به وفای به عهدشان نسبت به امام زمان علیه السلام:

«... و لو أن أشیاعنا وفقهم الله لطاعته على اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم لما تأخر عنهم الیمن بلقائنا و لتعجلت لهم السعادة بمشاهدتنا على حق المعرفة و صدقها منهم بنا، فما یحبسنا عنهم الا ما یتصل بنا مما نكرهه و لا نؤثره منهم و الله المستعان و هو حسبنا و نعم الوکیل و صلواته على سیدنا البشیر النذیر محمد و آله الطاهرین و سلم.» (1)

یعنی: «... و چنانچه شیعیان ما که خدا به طاعت خود موفّقشان بدارد قلباً در وفای به عهدشان اجتماع می کردند، نه تنها سعادت لقای ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد، بلکه سعادت مشاهده ما با شتاب به ایشان می رسید و این ها همه در پرتو شناخت

کامل ما و صداقت محض نسبت به ما می باشد، بنا بر این هیچ چیز ما را از ایشان جدا و محبوس نمی دارد جز اخباری که از ایشان به ما می رسد و ما را مکروه و ناراحت می سازد و از ایشان انتظار نداریم، و تنها از خدا باید یاری خواست و او برای ما کافی و نیکو و کیلی است و صلوات و سلام خداوند بر سرور ما، آن بشارت دهنده و بیم دهنده، محمد و خاندان پاکش باد.»

ص: 42

پر واضح است که یکی از امور وفای به عهد شیعیان، انتظار و دعا برای فرج و ظهور آن حضرت است و دیگری گناه نکردن و عمل به واجبات است که شیعیان در وفای به این عهد کوتاهی می کنند و آن حضرت را ناراحت می سازند.

6- پرواضح است انسان هرکس را که دوست داشته باشد دائماً به یاد اوست و برای او دعا می کند، چنانکه در بیانی شیوا از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

«من أحب شيئاً لهج لسانه بذكره»⁽¹⁾

یعنی: «هرکس چیزی را دوست بدارد، همواره نام آن را بر زبان دارد.»

پس بر هر محب و شیعه است که امام زمانش را که از هر کس برای او عزیزتر و محبوب تر است، فراموش نکند و برای حضرتش دعا نماید.

7- مرحوم شیخ طوسی رحمه الله در کتاب مصباح المتهجد از یونس بن عبدالرحمن روایت می کند که:

«أن مولانا أبي الحسن علي بن موسى الرضا عليهما السلام كان يأمر بالدعاء لصاحب الأمر»

یعنی: «مولای ما، حضرت ابا الحسن، علی بن موسی الرضا علیهما السلام پیوسته امر به دعا کردن برای حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه می نمودند.»⁽²⁾

پر واضح است که امر امام رضا علیه السلام باید اطاعت

ص: 43

1- غرر الحکم، ص 583

2- مصباح المتهجد، ج 1، ص 409

شود و برای فرزندشان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه دعا نمود و این امر الزام آور است.

8- در روایت معتبر از امام صادق علیه السلام سؤال شد که چرا به هنگام شنیدن نام "قائم" لازم است برخیزیم؟ فرمود: برای آن حضرت غیبت طولانی است و این لقب یادآور دولت حقه آن حضرت و ابراز تأسف بر غربت اوست. لذا آن حضرت از شدت محبت و مرحمتی که به دوستانش دارد، به هر کسی که حضرتش را با این لقب یاد کند، نگاه محبت آمیز می کند، و این عمل از تجلیل و تعظیم آن حضرت است، چنانکه هر بنده خاضعی در مقابل صاحب خود، هنگامی که مولای

بزرگوارش به سوی او بنگرد از جای بر می خیزد، پس باید برخیزد و تعجیل در امر فرج مولایش را از خداوند منان مسئلت بنماید. (1)

9- علامه مامقانی رضوان الله تعالی علیه در تنقیح المقال در شرح حال دعبل خزاعی از مشکوه الأنوار شیخ محمد بن عبد الجبار نقل می کند:

«لَمَّا قَرَأَ دَعْبِلَ قَصِيدَتَهُ الْمَعْرُوفَةَ (التائيه) الَّتِي أَوْلَاهَا "مَدَارِسُ الْآيَاتِ" عَلَى الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَذَكَرَهُ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ،

خروج امام لا محاله خارج يقوم على اسم الله بالبركات

وضع الامام الرضا عليه السلام يده على رأسه و تواضع قائما و دعا له بالفرج»

یعنی: هنگامی که دعبل قصیده معروفش (تائیه) را که اولش "مدارس -

ص: 44

الآيات" است نزد امام رضا علیه السلام خواند و در آن ذکر حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف شد:

حتماً امامی خروج خواهد کرد، که به نام خدا و برکات الهی بپاخیزد.

امام رضا علیه السلام با شنیدن نام مهدی موعود علیه السلام دست بر سر مبارک گذاشت و با قیام خود تواضع نمود و برای تعجیل در فرج آن حضرت دعا نمود و فرمود:

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ انصُرْنَا بِهِ نَصْرًا عَزِيزًا.» (1)

این روایات و احادیث معتبر نشان می دهد که حتی ائمه اطهار علیهم السلام که همگی قبل از ایشان بودند، خود از منتظرین ظهور بودند و چگونگی انتظار و ادب حضور را نیز به شیعیان تعلیم می دادند و برای فرج قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم دعا می کردند. این خود بزرگترین دلیل برای وجوب دعا برای فرج و تاسی نمودن به ائمه اطهار علیهم السلام است.

10- اقوام گذشته برای پایان یافتن غیبت پیامبرشان چه می کردند؟!

قرآن کریم هفت بار کلمه "عبرت" و اعتبار را به کار برده و اهل بصیرت را بر آن ترغیب کرده است:

ص: 45

«فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ» (1)

یعنی: «پس عبرت بگیرید ای صاحبان بصیرت.»

قرآن در جای دیگر هدف از بیان داستانها و وقایع تاریخی را عبرت پذیری می داند:

«لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِيَ الْأَبْصَارِ» (2)

یعنی: «همانا درسگذشت آنان درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود.»

امیر المؤمنین علی علیه السلام که خود قرآن ناطق است با اشاره به برنامه عبرت آموزی قرآن، چنین می فرماید:

«تَدَبَّرُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ وَاعْتَبِرُوا بِهِ فَإِنَّهُ أَلْبَغُ الْعِبَرِ» (3)

یعنی: «در آیه های قرآن بیندیشید و به (وسیله) آن پندگیرید، زیرا که آیات قرآن رساترین عبرت هاست.»

در آیات و روایات فراوانی اشاره به مطالعه و بررسی سرگذشت اقوام پیشین و لزوم عبرت آموزی از آنها شده است. یکی از این رویدادها، مسأله غیبت در ادیان مختلف است.

یکی از این ادیان و اقوام گذشته که دچار امتحان غیبت شده اند، قوم ادیس نبی هستند که عذاب الهی و غیبت منجی و پیامبرشان را به سبب گمراهی و یاری نکردن آن حضرت تجربه کرده اند.

ص: 46

1- . سوره حشر، آیه 2

2- . سوره یوسف، آیه 111

3- . غرر الحکم و درر الکلم، ج 1، ص 405

حضرت ادریس علی نبینا و آله و علیه السلام پس از آدم و شیث علیهما السلام به مقام پیامبری برگزیده شد. او همواره مردم را به پرستش خدای یگانه و دوری از گناه دعوت می کرد و پیروانش را به ظهور پیامبران بعدی، به ویژه خاتم الانبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم، بشارت می داد.

حضرت ادریس علیه السلام به کثرت درس و تعلیم و نشر احکام و سنن الهی مشهور بود و بدین سبب وی را "ادریس" نامیدند.

او نخستین کسی بود که به نوشتن پرداخت و در علم ستاره شناسی و حکمت نظر کرد. خداوند وی را از اسرار و چگونگی ترکیب افلاک و نقطه اجتماع ستارگان آگاه ساخت و شمار سالها و دانش ریاضی و هیئت به او آموخت.

وقتی ادریس به پیامبری مبعوث شد، مردم به هفتاد و دوزبان سخن می گفتند و خدای متعال همه آن لغات را به وی تعلیم داد. او همچنین نخستین کسی بود که حرفه و هنر دوزندگی داشت و لباس می دوخت. قبل از وی مردم پوست بر تن می کردند. ادریس خیاط بود و در مسجد سهله بدین کار اشتغال داشت.

آن حضرت، مردم فاسد را از مخالفت با آیین حضرت آدم و شیث علیهما السلام نهی می کرد و (در این راستا) عده ای اندک از او اطاعت کرده و بیشتر آنان با وی به مخالفت برخاستند، از این رو او و پیروانش از آن سامان بیرون رفتند تا به مصر رسیدند.

ادریس علیه السلام و همراهانش در مصر اقامت گزیدند، او مردم را به امر به معروف و نهی از منکر و اطاعت از خدای عزوجل دعوت کرد، چنان که گفته

شده: وی مردم را به آیین الهی و یگانگی خدا و پرستش آفریدگار و رهایی مردم از عذاب آخرت به وسیله کردار شایسته در دنیا دعوت نمود و آنها را بر بی رغبتی به دنیا و رفتار عادلانه تشویق کرد و دستور داد تا آن گونه که وی می گوید نماز به جای آورند و دستور داد ایام مشخصی در هر ماه روزه بگیرند و آنها را به جهاد برای مبارزه با دشمنان دین و آیین خود تشویق و برای دستگیری از مستمندان به آنان دستور پرداخت زکات را صادر فرمود.

جمله «الایمان بالله یورث الظفر؛ ایمان به خدا پیروزی را در پی دارد» بر نگین انگشتری وی منقوش بود و بر کمربندی که هنگام نماز میت می پوشید، این جمله نوشته شده بود:

«السعید من نظر لنفسه و شفاعته عند ربه اعماله الصالحه»

یعنی: «سعادت مند کسی است که در کارهای خویش بیندیشد و کارهای شایسته وی شفیع او نزد پروردگارش خواهد بود.»

داستان غیبت عبرت انگیز ادریس پیامبر

آورده اند: قوم حضرت ادریس علیه السلام بر او جفا کردند، تا اینکه خدا خطاب به ادریس فرمود اینان قدر پیامبر و حجت من را نمی دانند، لذا تصمیم گرفته ام تو را از ایشان بگیرم؛ و اینگونه غیبت چهل ساله ادریس آغاز گشته و قوم او دچار عذاب الهی گشتند و چنان گرسنگی آنان را فرا گرفت که سنگ بر شکمشان می بستند.

ص: 48

پس از چهل سال فقهایی در میان ایشان ظاهر شدند (نقش علمای دین در عصر غیبت همین است) و خطاب به مردم گفتند: ادریس از میان ما رفت ولی خدای ادریس که هست، مگر ادریس از ما چه می خواست؟ فقط یک جمله: «در محضر خدا معصیت نکنید.»

مردم پذیرفتند و از همان لحظه توبه نموده و گناهان خود را ترک کردند. به محض این تصمیم، خداوند به ادریس فرمود: برخیز که بندگانم لایق گشته اند و "زمان ظهور تو" فرا رسیده است، پس از آن ادریس دوباره در میان قوم خود ظاهر گشت و به ادامه مأموریت الهی خود پرداخت و قومش را نجات داد.

آری ادریس پس از چهل سال دوباره ظهور کرد چون قومش لایق حضور حجت خدا شدند و چنانکه نقل شد شرط اصلی این ظهور اصلاح افراد آن جامعه بود که توبه کردند و عمل صالح بجای آوردند. ای کاش می دانستیم چون گنه کاریم و چون یازده حجت خدا را کشتیم، خداوند آخرین گنجینه خود را از ما گرفت و تا روزی که همچون قوم ادریس پیامبر، به این نتیجه نرسیم که دلیل غیبت چیزی جز گناه کاری ما نبوده خدا حجت خود را نخواهد فرستاد.

و اگر همچون قوم ادریس و بنی اسرائیل توبه نکنیم و خالصانه دعا نکنیم غیبت ادامه خواهد داشت و خداوند حجت خود را اذن ظهور نخواهد داد و نخواهد فرستاد.

11- از آن جمله روایتی است که از شیخ جلیل عیاشی از فضل بن ابی قره نقل شده، که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام وحی فرمود که به زودی برای تو از ساره پسر می متولد می شود. ساره گفت: من پیرزن و عجوزه ام.

خداوند فرمود: به زودی فرزندی آورد و فرزندان آن پسر تا چهارصد سال در دست دشمن من معذب می گردند، به سبب آنکه دستورات مرا رد نمودند.

پس چون بنی اسرائیل در دست فرعون مبتلا شدند تا چهل روز در درگاه خداوند ناله و گریه نمودند. خداوند به موسی و هارون علیهما السلام وحی فرمود که: ایشان را از دست فرعون خلاص گردانند، و صد و هفتاد سال از آن چهارصد سال باقیمانده بود که آن را از ایشان برداشت.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«هكذا أنتم لو فعلتم لفرج الله عنا، فأما إذا لم تكونوا فإن الأمر ينتهي إلى متناه.»⁽¹⁾

یعنی: «اگر شما نیز چنین تصرع و زاری می کردید، خداوند فرج ما را مقدر می کرد، و چون چنین نکنید پس به درستی که این امر به نهایت خود خواهد رسید.»

این روایت دلیل دیگری است برای وجوب دعا برای فرج امام زمان علیه السلام.

ص: 50

1- . به نحو اختصار در اینجا دو روایت برای اهمیت و فضیلت دعا برای مؤمن نقل می کنیم: یک - از عیسی بن ابی منصور روایت است که گفت: من و ابن ابی یعفور و عبدالله بن طلحه خدمت امام ابوعبدالله صادق علیه السلام بودیم که آن حضرت خود آغاز سخن کرد و چنین فرمود: ای پسر ابی یعفور رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرموده: شش خصلت است که در هر که باشد در پیشگاه خداوند و طرف راست (عرش) او خواهد بود، ابن ابی یعفور عرضه داشت: فدایت شوم آنها چیست؟ فرمود: فرد مسلمان برای برادر دینی خود بخواهد آنچه برای عزیزترین خاندانش می خواهد، و بد بدارد آنچه برای عزیزترین خاندانش بد می دارد، و با پاکی و خلوص با او دوستی کند، ابن ابی یعفور گریه کرد و گفت به چه صورتی با او به پاکی و خلوص دوستی کند؟ فرمود: ای پسر ابی یعفور، چون با او به این درجه از دوستی باشد، آنچه در دل دارد برایش توضیح می دهد. پس اگر او مسرور باشد این هم مسرور می شود و اگر اندوهگین باشد، اندوهگین شود و اگر چیزی که مایه فرح و گشایش کار او است در اختیار داشته باشد حاجت او را برمی آورد و گرنه برایش دعا می کند. سپس امام صادق علیه السلام فرمود: سه تا مربوط به شما است (همانها که گذشت)، و سه تا مربوط به ما است، اینکه فضیلت ما را بشناسید و دنبال ما گام بردارید و منتظر عاقبت ما (و ظهور قائم ما) باشید، که هر کس چنین بود در پیشگاه خداوند عزّ و جل خواهد بود و کسانی که در مراتب پایین تر هستند از نور ایشان استفاده می کنند. اما کسانی که در طرف راست (عرش) الهی هستند اگر کسانی که در درجه پایین تر هستند، آنها را بنگرند زندگی برایشان تلخ و ناگوار می شود، زیرا بر درجه آنها غبطه می برند. ابن ابی یعفور پرسید: چگونه است که نمی شود آنها را دید با اینکه در طرف راست (عرش) خداوند هستند؟ فرمود: ای ابن ابی یعفور، چون که آنها در حجابی از نور الهی هستند (چشمها از دیدنشان عاجز است) مگر این حدیث به تو نرسیده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم بارها می فرمود: به راستی که خداوند را در سمت راست عرش در پیشگاه الهی در جناح راست او مخلوقی است که چهره شان از برف سفیدتر و از آفتاب هنگام ظهر تابان تر است. می پرسند که اینان چه کسانی هستند؟ جواب می رسد: اینها کسانی هستند که در جلال خدا با یک دیگر دوستی کرده اند. (یعنی دوستی آنها با یکدیگر بجهت عظمت و احترام خدا بوده، نه بجهت اغراض دنیوی) (کافی، ج 2، ص 173) دو - امام رضا علیه السلام می فرمایند: بدان خدایت رحمت کند که حق برادران واجب و فرض است و باید جان و گوش و دیده و دست و پای و همه اندام خود را فدای آنها کنید، آنان دژهای شمایند که در سختیهای دنیا و آخرت به آنها پناه برید، بر آنها فخر نفروشید و از آنها دور نشوید، و با آنها مخالفت نکنید و غیبت آنها را نکنید و یاری و کمک به آنها را وانتهید و جان و مال خود را برای آنها دریغ نکنید، و برای دعاء به آنها رو به درگاه خدای عز و جل آورید، و با آنها همراهی و برابری کنید در آنچه رواست، و یاریشان کنید چه ستمکار باشند و چه مورد ستم واقع شوند بوسیله دفاع از آنها (یعنی جلو ستم آنها را بگیرید و جلو ستم بر آنها را). (بحار، ج 71، ص 226)

«اگر دعا برای برادران مؤمن تا این حد ارزشمند است، دعا برای امام زمانت چگونه خواهد بود؟ آن پادشاهی که سبب وجود توست و تو خود معتقدی که اگر او نبود خداوند نه تو را می آفرید و نه دیگری را، و می دانی که آن وجود شریف واسطه لطفی است که سبب تمام نعمتهاست، پس تا می توانی مواظب باش دیگری را در محبت و دعا بر او مقدم نداری و هنگامی که خواستی برای آن مولای عظیم الشان دعا کنی، با تمام وجود دعا کن. مبادا فکر کنی او به دعای تو محتاج است، هرگز چنین نیست و هرکس چنین فکری کند بیمار است، اینکه می گویم برای او دعا کن، فقط برای این است که او حق بزرگی بر تو دارد و بسیار در حق تو احسان نموده است، و اگر قبل از دعا برای خودت برای او دعا کنی، ابواب اجابت زودتر به رویت گشوده می شود، زیرا تو با گناهت باب دعا را بر روی خود بسته ای، ولی هنگامی که برای آن مولایی دعا کنی که از خواص درگاه خداست، به احترام او باب اجابت به رویت گشوده می شود و آنگاه خود و همه کسانی که در حقشان دعا می کنی بر خوان احسان او می نشینید و مشمول رحمت، کرم و عنایت الهی می شوید، چون خود را به او مرتبط کرده اید. مبادا به استناد عمل فلان شیخ و فلان شیخ که هرگز در حق آن حضرت دعا نمی کنند، بلکه اصلاً از او غافلند و هرگز نامی از او نمی برند از دعا به آن حضرت غافل شوی، که غفلت از یاد او اشتباهی فاحش است، پس به آن چه گفتم عمل کن که حق واضح همان است.

و نیز حدیثی که جدم ابو جعفر طوسی رضوان الله علیه همین مطلبی را که ذکر

نمودیم، گوشزد می‌کند. وی روایت نموده که یکی از ائمه علیهم السلام فرمود: در شب بیست و سوم ماه رمضان مکرراً، در حال سجده و ایستاده و نشسته و به طور کلی در هر حال که هستی، و نیز در کلّ این ماه و در طول عمرت به هر صورت که ممکن شد، و هرگاه که در طول عمرت به یادت آمد، این دعا را مکرراً بخوان. به این صورت که بعد از حمد و ستایش خداوند متعال، و صلوات بر پیامبر اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بگو:

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّهَ بْنَ الْحَسَنِ - صَلِّ لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ - فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا»

یعنی: «خدایا باش برای ولایت، حجه بن الحسن، درود تو بر او و بر پدرانش باد، در این ساعت و در هر ساعتی، سرپرست و حافظ و رهبر و یاور و راهنما و دیده بان، تا اینکه ساکنش گردانی در زمینت با رغبت، و بهره مندش گردانی در آن زمانی طویل.»

اینک اهتمام ائمه علیهم السلام را نسبت به دعا برای آن بزرگوار چگونه می‌بینی؟ آیا مانند تو نسبت به آن مقام شریف کوتاهی می‌کنند؟! بنابراین از بسیار دعا کردن برای او صلوات الله علیه و برای کسانی که دعا کردن برای آنان در نمازهای

واجب، جایز است، خودداری مکن که در روایتی آمده که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر سخنی که در نماز واجب با آن خداوند متعال را مورد خطاب قرار دهی، کلام آدمی و گفتاری که نماز را باطل کند، نیست.»

بنابراین، عذری در ترک اهتمام و همت گماشتن نسبت به این امر برای تو باقی نمی ماند.»(1)

13- روی آنه سئل العالم علیه السلام عن الرجل یصبح مغموما لا یدری سبب غمه، فقال: إذا أصابه ذلك فلیعلم أنّ آخاه مغموم، و كذلك إذا أصبح فرحان لغير سبب یوجب الفرح، فبالله نستعین علی حقوق الإخوان.(2)

یعنی: «روایت شده است که از امام رضا علیه السلام سؤال شد: فردی غمگین می شود بی آنکه علت اندوه خود را بداند؟ فرمود: اگر اندوهی به او رسد، بداند که برادرش غمی دارد. همچنین است اگر بی دلیل شاد شود. پس، در ادای حقوق برادران از خدا مدد می جوئیم.»

چه دوستی بالاتر از مهدی موعود علیه السلام سراغ دارید، هنگامی که آن حضرت در اثر طولانی شدن غیبت و اعمال ناشایست دوستانشان ناراحت می شوند، شما نیز ناراحت می شوید و هنگامی که دوستانشان عمل صالح و شایسته انجام می دهند، آن حضرت خرسند می گردند و شما نیز خوشحال و خرسند می گردید. چه نیکوست که با "دعا برای فرجشان" دل آن حضرت را خرسند گردانیم و همیشه بر خود واجب و لازم بدانیم که شب و روز برای ظهور موفور السرور حضرتش دعا کنیم.

ص: 54

1- . فلاح السائل، ص 112

2- . فقه الرضا علیه السلام، ص 335

14- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هیچ بنده ای به کمال ایمان دست نیابد مگر اینکه من در نزد او از خودش محبوب تر باشم و اهل بیتم از فرزندانش نزد او محبوب تر باشند.»⁽¹⁾

پر واضح است که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه در نزد مؤمن محبوب تر از پدر و مادر و فرزندانش می باشد، بدین جهت همانگونه که بر خود دعا نمودن برای خانواده اش را ملزم نموده باید دعا برای مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه را نیز بر خود ملزم بداند و حضرتش را مقدم بر خانواده و عزیزانش قرار دهد.

15- جناب سید بن طاووس رحمه الله در "جمال الاسبوع" می فرماید:

«بزرگان و رهبران دینی ما، توجه و اهمیت خاصی نسبت به دعا برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در هر شب و روز داشته اند و این در زمان های گذشته مرسوم بوده است.»⁽²⁾

از این مطلب بر می آید که دعا برای آن بزرگوار از سیره و شیوه های مورد اهتمام مسلمین و مؤمنان بوده است که عمل به این سیره مؤمنین خود دلیل دیگری بر وجوب "دعا برای فرج" می باشد.

سید بن طاووس رحمه الله برای تأیید سیره مؤمنین در دعا برای فرج،

ص: 55

1- . مکیال المکارم، ج 2، ص 296، به نقل از مجالس شیخ صدوق، ص 201

2- . جمال الاسبوع، ص 307

متوسل به بعضی از تعقیبات وارده از ائمه اطهار علیهم السلام شده است:

«چنانکه در تعقیب نماز ظهر روایت شده است که امام صادق علیه السلام در حق حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دعا می نمود و همچنین امام کاظم علیه السلام در تعقیب نماز عصر به گونه ای شیوا برای حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف دعا می فرمودند.»⁽¹⁾

لذا عمل امام معصوم علیه السلام سندی معتبر بر ضرورت امر دعا کردن می باشد و دلایل نقلی بسیار دیگری در تأیید امر دعا وجود دارد که ثابت می کند دعا کردن برای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، بر هر مؤمنی که اعتقاد به آن حضرت دارد از اوجب واجبات است که ما به بعضی از این دعاها مفصلاً در همین رساله اشاره خواهیم کرد.

16- امام زمان علیه السلام نیز برای تعجیل در فرج خود دعا کرده و تعجیل در این امر را از ذات اقدس الهی خواستار است و بر ما است که به آن حضرت تاسی کنیم و برای فرجشان دعا کنیم، چنانچه از محمد بن عثمان سمیری سفیر ایشان روایت است که از او پرسیدند: آیا صاحب این امر را دیده ای؟ گفت: بله! و آخرین باری که او را دیده ام کنار بیت الله الحرام بود در حالیکه می فرمود: «خداوندا! وعده ای را که به من داده ای تحقق بخش.»⁽²⁾

ص: 56

1- . جمال الاسبوع، ص 307

2- . مکمال المکارم، ج 2، ص 75

17- بعد از نماز صبح از مواقعی است که دعا برای تعجیل فرج تأکید بیشتری شده است و دلیل آن روایتی است که علامه مجلسی رحمه الله در کتاب «مقباس المصاییح» در تعقیب نماز صبح آورده که پس از نماز صبح پیش از آنکه حرف بزند صد بار این دعا را بخواند:

«يَا رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ»

یعنی: «پروردگارا بر محمد و آل محمد درود فرست و گشایش کار آل محمد را زودتر برسان و گردنم را از آتش رهایی ببخش.» (1)

18- این حدیث از حضرت باقر علیه السلام است که در طی آن می فرماید:

«... ان اصبحتم یوما لا ترون منهم احدا فاستغیثوا بالله عز وجل ... فما اسرع ما یأتیکم الفرج.» (2)

یعنی: «هرگاه صبحگاهان روزی دیدید که امامی از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم غایب گشته و او را مشاهده نمی کنید، پس به درگاه خداوند عز وجل استغاثه نمایید (و فرج و ظهور او را از پروردگار بخواهید)... پس چه زود باشد که فرج و گشایش به شما رخ نماید.»

ص: 57

1- .المقباس، ص 146 - مکیال المکارم، ج 2، ص 26

2- . عن أبي حمزة الثمالي عن أبي جعفر عليه السلام قال سمعته يقول إن أقرب الناس إلى الله عز وجل وأعلمهم به وأرفهم بالناس محمد صلى الله عليه وآله وسلم والأئمة عليهم السلام فادخلوا أين دخلوا و فارقوا من فارقوا عنى بذلك حسيناً و ولده عليهم السلام فإن الحق فيهم و هم الأوصياء و منهم الأئمة فأينما رأيتموهم فاتبعوهم و إن أصبحتم يوماً لا ترون منهم أحدا فاستغیثوا بالله عز وجل و انظروا السنه التي كنتم عليها و اتبعوها و أحبوا من كنتم تحبون و أبغضوا من كنتم تبغضون فما أسرع ما یأتیکم الفرج. کمال الدین، ج 1، ص 328

1- در این روایت گرانقدر، گرچه لفظ "تعجیل فرج" ظاهراً به کار نرفته، اما بخوبی در آن نهفته است، زیرا فراز اول حدیث شامل دو جمله است:

الف- هرگاه روزی امامی از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم غایب شد و او را ندیدید،

ب- پس به درگاه خدا استغاثه نمایید،

و جمله آخر نیز می فرماید: پس خدا بزودی باب فرج و گشایش را به روی شما می گشاید.

این سبک و سیاق و نتیجه گیری در روایت، نشانگر آن است که منظور از درخواست از خداوند، درخواست ظهور و دیده شدن امام و دسترسی به اوست. (یعنی همان درخواست تعجیل فرج)

2- تعبیر "استغاثه" از "دعا" بسیار محکمتر و مؤکدتر است، یعنی در زمان غیبت، نه تنها باید دعا و درخواست نمود، بلکه باید سخت به درگاه حضرت حق عجز و ناله و طلب فریادرسی کرده و تعجیل فرج امام خود را از او خواست.

3- خطاب روایت به جمع است، نه فرد، یعنی مسلمانان یا حداقل معتقدان به امام عصر علیه السلام باید همه امام خود را از خداوند بخواهند، همه بایستی متوجه غیبت او شده و احساس کنند "باید او را بخواهند" و در پی این احساس واقعاً نیز او را از خداوند بخواهند. این احساس جمعی و خواستن جمعی برای رسیدن فرج و ظهور امام، یک مقدمه و زمینه طبیعی و لازم به شمار می آید.

این نکته را نیز باید همین جا استنتاج کرد که تلاش و مجاهدت برای فراهم آمدن این مقدمه و زمینه، یک مسئولیت و تکلیف است و هر کس به قدر توان خویش در این رابطه باید بکوشد و مسئولیت خود را ایفا نماید.

4- نکته دیگری که در روایت نهفته این است که اصل، ظهور و در دسترس بودن امام است و اگر امام غایب شد، باید از خداوند درخواست کرد تا او را ظاهر فرماید. البته این بحث هم که غیبت امام براساس حکمت خداوند بوده و خود دارای اسرار و حکمت‌های فراوان از جمله تربیت مردم، امتحان خلق و مانند اینها می باشد صحیح و متین است، اما با این حال در مقایسه کلی میان غیبت و ظهور امام و حجت حق، ظهور اصالت دارد و اگر غیبتی واقع شد باید به علاج و زدودن زمینه ها

و علل آن مبادرت کرد، به همین دلیل در روایت مذکور فرموده است: «اگر روزی امام خود را ندیدید، با دعا و استغاثه او را از خدا بخواهید.» معنای این سخن همان است که گفتیم اصل، ظهور است و در صورت وقوع غیبت باید به علاج آن پرداخت. این بحث نیز باید گسترده تر و جدی تر مطرح شود و مورد بررسی قرار گیرد و ما در اینجا تنها در حد بیان یک نکته به آن پرداختیم.

5- نکته پنجم این است که تعبیر «ان اصبحتم یوما لاترون امامکم» با تعبیر «ان غاب عنکم امامکم» بسیار تفاوت دارد، بدین معنا که نسبت فعل به مردم داده شده، نه به امام. یعنی گفته شده: هرگاه روزی امامتان را «ندیدید» نه اینکه: هرگاه روزی امامتان غایب شد.

شاید نکته تعبیر مذکور این باشد که: غیبت امام از خود شماسست، شما خود موجب شدید نتوانید امامتان را ببینید. هرگاه چنین شد، پس خود نیز باید چاره کار کنید و زمینه ظهور را با عمل و دعای خویش فراهم سازید.

نکته مزبور (که علت اصلی غیبت امام عصر علیه السلام، خود مردمند) در احادیث دیگر به صراحت بیان شده است.

6- از فراز نخست حدیث به دست می آید که شیعه باید دغدغه و آرمان داشته باشد و آن، ظهور و فرج امام عصر علیه السلام است. روایت می فرماید: «هرگاه صبح کردید و امام خود را ندیدید، پس به درگاه الهی استغاثه کنید...» این خود می رساند که شیعه نباید رضا دهد که هیچ روزی را بدون امام زمانش سر کند. او هر روز که صبح می کند، باید این دغدغه را داشته باشد که امام من کجاست؟ چرا او را نمی بینم؟ چرا نباید بتوانم او را ببینم؟ و حال که چنین شده، پس باید به درگاه الهی استغاثه کرد و فرج او را از خداوند درخواست نمود (و البته این، در کنار ایفای مسئولیتها، تکالیف و وظایف گوناگون او در زندگی است).

پیام روایت این است که شیعه باید "از ندیدن امام خود به درد آید و آرام نباشد." شیعه باید "غیبت امام زمان" خویش را یک "درد" و "ابتلا" تلقی کرده و "ظهور" او را دوی آن و پاسخ به این نیاز حضور امام علیه السلام احساس نماید.

طبیعی است که یک فرد یا جامعه تا نیاز و دردی را احساس نکنند، نسبت به پاسخ و دوی آن اقدامی نیز نخواهد کرد. به نظر می رسد که این روایت ارزشمند در مقام تذکر این حقیقت است که جامعه شیعه - و بلکه همه مسلمانان - از

"احساس این درد و ابتلای ناشی از غیبت امام علیه السلام" غفلت نورزند، اصالت حضور و ظهور امام را دریافته و خالی بودن جای او را در میان خود و همه انسانها درک کنند. همان گونه که گفتیم یک "احساس جمعی" پیدا کنند، و نیاز خویش و بشریت به حجت بالغه الهی را واقعاً حس نمایند، همچون حس انسانی عطشناک نسبت به چشمه ساری زلال و گوارا، یا غریقی نسبت به کشتی نجات.

همه باید احساس کنند "گمشده" دارند و آن، حجت خداست. در این صورت همه دست به دعا و نیاز به درگاه الهی برای ظهورش بر می دارند، امامی که با ظهورش "هویت" و "حریت" راستین انسانها را به آنان ارزانی خواهد داشت. رهایی از هر قیدی، چه برای شیعیان و چه برای مسلمانان، بلکه برای همه بشریت، به پیدا کردن این گمشده است، و پیدا کردن او به شناخت و احساس نیاز به آن حضرت، بستگی دارد. در این راستا بر آنان که به اندیشه مهدویت اعتقاد یا از آن خبر ندارند و

در غفلت به سر می برند، ملامتی نیست، اما شیعه که تمامی آرمان، اعتقاد، دین، کرامت، سیادت و سعادت دنیا و آخرتش را در این مکتب خلاصه می داند، چرا از آن حضرت غفلت ورزیده است؟!

حتی بزرگان دین و فقهای عظام از تحریص و تشویق امت به انتظار و دعای فرج و آوردن احکام آن در رساله های عملیه خود غفلت ورزیده اند!! چرا شیعه به غیبت امام خود "عادت" کرده است، در حالی که بنابر روایت مذکور، حتی اگر یک روز هم او را ندید، باید فریادش بلند شود؟! آیا این درد نیست!!

7- نکته دیگر مربوط به جمله آخر حدیث است. در این جمله، رسیدن فرج

و ظهور امام عصر علیه السلام و بلکه زود رسیدن آن، نتیجه قطعی دعا و استغاثه به خداوند معرفی شده است. این روایت تأکید می کند که از تأثیر شگفت انگیز و سرنوشت ساز درخواست و ناله و استغاثه به درگاه الهی در زمینه رسیدن ظهور و فرج امام عصر علیه السلام، نباید غفلت ورزید.

19- از جمله دعوات، دعائی است که سید بن طاووس قدس سره در کتاب مهج الدعوات از محمد بن احمد بن ابراهیم جعفی به اسناد خود روایت کرده، که محمد مزبور به اسناد خود در ضمن حدیثی روایت کرده که معلوم نیست سند آن به کدام امام منتهی می شود، عین عبارتی که سید بن طاووس از او ذکر کرده این است:

قلت: «کیف تصنع شیعتک؟»

قال: «علیکم بالدعاء و انتظار الفرج فإنه سیدو لکم علم فإذا بدا لکم فاحمدوا الله و تمسکوا بما بدا لکم»

قلت: «فما ندعوا به؟» قال: تقول...

یعنی: راوی گفت، گفتم: «چه کنند شیعیان تو؟» فرمود: «بر شما باد به دعا نمودن و انتظار فرج بردن، پس به درستی که زود است که ظاهر شود برای شما علم - شاید به معنی نشانه باشد - پس هرگاه ظاهر شد برای شما، پس حمد کنید خدا را و متمسک شوید به آنچه برای شما ظاهر شده. «گفتم: «پس چه دعا بخوانم؟» فرمود بگو:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ عَرَفْتَنِي نَفْسَكَ وَعَرَفْتَنِي رَسُولَكَ وَعَرَفْتَنِي مَلَائِكَتَكَ وَعَرَفْتَنِي نَبِيَّكَ وَعَرَفْتَنِي وُلاَهُ أَمَرَكَ اللَّهُمَّ لَا آخِذَ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ وَلَا وَاقِيَ إِلَّا مَا وَقَيْتَ اللَّهُمَّ لَا تُعَيِّبَنِي عَنْ مَنَازِلِ أَوْلِيَائِكَ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي اللَّهُمَّ اهْدِنِي لَوْلَايِهِ مِنْ أَفْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ.» (1)

یعنی: «خدایا! تو خودت را به من شناسانیدی و فرستاده ات را به من معرفی فرمودی و فرشتگانت را به من شناسانیدی و پیغمبرت را به من شناسانیدی و والیان امرت را به من شناسانیدی. خدایا! من نمی پذیرم جز آنچه تو فرمایی و نپرهیزم جز از آنچه

تو پرهیز داده ای. خدایا! از منازل دوستانت مرا دور مدار و دلم را پس از آنکه هدایتم کرده ای منحرف مگردان. خداوند! به ولایت کسی که اطاعتش را بر من واجب ساخته ای، هدایتم فرمای.»

20- مرحوم کلینی در کافی از «ابوعبدالله جعفری» روایتی را نقل می کند که توجه به مفاد آن بسیار مفید است:

«قال لی أبو جعفر محمد بن علی، کم الریاط عندکم؟ قلت: أربعون. قال علیه السلام، لکن ریاطنا الدهر» (2)

یعنی: «حضرت ابوجعفر محمد بن علی (امام باقر) علیهما السلام، به من فرمودند: منتهای زمان ریاطه (مرزداری) نزد شما چند روز است؟ عرضه

ص: 63

1- مهج الدعوات، ص 332

2- کافی، ج 8، ص 381

داشتم: چهل روز. فرمودند: ولی رابطه ما رابطه ای است که همیشه هست.»

علامه مجلسی در شرح این فرمایش امام علیه السلام می فرماید:

«أی یجب علی الشیعه أن یربطوا أنفسهم علی طاعه إمام الحق، و إنتظار فرجه و یتھیاؤا دائماً لنصرته»⁽¹⁾

یعنی: «بر شیعیان واجب است که خود را بر اطاعت امام بر حق و انتظار فرج او ملتزم سازند و همیشه برای یاری نمودنش مهیا باشند».

شیخ محمدحسن نجفی نیز در کتاب جواهرالکلام در شرح روایت یادشده می فرماید:

«و هو محمول علی إرادة ترقب الفرج ساعه بعد ساعه كما جائت به التّصوص لا الرّباط المصطلح»⁽²⁾

یعنی: «رابطه در این روایت به معنای اراده انتظار فرج در تمام ساعات شبانه روز است، همچنانکه در بعضی روایات نیز به این معنا اشاره شده است، نه رابطه مصطلح در فقه.»

گفتار صاحب جواهر نیز در نهایت به همان کلام علامه مجلسی بر می گردد که فرمود: رابطه در روایت یادشده به معنای آمادگی و مهیا بودن در هر ساعت و زمانی برای یاری امام منتظر است.

ص: 64

1- . مرآه العقول، ج 26، ص 582

2- . جواهرالکلام، ج 21، ص 43

جان کلام اینکه با نگاهی به تاریخ شیعه می‌توانیم به عمق باور مردم به موضوع ظهور و آمادگی همیشگی آنها برای این موضوع پی ببریم، لذا علامه مجلسی رحمه الله ذیل روایت مذکور سه تکلیف واجب را استخراج و اجتهاد می‌نماید و صاحب جواهر آن را تأیید می‌نماید:

1- وجوب اطاعت از امام زمان علیه السلام؛

2- انتظار فرج؛

3- وجوب نصرت و یاری امام زمان علیه السلام.

پرواضح است که اقل نصرت و یاری نمودن در زمان غیبت امام علیه السلام دعا برای آن وجود نازنین است، لذا یک فرد شیعه باید بر خود واجب بداند که شب و روز منتظر امام زمانش باشد و خود را مهیای حضرت و یاری آن حضرت نماید، بدین جهت رمز اینکه شیعه باید هر لحظه آماده یاری امام خود باشد این است که زمان ظهور برای ما مشخص نیست و هر وقت که اراده خداوند تعلق گیرد ممکن است ظهور واقع شود. بنابراین بر شیعیان واجب است که همواره در حال آماده باش به سر برند تا در موقع لزوم به فرمان امام خود با مستکبران و ظالمان جهان مبارزه کنند و با دعا و درخواست ظهور آن حضرت در هر مکان و زمانی ندای لبیک را سر دهند.

ص: 65

قبلاً عرضه داشتیم دلیل انتظار داخل در دلیل نقل است ولی به جهت اهمیت آن این دلیل را جداگانه قرار دادیم.

"انتظار داشتن" با "دعا نمودن برای ظهور" لازم و ملزوم یکدیگرند. در تعریف "لازم و ملزوم" گفته اند:

به دو مقوله که به یکدیگر چسبیده و وابسته باشند که غیر ممکن التفریق باشند، به عبارت دیگر به دو چیز که وجود یکی بر دیگری متوقف باشد لازم و ملزوم می گویند.

و در بعضی از تعاریف "لازم و ملزوم" اینگونه آمده است: هرگاه دو چیز را در نظر بگیریم یکی "الف" و دیگری "ب" و وضع آن دو طوری باشد که هر وقت "الف" وجود پیدا کند، "ب" هم وجود پیدا می کند در اینصورت "الف" را ملزوم و "ب" را لازم می نامند و رابطه بین آن دو را "لزوم" خوانند.

تکلیف "دعا برای ظهور" لازمه "انتظار داشتن" است به این معنا که هرکس منتظر باشد حتماً دعا برای ظهور می کند و الا انتظار در دلش محقق نشده است. لازمه انسان منتظر این است که با افعال و جوارح خود خواسته یا ناخواسته انتظارش را آشکار می سازد، مانند اینکه شما اگر منتظر مهمانی باشید، دائماً در حال تکاپو هستید و مقدمات پذیرایی از مهمان را فراهم می سازید، و اگر مهمان دیر کند و سر موعد نیاید با اضطراب و نگرانی در مقام جستجو بر می آید

و جویای حال و موقعیت او می شوید.

در این راستا "انتظار فرج" و "دعا برای فرج" دو تکلیف لزومی هستند که از یکدیگر جدا و منفک نیستند، زیرا هر فرد مسلمانی که ادعای انتظار داشتن مهدی موعود علیه السلام را دارد ملزماً دعا برای فرج را سرلوحه تکالیف عبادی خودش قرار می دهد. به عبارت دیگر همانگونه که "انتظار" بر هر فرد مؤمنی واجب است ملزوم آن یعنی "دعا برای فرج" نیز واجب است، زیرا نمی توان "انتظار" را بدون "دعا برای منتظر" تصور کرد. بدین صورت وجوب "دعا برای فرج" ثابت می گردد.

به بیانی دیگر، پر واضح است که برای هر چیزی می توان علامت و نشانه ای یافت، برای مثال هر فرقه و گروه خاصی برای خود نماد و علامتی را مد نظر قرار می دهند که بدان واسطه می توان آن ها را شناخت، مسلمان و انسان مؤمن و منتظر نیز علامت و نشانه ای دارد که لازمه ایمان اوست، و آن دعا برای ظهور امام زمان علیه السلام است. پس "دعا برای فرج" برای هر مؤمنی امری واجب است که تحت هیچ شرایطی از انسان ساقط نمی شود،

باید توجه داشت نسخه های دین در صورتی اثربخش است که شخصی که ادعای پذیرش اسلام را دارد آن ها را از متخصص دین و مجتهدین واجد شرایط فراگرفته و در زندگی و رفتار های خود بکار گیرد و صرف ادعای مسلمانی انسان را صالح و صادق نمی کند، که یکی از آن موارد یافتن فتوای مجتهد خود نسبت به دعا برای ظهور و فرج امام زمان علیه السلام است.

ص: 67

در این قسمت چهل روایت در اهمیت و وجوب انتظار را بیان می کنیم که از آن وجوب ملزوم آن یعنی "دعا برای فرج" بدست می آید:

انتظار، بهترین عمل

1- عن الرضا عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم أفضل أعمال أمتي إنتظار فرج الله. (1)

امام هشتم علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارشان فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: برترین اعمال امت من انتظار فرج از خدای عزوجل می باشد.

عبادت و انتظار

2- قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: ... إنتظار الفرج عباده. (2)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ... انت-ظار ف-رج ع-بادت اس-ت.

برترین عبادتها

3- قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: أفضل العبادة إنتظار الفرج. (3)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: برترین عبادت انتظار فرج است.

ص: 68

1- . عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج2، ص 36

2- . بحار الانوار، ج52، ص 122

3- . كمال الدين، ج1، ص 287

انتظار محبوب ترین اعمال

4- سئل عن عليّ رجل: أيّ الأعمال أحبّ إلى الله عزّوجلّ؟ ق-ال عليه السلام: إنتظار الف-رج. (1)

مردی از امام علی علیه السلام سؤال کرد: محبوب ترین اعمال پیش خدا کدام است؟ ام-ام علیه السلام فرمودند: انت-ظار ف-رج.

انتظار بزرگترین گشایش

5- قال علی بن الحسین علیهما السلام: إنتظار الفرج من أعظم الفرج. (2)

امام سجاد علیه السلام فرمودند: انت-ظار ف-رج از بزرگترین گشایش هاست.

انتظار، برترین عمل شیعه

6- قال الجواد علیه السلام: أفضل أعمال شیعتنا إنتظار الفرج. (3)

امام جواد علیه السلام فرمودند: با ارزش ترین اعمال شیعیان ما انت-ظار ف-رج است.

انتظار عمل بزرگ

7- قال الإمام زین العابدین علیه السلام: إنتظار الفرج من أعظم العمل. (4)

امام زین العابدین علیه السلام فرمودند: انت-ظار ف-رج از جمله بزرگترین اعمال انسان است.

ص: 69

1- . بحار الانوار، ج 52، ص 122

2- . کمال الدین، ج 1، ص 320

3- . کمال الدین، ج 2، ص 377

4- . یوم الخلاص فی ظل القائم المهدي، ص 232

صفات منتظران

8- قال أبو عبدالله عليه السلام: ... من سرّه أن يكون من أصحاب القائم فلينتظر و ليعمل بالورع و محاسن الأخلاق و هو منتظر. (1)

امام صادق عليه السلام فرمودند: ... کسی که مایل است جزء یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه قرار گیرد باید منتظر باشد و اعمال و رفتارش در حال انتظار با تقوی و اخلاق نیکو توأم گردد.

ارزش انتظار

9- قال أبو عبدالله عليه السلام: ... فإن مات و قام القائم بعده كان له من الأجر مثل أجر من أدركه فجدوا و انتظروا هنيئاً لكم أيتها العصابة المرحومه. (2)

امام صادق عليه السلام فرمودند: اگر کسی که منتظر حضرت است از دنیا برود و حضرت بعد از او قیام کند اجر او همانند اجر کسی است که زمان او را درک کرده، پس بکوشید و منتظر باشید، گوارا باد بر شما ای یاران مورد لطف خدا.

مکان بهشتی منتظران

10- قال أمير المؤمنين عليه السلام: الآخذ بأمرنا معنا غداً في حظيره القدس. (3)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: کسی که مطیع فرمان ما باشد در حظیره القدس با ما خواهد بود.

ص: 70

1- . الغيبة للنعماني، ص 200

2- . همان

3- . بحار الانوار، ج 52، ص 123

11- عن أمير المؤمنين عليه السلام: المنتظر لأمرنا كالمتشحط بدمه في سبيل الله. (1)

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمودند: کسی که منتظر امر و فرمان ما باشد، همانند کسی است که در راه خدا به خون خود غلتیده است.

فضیلت منتظران

12- قال أبو عبد الله عليه السلام: من مات منكم وهو منتظر لهذا الأمر كمن هو مع القائم في فسطاطه، (ثم مكث هنيهة ثم قال:) لا بل كمن قارع معه بسيفه، (ثم قال:) لا والله إلا كمن استشهد مع رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم. (2)

امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر کسی از شما بمیرد در حالی که منتظر حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه بوده، همانند کسی است که با امام قائم علیه السلام در خیمه اش بوده است، (سپس اندکی درنگ کرد و فرمود:) نه، بلکه همانند کسی است که در کنار حضرت زد و خورد کند، (سپس فرمود:) نه، به خدا قسم، بلکه مانند کسی است که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به شهادت برسد.

ص: 71

1- همان

2- . المحاسن، ج 1، ص 174

موقعیت منتظران

13- قال أبو عبد الله عليه السلام: إن الميت منكم على هذا الأمر بمنزله الضارب بسيفه في سبيل الله. (1)

امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که در حال انتظار فرج امام زمان علیه السلام بمیرد به منزله کسی است که در راه خدا با شمشیرش جهاد کرده است.

پاداش منتظران

14- عن الباقر عليه السلام: و اعلموا أن المنتظر لهذا الأمر له مثل أجر الصائم القائم. (2)

امام باقر علیه السلام فرمودند: بدانید کسی که منتظر حکومت حقّ باشد، پاداش او همانند پاداش روزه دار شب زنده دار است.

مقام منتظران

15- عن علي بن الحسين عليهما السلام: إن أهل زمان غيبته القائلون بإمامته المنتظرون لظهوره أفضل أهل كل زمان لأن الله تعالى ذكره أعطاهم من العقول و الأفهام و المعرفة ما صارت به الغيبة عندهم بمنزله المشاهده و جعلهم في ذلك الزمان بمنزله المجاهد بين يدي رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم بالسيف، أولئك المخلصون حقا و شيعتنا صدقا و الدعاه

ص: 72

1- همان

2- . کافی، ج 2، ص 222

إلى دين الله عز و جل سرّاً و جهراً. (1)

از امام سجاد علیه السلام نقل شده که فرمودند: همانا مردم زمان غیبت حضرت مهدی علیه السلام که قائل به امامت آن بزرگوار هستند و انتظار ظهورش را می کشند بر مردم همه زمان ها برتری دارند، زیرا که خدای تعالی به ایشان به اندازه ای عقل و فهم و شناخت داده است که غیبت آن حضرت نزد ایشان بمنزله مشاهده و عیان است و خدا ایشان را همانند کسانی قرار داده است که در رکاب پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم با شمشیر جهاد می کردند، ایشانند که حقیقتاً خالص از هر شک و شبهه می باشند و این ها شیعیان راستین ما و دعوت کنندگان دین خدا در پنهانی و آشکارا هستند.

جایگاه منتظران

16- قال أبو عبد الله عليه السلام: من مات منكم على هذا الأمر منتظراً له كان كمن كان في فسطاط القائم. (2)

امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که بر این امر بمیرد و منتظر امام علیه السلام باشد همانند کسی است که در خیمه امام قائم علیه السلام باشد.

عاقبت منتظران

17- قال الصادق عليه السلام: طوبى لشيعة قائمنا المنتظرين لظهوره في غيبته و المطيعين له في ظهوره أولئك أولياء الله الذين لا خوف عليهم-

ص: 73

1- . کمال الدین، ج 1، ص 320

2- . المحاسن، ج 1، ص 173

و لا هم یحزنون. (1)

امام صادق علیه السلام فرمودند: ای ابوبصیر، خوشا به حال شیعیان و پیروان قائم ما که در زمان غیبت او منتظر ظهور، و در زمان ظهور مطیع او هستند، آنها اولیای خدا هستند که ترس و اندوهی برای آنان وجود ندارد.

خوشا به حال منتظران

18- عن أبي بصير قال، قال الصادق عليه السلام: طوبى لمن تمسك بأمرنا في غيبه قائمنا فلم يزع قلبه بعد الهدايه.

فقلت له جعلت فداك و ما طوبى؟ قال: شجره في الجنة أصلها في دار علي بن أبي طالب عليهما السلام و ليس من مؤمن إلا و في داره غصن من أغصانها و ذلك قول الله عز و جل طوبى لهم و حسن مآب. (2)

از ابوبصیر روایت شده است که امام صادق علیه السلام فرمودند: طوبی از آن کسی است که در زمان غیبت قائم ما به فرمان ما چنگ زند که هرگز قلبش از هدایت منحرف نمی شود.

سپس ابوبصیر از حضرت سؤال می کند: جانم به فدایتان طوبی چیست؟ ایشان فرمودند: (طوبی) درختی است در بهشت که اصل و ریشه آن در خانه علی بن ابیطالب علیهما السلام است و شاخه ای از شاخه های آن در خانه هر یک از مؤمنان می باشد و فرموده خدای تعالی به این مطلب اشاره دارد:

ص: 74

1- .کمال الدین، ج2، ص 357

2- .کمال الدین، ج2، ص 358

منتظران در قرآن

19- عن الصادق عليه السلام في هذه الآية الكريمة: «الم، ذلك الكتاب لا ريب فيه، هدى للمتقين، الذين يؤمنون بالغيب» فقال: المتقون شيعه على عليه السلام و الغيب فهو الحجج الغائب عليه السلام. (1)

از امام صادق عليه السلام نقل شده است که در مورد آیه: «الم، قرآن آن کتابی است که شکی در آن نیست، مایه هدایت اهل تقوی است، آنهایی که به غیب ایمان دارند» فرمودند: متّقین، شیعیان علی بن ابیطالب علیهما السلام هستند و غیب هم حضرت مه-دی غایب علیه السلام است.

منتظران در پیشگاه خدا

20- عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أقرب ما يكون العباد من الله جل ذكره وأرضى ما يكون عنهم إذا افتقدوا حجه الله عز وجل ولم يظهر لهم ولم يعلموا مكانه و هم في ذلك يعلمون أنه لم تبطل حجه الله جل ذكره و لا ميثاقه فعندما فتوقعوا الفرج صباحا و مساءً، فإن أشد ما يكون غضب الله على أعدائه إذا افتقدوا حجته و لم يظهر لهم و قد علم أن أولياءه لا يرتابون و لو علم أنهم يرتابون ما غيب حجته عنهم طرفه عين و لا يكون ذلك إلا على رأس شرار الناس. (2)

ص: 75

1- . کمال الدین، ج 1، ص 18

2- . کافی، ج 1، ص 333

امام صادق علیه السلام فرمودند: نزدیک ترین حالت بندگان به خدا و خشنودی او از آنها هنگامی است که حجت خدا در میان آنها نباشد و برای آنها ظاهر نشود و آنها مح-ل او را ندانند و در این حال آنها می دانند که حجت خدا و عهدش ساقط نمی شود، در این زمان شب و روز در انتظار فرج باشند، و شدیدترین زمان غضب خدا بر دشمنانش نیز، زمان غیبت حجت او است. خداوند می داند که بندگان واقعی وی به جهت غیبت حجتش، دچار شک و تردید نمی شوند. زیرا اگر چنین بود، خدا چشم بهم زدنی حجت خود را از بندگان غایب نمی فرمود و این امر (مسئله غیبت) نمی باشد مگر به خاطر شرورترین افراد مردم.

منتظران و حزب الله

21- قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم: «طوبى للصابرين فى غيبته، طوبى للمقيمين على محبتهم، أولئك من وصفهم الله فى كتابه، فقال: «الذين يؤمنون بالغيب» وقال: «أولئك حزب الله ألا إن حزب الله هم المفلحون»⁽¹⁾

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خوشا به حال کسانی که در غیبت حضرت صبور باشند و خوشا به حال کسانی که در محبت و رزیدن در راه اهل بیت علیهم السلام استوار مانند، خداوند آنها را در کتابش توصیف نموده و فرموده است: «آنها که به غیب ایمان دارند» و فرموده: «آنها حزب -

ص: 76

اللّٰه هسٲند؁ آگاه باشيد به درستی که حزب اللّٰه رستگار است.»

منتظران پيروز

22- عن أبي جعفر عليه السلام قال: ما ضر من مات منتظرا لأمرنا ألا يموت في وسط فسطاط المهدي وعسكره. (1)

امام باقر عليه السلام فرمودند: کسی که در حال انتظار امام زمان عليه السلام مرده باشد، زی-ان ن-کرده که در میان خیمه یا لشکر حضرت نمرده است. (یعنی هر جا بمیرد، پاداش شهید را دارد).

منتظران استوار

23- عن أبي جعفر عليه السلام قال: يأتي على الناس زمان يغيب عنهم إمامهم فيا طوبى للثابتين على أمرنا في ذلك الزمان إن أدنى ما يكون لهم من الثواب أن يناديهم الباري جل جلاله فيقول عبادي وإمائي آمنتم بسري وصدقتم بغيبى فأبشروا بحسن الثواب مني فأنتم عبادي وإمائي حقا منكم أتقبل و عنكم أعفو و لكم أغفر و بكم أسقى عبادي الغيث و أدفع عنهم البلاء و لولاكم لأنزلت عليهم عذابي. (قال جابر فقلت يا بن رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم فما أفضل ما يستعمله المؤمن في ذلك الزمان؟ قال:) حفظ اللسان و لزوم البيت. (2)

امام باقر عليه السلام فرمودند: زمانی بر مردم می آید که امام و پیشوای

ص: 77

1- . کافی، ج 1، ص 372

2- . کمال الدین، ج 1، ص 330

آنان غیبت می کند، پس خوشا به حال کسانی که در آن زمان بر فرمان ما استوار و ثابت قدم باشند، بدرستی که کمترین پاداش آنها آنست که حضرت باری تعالی ندا کند ایشان را و گوید که ای بندگان و کنیزان من ایمان آوردید به سرّ من و تصدیق نمودید غیب مرا، پس بشارت باد شما را به نیکوئی پاداش از من، پس شما حقاً بندگان و کنیزان منید، از شما می پذیرم، و از شما می گذرم و شما را می آمرزم، و به سبب و برکت وجود شما باران به بندگانم می فرستم، و بلا را از ایشان دفع می کنم، و اگر شما نمی بودید حتماً بر آنها عذابم را می فرستادم. (جابر گفت که عرض کردم: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، بهترین چیزی که مؤمن در آن زمان باید انجام دهد چیست؟ آن حضرت فرمود:) نگاه داشتن زبان و ماندن در خانه.

صبر و انتظار در قرآن

24- قال الرضا عليه السلام: ما أحسن الصبر و إنتظار الفرج أ ما سمعت قول الله تعالى و ارتقبوا إني معكم رقيب و قوله عز و جل فانظروا إني معكم من المنتظرين فعليكم بالصبر فإنه إنما يجي ء الفرج على اليأس فقد كان الذين من قبلكم أصبر منكم. (1)

امام رضا علیه السلام فرمودند: شکیبایی و انتظار فرج چقدر نیکو است، آیا گفته خدا را نشنیدید که فرمود: «شما منتظر باشید که من هم با شما منتظرم» و همچنین فرمود: «انتظار بکشید که من هم با شما از انتظار کشندگانم»،

ص: 78

بنابراین صبور باشید، چون فرج بعد از زمان یأس و ناامیدی می رسد و افراد قبل از شما صبورتر بودند.

انتظار و ائمه علیهم السلام

25- قال الصادق علیه السلام: من دین الأئمه الورع والعفّه-و الصّلاح (...الی قوله) و إنّت-ظار الف-رج بالصّ-بر. (1)

امام صادق علیه السلام فرمودند: تقوی و پاکدامنی و درستی و... و انتظار فرج با صبر و بردباری از راه و رسم ائمه علیهم السلام است.

پاداش صبر و انتظار

26- قال رسول الله صلّى الله عليه و آله و سلم: سیأتی قوم من بعدکم الرجل الواحد منهم له أجر خمسين منکم قالوا یا رسول الله نحن کنا معک ببدر و أحد و حنین و نزل فینا القرآن فقال إنکم لو تحملون لما حملوا لم تصبروا صبرهم. (2)

رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلم فرمودند: به زودی بعد از شما گروهی می آیند که پاداش یک نفر از آنها به اندازه پاداش پنجاه نفر از شماست. آنها گفتند: ای رسول خدا، ما در جنگ بدر و احد و حنین با تو بودیم و درباره ما قرآن نازل شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: آنچه را آنها به دوش گرفتند، اگر بر دوش شما می نهادند، مثل آنها صبر و استقامت نمی کردید.

ص: 79

1- تحف العقول، ص 416

2- الغیبه للطوسی، ص 456

انتظار و يارى رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم

27- عن إبراهيم الكرخى قال: دخلت على أبى عبد الله جعفر بن محمد الصادق عليهما السلام وإنى لجالس عنده إذ دخل أبو الحسن موسى بن جعفر عليهما السلام وهو غلام فقامت إليه فقبلته و جلست فقال أبو عبد الله عليه السلام: يا إبراهيم أما إنه لصاحبك من بعدى أما ليهلكن فيه أقوام و يسعد فيه آخرون فلعن الله قاتله و ضاعف على روحه العذاب أما ليخرجن الله من صلبه خير أهل الأرض فى زمانه سمي جده و وارث علمه و أحكامه و فضائله و معدن الإمامه و رأس الحكمة يقتله جبار بنى فلان بعد عجائب طريفه حسدا له و لكن الله عز و جل بالغ أمره و لو كره المشركون يخرج الله من صلبه تكمله اثنى عشر إماما مهديا اختصهم الله بكرامته و أحلهم دار قدسه، المنتظر للثانى عشر منهم كالشاهر سيفه بين يدي رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يذب عنه. قال فدخل رجل من موالى بنى أميه فانقطع الكلام فعدت إلى أبى عبد الله عليه السلام إحدى عشره مره أريد منه أن يستتم الكلام فما قدرت على ذلك فلما كان قابل السنه الثانيه دخلت عليه و هو جالس فقال: يا إبراهيم هو المفرج للكرب عن شيعته بعد ضنك شديد و بلاء

طويل و جزع و خوف فطوبى لمن أدرك ذلك الزمان حسبك يا إبراهيم! (قال إبراهيم فما رجعت بشىء أسر من هذا لقلبي و لا أقر لعينى). (1)

ص: 80

ابراهیم کرخی گوید: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و نزد او نشسته بودم که ابوالحسن موسی بن جعفر علیهما السلام که نوجوانی بود در آمد و من برخاستم و او را بوسیدم و نشستم، آنگاه امام صادق علیه السلام فرمودند: ای ابراهیم! آیا می دانی که پس از من او امام توس، بدان که اقوامی درباره او به هلاکت افتاده و اقوام دیگری به سعادت رسند، لعنت خدا بر قاتل او باد و خدا عذاب روحش را دو چندان کند، بدان که خدای تعالی از صلب او بهترین اهل زمین در عصر خود را خارج سازد که همانم جدش و وارث علم و احکام و فضایل اوست و معدن امامت و رأس حکمت است، و پس از شگفتیها و کراماتی که از وی به ظهور رسد، جبار بنی فلان از روی حسادت وی را خواهد کشت، و لکن خدای تعالی امرش را می رساند گرچه مشرکان را ناخوش آید و از صلب او امام مهدی علیه السلام را که تکمله ائمه دوازده گانه است خارج سازد و آنان را به کرامت خود مخصوص گرداند و در دارالقدس خود فرود آورد، کسی که منتظر دوازدهمین آنان باشد مانند کسی است که شمشیرش را از غلاف بیرون کشیده و پیشرویی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از آن حضرت دفاع نماید.

راوی گوید: در این هنگام مردی از دوستان بنی امیه داخل شد و سخن منقطع گردید و من یازده بار دیگر به نزد امام صادق علیه السلام رفتم تا از آن حضرت درخواست کنم که کلامشان را کامل کنند و بدان توفیق نیافتم تا آنکه در سال بعد بر امام وارد شدم و او نشسته بود، فرمودند: ای ابراهیم! او

کسی است که پس از سختی شدید و بلای طویل و جزع و خوف ظاهر شده و حزن و مشقت را از شیعیانش برطرف سازد و خوشا به حال کسی که آن زمان را ادراک کند، ای ابراهیم! ترا بس است. ابراهیم گوید: من هیچگاه مسرورتر از آن زمان نبودم که پس از شنیدن این مژده از نزد امام صادق علیه السلام برمی گشتم.

ولایت در زمان انتظار

28- قال سید العابدین علیه السلام: من ثبت علی ولایتنا فی غیبه قائمنا أعطاه الله عز و جل أجر ألف شهید من شهداء بدر و أحد. (1)

امام زین العابدین علیه السلام فرمودند: کسی که در زمان غیبت قائم ما بر ولایت ما استوار باشد، خداوند پاداش هزار شهید از شهدای جنگ بدر و احد را به او خواهد داد.

صبر و انتظار

29- عن الإمام العسکری علیه السلام لابن بابویه: ... وعلیک بالصبر و إنتظار الفرج فإن النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال أفضل أعمال أمتی إنتظار الفرج و لا تزال شیعتنا فی حزن حتی یظهر ولدی الذی بشر به النبی صلی الله علیه و

آله و سلم یملاً الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً فاصبر یا شیخی یا أبا الحسن وأمر جمیع شیعتی بالصبر فإن الأرض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبه للمتقین و السلام علیک و علی جمیع

ص: 82

امام عسکری علیه السلام در نامه ای به ابن بابویه رحمه الله فرمودند: «... و بر تو باد به ص-بر و انت-ظار ف-رج، چون پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: برترین اعمال اتم انتظار فرج است و شیعیان ما همواره اندوهگین خواهند بود تا فرزندم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بشارت ظهور او را داده است، قیام کند، او زمین را پس از آنکه پر از ظلم و ستم شده است سرشار از عدالت و برابری خواهد کرد. پس ای شیخ ما، ای ابوالحسن! صبرکن و شیعیانم را دستور ده صبر کنند، همانا زمین از آن خداوند است، به هرکس از بندگانش بخواهد واگذار می کند و عاقبت و فرجام نیک از آن متقین خواهد بود. درود، رحمت و برکات خدا بر تو و جمیع شیعیان ما باد و رحمت خداوند بر محمد و خاندانش باد.

عبادت زمان انتظار

30- عن الصادق علیه السلام: ... و الله عبادتکم فی السر مع إمامکم المستتر فی دولة الباطل و تخوفکم من عدوکم فی دولة الباطل و حال الهدنه أفضل ممن یعبد الله عز و جل ذکره فی ظهور الحق مع إمام الحق الظاهر فی دولة الحق و لیست العباده مع الخوف فی دولة الباطل مثل العباده و الأمن فی دولة الحق. (2)

ص: 83

1- . بحار الانوار، ج 50، ص 317

2- . کافی، ج 1، ص 333

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: به خدا قسم عبادت پنهانی شما در زمان غیبت امامتان در حکومت باطل و ترس شما از دشمنان در دولت باطل و در حال صلح و آرامش از عبادت کسی که خدا را در زمان امام حاضر و دولت حق عبادت می کند برتر است و عبادت با ترس و در زمان دولت باطل مانند عبادت در زمان امنیت و دولت حق نیست.

مردم در زمان انتظار

31- قال الحسين بن عليّ عليهما السلام: منا إثنا عشر مهدياً أولهم أمير المؤمنين علي بن أبي طالب و آخرهم التاسع من ولدي و هو القائم بالحق يحيى الله به الأرض بعد موتها و يظهر به دين الحق ليظهره علي الدين كله و لو كره المشركون له غيبه يرتد فيها أقوام و يثبت علي الدين فيها آخرون فيؤذون و يقال لهم متى هذا الوعد إن كنتم صادقين أين إمامكم الذي تزعمون أما إن الصابر في غيبته علي الأذى و التكذيب بمنزله المجاهد بالسيف بين يدي رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم. (1)

امام حسين عليه السلام فرمودند: از ما خاندان دوازده مهدي خواهد بود که اولين آنها امير المؤمنين علي بن أبي طالب است و آخرين آنها نهمين از فرزندان من است و او امام قائم به حق است و خدای تعالی زمین را به واسطه او پس از موت زنده کند و دين حق را به دست او بر همه اديان چیره نماید گرچه مشرکان را ناخوش آید. او را غیبتی است که گروهی در آن مرتد

ص: 84

می شوند و گروهی ثابت قدم می مانند در حالیکه آزار می بینند. افراد مرتد به آنها می گویند: «این وعده کی خواهد بود اگر شما راستگو هستید؟» ولی کسی که در زمان غیبت در مقابل اذیت و آزار و تکذیب آنها صبور باشد، به منزله مجاهدی است که با شمشیر در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جهاد کرده است.

انتظار، وظیفه هر مسلمان

32- قال الإمام الجواد عليه السلام: إن القائم منا هو المهدي الذي يجب أن ينتظر في غيبته و يطاع في ظهوره و هو الثالث من ولدي و الذي بعث محمدا صلي الله عليه و آله و سلم بالنبوه و خصنا بالإمامه إنه لو لم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يخرج فيه فيملا الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً و إن الله تبارك و تعالی ليصلح له أمره في ليله كما أصلح أمر كلیمه موسى عليه السلام إذ ذهب ليقتبس لأهله نارا فرجع و هو رسول نبی ثم قال عليه السلام أفضل أعمال شيعتنا انتظار الفرج. (1)

امام جواد علیه السلام فرمودند: همانا قائم ما مهدی علیه السلام است که بر مسلمان واجب است در زمان غیبت او منتظرش باشد و هنگام ظهورش از او اطاعت کند. او سومین فرزند من است، به خدایی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به مقام پیامبری و ما را به امامت برگزیده سوگند که اگر جز یک روز از عمر دنیا نمانده باشد، خداوند آن روز را چنان دراز گرداند تا

ص: 85

او ظهور کند و زمین را پر از عدل و داد نماید، چنان که پر از ظلم و جور شده باشد. خداوند متعال کار او را در یک شب اصلاح نماید چنان که امر موسی کلیم الله را اصلاح فرمود، هنگامی که رفت تا برای خانواده اش شعله ای آتش بیاورد و برگشت در حالی که رسول و پیامبر بود، آنگاه حضرت جواد علیه السلام فرمودند: بهترین عمل شیعیان ما انتظار فرج است.

تکلیف در زمان انتظار

33- عن الإمام المهديّ عليه السلام في توقيعه الى محمّد بن عثمان: واكثرُوا الدّعاء بتعجيل الفرج فإنّ ذلك فرجكم. (1)

حضرت مهدی علیه السلام در نامه مبارکش به سفیر خود محمد بن عثمان رحمهما الله فرمودند: برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید، چون همین دعا موجب فرج شماست.

انتظار مخلصان

34- عن الإمام الجواد عليه السلام قال: ... لأن له غيبه يكثر أيامها و يطول أمدّها فينتظر خروجه المخلصون و ينكره المرتابون و يستهزئ بذكره الجاحدون و يكذب فيها الوقتون و يهلك فيها المستعجلون و ينجو فيها المسلمون. (2)

از امام جواد علیه السلام پرسیده شد که چرا به امام زمان علیه السلام

ص: 86

1- . کمال الدین، ج 2، ص 485

2- . کمال الدین، ج 2، ص 378

«منتظر» گویند، فرمودند: ... زیرا برای او غیبتی است که ایامش زیاد و مدّتش طولانی می شود. پس مخلصان، در انتظار قیامش باشند و شکاکان انکارش کنند و منکران یادش را استهزا کنند و تعیین کنندگان وقت ظهورش دروغ گویند و شتاب کنندگان در ظهورش هلاک شوند و تسلیم شوندگان در آن، نجات یابند.

شیعه در زمان انتظار

35- قال الكاظم عليه السلام: طوبى لشيعةنا المتمسكين بحبلنا فى غيبة قائمنا الثابتين على مواليتنا و البراءة من أعدائنا أولئك منا و نحن منهم قد رضوا بنا أئمة و رضينا بهم شيعة فطوبى لهم ثم طوبى لهم و هم و الله معنا فى درجاتنا يوم القيامة. (1)

امام کاظم علیه السلام فرمودند: خوش به حال شیعیان ما که در زمان غیبت قائم ما به دوستی ما چنگ می زنند و در دوستی ما و برائت از دشمنان ما استوارند آنها از ما و ما از آنها هستیم، آنها به پیشوائی ما راضی شدند و ما هم به شیعه بودن آنها راضی و خشنودیم و خوشا به حال آنها، به خدا قس-م آنها در روز قیامت با ما و مرتبه ما هستند.

انتظار، نه یأس

36- قال اميرالمؤمنين عليه السلام: إنتظروا الفرج و لا تيأسوا من روح الله

ص: 87

فإن أحب الأعمال إلى الله عز وجل إنتظار الفرج. (1)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: منتظر فرج باشید، و از روح خدا مأیوس نشوید، که محبوب ترین اعمال در پیشگاه خدا انتظار فرج است.

انتظار وعده خدا

37- قال رسول الله صَلَّى الله عليه و آله و سلم: معاشر المؤمنین، أبشروا بالفرج، فإن وعد الله لا يخلف، وقضاءه لا يرد، و هو الحكيم الخبير، فإن فتح الله قریب. (2)

از رسول خدا صَلَّى الله عليه و آله و سلم نقل شده که فرمودند: ای مؤمنان! بشارت باد بر شما فرج (مهدی عجل الله تعالی فرجه)، چون وعده خدا تخلف پذیر نیست و حکم او برگشت ندارد و او حکیم و آگاه است و به راستی فتح الهی نزدیک است.

دعای زمان انتظار

38- قال ابو عبدالله عليه السلام: يا زراره! إن أدركت ذلك الزمان فالزم هذا الدعاء:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي. (3)

ص: 88

1- . الخصال، ج2، ص 616

2- . المالى للطوسى، ص 352

3- . بحار الانوار، ج52، ص 147

امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال زراره که در زمان غیبت چه عملی را انجام دهد، فرمودند: اگر زمان غیبت را درک کردی، این دعا را همیشه داشته باش: خدایا، خودت را به من شناسان، چون اگر خودت را به من شناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت، خدایا رسول خود را به من معرفی کن چون اگر پیامبرت را به من شناسانی، حجّت تو را نخواهم شناخت، خدایا حجّت خود را به من معرفی کن، زیرا اگر حجّت خودت را به من شناسانی، از دین خود گمراه شده ام.

عاقبت منکرین امام منتظر عجل الله تعالی فرجه

39- قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: من أنکر القائم من ولدی فی زمان غیبتہ فمات فقد مات میتة جاهلیة. (1)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: کسی که در زمان غیبت، حضرت قائم علیه السلام را که از فرزندان من است، انکار کند همانند مردگان زمان جاهلیت مرده است.

انتظار، ملاک پذیرش اعمال

40- عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال ألا أخبركم بما لا يقبل الله عز وجل من العباد عملا إلا به؟ فقلت بلى! فقال شهادة أن لا إله إلا الله وأن محمدا عبده ورسوله والإقرار بما أمر الله والولاية لنا والبراءة من أعدائنا و

ص: 89

التسليم لهم و الورع و الاجتهاد و الطمأنينه و الانتظار للقائم عليه السلام. (1)

امام صادق عليه السلام به راوی فرمودند: آیا ملاک قبولی اعمال بندگان را به شما خبر دهم؟ راوی گفت: بله، امام فرمودند: ملاک قبولی اعمال عبارتند از:

1- شهادت این که معبودی بجز خدا نیست و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و رسول اوست.

2- اقرار و اعتراف به دستور الهی.

3- ولایت اهل بیت علیهم السلام.

4- برائت از دشمنان اهل بیت علیهم السلام.

5- تسلیم در مقابل اهل بیت علیهم السلام.

6- تقوی الهی داشتن.

7- کوشش در راه خدا.

8- صبر و آرامش داشتن.

9- انتظار حضرت مهدی قائم علیه السلام.

ص: 90

1- . الغیبه للنعمانی، ص 200

مواردی که مؤمنین در دعا برای فرج و ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه باید لحاظ کنند و آن ها را از خدای تعالی بخواهند عبارتند از:

1- دعا کنند تمامی موانع فرج که می دانند و نمی دانند، خداوند برطرف سازد.

2- جهت استجاب دعا برای فرج، توبه نصوح کنند (در معنای نصوح فرموده اند: «ان لا یعود الیه ابداً»⁽¹⁾ یعنی به گناهان گذشته هرگز برنگردد).

3- دعا کنند خداوند هر سببی که باعث ظهور و فرج می شود میسر سازد.

4- دعا کنند تمامی مردم متوجه آن حضرت گردند و خواهان ظهور مقدسش شوند.

5- مؤمنین را تشویق و ترغیب به دعا کردن برای امام زمان علیه السلام نمایند که مثل آن است که خود او دعا کرده است.

6- از خدا بخواهند و مسئلت نمایند تا به همه مؤمنین توفیق توبه و دعا برای امام زمان علیه السلام مرحمت فرماید.

7- دعا کنند خداوند شرّ جمیع اشرار و منافقین را که سبب تأخیر در امر ظهور شده است، رفع کرده و آنها را به هلاکت رساند.

8- برای مؤمنین و مؤمناتی که موفق به دعا برای امام زمان علیه السلام شده اند، دعا کنند و از خدای تعالی برای ایشان ازدیاد یاری و توفیق طلب نمایند.

9- در شنیدن دعای کسی که برای فرج دعا می کند، آمین بگویند، زیرا در

ص: 91

حدیثی آمده است: «آمین گوینده با دعاکننده شریک است.» (1)

10- با هر امکاناتی که در اختیار دارند درصدد تبلیغ برای دعای آن حضرت برآیند.

آثار و برکات دعا برای فرج

اشاره

در ابتدا باید به این حقیقت اشاره کنیم که بی تردید آن حضرت به دعای ما نیازی ندارد، بلکه این فریضه به نفع خود ماست و ما را به کمال و آسایش معنوی و مادی می رساند. لذا اسرار و فوائد زیاد آن در ارتقاء معنوی انسان نقش بسزایی دارد که در این بخش قسمت هایی از آثار و برکات دعا برای فرج را یادآور می شویم:

1- قرب معنوی

یکی از آثار بسیار مهم دعا برای فرج تقرب به ذات اقدس خداوند است به این معنا که مؤمن با دعا نمودن برای فرج ولیّ خدا، اظهار می دارد من خواهان کمال و تقرب به ذات خدای تعالی هستم.

2- یاد امام زمان علیه السلام و آرامش روانی

ذکر و یاد امام زمان علیه السلام نقش تعیین کننده در آرامش روانی دارد، بسیاری از اضطرابات روحی در اثر یاد امام زمان علیه السلام زدوده می شود و به انسان امید

ص: 92

به زندگی می بخشد، هرچند با مشکلات عدیده و طاقت فرسا روبرو شود.

3- عامل بازدارنده از گناه

یکی از آثار مهم دعا برای فرج جلوگیری از گناه است، بدون شک در قلب و روح انسانی که برای فرج دعا می کند، حرکت به سوی آن حضرت و قرب به سوی پاکی و جهش به سوی تقوا ایجاد می شود.

4- غفلت زدایی

بزرگترین مصیبت مسلمانان و مؤمنان، آن است که هدف آفرینش خود را فراموش کنند و غرق در زندگی مادی و لذات زودگذر آن گردند، دعا برای فرج در هر شبانه روز مرتباً به انسان اخطار و هشدار می دهد که هدف آفرینش او را که همان انسان با کمال است، از یاد نبرد.

5- ظلم زدایی

یکی از عوامل بسیار مهم ظلم زدایی "دعا برای فرج" است، هر مسلمانی که دائماً دعا برای وجود مقدس امام زمان علیه السلام می کند و برای آمدنش لحظه شماری می نماید هم خود به دیگران ظلم نمی کند و هم اینکه انتظار ریشه کن شدن ظلم را با ظهور آن حضرت از خدای تعالی تمنا می نماید.

6- عامل پرورش فضائل اخلاقی

"دعا برای فرج" در روح و قلب مؤمن باعث تقویت ایمان می گردد که نتیجه آن پرورش فضائل اخلاقی است، انسان با دعا برای فرج، برای خود ایجاد محبت به آن حضرت می کند و این محبت است که مؤمن را در راستای

محبوبش قرار می دهد و با کسب فضائل اخلاقی و تزکیه نفس درصدد تقرب به آن حضرت بر می آید.

7- همدلی و هم گرایی

یکی از عوامل مهم موفقیت اجتماعی، همدلی و هم گرایی بین مؤمنین است. جامعه مؤمنین نیازمند یکپارچگی و اتحاد با یکدیگرست که یکی از راه های مهم آن "دعا برای فرج" است.

همانطور که برنامه هایی همچون برقراری نماز جماعت در یک شهر یا محله، جمعی را جهت اتحاد گردهم می آورد و یا برنامه هایی همچون حج همه مسلمانان جهان را در یکجا گردهم می آورد و بین آن ها اتحاد و همدلی ایجاد می کند، این دستورات دینی ابزارهایی هستند که اتحاد بین مسلمین را تقویت می کند و استقامت آنان را استحکام می بخشد. مسئله قبله یکی دیگر از لوازم اتحاد بین مسلمانان است، نماز به عربی خواندن نیز ابزار دیگری برای اتحاد است، همچنین است "دعا برای فرج" که چه جمعی و چه فردی عامل مهمی در اتحاد و همدلی بین مؤمنین می گردد.

8- نفی طاغوت و ایستادگی در مقابل ظلم و ستم

انسانی که دائماً به یاد امام زمان علیه السلام است در مقابل آن حضرت خاضع و خاشع است و سر تسلیم در مقابل گردن کشان فرود نمی آورد و کسی نمی تواند با ظلم و ستم بر او چیره شود، خداوند این مسئله را یکی از اهداف بعثت انبیاء و اوصیاء قرار داده، چنانکه می فرماید: ما در میان هر امتی پیامبری را مبعوث

کردیم تا خداوند را عبادت نمایید و از طاغوت (هرچه در مقابل خداوند است) پرهیز کنید. (1)

مرحوم آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی رحمه الله فواید دعا برای امام زمان علیه السلام را در کتاب مستطاب "مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام" جمع کرده اند که حدوداً 90 فائده می باشد. چنانکه قبلاً در موضوع دلیل عقل ذکر کردیم در اینجا نیز بنحو اختصار به بخشی از آثار و فوائد و ویژگی هایی که بر دعا کردن برای "تعجیل فرج" مترتب است، می پردازیم.

صاحب مکیال می فرماید: این دعا، تحقق فرمایش حضرت ولی عصر علیه السلام است که فرمود: «و بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج که فرج شما در آن است»، سبب زیاد شدن نعمت ها، اظهار محبت قلبی، نشانه انتظار، زنده کردن امر ائمه اطهار علیهم السلام، مایه ناراحتی شیطان لعین، و نجات یافتن از فتنه های آخر الزمان، و اداء قسمتی از حقوق آن حضرت - که اداء حق هر صاحب حقی از واجب ترین امور است - تعظیم امر خداوند و دینش، موجب دعای حضرت صاحب الزمان علیه السلام در حق دعا کننده، ورود در شفاعت آن حضرت در قیامت و نیز شفاعت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. "دعا برای فرج"، امثال امر الهی و طلب فضل و عنایت او، مایه استجاب دعا، و اداء اجر رسالت، مایه دفع بلا، و وسعت روزی، و آمرزش گناهان، و تشریف به دیدار آن حضرت در بیداری یا خواب می گردد

ص: 95

و باعث رجعت به دنیا در زمان ظهور آن حضرت، و به شمار آمدن از برادران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و باعث تعجیل در فرج مولای ما حضرت صاحب الزمان علیه السلام می باشد.

این واجب الهی دارای احکامی می باشد

1- دعاکننده برای فرج باید خود منتظر باشد و چنانکه گذشت انتظار قدوم مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه تکلیفی است و جویی که لازمه آن "دعا برای فرج" است.

2- نیت و قصد: دعاکننده باید با توجه و با نیت و قصد برای ظهور و فرج مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه دعا کند.

3- دعا حتماً بر زبان جاری شود و تنها در دل و قلب کفایت نمی کند تا تأثیر خود را داشته باشد، دعایی که از دل می گذرد باید بر زبان آید، چنانکه امام محمد باقر علیه السلام فرمود: (دعا و ذکر و بطور کلی هر گفتاری که بر زبان نیاید) فرشته نمی نویسد جز آنچه را که شنیده باشد. (1)

4- به هر زبان و لغت: به هر زبان و لغتی که میسر است باید برای ظهور و فرج مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه دعا کرد و اختصاص به زبان خاصی مثل عربی ندارد.

5- فردای و جماعت: مؤمن منتظر چه در خلوت و چه در جلوت و اجتماع

ص: 96

1- . عن زراره عن أحدهما عليه السلام قال: لا يكتب الملك الا ما سمع. کافی، ج2، ص 502

باید برای فرج امام زمان علیه السلام دعا نماید.

مصدق این واجب الهی چگونه عمل می شود؟

1- برای انجام این فریضه الهی لااقل در شبانه روز یک مرتبه دعا شود و بهتر آن است که در هر ساعت از شبانه روز که به یاد آن امام مظلوم ارواحنا فداه افتادیم از خدای تعالی فرج حضرتش را طلب نماییم.

2- نیکوست که در قنوت، رکوع، سجود و در تعقیبات نمازهای واجب و مستحب این فریضه الهی را عملی سازیم و برای فرج آن حضرت دعا کنیم تا مصداق این واجب را عملی کرده باشیم.

3- بهترین ذکر این است که بگوییم «اللهم عجل لولیک الفرج»

4- با یک صلوات همراه با «عجل فرجهم» به این تکلیف و فریضه الهی عمل کرده ایم «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم»

5- دعا برای آن حضرت، لازم نیست به عربی باشد بلکه به هر زبانی که میسر است اداء شود مُجزی و کافی است، ان شاء الله.

6- چه نیکوست که در این فریضه به دعاهای منصوص از ائمه اطهار علیهم السلام رجوع شود و همانگونه که آن بزرگواران دعا برای فرج مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف کرده اند، دعا کنیم.

7- بسیار نیکوست که همانگونه که برای قضاء حوائج خود یا دیگران صلوات می فرستیم به نیت قضاء حوائج نیز "دعا برای فرج" کنیم و برای هر

حاجتی بگوئیم: «اللهم عجل لوليک الفرج»

8- بسیار بجاست که در شبانه روز دو رکعت نماز به نیت تعجیل در فرج مولایمان صاحب الزمان علیه السلام خوانده شود.

9- همچنین بسیار نیکوست که هر روز صد مرتبه صلوات برای تعجیل در امر فرج بفرستیم و اینگونه این فریضه الهی را ادا کنیم.

«اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم»

مستحبات ادای این فریضه الهی عبارتند از:

1- با طهارت دعا شود.

2- بهتر با الفاضلی است که وارد شده است مثل: دعای فرج و دعای سلامتی.

3- نیکوست که در خلوت و تنهایی و در جماعت قیام به این فریضه الهی نماییم و دسته جمعی برای فرج آن حضرت دعا کنیم.

4- رو به قبله باشد.

5- اقل آن یک صلوات همراه با عجل فرجهم است که تکلیف و جویی آن ادا می گردد.

6- در شبانه روز بیش از یک مرتبه این تکلیف ادا شود.

7- بهتر و نیکو آن است که در هر نماز واجب و مستحبی و بعد از آن، دعا برای فرج نمود.

8- چه نیکوست که در قنوت نمازهای واجب و مستحبی دعا برای فرج کند.

ص: 98

9- در سجده، چه در نماز واجب و مستحب، و چه خارج از نمازها دعا برای ظهور نماید.

10- بهترین تعقیبات نمازها، دعا برای فرج می باشد.

11- چه بسیار نیکوست در اماکن مقدسه مثل حرم های امامان علیهم السلام و مساجد و حسینیه ها این فریضه الهی ادا شود.

12- بسیار بجا و نیکو است که دعا برای آن حضرت سرلوحه عرض حوائج به پیشگاه خدای تعالی باشد، یعنی اول دعا برای فرج و سپس درخواست دیگر حوائج را نمود که نشانه کمال ایمان است، چنانکه در زیارت جامعه تعلیم داده شده ایم که عرضه می داریم:

«مقدمکم امام طلبتی و حوائجی و إرادتی فی کل أحوالی و أموری»

یعنی:

«شما را بر هر مطلب و بر همه حاجت هایم و بر هر چه اراده کرده ام و در همه احوال و امورم چه دنیوی و چه اخروی مقدم می دارم.»

ص: 99

باید به این نکته بسیار مهم اشاره کنم که ما نمی‌خواهیم فقط و فقط از طریق برهان عقلی "حکم و جوب دعا برای فرج" را اثبات کنیم، ولی می‌خواهیم بگوییم بر فرض محال اگر هیچ دلیل نقلی از کتاب و سنت قطعیه نمی‌داشتیم باز عقل با براهینش "وجوب دعا برای فرج" را ثابت می‌کند، پس چرا ما از این امر مهم فقهی و تکلیفی غافل هستیم!!

مقدمتاً عرض می‌کنیم قیاس در منطق بر دو گونه است: قیاس یقینی که به آن برهان گفته می‌شود و قیاس ظنی که به آن تمثیل گفته می‌شود.

برهان، به معنای دلیل واضحی می‌باشد که به وسیله آن چهره حق روشن و آشکار می‌شود که در علم منطق قیاسی است مرکب از مقدمات یقینی که از آن برای استدلال‌های عقلی استفاده می‌شود، به این صورت که مقدمات تعیین شده که ذاتاً و بالضروره هستند نتیجه‌ای یقینی بدست می‌دهند.

در منطق اگر مقدمات یک قیاس یقینی باشند، این قیاس را قیاس برهانی می‌نامند. لذا برهان نوعی استدلال قیاسی منطقی است که مقدمات آن اموری یقینی هستند.

اما قیاس فقهی در اصطلاح فقها همان تمثیل منطقی است؛ یعنی سرایت حکم از موردی که فلسفه و حکمت آن را به دست آورده ایم (حدس زده ایم) به

موارد مشابه آن. در قیاس فقهی مقدمات قیاس، یقینی نیستند بلکه حدسی می باشند. قیاس فقهی یا تمثیل منطقی در فقه بر دو نوع تقسیم شده است، قیاس منصوص العله و قیاس مستنبط العله، که فقهای امامیه قیاس منصوص العله را - بخلاف قیاس مستنبط العله - قبول داشته و به آن عمل می کنند.

قیاس منصوص العله مقابل قیاس مستنبط العله بوده، و به قیاسی گفته می شود که "علت حکم" از طریق نص معتبر بیان شده است.

به عبارت واضح تر هرگاه حکمی از راه نص معتبر در اختیار مجتهد قرار گیرد و در آن نص، علت حکم نیز به صراحت یا به اشاره بیان شده باشد، مجتهد با تشکیل قیاسی در صدد سرایت حکم اصل به فرع دیگری بر می آید. به چنین قیاسی، قیاس "منصوص العله" می گویند.

مثل اینکه اگر شارع بفرماید: "لا تشرب الخمر لانه مسکر" یعنی علت تحریم خمر را به طور صریح "سکّار و مست کننده بودن" معرفی نماید و مجتهد از راه قیاس نبیذ را نیز که مست کننده است به خمر تشبیه می نماید و حکم حرمت را به نبیذ نیز سرایت می دهد، اینجا مجتهد با تقییح مناط قیاس منصوص العله تشکیل داده است.

به عبارت واضح تر اگر قیاس منصوص العله باشد، حکم بر موضوعات متعدد قابل حمل است؛ ولی در قیاس مستنبط العله چون علت حکم بیان نشده حمل بر موضوعات دیگر

ظنی است؛ زیرا علت حکم شرعی در آن توسط استنباط ظنی مجتهد به دست می آید، چون شارع علت حکم را در دلیل، بیان نکرده است بلکه

مجتهد می خواهد علیت را از کلام شارع استنباط کند. مانند اینکه مجتهد ظن پیدا می کند که علت تعلق زکات به گندم این است که گندم یک غذای عمومی است و مصرف عام دارد، آنگاه برنج را به آن قیاس می کند و می گوید چون برنج نیز یک غذای عمومی است پس باید مشمول حکم زکات گردد.

قیاس مستنبط العله چون مفید ظن و گمان است، نزد علمای امامیه حجیت ندارد و بیشتر، علمای ابناء عامه آن را حجت می دانند.

بد نیست این موضوع را نیز متذکر شویم که تفاوت قیاس مستنبط العله با تنقیح مناط در این است که در قیاس مستنبط العله به علت حکم، و در تنقیح مناط به موضوع حکم نظر می شود. بدین جهت تنقیح مناط با قیاس مستنبط العله فرق دارد و قیاس نهی شده در فقه امامیه نیست.

در اینجا باید عرض کنیم مسئله قیاس و چگونگی برخورد با آن از مسائل دیرین در فقه و اصول مذاهب است. در این میان، در مذهب شیعه هر چند رویکرد کلی از دیر باز رویکردی منفی بوده است و هنوز هم این رویکرد ادامه دارد، ولی مطلب مهمی که صرف نظر از دیدگاههای اصولی فقها باید مورد توجه بیشتر و دقت نظر عمیق تری قرار گیرد، برخورد آنان با قیاس در

کتابهای فقهی است. در کتب فقهی مواردی را می توان یافت که به نظر می رسد مصداق استفاده از قیاس باشد که این مطلب با نظریه مشهور شیعه یعنی بطلان قیاس، سازگاری ندارد.

در مطالبی که اینجا ذکر می کنیم بر اساس همین رویکرد به ذکر اقسام قیاس می پردازیم که بعضاً مورد استفاده در فقه شیعه است و مورد نهی نمی باشد.

دور از حقیقت نیست اگر گفته شود که عدم اعتبار قیاس به معنای تنزیل نصوص بر مناط عقلی به جهت عدم اعتبار منشأ آن یعنی تمثیل منطقی و قیاس فقهی است.

جان کلام اینکه تعبد به قیاس ظنی منع عقلی ندارد، ولی از عمل به آن نهی شده است، زیرا اهل بیت علیهم السلام از قیاس ظنی برای استنباط احکام شرعی با تأکید و بر اساس مبنای اعتقادی نهی کرده اند و استنباط احکام از طریق قیاس ظنی را روش صحیح و علمی ندانسته اند. از این رو، از میان انواع قیاس ها تنها قیاسی که مناط آن قطعی باشد، حجت است.

بعضی خواسته اند برای پاسخگویی به بعضی از احکام مستحدثه که پاسخی برای آن در منابع روایی پیدا نمی کنند از شیوه های ناسازگار با مبانی مذهب شیعه استفاده کنند مثل قیاس ظنی، و حال آنکه چاره کار این نیست بلکه باید چاره کار را در چارچوب ساختارهای فقه مذهب اهل بیت علیهم السلام جستجو کرد، مثل اعتبار بخشیدن به قیاس ظنی که مناط آن قطعی باشد، مانند قیاس منصوص العله که قبلاً گذشت.

این مقدمه مفصل را در مورد برهان و قیاس عرض کردیم تا شبهه ای برای خواننده محترم در استفاده از قانون قیاس پیش نیاید، زیرا در فقه امامیه استفاده از قیاس به طور کلی ممنوع نمی باشد.

بعد از تعریف برهان، به مشتقات آن می پردازیم و پس از آن به برهان عقلی در وجوب دعا برای فرج روی می آوریم.

تقسیم برهان عقلی به مستقلات عقلیه و غیر عقلیه

عقل یکی از منابع چهارگانه برای دستیابی به احکام شرعی می باشد که در ردیف کتاب، سنت و اجماع قرار گرفته است.

دلیل عقل یا برهان عقلی بر دو بخش تقسیم شده است:

1- مستقلات عقلیه 2- غیر مستقلات عقلیه

مستقلات عقلیه آن است که عقل منبعی مستقل از شرع از طریق: اولیات، فطریات، محسوسات، حدسیات، مجربات و متواترات برای یافتن حکم می باشد یعنی بدون کمک گرفتن از شرع، مانند این مثال:

(صغری) عدل عقلاً بصورت فطری الزامی و نیکوست، (کبری) آنچه را عقل لازم می داند شرع آن را واجب می شمارد، (نتیجه) عدل شرعاً واجب است.

(صغری) یاری رساندن به معصوم عقلاً الزامی است، (کبری) آنچه را عقل لازم می داند شرع آن را واجب می شمارد، (نتیجه) یاری رساندن به معصوم (دعا برای فرج) شرعاً واجب است.

صغری عقلی ذکر شده (یاری رساندن به معصوم) را می توان از طریق مقدمات مستقلات عقلیه (همانند: اولیات، فطریات، محسوسات، حدسیات، مجربات، متواترات) بدست آورد مثل اینکه:

- اولیات = عقل به مقدمات اولیه و بدیهیه بدون کمک گرفتن از مقدمات دیگری به صغری که وجود معصوم است، پی می برد.

-فطریات = عقل توسط فطرت خود پی به صغری می برد، پرواضح است منظور از فطرت آن است که عقل توسط حجابهایی فطرت خود را از دست نداده باشد، لذا عقل همانگونه که پی به وجود خدای تعالی می برد، پی به وجود خلیفه او نیز می برد.

- محسوسات = عقل از راه حس و وجدان صغری را می یابد به این معنا که وجود نیروی مرموز و نامرئی را حس می کند.

- حدسیات = عقل از راه حدس و گمانه زدن خود به صغری می رسد به این صورت که از اتفاقات غیر مترقبه و خرق عادت (مثل معجزه) حدس به وجود معصوم می برد.

- مجربات = عقل توسط تجربه به صغری می رسد به این صورت که در اثر توسلات و قطع امید از امور عادی به مقصد خود می رسد، لذا این مجربات عقل را به وجود معصوم می کشاند.

- متواترات = عقل از راه تواتر چه فطری، محسوس، حدسی، مجربات یا اخبار متواتر عقلاً به صغری پی می برد.

نتیجتاً وقتی عقل به وجود معصوم یقین حاصل کرد حکم به یاری رساندن او نیز برایش الزامی می گردد، لذا شرعاً این یاری رساندن که دعا برای فرج از مصادیق آن است واجب می گردد.

غیر مستقلات عقلیه، یعنی احکامی که عقل باتوجه به حکم شرع آن ها را درک و بیان می کند یعنی صغرای قیاس، شرعی و کبرای قیاس، عقلی می باشد.

مثال معروف: (صغری) نماز واجب شرعی است، (کبری) هر عملی که واجب شرعی است مقدمات آن نیز عقلاً واجب است، (نتیجه) مقدمات نماز (مثل وضو) شرعاً واجب است.

مثال ما نحن فیه:

(صغری) یاری و نصرت معصوم شرعاً واجب است. (کبری) هرگاه یاری معصوم شرعاً واجب باشد، عقلاً فراهم نمودن ابزار یاری رساندن (از جمله دعا نمودن) واجب است.

(نتیجه) دعا برای فرج امام معصوم علیه السلام شرعاً و عقلاً واجب است.

مثال را کمی بسط دهیم تا معنای این برهان و قیاس منطقی بیشتر روشن شود:

شرع حکم می کند که پیامبر و امام را باید نصرت و یاری نمود و عقل نیز حکم می کند فراهم نمودن ابزار یاری رساندن واجب است، مثل اینکه شما از دور ببینید پیامبری مورد ایذاء و اذیت دشمن قرار گرفته شرعاً برای نجات و خلاصی پیامبر از دست دشمنان باید وارد صحنه شد و عقل حکم می کند باید با خود ابزار یاری رساندن را بردارید، شرع نیز این حکم عقل را امضاء می کند و تهیه ابزار یاری رساندن مثل شمشیر و نیزه و نیرو واجب شرعی می گردد؛ ولی اگر هیچ ابزاری تحصیل نتوانید کرد و خود نیز نتوانید به جهت موانعی به پیامبر

یاری برسانید اقل ابزار یاری رساندن دعا می باشد که شرعاً واجب است برای نجات آن پیامبر دعا کرد.

حال ما نیز چنین است که شرعاً یاری رساندن به مهدی موعود علیه السلام واجب است و عقلاً باید ابزار یاری رساندن به آن حضرت را فراهم نماییم و چون در زمان غیبت آن حضرت به سر می بریم اقل ابزار یاری رساندن "دعا" برای آن حضرت است پس شرعاً "دعا برای فرج" آن حضرت واجب می باشد.

برهان عقلی

برای اثبات "وجوب دعا برای فرج" از عقل که حسن و قبح بعضی از افعال را درک می کند به اقسام برهان عقلی روی می آوریم و در نهایت با کمک گرفتن از اقسام برهان عقلی، در مقام اثبات قطعی "وجوب دعا برای فرج" بر می آییم.

همانطور که قبلاً نیز متذکر شدیم در تعریف برهان گفته اند: «حجت واضح و قطعی»⁽¹⁾

و سرّ مطلب این است که مقصود اساسی در برهان رسیدن به حقیقت به طور جزم و یقینی است و این هدف جز با مقدمات یقینی چه در حیطه مسائل اعتقادی و چه در مسائل فقهی میسر نمی شود.

برهان با توجه به معنای آن، به چند قسم تقسیم می شود که ما در اینجا به اقسام هاتم و شاخص آن اشاره می کنیم:

برهان لمّ، برهان إنّ، برهان خلف، برهان حکمت و برهان صدیقین.

ص: 107

در تعریف "برهان لمّ" گفته اند، برهانی است که حد وسط، هم واسطه در اثبات است و هم واسطه در ثبوت.

برای مثال: این چوب جاذب آتش است، هر چوبی جاذب آتش باشد آتش می گیرد، پس این چوب آتش می گیرد.

در برهان "لمّی" علم و آگاهی یافتن از علت به معلول است و این برهان از برهان "إنّ" یقین آورتر است و مورد اعتماد و مطمئن تر می باشد. علت آن این است که هنگامی که از علت به معلول می اندیشیم اشتباه نخواهیم کرد ولی در برهان "إنّ" از جهت اینکه معلول ممکن است علت های متعدد داشته باشد در استدلال از معلول به علت (برهان إنّ) خطاپذیر است و امکان اشتباه زیاد می باشد، گرچه برهان "إئی" نوع دوم یقین آور است که در قسمت تعریف "برهان إنّ" خواهیم آورد.

استدلال ما نحن فیه در برهان لمّ برای "وجوب دعا برای فرج":

(صغری) امام زمان علیه السلام مفترض الطاعه است. (کبری) هر امام مفترض الطاعه دعا و نصرتش لازم است. (نتیجه) پس دعا برای امام زمان علیه السلام واجب است. به این معنا که از علت "مفترض الطاعه بودن" به معلول که "وجوب نصرت" است، می رسیم.

استدلال دیگر:

(صغری) امام معدن فیض است. (کبری) رسیدن به معدن فیض عقلاً لازم است، و در زمان غیبت تمام راهها مسدود است مگر دعا و طلب از خدایتعالی. (نتیجه) پس دعا برای فرج امام زمان علیه السلام واجب است.

استدلال دیگر:

(صغری) امام زمان علیه السلام معصوم است. (کبری) هر معصومی نصرتش (دعا) واجب است. (نتیجه) پس امام زمان علیه السلام نصرتش (دعا) واجب است.

پر واضح است که از مصادیق بارز نصرت دعا می باشد.

استدلال دیگر:

(صغری) در ظهور مهدی موعود علیه السلام گشایش و نجات است. (کبری) دعا و طلب نمودن در پی نجات و گشایش از خداوند واجب است.

(نتیجه) پس دعا و طلب نمودن ظهور مهدی موعود علیه السلام واجب است.

برهان **إِنَّ**

برهان "إِنَّ" استدلال از معلول به علت است. از جهت اینکه معلول ممکن است علت های متعدد داشته باشد، استدلال از معلول به علت (برهان **إِنَّ**) خطاپذیر است و امکان اشتباه در آن زیاد می باشد؛ گرچه برهان "إِنِّی" نوع دوم یقین آور است. برهان "إِنَّ" دو نوع است:

1- حد وسط در اصغر خود معلول حد اکبر می باشد این "برهان **إِنِّی** قسم

اول " می باشد.

2- گاه به گونه ای است که حد وسط و اکبر هر دو معلول علت سوم می باشند که "برهان ائی قسم دوم" است.

برهان "ائی" نوع اول مفید و یقینی نیست، مثل اینکه:

(صغری) این شخص رنگش پریده است، (کبری) هر کس رنگش پریده است سرما خورده است، (نتیجه) پس این شخص سرما خورده است.

در این برهان از پریدن رنگ بیمار پی می بریم که سرما خوردگی دارد. این استدلال تمام نیست چون احتمال می رود علت رنگ پریدگی چیز دیگری غیر از سرما خوردگی باشد. ولی قسم دوم برهان "ائی" یقین آور است.

به بیان دیگر برهان "ائی" نوع دوم "رسیدن از یک ملازم به ملازم دیگر است که هر دو علت واحدی دارند که یقین آور است، مثال معروف برهان "ان" نوع دوم این است که:

(صغری) خداوند مجرد است. (کبری) هر چیزی که مجرد است، امکان ندارد. (نتیجه) پس خداوند امکان ندارد به این معنا که احتیاج به غیر ندارد چون لازمه عدم امکان عدم احتیاج است.

این قیاس برهان ائی قسم دوم است که می شود در برهان لمی نیز سرایت داد. انتقال از مجرد بودن به امکان نداشتن، سلوک از یک ملازم به ملازم دیگر است که هر دو معلول یک علت می باشند و آن عدم احتیاج به غیر است.

استدلال برهان "ائی" قسم دوم "در وجوب دعا برای فرج:

ص: 110

همانطور که در تعریف برهان "إن" گفتیم پی بردن از معلول به علت است و در برهان قسم دوم "إن" که رسیدن به یک تلازم بین "صغری" و "کبری" است و یقین آور می باشد، پی به وجوب دعا برای فرج امام زمان علیه السلام می بریم.

(صغری) دعا نکردن برای فرج باعث محرومیت از امام است.

(کبری) محرومیت از امام ابتلاء جامعه به ظلم و فساد است.

(نتیجه) پس دعا نمودن برای فرج باعث نجات از ظلم و فساد است که واجب است.

تلازم بین صغری و کبری "دعا نمودن و مبتلا به ظلم و فساد شدن" باعث سلوکی است از یک ملازم به ملازم دیگری، که هر دو معلول یک علت که غفلت است، می باشد پس دعا برای فرج واجب است.

به عبارت روشن تر هرگاه دعا برای فرج مهدی موعود علیه السلام نکنیم جامعه در ظلم و فساد باقی مانده و بیشتر به تباهی سوق داده می شود، پس هرگاه دعا برای فرج کردیم خود یکی از عوامل و راههای نجات از ظلم و فساد می باشد، نتیجتاً دعا برای فرج واجب است.

برهان خُلف

در برهان خلف، ابتدا خلاف حکم قضیه ای که می خواهیم آن را اثبات کنیم به عنوان فرض، در نظر می گیریم و به استدلال و نتیجه گیری ادامه می دهیم تا به یک تناقض برسیم، اگر به این تناقض برسیم یعنی فرض ما

اشتباه بوده، بنابراین خلاف فرض ما (همان حکم اصلی که در پی اثبات آن هستیم) صحیح است، بنابراین آن حکم اصلی اثبات شده است.

به عبارت واضح تر برهان خلف یکی از روش های اثبات در استدلال و منطق می باشد. این روش، اثبات غیر مستقیم نیز نامیده می شود. در روش برهان خلف برای آنکه ثابت کنیم قضیه ای درست است، ثابت می کنیم که خلاف آن قضیه یعنی

نقیض آن نادرست است، به این ترتیب وقتی که نادرستی نقیض را ثابت کردیم ما را به این نتیجه می رساند که قضیه اول درست است پس حکم خلف رد شده و حکم قضیه اصلی اثبات می شود.

در زندگی روزمره مردم از برهان خلف بسیار استفاده می کنند، گاهی برای طنز و گاهی برای رد حرف یک نفر، و گاهی در سیاست و نیز برای اثبات ادعاهایشان استفاده می کنند. مثال برهان خلف:

(حکم اصلی) اثبات وجود خدا.

(صغری، نقیض حکم اصلی) در عالم خدایی وجود ندارد.

(کبری) هرگاه خدایی وجود نداشته باشد هرج و مرج وجود دارد.

(نتیجه) پس در عالم هرج و مرج وجود دارد و حال آنکه در عالم نظم حاکم است، پس خدا وجود دارد.

مثال ما نحن فیه:

(حکم اصلی) دعا برای فرج منجی واجب است.

(صغری، نقیض حکم اصلی) دعا برای فرج منجی واجب نیست.

(کبری) هر امری (مثل دعا برای فرج) که واجب نباشد درخواست آن از ناحیه مردم لازم و واجب نیست.

(نتیجه) درخواست فرج و ظهور منجی از ناحیه مردم لازم و واجب نیست.

و حال آنکه درخواست ظهور منجی از خدای تبارک و تعالی امری است عقلی و لازم، پس دعا برای فرج واجب و لازم عقلی می باشد.

برهان حکمت

یکی دیگر از براهین در اثبات "وجوب دعا برای فرج و ظهور" حیات طیبه بعد از ظهور است که برهان حکمت بر آن دلالت می کند. حکمت آن است که افعال فاعل در نهایت اتقان و استواری و کمال باشد و هیچ نقصی به فعل او راه نیابد.

برهان حکمت از صفات متعالی خداوند و از حکیمانه بودن افعال او گرفته شده است. توضیح اینکه: یکی از صفات خداوند صفت حکمت است و حکمت به این معنا می باشد که همه افعال خداوند به نیکوترین و کامل ترین شکل ممکن تحقق می پذیرد و از هرگونه کاستی مبرا است.

دلایل این معنا از حکمت عبارتند از:

1- تناسب اثر با مؤثر: یعنی اثر هر فاعلی با مؤثر خویش باید متناسب باشد. اثر و فعل خداوند که خود کمال مطلق است و پیراسته از هر عیب و نقصی است باید به بهترین شکل ممکن و در نهایت استواری و اتقان باشد، یعنی نظام عالم و پدیده های آن، نظام احسن است.

ص: 113

2- نبود علت بر ناستواری: علت های ناستواری و نقص یک فعل، معمولاً به نادانی و یا ناتوانی و خیرخواه نبودن مستند است و هیچ یک از این علت ها در خداوند وجود ندارد زیرا خدا عالم قادر مطلق و خیر محض است، بنابراین معنا ندارد که فعل خداوند ناستوار و ناقص باشد در نتیجه او حکیم است.

از جمله موارد حکیم بودن خداوند تبارک و تعالی ارسال انبیا و حجج الهی برای رشد و هدایت بشر می باشد که به آن انگیزه بعثت انبیا می گویند، چنانکه در لسان بزرگان آمده است:

انگیزه های بعثت پیامبران آشنایی انسان با مبدء و معاد است، به گونه ای که اگر این گروه در میان مردم نبودند، هدف یاد شده اصلاً جامه عمل به خود نمی پوشید.

به عبارت دیگر از آنجا که هر آفریننده ای نسبت به دیگران به آفریده خود احاطه کامل دارد، خالق بشر نیز، نیازهای بشر را بهتر از سایرین می داند و چون بین آفریننده مخلوقات و بشر هیچ سنخیتی وجود ندارد، رابطه مستقیم با او امکان پذیر نیست، و ناچار باید واسطه هایی بین خالق و مخلوق باشد تا پیامهای او را برسانند و فاصله انسانها را برای رسیدن به سعادت خویشتن کم کنند تا سریعتر به سر منزل مقصود برسند.

انگیزه های ارسال رسل و حجج الهی را می توان در چندین مورد آورد که خلاصه آن این است:

1- تثبیت و تکمیل توحید و تصحیح عقاید مردم

2- رفع اختلافها و فصل خصومتها

3- زائل نمودن تبعیض ها

4- اجرای عدل و قسط

5- تزکیه و تعدیل غرایز

6- تعلیم کتاب و حکمت

7- اتمام حجت بر بندگان

8- زدودن فقر و فراهم نمودن آسایش و امکانات رفاهی مادی

9- سوق دادن بشر بسوی کمالات روحی و معنوی

10- فراهم نمودن امنیت کامل

و چنانکه قبلاً بیان داشتیم در هر عصر و زمانی خداوند پیامبرانی را در میان مردم برانگیخته که آنان را با این اهداف دهگانه به کمال انسانی برسانند و در غیر این صورت هدف آفرینش جامه عمل نپوشیده و انسان به انگیزه خلقت خود نرسیده است؛ و با مطالعه تاریخ و بررسی احوالات بشریت در می یابیم که بشریت این رسالت را نپذیرفتند و خداوند آخرین آنها را در پس پرده غیبت نگاه داشت.

و به عبارت واضح تر چون خدا را حکیم می دانیم باید اعتراف کنیم که غیبت نیز دارای حکمتهایی است که از جمله آنها این است که بشریت رسالت انبیا و اوصیاء را در تعالی و رشد آنان نپذیرفتند و آنان را یا کشته یا به اشد عذابها دچار نمودند،

لذا خدای تبارک و تعالی آخرین آنها را که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه می باشد در غیبت نگه داشت تا اینکه بشر خود تقاضا نماید.

ص: 115

خواجه نصیر الدین طوسی رحمه الله در کشف المراد(1) می نویسد: سبب غائب شدن امام از انظار، خود مردم می باشند. و علامه حلّی اعلی الله مقامه در مقام شرح و توضیح این عبارت می نویسد:

لطف بودن وجود امام وابسته به سه امر است: 1 - خداوند چنین امامی را خلق نماید که از حیث علم و قدرت بتواند رهبری انسان ها را بدست بگیرد. 2 - شخص امام، تمامی مشکلات و سختی های این امامت را متحمل گردد. 3 - رعیت او را کمک کنند و نسبت به اوامر و نواهی او تسلیم بوده باشند.

اگر رعیت آمادگی پذیرفتن چنین امامی را نداشته باشند غیبت یک مسئله طبیعی خواهد بود و قرآن با صراحت به این حقیقت اشاره نموده و می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»(2)

یعنی: تا مردم در خود تغییر و تحولی ایجاد نکنند، امام علیه السلام ظهور نخواهد کرد و غیبت ادامه خواهد داشت. متأسفانه مردم جهان از این رمز (سبب غیبت امام، خودشان بوده اند) غافل بوده و پس از مرگ در می یابند که علت غیبت در وجود خودشان نهفته بوده و از آن غافل بودند، و چنانچه در اعصار و زمان های قبل، خود را آماده می ساختند امام بر آن ها ظاهر می شد، اما در صدد اصلاح و آمادگی خود بر نیامدند و به رژیم های گوناگون و مسلک های فاسد دل بستند و گمان کردند که آن ها می توانند دردی را دوا کنند.

ص: 116

1- . کشف المراد، باب اثبات امامت از طریق لطف، ص 226

2- . سوره رعد، آیه 11

بدین جهت غیبت ادامه پیدا کرد و غیبت صغری به غیبت کبری منتهی شد و خداوند به وسیله غیبت، امام زمان را از نافرمانی مردم و قتل حضرتش حفظ نمود تا زمینه ظهور حضرت فراهم آید و آمادگی در جامعه حاصل گردد.

به عبارت دیگر، چون بشریت زیر بار رسالت انبیا نرفته اند و یکی را پس از دیگری کشتند، خداوند تبارک و تعالی به جهت حکمت، آخرین آنان را در پس پرده غیبت قرار داد. لذا اگر مردم آماده پذیرش آن حضرت بودند امام غائب نمی شد و به اجرای قانون الهی می پرداخت و حکومت عدل اسلامی سراسر جهان را فرا می گرفت. اما جامعه بشریت این آمادگی را در حد نصاب دارا نبوده و نیست.

در این بین وظیفه ما این است که تکالیف شرعی و الهی خود را انجام دهیم. طوری باشیم که رفتار و کردار ما مورد پسند و رضایت حضرت قرار بگیرد و خود را برای یاری حضرت و ظهور حضرت آماده کنیم. کسی که قبلاً خود را آماده نکرده باشد، نمی تواند آن روز جزء یاران حضرت باشد.

و یکی دیگر از حکمتها در دوران غیبت کبری این است که با غایب شدن حجت خدا، مردم به استقامت و پایداری نسبت به دین امتحان شوند تا منتظرین واقعی از غیر واقعی تمیز داده شده و هر کدام پاداشی در خور موفقیت در این امتحان به دست آورند.

به عبارت دیگر قانون عرضه و تقاضا در جوامع بشری همواره و در همه جا جاری است و عرضه، مطابق تقاضا می باشد، در غیر این صورت نظام زندگی به هم خورده و تعادل خود را از دست می دهد. این قانون تنها جنبه اقتصادی

ندارد بلکه در مسائل اجتماعی نیز جاری است از جمله تقاضای مردم برای منجی از خدای تعالی تا خداوند آن حضرت را بر مردم عرضه بدارد.

بدون تقاضا، عرضه بی فایده است. نیاز به رهبر و پیشوا برای جامعه نیز از این فایده و قانون مستثنی نبوده و در قالب استعداد و آمادگی مردم تحقق پیدا می کند، لذا بر جامعه بشریت است که یکپارچه این تقاضا را داشته باشند که خداوند آخرین حجش را آشکار سازد. بنابراین حکمت خدا اقتضا نموده امام زمان علیه السلام را در غیبت نگه دارد تا عامه مردم به درک و نصایب برسند که یکپارچه آخرین منجی را طلب بنمایند تا به حیات طیبه برسند. در این بین بر مؤمنین که به این حقیقت رسیده اند دعا برای فرج الزام و واجب می باشد.

برهان صدیقین

فلاسفه اسلامی می گویند برهان صدیقین برهانی است که برای اثبات حق از خود ذات حق به ذات حق استدلال می کنند و از چیزی غیر از حق تعالی بر ذات او استدلال نمی کنند.

باتوجه به مفهوم صدیقین در نزد فلاسفه، وجه نامگذاری این برهان را به "صدیقین" چنین می گویند:

1- انسان های "صدیق" در مقام استشهاد بر ذات حق از این روش استفاده می کنند.

2- این برهان محکم ترین و شریف ترین برهان است.

ص: 118

3- فلاسفه قائلند هرکس به این روش وصول به حق دست یافت، از صدیقین است.

و حال آنکه در منطق وحی، حقیقت صدیقین طریقه انبیاء است و روش اوصیاء که در مرتبه پس از انبیاء الهی قرار دارند نیز چنین است، پس هیچ کسی غیر از آن ها نمی تواند از این روش استفاده کند مگر انبیاء و اوصیاء. مانند کلام دُرربار امیرالمؤمنین علیه السلام در دعای صباح: «يَا مَنْ دَلَّ عَلَيَّ ذَاتَهُ بِذَاتِهِ»⁽¹⁾

لازم به تذکر است که این برهان در فلسفه به عنوان یکی از محکم ترین و راسخ ترین برهانهای اثبات وجود خدا معرفی شده و همان طور که ذکر شد یکی از دلایلی که این برهان را "صدیقین" می نامند همین امر است، یعنی خود فیلسوف استدلال بر حق توسط خود حق کند. لذا فلاسفه هرگز به طریقه و بیان انبیاء اکتفا نکردند و خود در مقام تحلیل و بررسی اثبات حق تعالی

از طریق ذات به ذات حق تعالی برآمده اند؛ و چون با تشست آراء روبرو شدند در نزد متکلمین شیعه مطرود واقع شده اند و حال آنکه حق آنست که چنان که گفتیم روش وصول به حق، همان طریقه انبیاء صدیق است که متصف به علم وحی می باشند.

در اینجا ما نیز برهان صدیقین را همان منطق وحی می دانیم و عرضه می داریم که انتظار و دعای فرج از برهان صدیقین است که از خداوند گرفته و به امت رسانده اند و به امت امر نمودند آن را پاس داشته و حق امام مفترض الطاعه را ایفاء نمایند. لذا بر هر پیرو مکتب صدیقین یعنی انبیاء و ائمه

ص: 119

معصومین علیهم السلام است که انتظار و دعا برای فرج را بر خود لازم و واجب بدانند. و ما در این رساله بیش از چهل مورد از صدیقین «ائمه هدی علیهم السلام» آوردیم که خود دعا برای فرج نموده اند و امت را به آن امر نموده اند.

پس از بیان دلیل برهان عقلی برای اثبات وجوب دعا برای فرج عرضه می داریم مهم ترین فایده برهان رسیدن به نتایج یقینی و کشف حقیقت عقلی است. انسان در سایه استدلال برهان، علاوه بر تعلیم و ارشاد دیگران، خود نیز می تواند از آن بهره مند شود. بنابراین تنها راه یقینی برای اثبات درستی و بطلان مطلب، (مثل وجوب دعا برای فرج) بهره گیری از برهان است، به عبارتی دیگر برهان عقلی، مطمئن ترین راه- با صرف نظر از طریق شرع- برای تمیز حق از باطل و دستیابی به عقاید و آراء درست است. حقیقت برهان چیزی جز تکیه بر معلومات بدیهی و روشن برای استنتاج مجهولات نظری و تاریک نیست و این همان راهی است که انسان عاقل متفکر دانسته یا ندانسته فطرتاً در برابر آن خاضع است و در حلّ مشکلات فکری و معضلات اعتقادی خویش چاره ای جز پیمودن آن ندارد. چنانکه در این رساله برای اثبات وجوب دعا برای فرج استفاده شد و امیدواریم انسانهای عاقل و متفکر با این استدلالهای برهانی به این حقیقت (وجوب دعا برای فرج) برسند و خود و دیگران را بر این تکلیف و جویی آگاه ساخته و عمل نمایند.

«اللهم عجل لولیک الحججه بن الحسن الفرج»

فضیلت صلوات همراه با "عجل فرجهم" با توجه به برهان صدیقین

در این قسمت روایات بسیاری را می آوریم که در آنها صلوات همراه با دعا برای فرج مهدی موعود علیه السلام ذکر شده است که خود بزرگترین برهان و دلیل بر اهمیت دعا برای فرج می باشد که از آن به عنوان "برهان صدیقین" یاد می شود و قبلاً مفصلاً آن را ذکر نموده ایم و بزرگترین دلیل برای تأسی نمودن مؤمنین به ائمه اطهار علیهم السلام می باشد زیرا حقیقت برهان صدیقین که از آن یاد کردیم این بزرگوارانند، پس بر مؤمنین است که در این تکلیف الهی کوتاهی نکرده و بر آن بزرگواران اقتدا نمایند.

و چنانکه در این رساله ثابت کردیم دعا برای فرج از جمله تکالیف و جوبی در عصر غیبت است و از آنجا که صلوات به عنوان شعار شیعه مطرح می شود می تواند بهترین محمل دعا برای فرج باشد. مؤید این عمل ادعیه و زیاراتی است که در آنها پس از ذکر صلوات، دعا برای فرج آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و

حضرت مهدی علیه السلام ذکر شده است. در این نوشتار با ذکر روایات مطرح شده در زمینه «ضرورت ذکر صلوات با "عجل فرجهم"»، تلاش شده است

گامی برای فراگیر کردن ذکر صلوات با "عَجَل فرجهم" برداشته شود تا با آشکار شدن ضرورت این کار، کم کم نهضتی فراگیر در این راستا به وجود آید و بتوانیم با ذکر صلوات همراه با "عجل فرجهم" گامی عملی در زمینه سازی فراگیر برای ظهور موفورالسرور آن امام همام برداریم.

اضافه شدن واژه "و عَجَل فرجهم" و "عَجَل اللهم فرجهم" به صلوات در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام بوده است، برای نمونه به چند روایت اشاره می شود:

1- مرحوم کفعمی رحمه الله برای سحرها دعایی به نام "حریق" ذکر کرده است که بعد از جملات نخستین آن، پس از هر چند جمله، ذکر صلوات تکرار شده است. در جملات آخر دعا صلوات و دعای برای فرج اهل بیت علیهم السلام و همه مؤمنان یکجا نقل می شود:

«...اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ وَفَرَجِي وَفَرَجِ عَنِّي وَعَنْ كُلِّ مَهْمُومٍ وَمَغْمُومٍ وَمَدْيُونٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ...» (1)

یعنی: «خدایا درود فرست بر محمد و خاندان پاکش، و تعجیل کن در فرج ایشان و فرج من و گشایش قرار بده برای من و برای هر اندوهگین و غمدیده و مدیونی از مردان و زنان مؤمن، خدایا بر محمد و آل محمد درود

ص: 122

2- امام حسین علیه السلام از امام علی علیه السلام دعایی را نقل می کند که در فرازی از آن چنین آمده است:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى طَيِّبِ الْمُرْسَلِينَ ... صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَّلَ فَرَجَهُمْ...» (1)

یعنی: «ستایش مخصوص خداست، پروردگار جهانیان و صلوات خداوند بر پاکیزه رسولان باد ... درود فرست بر محمد و خاندان او و در فرجشان تعجیل فرما ...»

3- در روایتی امام صادق علیه السلام می فرماید: هرکس بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَّلْ فَرَجَهُمْ»، نمی میرد مگر اینکه قائم از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را درک کند. (2)

و در اعمال روز جمعه، صلوات و دعا برای فرج صد مرتبه ذکر شده است:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَّلْ فَرَجَهُمْ»

هرکس در روز جمعه صد مرتبه اینگونه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صلوات بفرستد خداوند شصت حاجت او را برآورده سازد، سی حاجت از حوائج دنیا و سی حاجت از حوائج آخرت. (3)

4- امام جعفر صادق علیه السلام به نقل از پدران خود می فرمایند که پیامبر

ص: 123

1- تهذیب الاحکام، ج 3، ص 83

2- بحار الانوار، ج 83، ص 77

3- مصباح کفعمی، ص 421

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر کس بعد از نماز ظهر روز جمعه، هفت مرتبه اینگونه صلوات بفرستد، از اصحاب قائم علیه السلام خواهد بود:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ»(1)

5- مرحوم شیخ طوسی رحمه الله در کتاب "مصباح المتهدج" نقل می کند که مستحب است پس از نماز عصر پنجشنبه تا آخر روز جمعه بر محمد و آل محمد بسیار صلوات فرستند و بگویند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَّلْ فَرَجَهُمْ وَأَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ»(2)

و گفتن این صلوات صد مرتبه از بعد از عصر پنجشنبه تا آخر روز جمعه فضیلت بسیار دارد.

6- اسحاق بن عمار گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: قربانت گردم! من از عقربها می ترسم، فرمودند: به ستارگان بنات النعش، به سه تایی آنها نگاه کن، و ستاره وسطی آنها در کنارش ستاره کوچکی است که عرب آن را «سها» نامند و ما آن را «اسلم» نامیم، و هر شب بدان خیره نگاه کن و سه بار بگو:

«اللَّهُمَّ رَبِّ اسْلَمَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَّلْ فَرَجَهُمْ وَسَلِّمْنا مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ»

یعنی: «خدایا ای پروردگار ستاره «اسلم» درود فرست بر محمد و آل

ص: 124

1- . أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص 367

2- . مصباح المتهدج، ج 1، ص 265

محمد و شتاب کن در فرج ایشان و سالم بدار ما را از شر هر صاحب شری.»

اسحاق گوید: در تمام عمر خود آن را ترک نکردم جز یک مرتبه که آن بار هم عقرب مرا زد. (1)

7- عمرو بن أبی المقدام می گوید: امام صادق علیه السلام دعایی که جامع خیر دنیا و آخرت است را به من تعلیم فرمود. حضرت در این دعا با ذکر صفات حضرت حق، پس از بیان چند دعا، همچون طلب آمرزش، بعد از ذکر صلوات، فرج و آسایش و سرور اهل بیت علیهم السلام را از درگاه الهی مسئلت می نماید و سپس دعا می کند که خداوند متعال طعم و حلاوت این فرج را بر ایشان بچشانند و دشمنانشان را نابود گردانند:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَلِكُ الْجَبَّارُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الرَّحِيمُ الْعَفَّارُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الشَّدِيدُ الْمِحَالِ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ* وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنِيْعُ الْقَدِيرُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الشَّكُورُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَلِيمُ الدِّيَانُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْجَوَادُ الْمَاجِدُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ وَأَنْتَ اللَّهُ

ص: 125

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَاطِبُ الشَّاهِدُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ* تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ وَبَسَطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ رَبَّنَا وَجْهَكَ أَكْرَمَ الْوُجُوهِ وَجَهَّتْكَ خَيْرَ الْجِهَاتِ وَعَطَيْتَكَ أَفْضَلَ الْعَطَايَا وَأَهْنَوْهَا تَطَاعَ رَبَّنَا فَتَشَّاكُرُ وَتُعْصِي رَبَّنَا فَتَغْفِرُ لِمَنْ شِئْتَ تُحِبُّ الْمُصْطَفِينَ وَتَكْشِفُ السُّوءَ وَتَقْبَلُ التَّوْبَةَ وَتَغْفُو عَنِ الذُّنُوبِ لَا تُجَارِي أَيَادِيكَ وَلَا تُحْصِي نِعْمَكَ وَلَا يَبْلُغُ مِدْحَتَكَ قَوْلُ قَائِلِ اللَّهِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَّلْ فَرَجَهُمْ وَرُوحَهُمْ وَرَاحَتَهُمْ وَسُرُورَهُمْ وَأَذْفِي طَعْمَ فَرَجِهِمْ وَأَهْلِكَ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ* وَاجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ وَتَبَّتْ يَدَا الْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَبَارِكْ لِي فِي الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ وَالْمَوْقِفِ وَالنُّشُورِ وَالْحِسَابِ وَالْمِيزَانَ وَأَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَلِّمْ عَلَيَّ عَلَى الصِّرَاطِ وَأَجْزِنِي عَلَيْهِ وَأَرْزُقْنِي عِلْمًا نَافِعًا وَيَقِينًا صَادِقًا وَتَقَى وَبِرًّا وَوَرَعًا وَخَوْفًا مِنْكَ وَفِرَقًا يُبَلِّغُنِي مِنْكَ زُلْفَى وَلَا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ وَأَحْبِبْنِي وَلَا تُبْغِضْنِي وَتَوَلَّنِي وَلَا تَخْذُلْنِي وَأَعْطِنِي مِنْ جَمِيعِ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ وَأَجْزِنِي مِنَ السُّوءِ كُلِّهِ بِحَدَافِيرِهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ» (1)

يعنى: «خدایا تویی خدایى که نیست معبودى جز تو بردبار بزرگوار، و

ص: 126

1- .کافی، ج2، ص 584

تویی خدایی که نیست معبودی جز تو عزیز فرزانه، و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو یکتای قهار، و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو فرمانروای جبار، و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو مهربان آمرزنده، و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو سخت کیفر، و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو بزرگ و برتر، و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو شنوای بینا، و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو والا مقام توانا، و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو آمرزنده سپاس پذیر، و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو ستوده و گرامی، و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو آمرزنده و دوستدار، و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو پر مهر و پر نعمت، و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو بردبار و پاداش دهنده، و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو بخشنده باشوکت، و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو یکتای یگانه، و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو

غایب و حاضر، و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو آشکار و پنهان، و تویی خدایی که نیست معبودی جز تو به هر چیز دانا، تمام شد نور تو پس هدایت نمودی، و گشودی دست عطایت پس عطا کردی، پروردگار ما ذات تو گرامی ترین ذاتها، و جانب تو بهترین جانب ها، و عطایت فزونترین عطاها و گواراترین آنهاست، فرمانبرداریت کنند پروردگارا و تو سپاسگزاری کنی، و نافرمانیت کنند و تو بیماری هر که را خواهی، اجابت کنی درماندگان را، و برطرف کنی بدی را، و بپذیری توبه را، و درگذری از گناهان، پاداش دستگیریهایت داده نشود،

و نعمت‌هایت به شماره درنیاید، و رسا درنیاید به مدح و ثنایت گفتار کسی، خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد، و شتاب کن در فرج و نصرت و آسایش و شادمانیشان، و بچشان به من شیرینی دوران فرج ایشان را، و هلاک گردان دشمنانشان را از جن و انس، بده به ما در دنیا خوبی و در آخرت نیز خوبی، نگاهمان دار از عذاب دوزخ، و قرارمان ده از کسانی که ترسی بر آنها نیست و نه آنان که اندوهناک شوند، و قرارمان ده از کسانی که بردباری کنند و به پروردگارشان توکل کنند، و پایدارم بدار به گفتار پابرجا در زندگی دنیا و در آخرت، و برکت بده به من در زندگی و مرگ و توقفگاه قیامت و زنده شدن آن روز و حساب و میزان و هراس های روز قیامت، و سالمم بدار بر صراط و بگذرانم از آن، و روزیم گردان علمی سودمند و یقینی راست و درست و تقوا و نیک رفتاری و پارسایی و خوف و ترسی از خودت که برساندم به مقام قرب تو و دورم نکند از تو، و دوستم دار و دشمنم مدار، و سرپرستیم کن و وامگذارم، و عطا کن به من از همه خوبیهای دنیا و آخرت، آنچه بدانم و آنچه ندانم، و پناهم ده از همه بدی ها به تمامی چه آنها که می دانم و چه آنها که ندانم.»

8- مستحب است در قنوت نماز فجر این دعا (که معروف است به کلمات فرج) خوانده شود:

«يَا اللَّهُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمُ اللَّهُمَّ مَنْ كَانَ أَمْسَى وَأَصْبَحَ وَتَقَتُّهُ وَرَجَاؤُهُ غَيْرَكَ فَأَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا يَا أَجُودَ

مَنْ سَأَلَ وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرِحِمَ أَرْحَمَ ضَعْفِي وَقَلَّةَ حِيلَتِي وَآمَنُ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ طَوْلًا مِنْكَ وَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَعَافِنِي فِي نَفْسِي وَفِي جَمِيعِ أُمُورِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» (1)

یعنی: «ای خدایی که ماندی برای او نیست و شنوا و دانا است، از تو می خواهم که درود بفرستی بر محمد و آل محمد، و شتاب کنی در فرج ایشان، خداوندا (چه بسا) کسی که صبح و شام می کند در حالی که اطمینان و امیدش به غیر توست، اما تویی اطمینان و امید من در همه کارها، ای بخشنده ترین کسی که از او درخواست شده، و ای مهربان ترین کسی که از او طلب رحمت شده است، به ضعف و تهیدستی و اندکی چاره سازیم رحم آور، و بهشت را به عطا و کرمی از خودت به من ارزانی دار، و وجودم را از آتش برهان، و مرا در نفسم و جمیع کارهایم سلامت بدار، به رحمت خودت ای مهربان ترین مهربانان.»

9- شیخ طوسی رحمه الله در تعقیب هر فریضه ای می گوید: در حالی که محاسن خود را در دست راست گرفته ای و کف دست چپ را رو به آسمان بالا برده باشی، هفت مرتبه می گویی:

«يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ» (2)

ص: 129

1- . البلد الأمين و الدرع الحصين، ص 49

2- . مصباح المتعجب، ج 1، ص 53

یعنی: «ای پروردگار محمد و خاندان محمد درود فرست بر محمد و آل محمد و در فرج آل محمد تعجیل بفرما»

و سپس هفت مرتبه می گویی:

«يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ»

یعنی: «ای پروردگار محمد و خاندان محمد درود فرست بر محمد و آل محمد و گردنم را از آتش (دوزخ) رهایی بخش.»

10- مرحوم کفعمی رحمه الله دعایی به نام «دعاء الفرج» ذکر می کند که بنابر نقل، پس از نماز حاجتی که امام رضا علیه السلام تعلیم داده است، خوانده می شود. در اوایل دعا، لفظ «فرج» با عبارات گوناگونی آمده است:

«يَا مُفْرِجَ الْفَرْجِ يَا كَرِيمَ الْفَرْجِ يَا عَزِيزَ الْفَرْجِ يَا جَبَّارَ الْفَرْجِ يَا رَحْمَانَ الْفَرْجِ...»

یعنی: «ای گشایش دهنده فرج، ای کرم دهنده در فرج، ای عزت دهنده در فرج، ای جبران کننده در فرج، ای مهربان در فرج...»

در ادامه با ذکر دعایی شبیه به دعای توسل، اسامی ائمه علیهم السلام را ذکر می کند و پس از آن خداوند را به حق خود و معصومین و انبیا و مقربان درگاه الهی قسم می دهد که بر محمد و خاندانش درود فرستد و فرج آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را برساند:

«...اللَّهُمَّ بِحَقِّكَ الْعَظِيمِ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بِحَقِّ أَنْبِيَائِكَ ...»

ص: 130

وَيَحَقُّ مَنْ نَادَاكَ وَنَاجَاكَ وَدَعَاكَ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَّلَ فَرَجَهُمْ...»(1)

یعنی: «... خدایا به حق بزرگ تو و به حق محمد و خاندان محمد و به حق پیامبرانت ... و به حق هر آنکه تو را صدا زد و با تو مناجات نمود و تو را خواند در خشکی و دریا، درود فرست بر محمد و خاندان محمد و در فرجشان تعجیل فرما...»

11- در باب دعا بین رکعات نماز که در دهه آخر شبهای ماه مبارک رمضان خوانده می شود، آمده است:

«... يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَّلَ فَرَجَهُمْ وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي...»(2)

یعنی: «... ای بخشنده، ای بخشنده، صلوات بفرست بر محمد و آل محمد و در فرجشان تعجیل فرما و گناهم را ببامرز...»

علامه امینی رحمه الله می فرماید: «هرکس پس از صلوات بر پیامبر (اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ) با اخلاص، برای سلامتی و تعجیل در ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه دعا کند و عبارت "عجل فرجهم" را بگوید، او را در ثواب نوشتن کتاب الغدير شریک می نمایم.»(3)

ص: 131

1- البلد الامين، ص 326

2- مصباح المتهجد، ج 2، ص 551

3- یادنامه علامه امینی، ص 345

دعا برای فرج در سجده

بهترین حالت بندگی سجده است، چنانکه خداوند جلّ جلاله این خضوع بنده اش را دوست می دارد و در آن حالت به او آگاهی می دهد که دعا نماید، لذا مؤمن در آن حالت ابتدا برای بزرگترین و عزیزترین خلائق در زمان خویش در نزد خداوند جلّ جلاله یعنی حضرت بقیه الله روحی له الفداء دعا می کند، زیرا آن بزرگوار مقام بزرگی را جهت استجاب دعا نزد خداوند داراست، بدین سبب درخواست دعاکننده به اجابت مقرون می گردد و حوائج شخصیش

به هدف اجابت می رسد.

1- چنانچه راوی از امام صادق علیه السلام نقل می کند: نزدیکترین زمان بنده به خداوند زمانی است که او خدایش را بخواند در حالیکه در سجده باشد. امام علیه السلام به راوی فرمود: زمانی که در سجده هستی چه ذکری می گویی؟ راوی می گوید، گفتم فدایت شوم، چه بگویم؟ به من بیاموز. فرمود بگو:

«يَا رَبَّ الْأَزْبَابِ وَيَا مَلِكَ الْمُلُوكِ وَيَا سَيِّدَ السَّادَاتِ وَيَا جَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ وَيَا إِلَهَ الْأَلْبَاهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا»

یعنی: «ای پروردگار پروردگاران! و ای شاه شاهان! و ای سرور سروران! و ای کوبنده سرکشان و ای خدای خدایان! درود خود را بر محمد و آل محمد نثار کن و انجام بده برایم... (حاجتش را ذکر کند)»

پس از آن بگو:

ص: 132

«فَإِنِّي عَبْدُكَ نَاصِيَتِي فِي قَبْضَتِكَ»

یعنی: «همانا من بنده توام و اختیار کارهایم در دست تو است»

سپس امام علیه السلام فرمود:

«ادْعُ بِمَا شِئْتَ وَ اسْأَلْهُ فَإِنَّهُ جَوَادٌ وَ لَا يَتَعَاظَمُهُ شَيْءٌ»⁽¹⁾

یعنی: «بخوان خدا را به هر دعایی و از او درخواست کن که همانا او بخشنده است و چیزی بر او سخت نمی آید.»

چه نیکوست در این موضوع دعا برای فرج مولایش نماید که از مهمترین حاجات یک مؤمن می باشد و بگوید:

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَ الْعَافِيَةَ وَ النَّصْرَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

2- امام سجاد علیه السلام می فرمایند: هر کسی حاجت دارد، سر بر سجده گذارده و این ذکر را صد مرتبه بگوید و حاجت بخواد که ان شاء الله برآورده می شود:

«يا حَيُّ يا قَيُّوْمُ يا لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ بِرَحْمَتِكَ اَسْتَغِيْثُ فاَكْفِنِيْ ما اَهَمَّنِيْ وَ لا تَكِلْنِيْ اِلى نَفْسِيْ»⁽²⁾

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَ الْعَافِيَةَ وَ النَّصْرَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

یعنی: «ای زنده! ای پاینده! نیست خدایی، مگر تو. به رحمت تو فریادخواهی می کنم، پس کفایت کن از من آن چه در اندوه افکنده مرا، و

ص: 133

1- . وسائل الشیعه، ج 6، ص 339

2- . کافی، ج 2، ص 562

چه حاجتی بالاتر از فرج و ظهور امام علیه السلام، پس در اینجا نیز نیکوست که دعا برای فرج مولایش نماید و بگوید: «اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ وَالنَّصْرَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

3- شیخ مفید رحمه الله در کتاب "المقنعه" می فرماید: نمازگزار بعد از پایان نماز، پس از صلوات، حوائج خود را بخواهد و دو سجده شکر به جا آورد و در سجده شکر بگوید:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَبِكَ اعْتَصَمْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي فَأَكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي وَمَا لَا يُهْمُنِي وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»⁽¹⁾

یعنی: «بارخدا یا! به سوی تو روی آوردم و به دامن رحمت تو چنگ زدم و بر تو توکل کردم. خدایا! تو پناه و امید منی، پس کفایت کن مرا در آنچه اندوهگینم ساخته و آنچه اندوهگینم نساخته و آنچه تو بهتر از من، آن را می دانی، پناهنده به تو عزت یافت و ثنای تو والا است و هیچ خدایی جز تو نیست، بر محمد و آل محمد درود فرست و گشایش امر آن ها را زودتر برسان.»

4- نیکوست این دعا که برگرفته شده از ادعیه منصوصه است در سجده خوانده شود:

ص: 134

«رَبِّ لَكَ سَجَدْتُ خَاضِعاً خَاشِعاً ذَلِيلاً فَعَجِّلْ لِي وَلِيِّكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ وَالنَّصْرَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

یعنی: «پروردگارا، با حالت خضوع و خشوع و خاکساری و ذلت برای تو سجده نمودم، پس تعجیل فرما در فرج و عافیت و پیروزی ولّیت، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.»

5- این دعا که برگرفته شده از دعای ندبه می باشد، نیکوست که در سجده های نماز و شکر خوانده شود:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَالْبُلْوَى وَإِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعُدْوَى وَأَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَالْدُّنْيَا فَأَعِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَتَغِيثِينَ وَعَجِّلْ لِي وَلِيِّكَ الْفَرَجَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

یعنی: «خدایا تویی برطرف کننده گرفتاریها و بلاها، و از تو طلب یاری می کنم که نزد توست دادخواهی، و تویی پروردگار آخرت و دنیا، پس فریادرس ای فریادخواهان و تعجیل فرما در فرج ولّیت، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.»

دعا برای فرج در قنوت نماز

از مواردی که دعا برای فرج در آن تأکید شده و مستحب می باشد، قنوت نمازهای واجب و مستحب است و چه بسا پرفضیلت ترین دعاهای قنوت، دعا برای فرج امام زمان علیه السلام می باشد.

شاهد بر اهمیت دعا برای امام زمان علیه السلام در قنوت، دعاهای امامان علیهم السلام است که برای تعجیل فرج، در تعدادی از قنوت ها روایت شده، ما آنچه در این باره از ایشان علیهم السلام به دست ما رسیده در این جا می آوریم:

1- شهید اول قدس سره در کتاب «ذکری الشیعه» می گوید: ابن ابی عقیل، این دعا را که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده برای خواندن در قنوت انتخاب کرده است:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ شُخِصَتِ الْأَبْصَارُ وَ نُقِلَتِ الْأَقْدَامُ وَ رُفِعَتِ الْأَيْدِي وَ مُدَّتِ الْأَعْنَاقُ وَ أَنْتَ دُعِيتَ بِاللُّسْنِ وَ إِلَيْكَ سِرُّهُمْ وَ نَجْوَاهُمْ فِي الْأَعْمَالِ رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَكُو إِلَيْكَ غَيْبَهُ نَبِيِّنَا وَ قَلَهُ عَدَدِنَا وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ تَظَاهِرُ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا وَ وُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا فَفَرِّجْ ذَلِكَ اللَّهُمَّ بَعْدَلِ تَظْهَرُهُ وَ إِمَامِ حَقِّ تَعْرِفُهُ إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ» (1)

ص: 136

1- ذکری الشیعه، ج3، ص 290 - بحار الانوار، ج82، ص 207

یعنی: «بار الها! چشم ها به تو دوخته شده است، گام ها به سوی تو برداشته شده، دست ها به سوی تو بالا آمده و گردن ها به سوی تو کشیده شده است. تویی که با زبان ها، فراخوانده می شوی، و کارهای پنهانی و رازهای (مردم) به طرف توست. پروردگارا! بین ما و قوم ما به حق حکم کن که تو بهترین حکم کننده و قضاوت کننده هستی. بار الها! از عدم حضور پیامبر مان و کمی نفرت مان و فراوانی دشمنانمان و پشتیبانی دشمنانمان از یکدیگر علیه ما و وجود فتنه های فراوان برای ما به تو شکایت می کنیم. بار الها! با عدالتی که آشکارش می کنی، و امام و پیشوای راستینی که ما او را می شناسیم، این گرفتاری ها را برطرف کن و گشایشی فرما. ای معبود به حق! اجابت کن. ای پروردگار جهانیان!»

وی می افزاید: «روایتی به من رسیده است که امام صادق علیه السلام همواره به شیعیان خود دستور می فرمودند پس از کلمات فرج، در قنوت این دعا را بخوانند.»

2- قنوتی است که سید بن طاووس رحمه الله در کتاب "جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع"، از مقاتل بن مقاتل (1) آورده که گفت: حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام فرمود: در قنوت نماز جمعه چه می گوئید؟ عرض کردم: آنچه مردم می گویند. امام علیه السلام به من فرمود: آنچه آن ها می گویند تو مگوی، ولی بگو:

«اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ

ص: 137

1- . از این حدیث استفاده می شود که مقاتل بن مقاتل واقعی نبوده. روایت دیگری نیز بر این معنی دلالت دارد که در کتاب رجال کبیر آمده است.

حُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَ آيَدُهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ مِنْ عِنْدِكَ وَ اسْمُ لِكُؤُهُ [وَ اسْمُ لِكُؤُهُ] مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصِداً يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ أُبْدِلُهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ
أَمْنًا يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا وَ لَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ وَ لِيَّكَ سُلْطَانًا وَ ائْذَنْ لَهُ فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ إِنَّكَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (1)

یعنی: «بار خدایا! کار (ظهور) بنده و خلیفه ات (امام مهدی علیه السلام) را سامان ده به آنچه کار پیامبران و فرستادگانت را سامان دادی و فرشتگانت را پیرامونش قرار ده و او را به روح القدس از سوی خویش تأیید فرمای و قرار بده او را از پیش رو و پشت سر در رصد ملائکه که حفظ کنند او را از هر سوء و بدی ای، و مبدل گردان خویش را به امان به طوری که در پرستش توبیعت هیچ کسی غیر از تو بر گردن نداشته باشد، و برای هیچ یک از خلقت بر ولی ات تسلطی قرار مده و او را برای جهاد دشمنت و دشمن خودش رخصت فرمای و مرا از یارانش قرار ده، به درستی که تو بر هر چیزی توانایی.»

با توجه به مض--امین زیبای فوق، روش--ن می گردد که چگونه ام--ام هشتم علیه السلام ع--الیتین و بلندترین زمزمه های محبت را با سوز و از سر شوق در این مناجات کوتاه بر زبان جاری می سازند که هم محبوب خود را معرفی می نمایند و هم آرزوی سلامتی و ظهور او را دارند و از خدا می خواهند تابیعت

ص: 138

هیچ ستمگری بر گردن آن حضرت نباشد. آنگاه برای جهاد در رکاب او اعلام آمادگی می کنند تا بدین وسیله، ارتباط معنوی و عاطفی خود را به آن بزرگوار ابراز فرمایند.

3- قنوت مولای عزیزمان حضرت حجّت عجل الله فرجه الشریف به نقل از سید بن طاووس رحمه الله که در کتاب مهج الدعوات آمده است:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ - وَأَكْرِمِ أَوْلِيَاءَكَ بِإِنجَازِ وَعْدِكَ وَبَلِّغْهُمْ دَرَكَ مَا يَأْمُلُونَهُ مِنْ نَصْرِكَ وَاكْفُفْ عَنْهُمْ بِأَسْ مِنْ نَصَبِ الْخِلَافِ عَلَيْكَ وَتَمَرَّدِ بِمَنْعِكَ عَلَى رُكُوبِ مُخَالَفَتِكَ وَاسْتَعَانَ بِرَفْدِكَ عَلَى فُلِّ حَرَمِكَ وَقَصَدَ لِكَيْدِكَ بِأَيْدِكَ وَسَيِّئَتِهِ جَلْمًا لِتَأْخُذَهُ عَلَى جَهْرِهِ وَتَسْتَأْصِلَهُ عَلَى عِزِّهِ فَإِنَّكَ اللَّهُمَّ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ - حَتَّى إِذَا

أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْيَنْتَ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَنَجَعْنَا حَاصِدًا كَانَ لَمْ تَغْنِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ وَقُلْتَ فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّ الْعَايَةَ عِنْدَنَا قَدْ تَنَاهَتْ وَإِنَّا لِعَصَبِيكَ غَاضِبُونَ وَإِنَّا عَلَى نَصْرِ الْحَقِّ مُتَعَصِبُونَ وَإِلَى وُزُودِ أَمْرِكَ مُشْتَأَقُونَ وَإِنجَازِ وَعْدِكَ مُرْتَقِبُونَ وَلِحُلُولِ وَعِيدِكَ بِأَعْدَائِكَ مُتَوَقِّعُونَ اللَّهُمَّ فَأَذِّنْ بِذَلِكَ وَافْتَحْ طُرُقَاتِهِ وَسَهِّلْ خُرُوجَهُ وَوَطِّئْ مَسَالِكَهُ وَاشْرَعْ شَرَائِعَهُ وَأَبِدْ جُنُودَهُ وَأَعْوَانَهُ وَبَادِرْ بِأَسْكَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَابْسُطْ سَيْفَ نِقْمَتِكَ عَلَى أَعْدَائِكَ الْمُعَانِدِينَ وَخُذْ بِالثَّأْرِ إِنَّكَ جَوَادٌ مَكَّارٌ» (1)

ص: 139

1- . مهج الدعوات، ص 67

یعنی: «خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و اولیائت را با منجز نمودن وعده ات گرامی بدار، و آن ها را به آنچه از یاری ات امید دارند برسان، و زیان کسانی را که برخلاف تو برخیزند از ایشان دور گردان، و اذیت کسی را که بر ممنوعیت ارتکاب مخالفتت سرکشی نموده و با کمک عنایات و نعمت های تو در صدد از هم گسستن حدّ تو برآمده و با همان نعمت های تو قصد نیرنگ با تو کرده از آن ها بازدار، که تو او را با بردباری فرا گرفته ای تا او را آشکارا برگیری، یا در حالی که مغرور شده باشد از ریشه برآوری، که البته ای پروردگار! تو فرموده ای و فرموده ات حقّ است: «تا این که زمین سبزی و زینت به خود گرفت و اهل آن پنداشتند که بر آن توان دارند، امر ما در شب یا روز، آن را فرارسید، پس آن را درو کردیم انگار که دیروزش هیچ سبزه ای نداشته، این چنین آیات را برای قومی که اندیشه کنند تفصیل می دهیم» و نیز فرموده ای: «پس چون ما را به خشم آوردند، از آن ها انتقام گرفتیم» و به راستی که آخرین فرصت نزد ما به سر آمده و ما برای خشم تو غضبناک هستیم، و ما بر یاری حق همدستانیم و به آمدن فرمانت مشتاقیم و برای تحقّق یافتن وعده ات در انتظاریم و حلول عذابت را بر دشمنانت متوقعیم. بار الها! پس در آن امر ما را اذن بده و راه هایش را بگشای و نحوه بیرون شدنش را آسان کن و زمینه های پیمودنش را فراهم ساز و راه های آیین هایش را بگشای و سپاهیان و یاورانش را تأیید فرمای و عذابت را به ستمگران زودتر برسان و شمشیر نقیمت را بر دشمنان معاندت بگستران و خونخواهی کن که تو بخشنده بسیار مکر کننده ای.»

4- خواندن دعای فرج و سلامتی امام زمان علیه السلام:

«اللَّهُمَّ كُنْ لِي وَلِيَّكَ الْحُجَّهَ بْنَ الْحَسَنِ...»

5- خواندن این دعا در قنوت نیکوست:

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ لِي وَلِيَّكَ الْفَرَجَ وَأَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ وَ وَاٰلِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ أُمَّتِهِ وَ جَمِيعَ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَ تَسُدُّ بِهِ نَفْسَهُ وَ تَجْمَعُ لَهُ مُلْكَ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا قَرِيبَهَا وَ بَعِيدَهَا وَ عَزِيزَهَا وَ ذَلِيلَهَا حَتَّى تُجْرِيَ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَ يَغْلِبَ بِحَقِّهِ عَلَى كُلِّ بَاطِلٍ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

یعنی: «خدایا تعجیل فرما در فرج ولایت و عطا کن به او در وجودش و اهلش، و فرزندان و نسلش و امت و همه رعیتش، چیزی که چشمش را به آن روشن کنی، و وجودش را به آن خوشحال نمایی، و برای او گردآوری، فرمانروایی همه مملکت ها را

نزدیک و دورش را، و نیرومند و ضعیفش را، تا فرمانش را بر فراز هر فرمانی جاری سازی، و حق او را بر هر باطلی چیره گردانی، به رحمت ای مهربان ترین مهربانان.»

از روایات یاد شده روشن گشت که دعا برای حضرت صاحب الزمان علیه السلام در مطلق قنوت ها تأکید دارد، چون از جمله حالت هایی است که در آن ها امید می رود دعاها مستجاب گردد، به ویژه در قنوت نماز جمعه و نماز وتر و نماز صبح از خدای تعالی می خواهیم که توفیق درک آن حضرت را به ما عنایت فرماید و با این عمل اجر بزرگی به ما روزی نماید.

دعا برای فرج امام زمان علیه السلام در تعقیبات نمازها

یکی دیگر از جاهای پرفضیلت برای "دعای فرج" تعقیبات نمازهای واجب و مستحب می باشد که مؤمنین نباید از آن غافل باشند، به عبارت واضح تر بعد از هر نماز واجب و مستحب پرفضیلت ترین تعقیبات، دعا برای ظهور موفور السرور امام زمان علیه السلام می باشد، زیرا در روایات آمده است که مؤمن بعد از هر نمازی یک دعای مستجاب دارد. (1)

حال چه نیکوست که مؤمن این دعای مستجاب را برای فرج و ظهور مولایش امام عصر ارواحنا فداه قرار دهد که در ذیل اجابت آن به همه حاجات خود خواهد رسید، چنانکه گفته اند: چون صد آمد، نود و نه هم نزد ماست. به این معنا که اگر ظهور و فرج مولایمان برسد به تمام حاجات و خواسته هایمان بدون هیچ کم و کاستی خواهیم رسید. پس از این تعقیب پرفضیلت غفلت نوزید و امیدواریم فقهای عظام نیز این تعقیب مهم و پرفضیلت را که با هیچ تعقیب دیگری برابری نمی کند در رساله های عملیه خود ذکر کنند و مقلدین خود را پس از هر نماز واجب و مستحب متوجه دعا برای فرج مولایمان نمایند:

1- از امام محمد تقی علیه السلام روایت شده است که بعد از نمازهای واجب این دعا خوانده شود:

«رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَ

ص: 142

بِعَلِيِّ وَلِيِّتَا وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ- عَلِيٌّ بِنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدٌ بِنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرٌ بِنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بِنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيٌّ بِنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدٌ بِنِ عَلِيٍّ- وَ عَلِيٌّ بِنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنُ بِنِ عَلِيٍّ وَ الْحُجَّهُ بِنِ الْحَسَنِ بِنِ عَلِيٍّ اَنْمَهُ اللّٰهُمَّ وَلِيَّكَ الْحُجَّهَ فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ وَ اَمُدُّ لَهٗ فِي عُمُرِهِ وَ اجْعَلْهُ الْقَائِمَ بِاَمْرِكَ الْمُنْتَصِرَ لِدِينِكَ وَ اَرِهٖ مَا يُحِبُّ وَ تَقَرُّ بِهٖ عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ وَ فِي ذُرِّيَّتِهِ وَ اَهْلِهِ وَ مَالِهِ وَ فِي شِيعَتِهِ وَ فِي عَدُوِّهِ وَ اَرِهْمُ مِنْهُ مَا يَحْذَرُونَ وَ اَرِهٖ فِيهِمْ مَا يُحِبُّ وَ تَقَرُّ بِهٖ عَيْنُهُ وَ اَشْفِ بِهٖ صُدُورَنَا وَ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ» (1)

یعنی: «راضی و خشنود شدم که خداوند پروردگار من ، اسلام دین من، قرآن کتابم، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبرم، حضرت علی سرپرست و صاحب اختیارم، حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجت بن الحسن بن علی امامان و پیشوایان من باشند. خداوندا ولی تو حضرت حجت است، پس او را از روبرو و پشت سرش و از طرف راست و چپش، و از بالا و پایین حفظ فرما، و عمرش را طولانی کن، و او را قیام کننده به امرت قرار بده، تا یاور دینت باشد و آنچه دوست می دارد و باعث چشم روشنی اش می شود در مورد خودش و فرزنداناش و خانواده اش و مالش و پیروان و دشمنانش به او نشان ده، و

ص: 143

آنچه دشمنانش در مورد او پرهیز دارند به آنان نشان ده، و آنچه آن حضرت در مورد دشمنانش دوست دارد و چشمش به آن روشن می شود به او نشان ده و سینه های ما را و سینه های مؤمنان را به وسیله او شفا بخش.»

2- حسن بن فضل طبرسی رحمه الله در کتاب مکارم الاخلاق فرمود:

روایت شده است هر کس این دعا را در تعقیبات هر فریضه ای بخواند و بر آن مواظبت کند عمر طولانی خواهد کرد تا جایی که ملالت پیدا می کند و خدمت صاحب الامر روحی له الفداء مشرف می شود:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنَّ رَسُولَكَ الصَّادِقَ الْمُصَدِّقَ صَلَّوْا تَكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ إِنَّكَ قُلْتَ مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَ أَكْرَهُ مَسَائِتَهُ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ لِيُؤَلِّكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ وَالنَّصْرَ وَ لَا تَسُوْنِي فِي نَفْسِي وَ لَا فِي أَحَدٍ مِنْ أَحِبَّتِي» (1)

یعنی: «خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست. خدایا برستی که رسول راستگوی تصدیق شده ات، درود تو بر او و خاندانش، فرمود که تو فرموده ای من در هیچ کاری بسان تردد و دودلی ای که در گرفتن روح بنده مؤمن دارم، دو دلی ندارم، (2) او از مرگ بدش می آید، و من از بدی رساندن

ص: 144

1- . مکارم الاخلاق، ص 284

2- . شک و تردید و دودلی در ساحت ذات حضرت حق سبحانه راه ندارد، بلکه به هنگام افعالی که معمولاً خوشایند انسان نیست و انسان در انجام آن دودلی دارد، خدای تبارک و تعالی به جهت محبت به بنده اش این دودلی را به خود نسبت می دهد و انجام می دهد آنچه را که بنده اش دوست می دارد.

به او بدم می آید. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و در فرج و عافیت و پیروزی ولی ات تعجیل فرما، و به من و هیچ کدام از دوستانم بدی مرسان.»

سید بن طاووس رحمه الله ذیل این روایت آورده است: اگر خواستی دوستانت را یکایک نام می بری، یا به صورت جداگانه و یا مجموعاً. راوی می گوید: «به خدا سوگند، آن قدر زنده ماندم تا اینکه از زندگانی خسته و رنجور شدم.»⁽¹⁾

3- از تعقیبات مهم نماز ظهر، اقتدا به حضرت امام صادق علیه السلام در دعا برای حضرت مهدی علیه السلام است، چنان که عباد بن محمد مدائنی می گوید: در مدینه به حضور امام صادق علیه السلام وارد شدم، در حالی که از نماز واجب ظهر فراغت پیدا نموده و دستانش را به سوی آسمان بالا برده و می فرمود:

«أَيُّ سَامِعٍ كُلِّ صَوْتٍ أَيْ جَامِعٍ أَيْ بَارئِ كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ أَيْ بَاعِثُ أَيْ وَارِثُ أَيْ سَيِّدِ السَّادَةِ أَيْ إِلَهَ الْأَلَمِيهِ أَيْ جَبَّارِ الْجَبَابِرَةِ أَيْ مَلِكِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَيْ رَبِّ الْأَرْبَابِ أَيْ مَلِكِ الْمُلُوكِ أَيْ بَطَّاشُ أَيْ ذِي [ذَا] الْبَطْشِ الشَّدِيدِ أَيْ فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ أَيْ مُحْصِي عَدَدِ الْأَنْفَاسِ وَنَقْلِ الْأَقْدَامِ أَيْ مِنَ السَّرِّ عِنْدَهُ عَلَانِيَةً أَيْ مُبْدِي أَيْ مُعِيدُ أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَى خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَى نَفْسِكَ

ص: 145

1- . این دعا به نقل از سید بن طاووس اینگونه آمده است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنَّ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّكَ قُلْتَ مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَكْرَهُ مَسَائِتَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ وَالنَّصْرَ وَلَا تَسُوْنِي فِي نَفْسِي وَلَا فِي أَحَدٍ مِنْ أَحِبَّتِي». ادب حضور (ترجمه فلاح السائل)، ص 297

أَنْ تُصَلِّمَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ السَّاعَةَ بِفَكَاحِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَنْجِزْ لَوْلِيكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ الدَّاعِيَ إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ وَأَمِينِكَ فِي خَلْقِكَ وَعَيْنِكَ فِي عِبَادِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ عَلَيْهِ صَدَقَاتُكَ وَبَرَكَاتُكَ وَعَدَّةُ اللَّهِمْ أَيَّدَهُ بِبَصْرِكَ وَأَنْصُرْ عَبْدَكَ وَقَوِّ أَصْحَابَهُ وَصَبِّرْهُمْ وَافْتَحْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا وَعَجِّلْ فَوْجَهُ وَأَمْكِنُهُ مِنْ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

یعنی: «ای شنونده هر صدا، ای گرد آورنده هر امری که از دست رفته باشد (ای گرد آورنده امور پراکنده) ای آفریننده هر جاندار بعد از مرگ، ای برانگیزاننده، ای وارث، ای سرور سروران، ای معبود معبودها، ای سرکش بر سرکشان، ای فرمانروای دنیا و آخرت، ای پروردگار پروردگاران، ای پادشاه پادشاهان، ای خدایی که سخت با سلطه و چیرگی می گیری، ای خدایی که هر چه را بخواهی بی درنگ انجام می دهی، ای شمارنده شماره نفسها و گامهای برداشته شده، ای خدایی که نهان در نزد تو آشکار است، ای آغازگر، ای برگرداننده، به حقی که بر برگزیدگان از خلقت داری و به حقی که نسبت به ایشان بر خود واجب فرموده ای، از تو مسألت دارم که بر محمد و اهل بیت او درود فرستی، و در همین لحظه به آزادی ام از آتش جهنم منت نهی و به وعده ولی ات و پسر پیامبرت که به اذن تو بندگان را به سویت می خواند، و امین تو در میان خلق، و حجت و راهنمای تو بر خلق می باشد- که درودها و برکاتت بر او باد- وفا نمایی، خداوندا، به یاری خویش او را یاری فرما، و آن بنده ات

را یآوری کن، و یارانش را نیرومند (یا: موفّق) فرما، و آنان را شکّیا گردان و از جانب خویش تسلّط یاری گری برای ایشان عنایت فرما، و در فرج و ظهور او تعجیل فرما، و او را بر دشمنانت و دشمنان رسولت چیره گردان، ای مهربانترین مهربانان.»

عرض کردم: فدایت شوم، آیا برای خودتان دعا نمودید؟ فرمود: برای نور آل محمّد صلی الله علیه و آله سلم و راهبر ایشان، هم او که به فرمان خدا از دشمنانشان انتقام می گیرد دعا نمودم.

عرض کردم: خداوند مرا فدای شما گرداند، آن بزرگوار کی ظهور خواهد نمود؟ فرمود: هر گاه خداوند که خلق و امر به دست اوست بخواهد.

عرض کردم: آیا او نشانه ای پیش از ظهور خواهد داشت؟ فرمود: بله، نشانه های گوناگون.

عرض کردم: مانند چه؟ فرمود: خروج پرچمی از مشرق زمین، و پرچمی از مغرب زمین، و فتنه و آشوبی که بر اهل زوراء (و بغداد) سایه می افکند، و خروج مردی از فرزندان عمویم زید در یمن، و به غارت و تاراج رفتن پوشش و پرده خانه خدا و خداوند هر چه بخواهد انجام می دهد. (1)

4- سیّد بن طاووس رحمه الله در کتاب «فلاح السائل» می نویسد:

از اذکار مهمّ بعد از نماز عصر اقتدا کردن به مولایمان حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام در دعا نمودن برای مولایمان حضرت مهدی صلوات الله علیه

ص: 147

است. چنان که یحیی بن فضل نوفلی روایت کرده است که گفت: در بغداد بر ابی الحسن موسی بن جعفر علیهما السلام - وقتی از نماز عصر فارغ شده بود- وارد شدم. دیدم دستها را به سوی آسمان بلند کرده و شنیدم که می گوید:

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، إِيَّاكَ زِيَادَةُ الْأَشْيَاءِ وَتَقْصَانُهَا ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، خَلَقْتَ الْخَلْقَ بِغَيْرِ مَعُونَةٍ مِنْ غَيْرِكَ ، وَلَا حَاجَةَ إِلَيْهِمْ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، مِنْكَ الْمَسِيئَةُ وَإِيَّاكَ الْبَدَاءُ . أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، قَبْلَ الْقَبْلِ وَخَالِقُ الْقَبْلِ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، بَعْدَ الْبَعْدِ وَخَالِقُ الْبَعْدِ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَتُثَبِّتُ وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، غَايَةُ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثُهُ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، لَا يَعْرُوبُ عَنْكَ الدَّقِيقُ وَلَا الْجَلِيلُ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، لَا يَخْفَى عَلَيْكَ اللَّغَاةُ ، وَلَا تَشَابَهُ عَلَيْكَ الْأَصْوَاتُ . كُلَّ يَوْمٍ أَنْتَ فِي شَأْنٍ ، لَا يَشُدُّ غَلُوكَ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَأَخْفَى ، دَيَّانُ الدِّينِ ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ ، بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ ، مُحْيِي الْعِظَامِ وَهِيَ رَمِيمٌ ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَحْزُونِ ، الْحَيِّ الْقَيُّومِ ، الَّذِي لَا يَخِيبُ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُتَّقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ ، وَأَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ .»

یعنی: «تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که آغاز و پایان و آشکار و نهان می باشی، و تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که افزونی و کاستی اشیاء به توست، و تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که مخلوقات را

بدون یاری و نیاز به غیر آفریدی، و تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که مشیت و خواست از تو و آغاز هر چیز به سوی توست، و تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که پیش از پیش و آفریننده «قبل» هستی، تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که بعد از بعد و آفریننده «بعد» هستی، و تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست و هر چه را بخواهی محو و یا اثبات می فرمایی، و امّ الکتاب در نزد توست، تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که نهایت و وارث هر چیز هستی، و تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که هیچ چیز نه کوچک و نه بزرگ بر تو پوشیده نمی ماند، تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که زبانهای گوناگون بر تو مخفی نمی ماند، و صداهای مختلف برای تو متشابه نمی گردد، و هر روز در شأن و کاری هستی،

و هیچ کاری تو را از کار دیگر مشغول نمی سازد، آگاه به غیب و امور مخفی تر از آن هستی، و بسیار پاداش دهنده روز جزا، و تدبیرکننده امور، برانگیزاننده تمام کسانی که در قبرهایند، زنده کننده استخوانهای پوشیده می باشی. از تو به اسم مکنون پوشیده و در گنجینه ات که زنده و پابرجا و برپا دارنده همه مخلوقات است و هر کس تو را بخواند محروم نمی گردد، درخواست می کنم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی، و در فرج انتقام گیرنده از دشمنان تعجیل، و به وعده او وفا نمایی، ای صاحب بزرگی و بزرگواری.»

یحیی بن فضل می گوید: عرض کردم: برای چه کسی دعا کردید؟ حضرت فرمود: برای مهدی آل محمّد علیهم السلام.

آنگاه فرمودند: پدرم فدای آن که دارای شکم ستبر، ابروهای به هم پیوسته است، ساق باریک، شانه های پهن و رنگ گندمگون دارد که به خاطر شب زنده داری کمی مایل به رنگ زرد است.

پدرم فدای آن کسی که با رکوع و سجده شب را به صبح می رساند، پدرم فدای آن کسی که در راه خدا از سرزنش هیچ ملامتگری نمی هراسد، چراغ فروزنده در تاریکیها است، پدرم فدای قیام کننده به امر خدا باد.

گفتم: چه وقت خروج می کند؟

حضرت فرمود: هنگامی که دیدی لشکریان به ساحل فرات و صراه(1)

و دجله آمده اند و پل کوفه ویران شد و بعضی از خانه های کوفه سوزانده شد، هنگامی که این نشانه ها را مشاهده کردی، بدان که خداوند آنچه بخواهد انجام می دهد و کسی نیست که بر امر خدا غلبه کند و یا حکمش را به تأخیر بیندازد.(2)

5- خواندن دعای فرج و سلامتی امام زمان علیه السلام:

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّهَ بْنِ الْحَسَنِ...»

ص: 150

1- «صراه» رودی است که از نهر عیسی از شهری که «محول» خوانده می شود و با بغداد یک فرسنگ فاصله دارد جدا شده، از رودهای منشعب از فرات است.

2- . ادب حضور (ترجمه فلاح السائل)، ص 352

گلایه سید بن طاووس رحمه الله از کسانی که دعا برای فرج نمی کنند و امام زمانشان را به فراموشی سپرده اند

مرحوم سید بن طاووس رحمه الله در کتاب "كشف المحجبه لثمره المهجه" به فرزندش محمد سفارش می کند امام زمان خود را فراموش نکن و در تمام امور زندگی به حضرتش پناهنده بشو و برای فرج و ظهورش دعا کن، سپس سید از مردمی که ادعای ولایت و امامت آن حضرت را دارند گلایه می کند که چرا امام زمان خود

را فراموش کرده اند و به یاد آن حضرت نیستند و برای فرج و ظهورش دعا نمی کنند، در این قسمت بعضی از بیانات آن سید جلیل القدر و منتظر دلسوخته امام زمان علیه السلام را می آوریم:

و ای فرزندان محمد، ترا و برادرت و هر کسی که این کتاب را بخواند وصیت و سفارش می نمایم به راستی و درستی در معامله با خداوند عز و جل و رسول او صلی الله علیه و آله و سلم، و حفظ و رعایت آنچه خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم درباره ظهور مولای ما حضرت مهدی علیه السلام بیان فرموده و بشارت داده اند که قول و عمل بسیاری از مردم در باره آن حضرت از جهات کثیره با عقیده آنان مخالفت دارد.

از آن جمله مکرر دیده ایم که اگر عبدی یا اسبی یا درهمی و دیناری از آنان

مفقود شود ظاهر و باطن ایشان یکباره متوجه به آن چیز است، و در پیدا کردن آن کمال جدّ و جهد را بنمایند، اما ندیده ایم که در تأخیر ظهور آن حضرت، و عقب افتادن اصلاح اسلام و ایمان و مسلمین، و قطع دابر کفار و ظالمین بقدری که به این چیزهای ناچیز علاقه مندند علاقه داشته باشند، و به اندازه ای که برای از دست دادن این اشیاء متأثرند متأثر بوده باشند، پس کسی که حال او چنین و دارای این حالت است چگونه ادعا نماید که عارف بحق خدا و رسول او صلی الله علیه و آله و سلم و معتقد به امامت آن حضرت است؟ و چگونه دعوی موالات آن حضرت نماید، و در تعریف و تمجید حضرتش مبالغه نماید؟

و از آن جمله است، اینکه از آنان که اظهار می دارند که ریاست و ظهور آن حضرت و انفاذ احکام امامت آن جناب واجب و لازم است کسانی را دیده ایم که اگر سلطان یا امیری از دشمنان آن حضرت و منکرین امامت او به آنان محبت و احسانی نماید، و آنان را مشمول عنایات خود قرار دهد به او علاقه مند گردند و محبت او را در قلب خود جای دهند، و دوام و بقای او را خواهند، و به حدی به وی متوجه گردند که از طلب حضرت مهدی علیه السلام باز مانند، و آنچه را که بر آنان واجب است فراموش نمایند، که از آن جمله است آرزوی عزل آن والی و امیر که باید هر آن آرزوی آن نمایند.

و از آن جمله است، اینکه قومی را دیده ایم که می گویند: بر ما واجب است که به سرور آن حضرت مسرور، و به حزن آن حضرت محزون باشیم، و آنچه در این عالم است، و آنچه به ما رسیده به برکت آن حضرت است، و توسط او علیه السلام

به ما رسیده و می رسد، و ستمکاران و سلاطین جور از آن حضرت غصب و نهب نموده اند، و با این حال از این غصب و نهب به اندازه ای که اگر درهم یا دیناری یا زمین و ملکی از ایشان غصب شود متأثر و غمگین نشوند، پس این حالات و صفات با وفای بحق خداوند و معرفت او جل جلاله و معرفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و معرفت اوصیاء او علیهم السلام چه ربط و مناسبتی دارد؟

و از آن جمله است این که به کسی که ظاهراً علاقه مند به ظهور آن حضرت است، و دعوی وفاداری به آن حضرت نماید، و برای غیبت حضرتش اظهار تأسف و اندوه نماید، گفتم: اگر حضرت مهدی علیه السلام به تو بفرماید: که من از طریق پدران خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دانسته ام که اگر من ظهور نمایم تا چشم تو به من افتد فوراً خواهی مرد، و لکن

اگر ظهور من به تأخیر افتد بیست سال دیگر با کمال خوشی و ثروت با اهل و عیال خود زندگانی خواهی کرد، آیا تأخیر در ظهور آن حضرت را برای زندگانی چند روزه دنیای فانی اختیار نخواهی نمود؟

و از آن جمله است اینکه: به کسی که در موالات و دوستی آن حضرت مبالغه می کرد، گفتم: اگر آن حضرت بتو ابلاغ نماید: که سلطان بلاد تو روزی هزار دینار به تو خواهد داد، و در تمام مدت غیبت این مبلغ به تو خواهد رسید و برای تو حلال و طیب است، و آن سلطان هم این امر را عملی نماید و روزی هزار دینار به تو بدهد، پس از آن ابلاغ فرماید که: خداوند اذن ظهور داده و پس از این، این مبلغ بر تو حلال نیست و در اخذ آن مأذون نیستی، آیا نزد تو بهتر و محبوبتر است که

غیبت من بطول انجامد و این مستمری باقی بماند؟ یا اینکه من ظاهر شوم و این مستمری را قطع نمایم و برای یکی از دشمنان تو که در مقام و رتبه از تو پست تر است قرار دهم، بلکه به حساب مئونه و مخارج تو نیز رسیدگی نمایم؟

آیا کدامیک از این دو کار نزد تو محبوب تر است؟ طول غیبت و گرفتن روزی هزار دینار؟ یا تعجیل در ظهور و قطع این مبلغ از تو و دادن به دشمنت؟ آنچه در ضمیر و قلب تو است بر ما معلوم است، و می دانیم که کدام یک از این دو کار را اختیار خواهی نمود.

و به بعضی از برادران گفتم: اصحاب حضرت مهدی علیه السلام کسانی هستند که آن حضرت را برای آنچه خداوند خواسته است می خواهند، چه برای دنیای ایشان نافع باشد و چه ضرر داشته باشد، و در هر حال تابع اختیار و اراده خداوند متعال جل و جلاله می باشند.

و بعضی از کسانی که اظهار عقیده به امامت آن حضرت می نمایند به من گفت: برای من در غیبت امام زمان شبهه حاصل شده است، گفتم: آن شبهه چیست؟ گفت: آیا برای آن حضرت ممکن نیست که بعضی از شیعیان خود را ملاقات نماید و این اختلافهایی که در دین و شریعت جدش صلی الله علیه و آله و سلم واقع شده است بر طرف نماید؟ و از من تقاضا کرد که جواب شبهه او را بدهم نه به آنچه در کتابها نوشته شده است، زیرا که به آنها و آنچه از دیگران شنیده رفع شبهه او نشده است، در جواب او گفتم: آیا قدرت آن حضرت در رفع اختلافات و ازاله شبهات بیشتر است یا قدرت و توانایی خداوند متعال؟

و آیا رحمت و فضل و عدل آن حضرت بالاتر است یا رحمت و عدل خداوند؟ گفت: البته قدرت و رحمت و عدل خداوند بیشتر و بالاتر است گفتم: آیا چه مانع است که خداوند ارحم الراحمین و اکرم الاکرمین رفع این اختلافات و ازاله این شبهات را بنماید؟ و حال اینکه خداوند جل جلاله برای این کار به طرق و اسبابی علم و قدرت دارد که بنی آدم به آنها احاطه و راه ندارد، آیا نه برای حکمت و مصلحتی است که عدل و فضل او جل جلاله اقتضا نموده است؟ در جوابم گفت: آری چنین است، گفتم: پس عذر نائب و خلیفه او عذر او جل جلاله خواهد بود؛ زیرا که آن حضرت کاری نکند مگر اینکه کاملاً مطابق امر الهی و رضای او خواهد بود. پس حرفم را قبول نموده و با من همراه شد و شبهه او زایل گردید، و دانست که این کلامی که خداوند جل جلاله بر زبان من جاری نموده صحیح و درست و مطابق با واقع است.

در سپردن سید قدس سره فرزند خود را به امام عصر علیه السلام

و ای فرزندم محمد، که خداوند جل جلاله ظاهر و باطن تو را به دوستی و موالات اولیاء خود و دشمنی دشمنان خود زینت دهد، بدان که: چون خبر ولادت تو در ایام زیارت عاشورا در کربلای معلای معلا به من رسید (چون ولادت تو به طالع سعد و اقبال، در ساعت دو و پنج دقیقه از روز سه شنبه نهم محرم سال ششصد و چهل و سه بود) به شکرانه این مسرت و احسانی که خداوند به سبب ولادت تو به من مرحمت فرمود، با کمال مذلت و انکسار در پیشگاه

حضرتش بر پای خاسته، و به امر خداوند تو را بنده مولانا، حضرت مهدی علیه السلام و متعلق به او قرار دادم، و مکرر در حوادثی که برای تو پیش آمد کرده به حضرتش پناهنده شده و به ذیل عنایتش متوسل شدیم.

و حضرتش را مکرر در خواب دیده و بر ما انعام فرموده و متولی قضای حوائج تو شده است که وصف آن نتوانم نمود.

پس در موالات و دوستی و وفای به حق آن حضرت، و تعلق خاطر و توجه قلبی به حضرتش به طوری بوده باش که خدا و رسول و آن حضرت و پدران بزرگوارش خواسته اند، و حوائج و خواسته های آن حضرت را بر حوائج خود مقدم بدانم، به شرحی که در کتاب "المهمات و التتمات" بیان نموده ام.

و ابتدا کن به صدقه دادن برای آن حضرت قبل از اینکه برای خود و عزیزانت صدقه بدهی، و دعای برای آن حضرت را بر دعای برای خود مقدم بدانم، و برای وفای بحق آن حضرت و عطف توجه و احسان آن حضرت به خود در هر امر خیری حضرتش را بر خود مقدم بدانم، و در هر روز دوشنبه و پنجشنبه با کمال ذلت و خضوع حوائج خود را بر حضرتش عرضه بدانم.

و در مقام مخاطبه با آن حضرت بعد از سلام به حضرتش زیارتی را که اول آن «سلام الله الکامل...» است بخوان،⁽¹⁾ و آن را در اواخر کتاب "المهمات" ذکر

ص: 156

1- . این زیارت را علمای اعلام در کتب ادعیه و زیارات نقل نموده اند، از آن جمله مرحوم محدث قمی قدس سره در فصل هفتم از کتاب مفاتیح الجنان خود از کتاب (کلم طیب) سید علیخان رحمه الله نقل نموده است که فرموده: این استغاثه ایست به حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه هر جا که باشی دو رکعت نماز بحمد و هر سوره که خواهی بگذار، پس رو به قبله زیر آسمان بایست و بگو: «سلام الله الکامل التام...»، هر کس طالبست به آن کتاب مراجعه نماید.

نموده ام و بگو:

«يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعِهِ مُضْجَاهٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ» (1)

یعنی: «ای عزیز، ما و اهلمان را ناراحتی و ضرر فرا گرفته است و نزد تو با مبلغ کمی آمده ایم، پس پیمانۀ ما را بر کن و به ما صدقه بده که قطعاً خدا جزای صدقه دهندگان را می دهد.»

«تَاللَّهِ لَقَدْ آثَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ» (2)

یعنی: «قسم به خدا که قطعاً تو را خداوند بر ما برتری داده و نیستیم ما مگر خطاکار (و گنهگار).»

و بگو یا مولانا «اسْتَغْفِرُ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ» (3)

یعنی: «ای مولای ما، طلب بخشش کن برای ما گناهانمان را که قطعاً ما از خطاکاران بوده ایم.»

و بگو ای سید و مولای ما اینها مقام برادران یوسف است با برادر و پدر خود، که بعد از آن همه جنایات به آنان ترحم فرمودند و از گناهانشان گذشتند، پس اگر ما در نزد خدا و رسول و پدران بزرگوارت و نزد تو مرضی و پسندیده نیستیم تو ای سید ما اولی و احقی به اینکه ما را مشمول رحمت و حلم و کرم خود قرار دهی از حضرت یوسف که برادران خود را مشمول عطف و مهربانی و احسان خود قرار داد.

ص: 157

1- .سوره یوسف، آیه 88

2- .سوره یوسف، آیه 91

3- .سوره یوسف، آیه 97

و بگو: ای سید و مولای ما، من در اخبار دیده ام که برای جدت محمد صلی الله علیه و آله و سلم دشمنی سرسخت بود به نام نصر بن حارث، و آن حضرت او را به قتل رسانید، و پس از قتل وی خواهر او این اشعار را خطاب به آن حضرت انشاد کرد:

امحمد و لانت نسل نجیبه من قومها

و الفحل فحل معرق

ان کان یمكن ان تمن وربما

من الفتی و هو المغیظ المخنق

و العبد اقرب من وصلت قرابه

و أحقهم ان کان عتق یعتق

یعنی: «ای محمد همانا تو از نسل زنان نجیبه و مردان فحول و دارای اصل و نسب عالی هستی، اگر ممکن بود شایسته بود که بر ما منت گذاری، و چه بسا جوانمردانی که منت نهند در حالتی که غیظ و غضب گلوگیر آنان باشد، و این بنده (نصر بن حارث) نزدیک تر کس است به صله نمودن از حیث خویشی و قرابت، و سزاوارترین شخص است به آزادی اگر بنده آزاد شود.»

و چون این اشعار به سمع مبارک آن حضرت رسید فرمود: اگر قبل از قتل او این اشعار به من رسیده بود هر آینه او را عفو نموده بودم، و تو ای سید و مولای من، در تمام صفات حمیده و خصال پسندیده اهل اقتدا و تاسی به جد بزرگوار خود هستی.

ص: 158

و بگو: من در حدیث دیده ام که چون حضرت موسی به قارون که از خویشان او بود نفرین کرد، و زمین او را فرو برد، قارون فریاد برآورد: و ارحماه! خداوند جل جلاله به زمین امر فرمود که دیگر او را فرو نبرد، و حق حرمت این استغاثه را رعایت فرمود، و من نیز عرضه می دارم: و ارحماه!

و غیر از اینها از آنچه خداوند جل جلاله به خاطر و قلب تو القاء فرماید و بر زبان تو جاری نماید به حضرتش عرضه بدار، و نیز عرضه بدار: که پدرم به من خبر داده است که مرا به تو سپرده است، و سفارش مرا به تو نموده است، و به اذن خداوند جل جلاله مرا بنده تو قرار داده است، که جواب آن حضرت صلوات الله علیه به تو خواهد رسید.

در طریق وصول به جواب امام عصر علیه السلام

و ای فرزندم محمد، که خداوند جل جلاله عقل و قلبت را مملو از تصدیق به اهل تصدیق و توفیق به معرفت حق فرماید، بدان که: از مطالبی که لازم است برای تو بگویم اینست که:

طریق معرفت جواب سید و مولای ما، حضرت مهدی صلوات الله و سلامه علیه، و راه وصول به این شرافت که خداوند به قدرت و رحمت خود برای متوسلین به آن حضرت مقرر فرموده است، چند چیز است.

از آن جمله است آنچه محمد بن یعقوب کلینی در کتاب "الرسائل" از کسی که وی را نام برده است، نقل نموده که گفت: به حضرت ابوالحسن، موسی بن -

جعفر علیهما السلام نوشتیم که: همانا مردی دوست دارد که مطالب و حوائج خود را به امام خود عرضه بدارد، آنچنان که دوست دارد که بر پروردگار خود عرضه بدارد. (تکلیف او چیست و چه باید بنماید؟)

گوید: در جوابم مرقوم داشت که: اگر تو را حاجتی باشد لبهای خود را حرکت ده که جواب برای تو خواهد رسید.

و از آن جمله است آنچه که هبه الله بن سعید راوندی در کتاب "الخرائج" از محمد بن الفرج روایت نموده که گفت: حضرت علی بن محمد علیهما السلام به من فرمود:

اگر بخواهی مسأله ای پرسش نمایی آن را بنویس و در زیر مصلاهی خود قرار ده و ساعتی صبر کن پس از آن، آن را بیرون بیاور و در آن نظر کن، گوید: چنین کردم و جواب آنچه را سؤال کرده بودم با تویع و امضای شریف حضرتش در آن یافتم.

و همین اشاره و تنبیه برای تو کافی است، و راه به سوی امام تو علیه السلام برای کسی که خداوند مورد عنایت و احسانش قرار دهد، مفتوح و باز است.

و ای فرزندم محمد، که خداوند جل جلاله سعادت تو را به لقاء حضرتش کامل نماید، و مقام و منزلت را شریف گرداند، و عاقبت امر تو را به خیر فرماید، بدان که، اگر یک آیه در کتاب مقدس الهی نبود که: «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (1) هر آینه به تواز روی اطمینان خبر می دادم که من درک

ص: 160

1- . خدا هر چه را بخواهد، محو می کند و هر چه را بخواهد اثبات می کند و در نزد او امّ الکتاب است، سوره رعد، آیه 39

ظهور کامل آن حضرت را می نمایم، و در ظل عنایت و خوان نعمت گسترده حضرتش داخل می شوم، زیرا که این ایام، ایام ظهور آن آفتاب تابان، و هنگام زوال زیان و سختی و محرومیت است، ان شاءالله.

پس اگر خداوند جل جلاله مرا به آرزوی خود برساند تحفه های شرف و اقبال را برای من کامل فرموده است، و اگر قبل از رسیدن به این مقصد مهم مرگ مرا مقدر فرموده باشد همانا تدبیر امور و آمال و آرزوهای من به دست او است جل جلاله.

و اگر من داعی حق را لیبیک گفتم و به لقاء خداوند جل جلاله خواننده شدم، و قبل از ظهور آن حضرت مرگم برسد، و عنایت به اهل رجعت و حضور شامل حالم نشود، تو را وصیت و سفارش می کنم، و به کسانی که از اولاد و ذریه من آن حضرت را ملاقات نمایند نیز وصیت و سفارش می کنم و خداوند جل جلاله و ملائکه را شاهد می گیرم که چون آن حضرت را ملاقات کردید و به این سعادت ربانی مشرف شدید، و به شما اذن سخن گفتن در پیشگاه نبوی منزلت حضرتش داد، به حضور مقدسش عرضه بدارید که:

پدر ما علی بنده ایست فرمانبردار و مملوکی است خاضع، اگر او را در پیشگاه خویش پذیری آنچه را که مرضی خاطر حضرتت باشد بپذیرد، و از حضرتت استدعا دارد که به اذن ابلاغ سلام و صلوات بر حضرتت مشرفش فرمائی، و در پیشگاه حضرتت تضرع و زاری می نماید و با کمال انکسار و ذلت از حضرتت خواستار است که به آنچه مسألت آن محتاج به تضرع است اجازتش دهی، و به آنچه شایسته مقام بزرگواری آن حضرت است موفقش بداری، و به آمال و

و از مراحم و مکارم اخلاق حضرتت مسألت دارد که وصیت و سفارش او را درباره این بنده که مبلغ و فرستاده او است و در مقابل حضرتت ایستاده است قبول فرمائی، و در زمره عزیزان در پیشگاهت قرارش دهی، و مفتخرش فرمائی که آنچه را از طرف خداوند و جنابت به آن محتاج است در پیشگاه حضرتش جل جلاله و در حضور انورت عرضه بدارد، صلوات الله و برکاته و تحیاته و اقباله علیک و علی آبائک الطاهرین. (1)

اهمیت دعا برای فرج امام زمان علیه السلام در کتاب مستطاب اقبال الاعمال سید بن طاووس رحمه الله

الجزء الأول؛ أبواب أحكام شهر رمضان؛ الباب الرابع فيما نذكره مما يختص بأول ليلة من شهر رمضان؛ فصل فيما نذكره مما يختص به كل ليلة من شهر الصيام (رمضان):

جلد اول، باب های احکام ماه رمضان؛ باب چهارم از اعمالی که مختص شب اول ماه رمضان است؛ فصل بیست و پنجم: آخرین عمل در هر شب از ماه رمضان:

اعلم أن حديث كل ضيف مع صاحب ضيافته و كل مستخفر بخفير فحديثه مع المقصود بخفارتة و إذا كان الإنسان في شهر رمضان قد اتخذ

ص: 162

خفيرا و حاميا كما تقدم التنبيه عليه فينبغى كل ليله بعد (عند) فراغ عمله أن يقصد بقلبه خفيه و مضيفه و يعرض عمله عليه و يتوجه إلى الله جل جلاله بالحامى و الخفير و المضيف و بكل من يعز عليه و بكل وسيله إليه فى أن يبلغ الحامى أنه متوجه بالله جل جلاله و بكل وسيله إليه و فى أن يكون هو المتولى لتكميل عمله من النقصان و الوسيط بينه و بين الله جل جلاله فى تسليم العمل إليه من باب قبول أهل الإخلاص و الأمان أقول و من وظائف كل ليله أن يبدأ العبد فى كل دعاء مبرور و يختم فى كل عمل مشكور بذكر من يعتقد أنه نائب الله جل جلاله فى عباده و بلاده و أنه القيم بما يحتاج إليه هذا الصائم من طعامه و شرابه و غير ذلك من مراده من سائر الأسباب التى هى متعلقه بالنائب عن رب الأرباب و أن يدعوله هذا الصائم بما يليق أن يدعى به لمثله و يعتقد أن المنه لله جل جلاله و لنائبه كيف أهلاه لذلك و رفعاه به فى منزلته و محله.

بدان که سر سخن هر میهمان و حمایتجو با میهماندار و حامی خود است. در ماه رمضان نیز - چنانکه پیش از این نیز اشاره شد - انسان برای خود پناهگاه و حامی می گیرد. بنابراین، شایسته است که در پایان اعمال هر شب، دل خود را متوجه حامی و میهماندار خود نموده و عمل خود را بر او عرضه کند و با توسل به او و دیگر کسانی که نزد خدا عزیزند و نیز به هر وسیله ممکن به خداوند جلّ جلاله توجه نموده و از او بخواهد که

حامی او را آگاه کند که او با هر وسیله ممکن به خدا توجه نموده است و نیز از خدا بخواهد که حامی اش را عهده دار تکمیل اعمال او از کاستیها گردانده و در سپردن عمل به خدا، حامی خود را واسطه میان خود و خداوند جلّ جلاله گرداند تا خداوند مانند اهل اخلاص و ایمنی یافتگان، عمل او را بپذیرد. یکی دیگر از وظایف هر شب ماه رمضان این است که بنده در آغاز هر دعای نیک و در پایان هر عمل مورد سپاس، به کسی که معتقد است نایب خداوند جلّ جلاله در میان بندگان و سرزمینها و سرپرست ما یحتاج او است-اعمّ از خوراکی و نوشیدنی و خواسته ها و اسباب دیگر غیر از این، که به دست آن نایب ربّ الارباب است-توجه نموده و از او بخواهد که هر چیز را صلاح است برای او بخواهد و افزون بر این، اعتقاد داشته باشد که این توجه منّتی از سوی خداوند جلّ جلاله و نایب او است که شایستگی این توجه را به او داده و منزلت و جایگاه او را بالا برده اند.

فمن الروایه فی الدعاء لمن أشرنا إليه صلوات الله علیه ما ذكره جماعه من أصحابنا و قد اخترنا ما ذكره ابن أبي قره فی كتابه: فقال بإسناده إلى علی بن الحسن بن علی بن فضال عن محمد بن عیسی بن عبید بإسناده عن الصالحین علیهم السلام قال:

یعنی: یکی از روایات درباره دعا برای جانشین خدا (امام زمان صلوات الله علیه)، این دعا است که گروهی از راویان امامیه ذکر کرده اند و ما منّتی را که «ابن ابی قرّه» در کتاب خود نقل کرده است برمی گزینیم. او به سند خود از برخی امامان علیهم السلام نقل کرده است که فرمود:

و کرر فی لیلہ ثلاث و عشرین من شهر رمضان قائما و قاعدا و علی کل حال و الشهر کله و کیف أمکنک و متی حضرک فی دهرک تقول بعد تمجید الله تعالی و الصلاه علی النبی و آله علیهم السلام

در شب بیست و سوم ماه رمضان، ایستاده و نشسته و در هر حال، بلکه در کل این ماه و به هر صورت که امکان داشت، بلکه در طول عمرت هرگاه به یادت آمد، بعد از تمجید خداوند متعال و درود بر پیامبر و خاندان او علیهم السلام این دعا را تکرار کن:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ الْحُجْبَةِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَمُؤَيِّدًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوْلًا وَعَرْضًا وَتَجْعَلَهُ وَذُرِّيَّتَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ الْوَارِثِينَ اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَانصُرْ بِهِ وَاجْعَلِ النَّصْرَ (مِنْكَ) لَهُ وَعَلَى يَدِهِ وَالْفَتْحَ عَلَى وَجْهِهِ وَلَا تُوجِّهْ الْأَمْرَ إِلَى غَيْرِهِ اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسَّ تَخْفِي بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلِهِ كَرِيمِهِ تَعَزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَاجْمَعْ لَنَا خَيْرَ الدَّارَيْنِ وَاقْضِ عَنَّا جَمِيعَ مَا تُحِبُّ فِيهِمَا وَاجْعَلْ لَنَا فِي ذَلِكَ الْخَيْرَةَ بِرَحْمَتِكَ وَمَنْكَ فِي عَافِيَةِ آمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَيَدِكَ الْمَلَأَى فَإِنَّ كُلَّ مُعْطٍ يَنْقُصُ مِنْ مُلْكِهِ وَ

یعنی:

«خداوندا! باش، برای حجت (روی زمین) حضرت محمد بن حسن مهدی بهترین درود و سلام بر او و بر پدرانش در این لحظه و در تمام لحظه ها، سرپرست و نگهبان و راهبر و یاور و راهنما و مؤید، تا اینکه همه را منقاد او گردانیده و در زمین استوار بداری و از درازا و پهنای زمین برخوردار گردانیده و قرار دهی او را و ذریه اش را از ائمه وارث (که زمین را به ارث می برند). خداوندا، او را یاری کن و به وسیله او انتقام بگیر و یاری خود را برای او و در اختیار او و پیروزی را در پیشروی او قرار ده و کار را به دیگری وامگذار. خدایا، دین خود و آیین پیامبرت را به وسیله او آشکار ساز، تا از بیم هیچکس از آفریده هایت، هیچ چیز از حقّ را پنهان ندارد. خداوندا، همانا من دولت گرامی ای را از تو می خواهم که اسلام و اسلامیان را به آن سرافراز و نفاق و منافقان را خوار گردانیده و ما را از دعوت کنندگان به طاعتت و راهبران به راحت قرار دهی و نیکی دنیا و آخرت را به ما ارزانی دار و از عذاب آتش جهنّم نگاه دار و خیر دو سرا را برای ما فراهم کن و تمام تکالیفی را که در این دو سرا دوست می داری، از طرف ما برآور و این همه را به رحمت و بخششت، برای ما همراه با عافیت قرار ده. اجابت فرما ای پروردگار جهانیان و از تفصّل و دست پر (از رحمت) خود بر ما بیفزای، که هر دهنده ای (در صورت بخشش) از فرمانروایی و سلطنتش می کاهد، ولی عطای تو موجب افزایش سلطنتت می گردد.»

ص: 166

آیا امام زمان علیه السلام احتیاج به دعای ما دارد؟!

باید به این حقیقت گوشزد کنیم که آن حضرت خلیفه خدای تعالی بر کره زمین می باشد که از علم و قدرت لایزال الهی به نحو اتم و اکمل برخوردار است و احتیاجی به هیچ فردی جز خدای تعالی ندارد.

اما اینکه دعا برای آن حضرت واجب گردیده برای این است که پروردگار عالمیان برای هدف خلقت و رسیدن به کمال عبودیت و کمال انسانی، آن حضرت را ذخیره نموده است و مسلّم است که انسان ها بدون راهنمای الهی هرگز به مقصد و انگیزه خلقت نمی رسند. لذا بر آنان واجب گردیده دعا کنند و از خدای تعالی ظهور و فرج آن حضرت را طلب نمایند تا از این طریق به سعادت دنیوی و اخروی برسند.

خداوند می داند که اگر انسان را به حال خود واگذارد نه تنها به کمال و سعادت نمی رسد بلکه خود را به ذلت و پستی می کشاند لذا از روی محبت و لطفی که به بندگانش دارد آن ها را به انجام عباداتی مثل فریضه نماز امر نموده است تا به وسیله آن عبادات به کمال عبودیت و بندگی و سرانجام به مقام والای اولیاء خدا برسند و از جمله آن عبادات "دعا برای فرج" است. پس امر به دعا برای فرج در واقع چیزی نیست جز لطف و رحمتی از سوی پروردگار به بندگانش، تا به این وسیله بهتر و سریعتر به کمال و سعادت دنیوی و اخروی خود برسند.

به بیانی دیگر ما هدف ارزنده ای داریم که موانعی جلوی رسیدن به آن را

گرفته است و ظهور امام زمان علیه السلام علت تأمه رسیدن به آن هدف می باشد پس بر ما واجب است که در دفع و رفع موانع آن همت و جدیت کنیم، و چون تأخیر ظهور مولای ما صاحب الزمان علیه السلام به سبب موانعی است که از ناحیه خود ما سرچشمه گرفته، بر ما است که از خداوند متعال برطرف شدن آن موانع را بخواهیم. پس دعا کردن برای تعجیل فرج امام علیه السلام، در حقیقت دعا برای خودمان و سودمند به حالمان می باشد.

چنانکه خود آن حضرت هم ضمن توقیعی به این معنی اشاره فرموده اند:

«و بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج، که در آن فرج خود شما است.»⁽¹⁾

این جمله نورانی آن حضرت اشاره به بی نیازی آن حضرت از ما می باشد.

وجه دیگر اینکه دعای ما برای آن حضرت، از باب هدیه شخص حقیر فقیری به رادمرد بزرگواری است، تردیدی نیست که دعا، نشانه نیاز این فقیر به بخشش آن بزرگ است، و این شیوه بندگان نسبت به اربابان می باشد، چه خوش گفته اند:

اهدت سلیمان یوم العید قبره

برجله من جراد کان فی فمها

ترنمت بلطیف القول ناطقه

ان الهدایا علی مقدار مهدیها⁽²⁾

یعنی: «در روز عیدی پرنده ای هدیه داد به سلیمان پیامبر به ران ملخی که در دهان گرفته بود، سپس با گفتاری لطیف و زیبا گفت: همانا هدایا به

ص: 168

1- . کمال الدین و تمام النعمه، باب 45، حدیث 4

2- . مکمال المکارم، ج 1، ص 348

مقدار توان هدیه دهنده است.»

پس نکند خدای ناکرده کسی تصوّر کند امام عصر علیه السلام به دعای ما نیازمند است. برعکس این ما هستیم که سرپای وجودمان نیازمند به ایشان است، لذا در روایات آمده است: «هرکس پندارد که امام علیه السلام به آنچه در دست مردم است احتیاج دارد کافر است.»⁽¹⁾

از آنچه مطرح شد معلوم می شود نه تنها دعا برای ظهور امام زمان علیه السلام درست است بلکه واجب است که هر انسانی به این امر مداومت کند.

تو فرمودی دعا بنما برایم

و آن بسیار باشد، ای گدایم

یقین دارم که باشد بهره از من

نداری احتیاجی بر دعایم

زیاد از حد دعا گویم برایت

که روح و جان من گردد فدایت

تو فرمودی که خیلی کن دعایم

که گرداند تو را مستم، فدایت

دعا گویان دعا بر ما نمایید

دعا از بهر ما هر جا نمایید

برای امر تعجیل و ظهورش

دعا بر مهدی زهرا نمایید

اگر خواهان آن دوران نورید

اگر مشتاق دوران وفورید

ص: 169

دعا بهر فرج بر ما نمایید

اگر طالب به دوران ظهورید

فرج را از خدا امضا بخواهید

قضاء از قاضی الحاجات بخواهید

اگر طالب به سوی وصل یارید

فقط امر فرج بر ما بخواهید

دعاگویان سعادت را بیوید

سبک بالان هدایت را بجوید

اگر جاهل شدی در راه مطلوب

دعاگویان عاشق را بیوید

خودش فرمود دعا بر من نمایید

دعا بهر فرج بر من نمایید

اگر خواهی سرور روی مولا

اگر خواهی بینی روی مولا

دعا بهر فرج بنما بینی

جمال دلربا و روی مولا

همه مشتاق دوران شماینند

ائمه عاشق روی شماینند

آیا امر به دعا برای فرج امام زمان علیه السلام با احادیثی که از تعجیل در ظهور نهی شده است، در تناقض نیست؟!

اشاره

باید دانست شتابی که در روایات نهی شده با درخواست تعجیل در فرج، فرق می کند زیرا بعضی از شتاب ها با یأس و ناامیدی و توأم با کم صبوری است که این گونه شتاب ها نهی شده است.

مؤمن با کسب معرفت، تسلیم قضا و قدر الهی می گردد و دعا برای تعجیل ظهور را یک ابزار برای رسیدن به نعمت بزرگ الهی می داند لذا در کنار دعا برای تعجیل در فرج، خود را با اخلاق نیکو می آراید که از جمله آن ها صبر و استقامت است و محقق شدن ظهور یا عدم آن، او را از انجام وظایف دینی که از جمله آن ها دعا برای ظهور است، باز نمی دارد این حقیقت را در دعایی که از جانب عثمان بن سعید عمروی رحمه الله نقل شده است اینگونه به ما تعلیم داده اند:

«...فَصَبِّرْني عَلَى ذَلِكِ حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ وَلَا أَكْشِفَ عَمَّا سَتَرْتَهُ وَلَا أَبْحَثَ عَمَّا كَتَمْتَهُ وَلَا أَنْزِعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ وَلَا أَقُولَ لِمَ وَكَيْفَ وَمَا بَالُ وِلِيِّ الْأَمْرِ لَا يَطْهَرُ وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ...»(1)

یعنی: «... پروردگارا مرا بدان (امر غیبیت آن حضرت) صبر و تحمل ده تا دوست ندارم آنچه به تأخیر انداخته ای جلو بیفتد و آنچه را تعجیل بخواهی من به تأخیرش مایل نباشم. و هرچه تو در پرده قرار داده ای افشایش را

ص: 171

نطلبم، و در آنچه نهان ساخته ای کاوش ننمایم و در تدبیر امور جهان با تو (که همه مصالح را می دانی) به نزاع نپردازم، و نگوییم که چرا و چگونه؟ و به چه جهت ولی امر غایب، آشکار نمی شود و ظهور نمی کند در حالی که زمین پر از ستم گردیده است؟! ...»

به بیانی دیگر به طور کلی عجله بر دو قسم است:

1- عجله مذموم

2- عجله ممدوح

عجله مذموم آن است که انسان خود قیام به عمل کاری کند که وقت آن نرسیده است مثل اینکه غذایی را بخورد که وقت خوردن آن فراهم نشده و هنوز نپخته یا بسیار داغ می باشد که عقلاً و نقلاً قبیح و مذموم است، ولی درخواست تعجیل فرج از خدای تعالی در واقع درخواست تحقق زمینه آن و فراهم شدن لوازم آن از جانب پروردگار است و خداوند بر هر کاری قادر و توانا است.

اما عجله ممدوح آن است که شخص در اولین فرصت ممکن، تحقق یافتن امری را از خدای تعالی بخواهد که زمینه آن فراهم شده یا درخواست فراهم شدن زمینه آن را دارد.

و چون ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام از اموری است که به خواست خداوند ممکن است جلو بیفتد و منافع آن نیز بیشمار است، پس بر هر مؤمنی است که بر این باور باشد و بر خود واجب داند که در دعا جدیت کند تا در اولین زمانی که صلاحیت ظهور در آن باشد، خداوند آن را برساند و یا زمینه های آن را فراهم سازد و در عین حال صبر کند و تسلیم باشد تا آن هنگام فرارسد.

اگر ظهور امام زمان علیه السلام امری است که نزد خدای تعالی تقدیر یافته و تا زمانش فرا نرسد صورت نمی گیرد، پس دعای ما چه فایده ای دارد؟

در جواب عرض می کنیم: از بسیاری از اخبار و فقرات ادعیه و زیارات استفاده می شود که امر ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، اصل وقوعش یک وعده تخلف ناپذیر الهی است ولی زمان وقوع آن از امور بدائیه است که قابل تعجیل و تأخیر است، و نیز از بعضی از اخبار، به دست می آید که دعای مؤمنین هنگامی که با شرایط و آدابش انجام شود، تأثیر بسزایی در تعجیل فرج خواهد داشت، لذا دعای فرد مؤمن برای تعجیل در این امر در حقیقت نصرت و یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

دعا باعث تعجیل فرج و ترک آن باعث تأخیر در امر فرج می شود. در بعضی از روایات تصریح شده است که دعای مؤمنین در مورد فرج موجب تعجیل فرج می شود و ترک دعا برای فرج موجب تأخیر آن. از آن جمله، روایتی است که از شیخ جلیل، عیاشی از فضل بن ابی قره نقل شده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمودند: «خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام وحی فرمود که به زودی پسری برای تو از ساره متولد می شود. ساره گفت: من پیرزن ناتوان هستم. خداوند فرمود: به زودی فرزندی آورد و فرزندان آن پسر، تا چهارصد سال در دست دشمن گرفتار عذاب شوند به سبب آنکه کلام مرا رد نمودند. پس چون قوم بنی اسرائیل در دست فرعون مبتلا شدند، تا چهل روز به

درگاه خداوند ناله و گریه نمودند. حق تعالی به حضرت موسی و هارون علیهما السلام وحی فرستاد که ایشان را از چنگال فرعون نجات دهند و 170 سال از آن چهارصد سال باقیمانده بود که آن را بخشید. «آنگاه امام صادق علیه السلام فرمودند: «اگر شما هم اینگونه تضرع و زاری می کردید حق تعالی فرج ما را مقدر می فرمود و چون چنین نکنید، این امر به نهایت خود خواهد رسید» (1).

همچنین حضرت امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«دعا کن و مگو که کار گذشته است و آنچه مقدر شده همان شود (و دعا اثری ندارد)...» (2)

مرحوم علامه مجلسی رحمه الله در شرح روایت فوق می گوید:

«... باید ایمان به بداء داشت و به اینکه خداوند سبحان هر روز در کاری است و هر چه خواهد محو کند و هر چه بخواهد ثبت کند و قضا و قدر مانع دعا نیستند، چون تغییر در لوح محفوظ ممکن است. گذشته از اینکه خود دعا نیز از اسباب قضا و قدر (است) و امر به دعا نیز از همان هاست.» (3)

مؤلف کتاب شریف مکیال المکارم با استناد به این روایت می گوید:

«آنچه از روایات به دست می آید ظاهراً این است که وقت ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از امور بدائیه است که امکان پس و پیش افتادنش

ص: 174

1- . تفسیر عیاشی، ج 2، ص 154- بحار الانوار، ج 52، ص 131

2- . اصول کافی، ج 4، ص 213

3- . اصول کافی، ترجمه و شرح محلاتی، ج 4، ص 211

یعنی می توان با دعا نمودن، فرج و ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را جلو انداخت و تشویق ائمه اطهار علیهم السلام به دعا نمودن برای تعجیل ظهور، بیانگر آن است که حصول فرج و فرا رسیدن دوران ظهور، دارای یک زمان صد درصد تعیین شده و تغییر ناپذیر نیست و اگر مردم به مسئله غیبت امام زمانشان و طولانی شدن این امر بی توجهی نموده و با دل های

متحد و یکپارچه، فرج آن حضرت را از خداوند متعال نخواهند، خداوند ظهور آن بزرگوار را تا انتهایی که برای دوران غیبت در نظر گرفته است و ما از آن اطلاعی نداریم به تعویق خواهد انداخت و البته این نهایت نیز ممکن است هر لحظه فرا برسد.

ص: 175

جای خالی دعا برای فرج در رساله های عملیه

تا این زمان در هیچ رساله عملیه مراجع عظام، احکام این فریضه الهی (حکم دعا برای فرج) ذکر نشده است که امیدوارم این رساله مختصر سبب گردد که در رساله عملیه مراجع عظام این فریضه و احکام آن راه یابد، و مؤمنین و مؤمنات که از آن غافل بودند در عمل به احکام آن ارشاد شوند.

شاید چنین تصور شود که ایراد به فقها خود یک نوع بی حرمتی و اسائه ادب نسبت به ساحت مقدس مراجع عظام باشد؟! ولی ما در طی یک مقدمه بسیار کوتاه و مختصر این حقیقت را بیان می کنیم که پویایی فقه شیعه که در میان مذاهب و مسالک جهانی حرف اول را می زند وجه جواز نقد و انتقاد به بزرگان دین است، چون توانمندی و کارآمدی فقه شیعه در قبال انبوه نیازهای تمام نشدنی انسان ها همین امر یعنی انتقاد و اجتهاد است که عامل پویایی و بالندگی فقه در عرصه حیات فردی و جمعی انسان ها گردیده است.

بدین جهت در هر زمان و مکان فقه شیعه تئوری واقعی و کامل در مظاهر زندگی از گهواره تا گور است که با احکام و برنامه های شگفت انگیز خود در صدد حفظ منافع مادی و معنوی انسان ها و پیشگیری از سقوط و انحطاط آن ها پی ریزی شده است. این روند موجب تحول و تغییر در احکام و سنتهایی است که مجتهدان به آن رسیده و فتوی می دهند و گستردگی و تنوع آن حاکی از

جوانب عمیق و ابعاد گسترده‌ی آن است. از این جهت اگر سؤال یا ایرادی به فقیهی گرفته شود نه از باب تحقیر یا منقصت وارد کردن به آن فقیه والا- مقام می باشد، بلکه درصدد اصلاح فتوی و یافتن راهی شرعی برای زندگی مسالمت آمیز دینی می باشد، زیرا فقها از دایره عصمت ائمه اطهار علیه السلام خارج هستند و احتمال نسیان و خطا در آنان هست.

پر واضح است که احکام فقه در مرتبه اول انحصار در افعال مکلفین دارد و سپس در مقام تبیین احکام پیرامون اشخاص و اشیاء می باشد.

با روشن شدن این مقدمه ای که عرض کردیم جای سؤال از فقهای عظام پیش می آید که دانش فقه که تأمین کننده همه نیازها در عرصه های فردی و جمعی انسان ها است و در این راستا تنظیم شده، چگونه به امر ظهور امام زمان علیه السلام و راه های زمینه سازی آن نپرداخته و در رساله های توضیح المسائل فقهی هیچ اشاره ای به احکام انتظار که سرآمد آن دعا برای فرج است نشده است!!!

و حال آنکه بزرگترین امری که در حیات فردی و اجتماعی انسان ها تأثیرگذار است و باید به آن اندیشید و احکام آن را بیان کرد مسئله ظهور مهدی موعود علیه السلام و انتظار آن امام همام است!!!

سوق دادن و توجه دادن اقشار مردم به امر ظهور مهدی موعود علیه السلام بزرگترین تکلیف شرعی می باشد که عقل و نقل بر آن حاکم است، و این امر بر عهده علما و مراجع دینی است، چنانکه امام هادی علیه السلام می فرمایند:

«لولا من يبقى بعد غيبه قائمنا من العلماء الداعين إليه و الدالين عليه و الذابین عن دینه بحجج الله و المنتقدين لضعفاء عباد الله من شباك إبليس و مردته و من فخاخ النواصب لما بقى أحد إلا ارتد عن دين الله و لكنهم الذين يمسكون أزمه قلوب ضعفاء الشيعة كما يمسك صاحب السفينه سكانها أولئك هم الأفضلون عند الله عز و جل»(1)

یعنی: «اگر بعد از غیبت قائم ما، علما و دانشمندانی نبودند که به سوی او دعوت کنند و دلالت و رهنمون شوند و از دین او دفاع نمایند و بندگان ناتوان را از دام های شیطان و مریدهای او برهانند و از دام های ناصبی ها نجات دهند، هیچ کس باقی نمی ماند جز این که از دین خدا مرتد می گشت. ولی علما، رهبری و مدیریت دل های ناتوانان شیعه را عهده دار می شوند، هم چنان که ملوان ها زمام کشتی را به دست می گیرند و سرنشین های آن را حفظ می کنند. این علما نزد خداوند عزوجل، برترین هستند.»

و چنانکه خدای تعالی در حدیثی به حضرت موسی کلیم الله امر می نماید که مردمی را که راه را گم کرده اند به سوی امام زمانشان سوق دهد تا با معرفت به او و عمل به شریعت به خدای تعالی مقرب گردند، و آن حدیث این است که امام حسن عسکری علیه السلام از امام الساجدین علیه السلام نقل فرموده اند:

خداوند متعال به موسی علیه السلام وحی کرد: «ای موسی مرا نزد آفریدگانم محبوب گردان و آنها را هم محبوب من کن.»

ص: 178

موسی علیه السلام پرسید: «برای انجام این امر چه کنم؟»

خداوند متعال فرمود: «نعمتهای مرا به یاد آنها بیاور تا مرا دوست بدانند. پس اگر یک بنده فراری از درگاه من یا کسی را که درگاه مرا گم کرده به من بازگردانی، برای تو بهتر است از این که صد سال عبادت کنی به طوری که روزها روزه بگیری و شب ها به عبادت بایستی.»

موسی علیه السلام عرض کرد: «بنده فراری از تو کیست؟»

خداوند تعالی فرمود: «شخص معصیت کار سرکش.»

موسی علیه السلام پرسید: «کسی که درگاه تو را گم کرده است، کیست؟»

خداوند متعال پاسخ فرمود:

«الجاهل بإمام زمانه تعرفه و الغائب عنه بعد ما عرفه الجاهل بشریعه دینه تعرفه شریعتہ و ما یعبد به ربه و یتوصل به إلی مرضاتہ»⁽¹⁾

یعنی: «کسی که امام زمانش را نمی شناسد و بعد از شناختنش از او غائب است، کسی که به آیین دین خود آگاه نیست، شریعتش را و راه بندگی پروردگارش را به او یاد بدهی و طریق جلب رضایت خدا را به او بیاموزی.»

ولی متأسفانه این تکلیف مهم و غیر قابل انکار، به فراموشی سپرده شده و در دروس فقهی به آن متعرض نگردیده و در رساله های عملیه مراجع نیز از آن یاد نشده، لذا جای دارد فقهای عظام برای توجه دادن به امر ظهور امام زمان علیه السلام مقلدین خود را به این فریضه الهی یعنی "انتظار و دعا برای فرج"

ص: 179

دعوت کنند و در رساله های عملیه خود با شفافیت کامل، احکام متعدد آن را یاد کنند.

بر خود لازم می بینم برای دفع شبهات دشمن و شیاطین باز عرضه بدارم که هیچ قصدی بر ایراد و یا انتقاد غیر صحیح بر هیچ یک از مراجع عظام ندارم، فقط عرضه می دارم چه نیکو بود که مراجع عظام احکام "انتظار و دعا برای فرج" را نیز در رساله های عملیه خود می آوردند تا مردم و مقلدین خود را متوجه آن امام همام گردانند و همگی، مقلد و مقلد درصدد زمینه سازی ظهور موفور السرور آن امام مهربان برآییم.

روزی یکی از علمای بنام به من فرمود: با این بیان، شما بار تکلیف را بیشتر می کنید و تکلیفی بر تکالیف وجوبی مردم می افزایشید و حال آنکه باید تا می شود تکلیف را آسان گرفت و تکلیفی از تکالیف را از دوش مردم برداشت.

گفتم: اولاً اگر برای شما ثابت شود این تکلیف "وجوب دعا برای فرج" واجب بوده چگونه می شود آن را ساقط کرد؟!

ثانیاً جمله "اللهم عجل لولیک الفرج" چه تکلیف شاقی است که ما باید درصدد رفع آن باشیم؟!

آن عالم گفت: چرا علمای گذشته از این تکلیف وجوبی در رساله های عملیه خود چیزی نفرموده اند؟!

گفتم: اولاً چه بسا آن بزرگواران گفته و نوشته باشند ولی بدست ما نرسیده

است و ثانیاً یا اینکه شفاهاً در محافل و مجالسشان به مقلدین خود می رساندند ولی به ما نرسیده است، چنانکه فرموده اند: «عدم الوجدان لا يدل علی عدم الوجود» و ثالثاً بسیاری از بزرگان این تکلیف الهی "وجوب دعا برای فرج" را در رساله

ها و کتابهایشان آورده اند مثل سید بن طاووس، صاحب مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم و مرحوم آیت الله شیخ محمد باقر فقیه ایمانی و فقیه نامدار آیت الله سید محمد هادی میلانی و و... .

رابعاً اگر فقهای گذشته تکلیفی را به هر جهت و علتی بیان نکرده اند دلیل نمی شود که ما هم آن تکلیف و موضوع را بررسی نکنیم و حکم و جوی آن را بیان ننماییم، به عبارت دیگر آیا چون فقهای گذشته اجتهاد نکردند ما نیز نباید اجتهاد کنیم؟! این گفتار شما خلاف پویایی فقه شیعه می باشد زیرا ما باید هر موضوع و تکلیفی را مورد بررسی قرار دهیم و از ادله اربعه (کتاب، سنت، عقل، اجماع) حکم آن را بیابیم و این امر خود یکی از مهم ترین تکالیف یک فقیه و مجتهد است که از جمله آن، حکم "دعا برای فرج" است که از افعال و تکالیف مؤمنین می باشد و باید حکم آن را از ادله اربعه بیان نمود.

خامساً بنا به فرموده شما حال به هر عنوانی فقها و علمای گذشته در کتابها و رساله های عملیه خود نیاورده باشند، وظیفه ماست که آن را مطرح نموده و تقاضا نماییم نظر خود را بابت حکم آن بیان نمایند تا بدین صورت از مسئله و حکمی که غفلت شده پرده برداریم تا در کتب فقهایشان راه یابد و مقلدین آنان به این موضوع و تکلیف بسیار مهم پی ببرند و برای اقامه آن قیام نمایند که

خود در امر زمینه سازی ظهور و فرج حضرت بقیه الله ارواحنا لتراب مقدمه الفداء بسیار تأثیرگذار می باشد.

و همچنین سید بن طاووس رحمه الله جواب شما را اینگونه داده اند:

«مبادا به استناد عمل فلان شیخ و فلان شیخ که هرگز در حق آن حضرت دعا نمی کنند، بلکه اصلاً از او غافلند و هرگز نامی از او نمی برند از دعا به آن حضرت غافل شوی، که غفلت از یاد او اشتباهی فاحش است»⁽¹⁾

آن عالم گفت: چرا شما برای واجب دانستن دعا برای فرج به دنبال فتوا می گردید، در صورتی که در اصول دین تقلید جایز نیست و هر کس باید به وظیفه خویش عمل نماید.

در جواب گفتم: اولاً دعا برای فرج جزء افعال مکلفین می باشد مانند فریضه نماز که هم در اصول دین و هم در فروع دین گنجانده شده است، به این معنا که اعتقاد به فریضه نماز اصلی است از اصول اعتقادی و عمل نمودن و بیاداشتن آن تکلیفی است عملی که باید مجتهد صاحب فتوا کیفیت و فروع آن را برای مقلدین خود بیان کند، چنین است دعا برای فرج که جزء اعتقادات قلبی بوده و چون عملی است که از اعضا و جوارح مکلف سرچشمه می گیرد چگونگی و فروع آن باید از ناحیه مرجع صاحب فتوا بیان گردد، لذا احکام این فریضه همانند فریضه نماز باید با شفافیت کامل برای مقلدین بیان گردد. همچنین به آن عالم بزرگوار عرض کردم اگر احکام فریضه دعا برای فرج در رساله ها آورده شود مکلفین به اهمیت

ص: 182

آن پی برده و در عمل کردن به این فریضه کوتاهی نخواهند کرد و تأثیر بسزایی بر یاد و ذکر امام غائب علیه السلام دارد که در سایه آن، همانند فریضه نماز باعث رشد و تعالی معنوی فرد و جامعه می گردد.

اهمیت دعا برای ظهور امام زمان علیه السلام در نظر علمای گذشته

1- سید بن طاووس رحمه الله در وجوب و اهمیت دعا برای امام زمان علیه السلام می فرماید:

«أن الدعاء له من مهمات أهل الإسلام و الإيمان...»⁽¹⁾

یعنی: «دعا برای امام زمان علیه السلام از تکالیف مهم اسلام و ایمان می باشد.»

سپس در جای دیگر می فرماید:

«يجب أن تقدم حوائج علي حوائجك و مراده علي مرادك»⁽²⁾

یعنی: «واجب است مقدم بداری حوائج آن حضرت را بر حوائج خودت و مراد آن حضرت را بر مراد خودت.»

پر واضح و میرهن است که بزرگترین و مهم ترین حاجت آن حضرت فرج و ظهورشان می باشد پس به این فتوای سید بن طاووس رحمه الله واجب است

ص: 183

1- جمال الاسبوع، ص 505

2- جمال الاسبوع، ص 530

برای ظهور آن حضرت دعا کنیم.

سید بن طاووس رحمه الله یاد نمودن و فراموش نکردن امام زمان علیه السلام را از تکالیف مهم شیعیان می داند و سپس با جملاتی بسیار مهم و استدلالی امت را دعوت به فراموش نکردن و دعا نمودن برای امام زمان علیه السلام می نماید و آن جملات اینگونه است:

«و من وظائف الشيعة الإمامية بل من وظائف الأمة المحمدية أن يستوحشوا في هذه الأوقات، ويتأسفوا عند أمثال هذه المقامات على ما فاتهم من أيام المهدي الذي بشرهم و وعدهم به جدّه محمّد عليهما أفضل الصلوات على قدميه، ما لو كان حاضرا ظفروا به من السّاعات، ليراهم الله جلّ جلاله على قدم الصفا و الوفاء لملوكهم الذين كانوا سبب سعادتهم في الدنيا و يوم الوعيد و ليقولوا ما معناه:

اردّد طرفي في الديار فلا أرى وجوه أحبائي الذين أريد

فالمصيبة بفقده على أهل الأديان، أعظم من المصيبة بفقده شهر رمضان، فلو كانوا قد فقدوا والدا شقيقا أو أخا معاضدا شقيقا، أو ولدا بارًا رقيقا، أما كانوا يستوحشون لفقده، و يتوجعون لبعده، و أين الانتفاع بهؤلاء من الانتفاع بالمهديّ خليفه خاتم الأنبياء، و إمام عيسى بن مريم في الصّلاه و الولاء، و مزيل أنواع البلاء و مصلح أمور جميع من تحت السّماء.»⁽¹⁾

ص: 184

یعنی: «یکی از وظایف شیعه امامیه، بلکه یکی از وظایف امت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم این است که در این اوقات، احساس وحشت و تنهایی نموده و در امثال این مواقع بر روزگار دولت حضرت مهدی علیه السلام که جدش حضرت محمدصلی الله علیه و آله و سلم مژده و نوید قدم او را داده است و از دستشان رفته است، غصه بخورند. امامی که اگر ظهور می کرد به واسطه او به نیکبختیها دست می یافتند تا خداوند جل جلاله، آنان را نسبت به پادشاهانشان که وسیله سعادت آنان در دنیا و در روز تحقق وعده عذاب الهی هستند، صمیمی و باوفا ببیند و مضمون این شعر را با خود بگویند که:

«هر چه در دنیا چشم خود را به این طرف و آن طرف می گردانم، چهره های دوستان خدا را که جویای آنها هستم، نمی بینم.»

زیرا مصیبت عدم ظهور او بر دین داران، از مصیبت از دست رفتن ماه رمضان بزرگ تر است. آیا اگر انسان پدر مهربان یا برادری را که پشتیبان صمیمی اوست یا فرزندی که نیکوکار و همدم اوست، از دست می داد، از فقدان او احساس وحشت و تنهایی نمی نمود و برای دوری او دردمند نمی شد؟! درحالیکه بهره بردن از اینها کجا و بهره مندی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جانشین خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم و امام عیسی بن مریم در نماز جماعت و ولایت و برطرف کننده انواع گرفتاری و به سامان آورنده امور همه موجودات زیر آسمان، کجا؟!»

2- مرحوم آیت الله شیخ محمد باقر فقیه ایمانی رحمه الله در وجوب دعای مؤمنین برای فرج حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در کتاب "لواء الانصار، شیوه های یاری قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم" می فرمایند:

«... در واقع عمل به تکلیف واجب خود نموده اند...» (1)

تمام مطلب معظم له در وجوب دعا برای فرج اینگونه است:

«نتیجه مطلب: ... بر حسب آیات و اخبار، نصرت و یاری هر مظلومی خصوصاً وجود مبارک امام علیه السلام بر همه اهل ایمان و بر فرد فرد آنها فرض و لازم است که: به هر وسیله ای که با آن یاری ممکن است، یاری کنند، و این وجوب با این کیفیت مانند وجوب نمازهای روزانه، یقینی و قطعی است و بر فرد فرد از بندگان واجب است و به ترک بعضی از بعض دیگر در حال تمکّن و قدرت ساقط نمی شود، و ترک نمودن بعضی هم موجب ناقص و ضایع بودن فعل بعضی دیگر که بجا بیاورند، نمی شود.

و در چنین زمانی که فعلاً مولای ما صلوات الله علیه مظلوم واقع شده اند، بواسطه آنکه حقّ الهی ایشان که تصرّف در جمیع امور دنیوی و اخروی بندگان است از جهت طغیان ظالمین و اشرار و قوّت اعوان و انصار مغضوب گردید، و از این جهت غائب شده اند، و معلوم شد که توبه و دعاهای مؤمنین تأثیر در تعجیل در امر فرج ایشان دارد که یا یک مرتبه دوران غیبت سر آید یا تخفیف در آن حاصل شود، پس این یک نوع نصرتی است که مقدور همه بندگان هست،

ص: 186

و اگر همگی این نوع نصرت و یاری را انجام می دادند، رفع مظلومیت از آن حضرت علیه السلام می شد. چنانچه اگر همه بندگان مؤمن اتفاق در نصرت و یاری حضرت سید الشهداء علیه السلام می کردند، ایشان مظلوم و مغلوب نمی شدند. و لکن مادامی که این اتفاق در توبه و دعا از همه بندگان واقع نشود، پس هرگاه عده ای از بندگان به این نوع توبه و دعا عمل نمایند، در واقع عمل به تکلیف واجب خود نموده، و در زمره انصار واقعی آن حضرت محسوب خواهند گردید، و هم از عقوبت ترک یاری مظلوم سالم خواهند ماند، که اگر خداوند در دنیا یا در آخرت کسانی که ترک یاری مظلوم و یاری امام علیه السلام را کرده اند عذاب و عقوبت کند بر حسب تمکّن حالشان، پس آنها از شرّ آن عذاب و عقوبت الهی در عافیت خواهند بود. چنانچه «بحار» از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت به یکی از موالیان خود در ضمن فرمایشاتی در مورد انتظار فرج و صبر در آن و فضل آن فرمودند:

«و هرگاه دیدی چنین و چنان از فتنه ها و فسادها را از اهل آن زمان، بعد از اینکه بعضی از فتنه ها را بیان کردند، فرمودند: پس در حدّرش باش، و از خداوند طلب نجات کن، و بدان بدستیکه مردم به سبب مخالفت امر حقّ و اعراض از آن در سخط و غضب الهی هستند، پس اگر به آنها عذاب نازل شد و تو مابین آنها باشی، آن سبب تعجیل رفتن توبه سوی رحمت الهی می شود، و اگر تو از بلا و عذابی که به آنها رسیده سالم بمانی، پس آنها به جزای عمل خود رسیده اند، و تو از کردار زشت آنها که از جرئت و بی حیائی آنها بر خداوند عزّوجلّ بوده،

بیرون بوده ای. و بدان همانا خداوند اجر نیکوکاران را ضایع نمی فرماید، و بدرستی که رحمت خداوند نزدیک به نیکو کرداران است.»(1)

3- آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی رحمه الله صاحب کتاب "مکیال المکارم" می فرماید:

«...فینتج أن المواظبه فی الدعاء لمولانا الحجه صلوات الله علیه و مسأله التعجیل فی فرجه و ظهوره، و كشف غمّه، و تحصیل سروره، یوجب حصول تلك الفائدة العظیمه، كما لا یخفی، فاللازم علی كفه أهل الإیمان أن یهتموا و یواظبوا بذلك فی كلّ مكان و زمان»

یعنی: «... نتیجه اینکه: مواظبت و مداومت در دعا برای مولایمان صاحب الزمان علیه السلام و درخواست فرج و ظهور آن حضرت از خداوند موجب حصول این فایده عظیم می گردد. بنابراین بر اهل ایمان لازم است که در هر زمان و مکان به این امر اهتمام ورزند...»(2)

4- مرحوم علامه نهاوندی رحمه الله در کتاب "العبری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان علیه السلام" می فرماید:

«دعا برای فرج از تکالیف منتظران امام عصر عجل الله تعالی فرجه می باشد.»(3)

ص: 188

1- . بحار الانوار، ج 52، ص 257

2- . مکیال المکارم، ج 2، ص 482

3- . عبقری الحسان، ج 7، ص 108

5- عالم ربانی، جناب صدرالاسلام علی اکبر همدانی رحمه الله در کتاب "پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی" می فرماید:

«... پس بر هر عبدی از عباد واجب است که در تمام اوقات طلب تعجیل نصرت و فتح و پیروزی و ظفر آن حضرت را بر دشمنان دین عاجلاً و آجلاً از درگاه باری تعالی مسئلت نماید...» (1)

6- آیه الله حاج محمد حسن مولوی قندهاری رحمه الله که از علمای اهل معنا و از شاگردان مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی رحمه الله و ساکن مشهد مقدس بودند و حقیر سالیان درازی خدمتشان تلمذ کردم، می فرمود:

«برای تعجیل در امر فرج مولا یمان حضرت بقیه‌الله روحی له الفداء دعا کنید که تکلیفی است و جویی که هرگز ساقط نمی شود.»

غالباً به افرادی که در مشهد مقدس به محضرشان می رسیدند و از ایشان توصیه ای می خواستند، می فرمود:

«در حرم مطهر و هر زمانی و مکانی برای تعجیل در امر فرج دعا کنید که حاجت مشترک همه زنان و مردان مؤمن می باشد که اگر این حاجت برآورده شود دیگر حاجتی باقی نخواهد ماند، و اگر این حاجت برآورده نشود، بر آورده شدن دیگر حوائج، مشکلی را نخواهد گشود. پس در این امر مهم کوتاهی نکنید که گناهی است بس بزرگ و نابخشودنی ...»

ص: 189

7- آیت الله سید محمد هادی میلانی رحمه الله از مراجع عظام شیعه در مشهد مقدس در پاسخ استفتاء ذیل می فرماید:

آیا انتظار فرج امام زمان علیه السلام و دعا برای حضرتش در زمان غیبت واجب است یا مستحب؟

انتظار فرج آن بزرگوار عجل الله فرجه برتر و بالاتر از وجوب و استحباب مقام عمل است، چون انتظار مربوط به جنبه باطن و قلب با ایمان است و گفتن در زبان (عجل الله تعالی فرجه یا اللهم عجل فرجه) مقام اظهار امر باطنی است، خدا کند همه حقیقتاً منتظر باشیم و در زبان هم بگوئیم. (1)

8- شیخ علی فریده الاسلام رحمه الله طلبه جوانی که در سن پانزده سالگی مجتهد مطلق بوده و رساله ای در اصول فقه تألیف نموده و به چاپ رسیده و بسیاری از محققین و مجتهدین را به شگفتی درآورده، می فرماید:

«دعا برای فرج و ظهور مولایمان حضرت بقیه الله ارواحنا لتراب مقدمه الفداء از اوجب واجبات می باشد و مؤمنین و مؤمنات در شبانه روز نباید از این تکلیف غفلت ورزند که گناهی است بس بزرگ.» (2)

9- صاحب کتاب "تحفه امام مهدی علیه السلام"، آیت الله شیخ محمد خادمی شیرازی رحمه الله پس از ذکر دعای قنوت از جانب امام زمان علیه السلام می فرماید:

ص: 190

1- صد و ده پرسش، پرسش چهل و ششم

2- کتاب فریده الاسلام، شرح حال زندگی شیخ علی فریده الاسلام

«به طوری که خوانندگان گرامی ملاحظه می فرمایند تمام هدف وجود مقدس حضرت امام زمان روحی له الفداء در این دعا و قنوت، تقاضای امضای امر ظهور است، بنابراین بر همه ما واجب است که به حضرتش اقتدا کرده و برای تعجیل در امر فرج آن سرور مکرم دعا کنیم.»⁽¹⁾

دلیل عدم ذکر وجوب دعا برای فرج در کتب فقهی

یکی از سؤالاتی که به ذهن خطور می کند این است که چرا فقها و علمای بزرگ هیچ یک فتوا بر وجوب یا استحباب دعا برای فرج و ظهور حضرت بقیهالله ارواحنا فداه نداده اند؟!!

در جواب عرض می کنیم:

اولاً مسئله «وجوب دعا برای فرج» از بدیهیات است، لذا فقها لزومی ندیدند که بر وجوب آن فتوا دهند، مثل اینکه در اکثر کتب فقهی و رساله های عملیه فتوا بر وجوب نماز و سایر تکالیف واجب نمی دهند، بلکه درصدد بیان احکام و فروع واجبات پرداختند و فتوا داده اند، البته بسیار بجا و نیکوست باب مستقلی برای «وجوب دعا برای فرج» باز شود و احکام این فریضه ذکر گردد تا مکلفین متذکر این تکلیف وجوبی گردند.

ثانیاً چه بسا بسیاری از بزرگان از فقها پیرامون «وجوب دعا برای فرج» فتوا داده باشند، ولی به دست ما نرسیده است؛ عدم الوجدان لا یدل علی عدم-

ص: 191

ثالثاً به دنبال انحرافهای عمیقی که پس از شهادت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در امت به وجود آمد، حادثه اسف انگیز دیگری نیز رخ داد و آن جلوگیری از نقل و تدوین «احادیث» بود و در مرتبه اول خلیفه اول و دوم به مخالفت شدید نقل و تدوین احادیث پرداختند. این ممانعت به جهت جلوگیری از فضائل اهل بیت علیهم السلام صورت گرفته و این امر تا

زمان خلفای عباسی نیز که امامان معصوم علیهم السلام را رقیبان خود در امر خلافت می دانستند، ادامه داشت و از تدوین احادیث در فضائل اهل بیت علیهم السلام جلوگیری می کردند و بسیاری از احادیث را به آتش کشیده و از بین بردند.

این فجایع قتل و غارت اموال شیعیان و به آتش کشیدن معارف و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام باعث شد که «شیعه» مذهبی نهانی شود و به هیچ وجه امکان عرضه شدن به عموم راه نیابد. ولی علما و بزرگان دینی، با تلاشهای پی گیر و زحمات طاقت فرسا و تحمل آسیبهای جانی و مالی از حکام جور، دست به تدوین و نشر احادیث زدند. لذا این بزرگان از علما به عنوان محدثین جلیل القدر، وظیفه خود می دانستند که احادیث را حفظ کرده و جلوگیری از بین رفتن آنها کنند و با نگاشتن و اسلوب متنوع خود در تدوین و فهرست نگاری، آنها را بین مؤمنان پخش کنند. لذا این بزرگواران در بعضی احکام از جمله «حکم و جوب دعا برای فرج» ورود پیدا نکردند.

رابعاً حاکمان جور از زمان امامان معصوم علیهم السلام چنان خوف و خفقانی

را ایجاد کرده بودند که با تدابیر ظالمانه نمی گذاشتند مردم به محضر امامانشان برسند و تکالیف شرعیشان را فراگیرند، لذا امامان معصوم علیهم السلام را محصور نموده و از ارتباط مردم با آنان جلوگیری می کردند و در نهایت با فجیع ترین شکل آنان را به شهادت می رساندند و همچنین با زندان نمودن یا تبعید کردن و یا به شهادت رساندن شاگردان مکتب اهل بیت علیهم السلام، از گسترش فقه و آیین مکتب اهل بیت علیهم السلام جلوگیری می کردند و این امر در زمان غیبت صغری و کبری به نهایت خود رسید و لذا شیعیان در اثر این جدایی از موالیانشان، از بسیاری از احکام فقهی دور ماندند، لذا فقهای بزرگ شیعه در صدد رساندن احکام و فقه اهل بیت علیهم السلام به شیعیان بودند، زیرا پر واضح است که شیعیان در مرتبه اول باید با احکام و فقه اهل بیت علیهم السلام آشنا شوند و زندگی خویش را بر اساس آن پی ریزی کنند؛ لذا می بینیم قاطبه فقها با تلاش پیگیر و خستگی ناپذیر احکام فقهی را اجتهاد کرده و به شیعیان می رساندند تا زندگیشان را بر فقه اهل بیت علیهم السلام پی ریزی کنند، بدین جهت زمینه دعوت به انتظار و وجوب دعا برای فرج را فراهم نمی دیدند.

به جهت مهم بودن این پرسش که چرا فقها فتوا در امر «انتظار و حکم دعا برای فرج» نداده اند، با شفافیت بیشتری عرض می کنیم، همانطور که قبلاً متذکر شدیم: شیعیانی که در اثر رعب و خفقان حکام ظالم در غیبت صغری و غیبت کبری، از احکام دین خود دور مانده و جاهل گردیده بودند، چگونه می توانستند منتظر واقعی برای امام زمانشان باشند؟! بدین جهت فقها زمینه

را برای توجه دادن مردم به احکام دین اولی می دانستند تا دعوت به انتظار و دعا برای فرج، زیرا مردمی که به احکام ابتدایی خود از حلال و حرام، نجاست و طهارت و ... جاهل گردیده اند، چگونه می توانند خود را آماده و مهیای یاری برای امام زمانشان قرار دهند؟!

مردمی که در اثر جهل و نادانی که از ناحیه حاکمان ظلم به آنها تحمیل شده بود، زمینه انتظار نیز از آنان گرفته شده بوده، لذا می بینیم فقهای بزرگ شیعه از ابتدای غیبت کبری تا زمان ما در صدد بیان احکام فقهی و بیان اصول اعتقادی مردم بودند. و پر واضح است که تا اعتقادات و فقه مردم تصحیح نشود، نمی توان از آنان انتظار یاری امام زمان علیه السلام را داشت.

این است که اکثر فقهای شیعه تبلیغ و تبیین احکام و عقاید را در اولویت می دیدند.

ولی در زمان ما با شکوفایی حقانیت مکتب اهل بیت علیهم السلام و آگاهی نسبی مردم به دین و احکام آن، زمینه توجه دادن مردم به سوی امام زمان علیه السلام بیش از پیش فراهم شده است، لذا بر ماست که مردم را دعوت به سوی انتظار و دعا برای فرج نماییم و با این عمل زمینه ظهور موفور السرور مولایمان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه را فراهم سازیم.

و چنانچه مرحوم استاد بزرگوارمان می فرمود: «در زمان ما با بیداری مردم و توجه آنان به امام زمان علیه السلام ظهور صغری فراهم گردیده است» ؛ به این معنا که در زمان های قبل مردم زمینه توجه به امام عصر علیه السلام را نداشتند،

لذا فقها با تبیین احکام و عقاید، زمینه بیداری را در مردم ایجاد کردند، تا اینکه در این قرن زمان ما مردم توجه بیشتری به امام زمان علیه السلام پیدا کردند، لذا هم اکنون باید با استدلالات فقهی و خوب انتظار و وجوب دعا برای فرج و ظهور امام زمان علیه السلام را به مردم رساند تا آنان با عمل به این تکلیف و فریضه الهی، زمینه ظهور امام زمان علیه السلام را فراهم سازند.

عوامل منفی عدم دعا برای فرج

- خو گرفتن به ظلمها و تاریکیهای دوران غیبت.
- انس گرفتن با محرومیت‌های دوران غیبت.
- ندانستن آثار و برکات دنیای پس از ظهور.
- دیدن شرایط فعلی جامعه و مأیوس بودن از ظهور موفور السرور آن حضرت.
- ترسیدن از اتفاقات ظهور چنان که تبلیغات سوء دشمنان امام زمان علیه السلام بر قتل و خونریزی بی حد آن حضرت باعث شده مردم از ظهور ترسانده شوند.
- ترساندن مردم از عافیت نداشتن هنگام ظهور امام زمان علیه السلام و حال آنکه ظهور آن حضرت خود بزرگترین عافیت را برای کل مردم جهان به ارمغان می آورد.
- نگاه نکردن به دعا برای فرج به عنوان یک واجب شرعی که باعث غفلت

از دعا برای ظهور گردیده است.

-عدم درک انتظار و اضطرار امام زمان علیه السلام باعث عدم دعا برای فرج می گردد.

- انس و خو گرفتن با دنیا و رذایل نفس موجب عدم اضطرارمان نسبت به ظهور و دعا نکردن شده است.

- عدم معرفت به اینکه عدالت مطلق فقط به دست امام زمان علیه السلام امکان پذیر است و امید به غیر امام زمان داشتن باعث دعا نکردن برای ظهور موفور السرور امام زمان علیه السلام گردیده است.

- ندانستن فواید دعا برای فرج خود عامل مهمی است برای دعا نکردن.

- فرورفتن در گناهان و معاصی عامل دیگری است بر عدم توفیق دعا برای فرج امام زمان علیه السلام.

- سوء استفاده دشمن از عدم معرفت مردم مبنی بر اینکه امام زمان علیه السلام احتیاج به دعای ما ندارد و هر وقت بخواهد خودش می آید، باعث دعا نکردن گردیده است.

- عمل نکردن به واجبات الهی و کسب نکردن تقوا عامل مهم دیگری است بر دعا نکردن برای فرج.

ص: 196

دعا برای تعجیل در فرج امام زمان ارواحنا فداه در ادعیه و زیارات

دعا به هر شکلی و زبانی که باشد در درگاه ربوبی مورد پذیرش است و لازم نیست با کیفیت یا آداب خاصی باشد. البته اگر با رعایت آداب خاص و با استفاده از کلمات و عباراتی پرمحتوا باشد، به یقین افضل خواهد بود، حتی در قنوت نماز واجب نیز برخی از مراجع اجازه داده اند تا به هر زبان و هر روشی دعا خوانده شود و ضرورتی ندارد که به زبان عربی باشد، هر چند ثواب دعاهای وارد شده از اهل بیت علیهم السلام بیشتر است.

امتیاز خاص شیعه نسبت به دیگر مذاهب و ادیان این است که ادعیه وارد شده از حضرات معصومین علیهم السلام بهترین وسیله برای دعاست و شیعه با بهره مندی از این گنجینه ارزشمند معنوی به زیباترین شکل و صورت به درگاه حضرت حق التجا می کند و با این کلمات و جملات دُرربار، خواسته های خود را ابراز می دارد. در این میان، صلوات نیز دعایی است که ائمه اطهار علیهم السلام ما را از کیفیت مطلوب آن آگاه ساخته اند و در اختیار تشنگان معارف خود قرار داده اند.

همچنین دعا برای فرج اهل بیت علیهم السلام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز جزو آن دسته از دعاهایی است که ائمه علیهم السلام به ضرورت آن و آثار و برکاتش و تلاش برای گسترش آن اهتمام ویژه ای داشته اند. از جمله نمونه های آشکار آن هم، دعا برای فرج همراه با دعای مستجاب شده صلوات

است. البته روشن است که با وجود انکار و مخالفت برخی از افراد غافل و گاه معاند با چنین دعاهایی، هرگز لازم نیست امر به دعای تعجیل فرج همراه با صلوات در روایات ذکر شده باشد، بلکه هر دو، دعایی هستند که می توان جدا به جا آورد؛ اما با کمال افتخار می بینیم که در منابع معتبر، کیفیت صلوات و دعا برای فرج با لفظ «عجل فرجهم» آمده است. هر چند برخی از این ادعیه به زمان و مکانی خاص اختصاص ندارد، اما برای مآثور بودن کافی است.

البته گفتنی است تمام دعاها را می توان رجاء (به امید رسیدن به ثواب بیشتر) در هر زمان و مکانی خواند، چرا که دعا، طلب حاجت و نیاز به درگاه خداوند بی نیاز است و خداوند هم برای شنیدن دعاهای بندگانش زمان و مکان مشخص نکرده و فرموده است:

«ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»⁽¹⁾

یعنی: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.»

و نیز می فرماید:

«وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي»⁽²⁾

یعنی: «هر گاه بندگان من، از تو درباره من بپرسند، (بگو) من نزدیکم، و دعای دعاکننده را

هنگامی که مرا بخواند، اجابت می کنم.»

ص: 198

1- .سوره غافر، آیه 60

2- .سوره بقره، آیه 186

به یقین همه دعاهایی که از طریق ائمه علیهم السلام برای تعجیل در فرج رسیده است در دایره بهترین دعاها هستند که باید به آنها تاسی نمود، اما اینکه هر منتظری اقتدا به این بزرگواران نماید و توفیق خواندن چنین دعایی را داشته باشد، علاوه بر نیازی که به توفیق هست، بستگی به مقدار ایمان و جدّ و جهد هم دارد. در عین حال دعاهای وارده دارای تقسیماتی از حیث زمان و یا مکان خواندن و ... می باشند. اکنون به برخی از زیارات و دعاهای وارده اشاره می کنیم که تأکید بیشتری بر خواندن آنها می شود که در آن ها طلب تعجیل فرج گردیده است:

1- در زیارت عاشورا اینگونه آمده است:

«... فَاسْأَلِ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ... وَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكُمْ مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ مِنْكُمْ...» (1)

یعنی: «... پس می خواهم از خدایی که گرامی داشت مقامت را و گرامی داشت مرا به سبب تو اینکه روزیم کند طلب نمودن خونخواهی تو را با امام پیروز از اهل بیت محمد درود خدا بر او و فرزندانش باد ... و اینکه روزیم کند طلب نمودن خون شما را با امام هدایتگر و آشکار و گویای به حق از خودتان...»

2- در متن زیارت عاشورای غیر معروفه اینگونه آمده است:

ص: 199

«...وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ لَكُمْ وَمَهَّدَتِ الجُورَ عَلَيْكُمْ وَطَرَقَتْ إِلَى أَدْبَتِكُمْ وَتَحَيُّكُمْ وَجَارَتْ ذَلِكَ فِي دِيَارِكُمْ وَأَشَدَّ بِإِعْيَاكُمْ بَرْنَتْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِلَيْكُمْ يَا سَادَاتِي وَمَوَالِيَّ وَأَنْمَتِي مِنْهُمْ وَمِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ وَ

أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ بِمَا مَوَالِيَّ مَدَامَكُمْ وَشَدَّ بِرَفِّ مَنْزِلَتِكُمْ وَشَانِكُمْ أَنْ يُكْرِمَنِي بِوَلَايَتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَالْإِثْمَامَ بِكُمْ وَالْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ أَسْأَلُ اللَّهَ الْبَرَّ الرَّحِيمَ أَنْ يَرْزُقَنِي مَوَدَّتِكُمْ وَأَنْ يُوفِّقَنِي لِلطَّلَبِ بِتَارِكُمْ مَعَ الْإِمَامِ الْمُنتَظَرِ الْهَادِي مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...» (1)

یعنی: «...و لعنت کند خدا امتی را که رها کردند تورا و ترک کردند یاری نمودن تورا و کمک کردن تورا و لعنت کند خدا امتی را که بنیاد نهادند اساس ظلم را بر شما و آماده نمودند جور نمودن بر شما را و راه را باز کردند برای اذیت شما و ظلم به شما، و جاری شد این (ظلم) در شهرهایتان و پیروانتان، بیزاری می جویم بسوی خدای عزوجل و بسوی شما، ای سروران من و آقایان من و امامان من، از آنها و از همراهشان و از پیروانشان، و می خواهم از خدایی که گرامی داشت ای آقایان من مقام شما را، و شرافت داد منزلت شما را و جایگاه شما را اینکه گرامی دارد مرا به سبب ولایتتان و محبتتان و اقتدای به شما، و به سبب تبری جستن از دشمنانتان و می خواهم از خدای نیکوکار مهربان اینکه روزیم کند محبت شما را و اینکه موقم بدارد برای طلب نمودن خون شما با

ص: 200

امام مورد انتظار و هدایتگر از خاندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اینکه قرار دهد ما را با شما در دنیا و آخرت...»

3- عبدالله بن سنان می گوید: روز عاشورا به خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. حضرت بسیار محزون بود و پس از اشاره به مصائب حضرت سیدالشهداء علیه السلام زیارتنامه ای به من یاد داد که در جملاتی از آن آمده است:

«... اللَّهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَاسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي الْمُنَافِقِينَ الْمُضِلِّينَ وَالْكَافِرَةِ الْجَاحِدِينَ وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا يَسِيرًا وَاتِّخِ لَهُمْ رَوْحًا وَفَرَجًا قَرِيبًا وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ سُلْطَانًا نَصِيرًا...» (1)

یعنی: «...خدایا تعجیل کن در فرج خاندان محمد و صلوات خود را بر او و خاندانش قرار بده و آنها را از دستان منافقین گمراه کننده و کافران انکار کننده نجات بخش و برای آنان گشایشی آسان مقدر فرما و فرج و آسایشی نزدیک برای ایشان فراهم نما و از جانب خودت به آنها سلطه و حکومتی مقتدرانه بر دشمنان خود و دشمنان ایشان، عنایت فرما...»

4- در آداب زیارت ناحیه مقدسه آمده است، پس از تمام شدن زیارت، رو به قبله کن و دو رکعت نماز بجای آور به این ترتیب که در رکعت اول بعد از حمد سوره انبیاء، و در رکعت دوم بعد از حمد سوره حشر را بخوان و آنگاه در قنوت نماز بگو:

«... اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْإِمَامِ فَرَجًا قَرِيبًا، وَصَبْرًا جَمِيلًا، وَ

ص: 201

نَصْرًا عَزِيزًا، وَغِنَى عَنِ الْخَلْقِ، وَثَبَاتًا فِي الْهُدَى، وَالتَّوْفِيقَ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى، وَرِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا، مَرِيئًا دَارًا، سَائِعًا فَاضِلًا مُفْضِلًا، صَبَابًا صَبَابًا، مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلَا نَكْدٍ، وَلَا مِنْهُ مِنْ أَحَدٍ، وَعَافِيَةً مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَسُؤْمٍ وَمَرَضٍ، وَ

الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ وَالنَّعْمَاءِ، وَإِذَا جَاءَ الْمَوْتُ، فَأَقْبِضْهُ نَا عَلَى أَحْسَنِ مَا يَكُونُ لَكَ طَاعَةً، عَلَى مَا أَمَرْتَنَا مُحَافِظِينَ، حَتَّى تُؤَدِّينَا إِلَى جَنَّاتِ النَّعِيمِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ...» (1)

یعنی: «بارخدا یا! از تو درخواست می‌کنم به حق این امام بزرگوار، گشایشی نزدیک را، و صبری نیکورا، و پیروزی ای توام با عزت را، و بی‌نیازی از خلاق را، و دوام و استمرار در طریق هدایت را، و توفیق را بر آن چه تو دوست داری و رضایت تو در آن است، و روزی ای را که وسیع و حلال و پاک، و گوارا و ریزان و خوش گوار، فراوان و برتر و پی در پی باشد، بدون هیچ زحمت و مشقتی، و خالی از هرگونه منتهی از احدی، و (نیز درخواست می‌کنم) تندرستی از هر بلا و ناخوشی و بیماری را، و شکرگزاری بر هر عافیت و نعمتی را، و هنگامی که مرگ ما فرا رسید بر نیکوترین حال طاعت ما را قبض روح فرمائی، و در حالتی که نگاهبان دستورات تو باشیم، تا آن که ما را به بهشت های پر نعمت برسانی، به رحمت ای مهربان ترین مهربانان...»

5- در کیفیت زیارت امام کاظم و امام جواد علیهما السلام اینگونه آمده است:

«... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ وَ

ص: 202

اَفْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَانصُرْهُ نَصْرًا عَزِيمًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَظْهِرْ حُجَّتَهُ بِوَلِيِّكَ وَأَحْيِ سُنَّتَهُ بِظُهُورِهِ حَتَّى يَسْتَقِيمَ بِظُهُورِهِ
جَمِيعُ عِبَادِكَ وَبِلَادِكَ وَلَا يَسْتَخْفِي أَحَدٌ بِشَيْءٍ مِنْ الْحَقِّ...»(1)

یعنی: «... خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست و در فرج ولایت و فرزند ولایت تعجیل فرما و برای او گشایش آسانی قرار بده و با یاری عزت بخش یاریش کن، خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست و به وسیله ولایت حجت پیامبر را آشکار کن و با ظهورش سنت وی را احیا نما تا همه بندگان و شهرهایت در راه مستقیم قرار بگیرند و چیزی از حق برای احدی پنهان نماند...»

6- در زیارت مرقد مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام اینگونه درخواست تعجیل فرج شده است:

«... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ وَالْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ صَلَاةً دَامِيَةً بَاقِيَةً تُعَجِّلُ بِهِمَا فَرَجَهُ وَتَنْصُرُهُ بِهِمَا وَتَجْعَلُهُ مَعَهَا فِي الدُّنْيَا وَ
الْآخِرَةِ...»(2)

یعنی: «... خدایا صلوات بفرست بر حجت و ولایت آن قیام نموده در (بین) خلقت، صلواتی تمام، زیاد شونده، ماندنی، تعجیل کن به سبب آن (صلوات) فرجش را، و یاریش نمایی به وسیله آن و قرار دهی ما را با او در دنیا و آخرت...»

7- در زیارتنامه امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام در سامرا

ص: 203

1- بحار الانوار، ج 99، ص 11

2- المزار الکبیر، ص 650

«... اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ وَاجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» (1)

یعنی: «...خدایا تعجیل کن در فرج ولیت و فرزند ولیت، و فرج ما را با فرج او قرار بده، ای مهربان ترین مهربانان.»

در دعای بعد از زیارت آن دو بزرگوار اینگونه آمده است:

«اللَّهُمَّ اِزْرِفْنِي حُبَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِمْ، اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِي آلِ مُحَمَّدٍ وَ انْتَقِمْ مِنْهُمْ، اللَّهُمَّ وَ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَ ابْنِ وَلِيِّكَ، وَ اجْعَلْ فَرَجَنَا مَقْرُونًا بِفَرَجِهِمْ» (2)

یعنی: «...خدایا محبت محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را روزیم کن، و مرا بر آیین آنها بمیران، خدایا ظالمان به محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را لعنت کن و از آنها انتقام بگیر، خدایا تعجیل کن در فرج ولیت و فرزند ولیت، و فرج ما را همراه با فرج ایشان قرار بده.»

8- در زیارت امام زمان ارواحنا فداه در روز جمعه اینگونه آمده است :

«... السَّلَامُ عَلَيْكَ عَجَّلَ اللَّهُ لَكَ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَ ظُهُورِ الْأَمْرِ...» (3)

ص: 204

1- من لايحضره الفقيه، ج 2، ص 607

2- المزار الكبير، ص 554

3- بحار الانوار، ج 99، ص 216

یعنی: «سلام بر تو، تعجیل گرداند خداوند برایت آنچه را به تو وعده داده از یاری نمودن و ظهور امرت ...»

9- در زیارت استغاثه به حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه اینگونه آمده است:

«... فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ وَسَهَّلَ مَخْرَجَكَ، وَقَرَّبَ زَمَانَكَ، وَكَثَّرَ أَنْصَارَكَ وَأَعْوَانَكَ، وَأَنْجَزَ لَكَ مَا وَعَدَكَ...» (1)

«... پس تعجیل گرداند خداوند فرجت را و آسان نماید خروجت را و نزدیک فرماید زمانت را و بیفزاید بر یاران و یاورانت و به آنچه به تو وعده داده وفا کند...»

10- در زیارت جامعه مختصری که برای ائمه اطهار علیهم السلام در هر مکان و زمانی می باشد، درباره امام زمان علیه السلام اینگونه آمده است:

«... السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ الْعَالِمِ، الْغَائِبِ عَنِ الْأَبْصَارِ، وَالْحَاضِرِ فِي الْأَمْصَارِ، وَالْغَائِبِ عَنِ الْعُيُونِ، الْحَاضِرِ فِي الْأَفْكَارِ، بَقِيَّةِ الْأَخْيَارِ، الْوَارِثِ ذَا الْفَقَارِ، الَّذِي يَظْهَرُ فِي بَيْتِ اللَّهِ ذِي الْأَسْتَارِ، وَيُنَادِي بِشِعَارِ يَا لِنَارَاتِ الْحُسَيْنِ، أَنَا الطَّالِبُ بِالْأَوْتَارِ، أَنَا قَاصِمُ كُلِّ جَبَّارٍ، أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ كَفُورٍ خَتَّارٍ، الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ ابْنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَفْضَلُ السَّلَامِ، اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَأَوْسِعْ مِنْهُجَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، الذَّابِّينَ عَنْهُ، وَالْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ...» (2)

یعنی: «سلام و درود بر پیشوای جهان، آنکه از دیده ها پنهان است و در شهرها حاضر، آن که از دیده ها پنهان است و در فکرها حاضر،
باقی مانده

ص: 205

1- .المزار الكبير، ص 671

2- .المزار الكبير، ص 107

اخیار و خوبان و وارث شمشیر ذوالفقار، آن بزرگواری که در بیت الله الحرام که دارای پرده هاست، ظاهر می شود و به شعار «یا لثارات الحسین» ندا می کند و می فرماید: منم مطالبه کننده خون های به ناحق ریخته، منم شکننده هر ستمگر جفا پیشه، منم حجت خدا بر هر کافر مکرکننده، آن قیام کننده مورد انتظار، فرزند حسن، بر او و خاندانش بهترین سلام باد. خدایا تعجیل فرما در ظهورش و آسان کن خروجش را و وسعت بخش راهش را و ما را جزء انصار و یارانش، و مدافعین از او و جهاد کنندگان در راه او و شهیدان پیش رویش قرار بده
«...»

11- در دعایی که دربر دارنده توسل به فرد ائمه علیهم السلام است، می خوانیم:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَابْنَتِهِ وَابْنَيْهَا الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ... اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي أَعْلَمُ أَنَّكَ قَادِرٌ عَلَى قَضَاءِ حَوَائِجِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَجِّلْ يَا رَبِّ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ...»⁽¹⁾

یعنی: «خدایا درود فرست بر محمد و خاندانش و از تو می خواهم خدایا به حق محمد و دخترش و دو فرزند او حسن و حسین ... خدایا، تو می دانی که من به توانایی تو برای برآورده کردن خواسته هایم آگاهم؛ پس بر محمد و آلش درود فرست و در فرج ولی خود و فرزند دختر پیامبرت تعجیل فرما!...»

ص: 206

12- در زیارت نامه حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها اینگونه آمده است:

«... أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِينَا فِيكُمْ الشُّرُورَ وَالْفَرْجَ وَأَنْ يَجْمَعَنَا وَإِيَّاكُمْ فِي زُمْرِهِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنْ لَا يَسُدَّ لِمَبْنَا مَعْرِفَتَكُمْ إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٍ...»(1)

یعنی: «... می خواهم از خدا اینکه بنمایاند به ما در شما سرور و فرج را و اینکه جمع کند ما و شما را در زمره جدتان محمد درود خدا بر او و فرزندان او، و اینکه سلب نکند از ما شناخت شما را، همانا او صاحب اختیار (و) تواناست...»

13- در زیارت مادر بزرگوار امام زمان علیه السلام، حضرت نرجس خاتون علیها السلام تعجیل فرج خواسته شده است:

«... فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا، وَتَبِّئْنِي عَلَى مَحَبَّتِهَا، وَلَا تَحْرِمْنِي شَفَاعَتَهَا وَشَفَاعَةَ وَلَدِهَا، عَجَّلِ اللَّهُ فَرَجَهُ...»(2)

یعنی: «... پس درود فرست بر محمد و آل محمد، و به سبب زیارتش به من سود برسان، و بر محبتش مرا ثابت قدم بدار و از شفاعت خودش و شفاعت فرزندش که تعجیل گرداند خداوند فرجش را محروم نساز...»

14- سید بن طاووس رحمه الله می فرماید: دوست ما ملک مسعود که خدای تعالی عاقبت او را به برآوردن وعده های خود ختم کند به ما حدیث نمود آنکه:

ص: 207

1- زادالمعاد، ص 548

2- المزار الكبير، ص 661

در خواب شخصی را دید که با او از عقب دیوار سخن گفت و روی او را ندید و این دعا را می خواند:

«يَا صَاحِبَ الْقَدْرِ وَالْأَقْدَارِ وَالْهَمَمِ وَالْمَهَامِّ عَجَّلْ فَرَجَ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَالْحُجْبَةَ الْقَائِمَةَ بِأَمْرِكَ فِي خَلْقِكَ وَاجْعَلْ لَنَا فِي ذَلِكَ الْخَيْرَةَ» (1)

یعنی: «ای صاحب قدرت و حکمها و ای صاحب همتها و قصدها، شتاب کن در ظهور بنده خود و ولی خود و حجت و دلیل پپای دارنده فرمان تو در آفریدگان خود و بگردان برای ما در این خیر و خوبی را.»

15- از امام صادق علیه السلام روایت شده است که هر کس این دعا را بعد از هر فریضه ای قرائت کند، در بیداری یا خواب امام زمان علیه السلام را مشاهده می نماید:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَيَّمَا كَانْ وَحَيْثُمَا كَانْ مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا سَهْلَيْهَا وَجَبَلَيْهَا عَنِّي وَعَنْ وَالِدَيَّْ وَعَنْ وُؤْدَيَّْ وَإِخْوَانِي التَّحِيَّةَ وَالسَّلَامَ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ وَزِينَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَمَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَأَحَاطَ عِلْمُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحِهِ هَذَا الْيَوْمَ وَمَا عَشْتُ فِيهِ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَنُصَّارِهِ الدَّائِمِينَ عَنْهُ وَالْمُؤْتَمِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَنَوَاهِيهِ فِي أَيَّامِهِ وَالْمُسْتَسْتَهْدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ اللَّهُمَّ فَإِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادَكَ حَتْمًا مُقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي

ص: 208

مِنْ قَبْرِ مُؤْتَرّاً كَفَنِي شَاهِراً سَيْفِي مُجَرِّداً فَنَاتِي مُلْتَبِئاً دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَ اَكْحُلْ بَصَرِي بِنَظَرِهِ مِنِّي إِلَيْهِ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ اللَّهُمَّ اسْدُدْ أَرْزُهُ وَ قَوِّ ظَهْرَهُ وَ طَوِّلْ عُمُرَهُ اللَّهُمَّ اعْمُرْ بِهِ بِلَا دَكِّ وَ أَحْيِي بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلِكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَدَتْ أَيْدِي النَّاسِ فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ وَ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمَسْمِيِّ بِاسْمِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنْ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرْقَهُ- وَ يُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يُحَقِّقُهُ اللَّهُمَّ اكشِفْ هَذِهِ الْغَمَّةَ عَن هَذِهِ الْأُمَّةِ بِظُهُورِهِ- إِنَّهُمْ يَرُونَهُ بَعِيداً وَ نَرَاهُ قَرِيباً وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ»(1)

یعنی: «بنام خداوند بخشنده مهربان، خداوندا به مولایمان حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه هر کجا و هر گونه که باشد در شرق و غرب زمین، بیابان و کوه آن درود و تحیتی از طرف من

ووالدینم و از سوی فرزندانم و برادرانم به تعداد آفریدگان خدا

و سنگینی عرش الهی و آنچه کتابش دربردارد و دانشش به آن احاطه دارد، برسان. خداوندا

همانا من در بامداد امروز و دیگر روزهای زندگیم، با او عهد و پیمان و بیعتی را که از او برگردنم است تجدید می کنم و هرگز از این بیعت دگرگون نمی شوم و کنار هم نمی زنم. خداوندا مرا از یارانش و جان نثارانی که از او دفاع می کنند قرار بده، و از آنان که دستورات و نهی هایش را در دوران حکومتش فرمان می برند و نیز از شهادت -

ص: 209

جویان در رکابش قرار بده. خداوندا اگر بین من و او مرگ فاصله انداخت، مرگی که برای بندگان حتمی و قطعی قرار داده ای، پس مرا از قبرم خارج کن در حالی که کفنم را به کمر بسته، شمشیرم کشیده، نیزه ام آماده و بیرون کشیده شده و دعوتِ دعوت کننده را در شهر باشم یا صحرا، لبیک گویم. خداوندا به من طلعت راه گشا و چهره ستوده شده را نشان بده، و با نگاهی از من به سوی او چشمم را سر مه کن، و فرجش را تعجیل فرما، و خروجش را آسان گردان. خداوندا پشتش را محکم، و کمرش را قوی و نیرومند گردان و عمرش را طولانی کن و خداوندا به وسیله او، سرزمین هایت را آباد گردان و به واسطه او بندگان را زنده گردان، زیرا تو گفتی در حالی که سخن تو حق است: «فساد در خشکی و دریا ظاهر شده به واسطه آنچه مردم با دست خود انجام دادند.» پس خداوندا ولی خود و فرزند دختر پیامبرت را که همانم است با رسولت که دروهای تو بر او و آل او باد برای ما ظاهر کن تا بر چیزی از باطل دست نیابد مگر آن که آن را پاره کند، و خدا به کلماتش، حق را ثابت کند و آن را محقق سازد. خداوندا این گرفتاری و اندوه را از این امت با ظهورش برطرف ساز که همانا آنان (مخالفان) آن را دور می بینند و ما نزدیک می بینیم، و خدا بر محمد و آل محمد درود بفرستد.»

16- محمد بن عیسی به سند خود از امامان صالح علیهم السلام روایت کرده که فرمودند: در شب بیست و سوم از ماه رمضان این دعا را به دفعات بخوان، در حال سجود و قیام و قعود و بر هر حالی که هستی در تمام ماه، و در طول حیات

تا جایی که ممکن باشد، و هر زمانی که به یادت آید.

بعد از ستایش پروردگار به بزرگواری، و فرستادن صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می گویی:

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّهَ بْنَ الْحَسَنِ -صَلِّ لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ - فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا» (1)

یعنی: «خدایا باش برای ولایت، حجه بن الحسن، درود تو بر او بر پدرانش باد، در این ساعت و در هر ساعتی، سرپرست و حافظ و رهبر و یاور و راهنما و دیده بان، تا اینکه ساکنش گردانی در زمینت با رغبت، و بهره مندش گردانی در آن زمانی طویل.»

17- ابو علی بن همام گوید: دعای زمان غیبت قائم علیه السلام را شیخ ابوجعفر عمری قدس الله روحه برای من املا فرمود و امر کرد که آن را بخوانم، در قسمتی از این دعا آمده است:

«... اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَآيِدُهُ بِالنَّصْرِ وَانصُرْ نَاصِرِيهِ وَاخْذُلْ خَازِلِيهِ وَدَمِّرْ عَلَيَّ مَنْ (2) نَصَبَ لَهُ وَكَذَّبَ بِهِ وَأَظْهَرَ بِهِ الْحَقَّ وَأَمَّتْ بِهِ الْبَاطِلَ وَاسْتَنْقَذْ بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الذُّلِّ...» (3)

یعنی: «... خدایا تعجیل کن در فرجش و تأییدش کن با یاریت، و یارانش

ص: 211

1- کافی، ج 4، ص 162

2- در بعضی از نسخ «دمدم علی من» آمده است.

3- کمال الدین، ج 2، ص 513

را یاور باش و ترک کنندگان یاری او را خوار و ذلیل کن، و هر آنکه رو در رویش به جنگ بایستد و او را تکذیب کند نابودش کن، و حق را به واسطه او آشکار نما، و باطل را به وسیله او بمیران، و به سبب او بندگان مؤمنت را از ذلت نجات ده...»

18- مرحوم کفعمی در کتاب "البلد الامین" فرموده: این دعا دعای امام زمان علیه السلام است که آن را به شخصی که در زندان بود تعلیم داد، پس آن زندانی با خواندن آن آزاد شد. در دعای مخصوص فرج امام زمان علیه السلام آمده است:

«إِلٰهِي عَظَمَ الْبَلَاءُ وَ بَرِحَ الْحَفَاءُ وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءُ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُبِعَتِ السَّمَاءُ وَ أَنْتَ الْمُسَدِّعَانُ وَ إِلَيْكَ الْمُسْتَتَكِي وَ عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَ عَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اكْفِيَانِي فَإِنِّي كَافِيَانِ وَ انصُرَانِي فَإِنِّي نَاصِرَانِ، يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْغَوْثُ الْغَوْثُ الْغَوْثُ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ، الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.»⁽¹⁾

یعنی: «خدایا بزرگ شده بلا (و گرفتاریها)، و آشکار شده پنهانیها، و کنار رفته

ص: 212

1- مصباح کفعمی، ص 176

پرده ها، و قطع گردیده امیدها، و تنگ شده زمین، منع گردیده شده آسمان (از بارش رحمتش) و تنها تویی پشتیبان و تنها به سوی تو است شکایت نمودن، و تنها بر تو است تکیه نمودن در سختیها و راحتیها، خدایا صلوات بفرست بر محمد و آل محمد، صاحبان امر آنانی که واجب نمودی بر ما اطاعتشان را، و شناساندی به ما به آن (اطاعت) منزلتشان را، پس گشایش عطا کن به ما به حق آنها، گشایشی زود و نزدیک، مانند بر هم زدن (پلک) چشم یا زودتر، ای محمد، ای علی، ای علی، ای محمد، کفایت کنید مرا که تنها شما امید کفایت کنندگان، و باری دهید مرا که تنها شما امید یاری دهندگان، ای مولای ما ای صاحب الزمان، فریادرس، فریادرس، فریادرس، دریاب مرا، دریاب مرا، دریاب مرا، همین ساعت، همین ساعت، همین ساعت، با شتاب، با شتاب، با شتاب، ای مهربانترین مهربانان به حق محمد و خاندان پاکش. «

19- در دعای عهد که از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است، عاشقان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه با سوز و گداز زمزمه می کنند:

«... اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَالْأَكْحُلَ نَاطِرِي بِنُظْرِهِ مِنِّي إِلَيْهِ وَعَجَّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَأَوْسِعْ مَنَهْجَهُ وَاسْمُكَ بِي مَحَجَّتَهُ وَأَنْفِدْ أَمْرَهُ وَاشْدُدْ أَرْزُهُ...» (1)

یعنی: «... خدایا بنما به من آن طلوع کننده رشید را و آن پیشانی پسندیده را، و سرمه کش چشمانم را با یک نگاه از من به سوی او، و تعجیل کن در

ص: 213

فرجش، و آسان کن خروجش را، و وسیع گردان راهش را، و ببر مرا به راهش، و برسان امر (ظهور)ش را، و محکم کن پشتش را...»

20- در فقرات دعای ندبه اینگونه آمده است:

«... اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ [الْكُرْبِ] وَ الْبَلْوَى وَ إِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعُدْوَى وَ أَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى فَاعِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ عِبِيدَكَ الْمُبْتَلَى وَ أَرِهِ سَيْدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى وَ أزلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَ الْجَوَى وَ بَرِّدْ غَلِيلَهُ يَا مَنْ هُوَ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى وَ مَنْ إِلَيْهِ الرَّجْعَى وَ الْمُنتَهَى اللَّهُمَّ وَ نَحْنُ عِبِيدُكَ التَّائِبُونَ إِلَى وَ لِيِّكَ الْمَذْكُورِ بِكَ وَ بَنِيكَ خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَ مَلَاذًا وَ أَقْمْتَهُ لَنَا قَوَامًا وَ مَعَاذًا وَ جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا قَبْلَهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا وَ زِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَامًا وَ اجْعَلْ مُسَدِّقَةً لَنَا مُسَدِّقَةً وَ مُقَامًا وَ أَتِمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيَّاهُ أَمَامَنَا حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ وَ مُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ...» (1)

یعنی: «... خدایا تویی برطرف کننده گرفتاریها و بلاها، و از تو طلب یاری می کنم که نزد توست دادخواهی، و تویی پروردگار آخرت و دنیا، پس فریادرس ای فریادرس فریادخواهان، بنده کوچکت (و) گرفتار را، و بنمایان به او آقایش را ای بسیار توانا، و بر طرف کن از او به حق آن (امام) ناراحتی و غصه را، و خنک کن سوز عطشش را ای آنکه بر عرش استواری، و ای آنکه بسوی اوست بازگشت و سرانجام، خدایا و ماییم بندگان کوچک تو که

ص: 214

مشتاقد به سوی ولی تو، آن (ولی) که تذکر دهنده تو و پیامبر توست، خلقش نمودی برای ما حافظ و پناهگاه، و پیا داشتی او را برای ما (مایه) استواری و پناهگاه، و قرارش دادی برای مؤمنان از ما امام (و پیشوا)، پس ابلاغ کن به او از (جانب) ما تحیت و سلام را، و بیفزا بر ما با آن ای پروردگار کرامت را، و قرار ده محل استقرارش را برای ما محل استقرار و اقامتگاه، و تمام کن نعمت را به تقدیم داشتنت او را (برای رهبری ما) جلوی ما، تا اینکه وارد نمایی ما را به بهشت‌هایت، و به رفاقت شهیدان از خالص شدگانت (برسانی)...»

21- در فقرات دعای افتتاح اینگونه آمده است:

«... اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ اللَّهُمَّ تَخَلَّفْ فِي الْأَرْضِ كَمَا أَنَّكَ تَخَلَّفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ مَكَّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي أَرْتَضِيَهُ لَهُ أَبَدًا مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمَّنًا يَعْْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعِزِّزْ بِهِ وَأَنْصُرْهُ وَأَنْصِرْ بِهِ وَأَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَمِلَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ...» (1)

یعنی: «... خدایا قرار ده او را (هر چه زودتر) دعوت کننده به سوی کتابت، و قیام کننده بر آیینت و جانشین کن او را در زمین همچنانکه جانشین کردی آنانکه قبل از او بودند، مستقر کن برایش آیینش را، آن (آیینی) که پسندیدی تو برای او، بازگردان برای او بعد از ترسش امنیت را، تا پرستش کند تو را و شریکی برای تو چیزی قرار داده نشود...»

ص: 215

«... وَ أَظْهَرَ بِهِ الْعَدْلَ وَ أَيْدُهُ بِالنَّصْرِ وَ أَنْصَرُ نَاصِرِيهِ وَ أَخَذْتُ خَاذِلِيهِ وَ أَقْصِمُ قَاصِمِيهِ وَ أَقْصِمُ بِهِ جَبَائِرَةَ الْكُفْرِ وَ أَقْتُلُ بِهِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ جَمِيعَ الْمُؤَلِّجِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا بَرَّهَا وَ بَحْرَهَا وَ أَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ أَظْهَرُ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ أَتْبَاعِهِ وَ شِيَعَتِهِ وَ أَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ وَ فِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» (1)

یعنی: «و آشکار کن به وسیله او عدالت را، و تأییدش کن با یاری نمودن، و یاری کن یاری کنندگانش را، و واگذار (آنهایی که) او را تنها گذاشتند، و در هم شکن شکنندگان (شوکت) او را، و در هم شکن به وسیله او جباران کافر را، و بکش به وسیله او کفار و منافقین را و همه بی دینان را هر کجا که باشند از شرقهای زمین و غربهای زمین، خشکیش و دریایش، و پر کن به وسیله او زمین را به عدلت، و آشکار کن به وسیله او دین پیامبرت را، درود خدا بر او و فرزندانش باد و قرار بده مرا خدایا از یارانش و کمک کنندگانش و پیروانش و شیعیانش، و بنما به من در آل محمد بر آنها سلام باد آنچه که آرزو دارند، و در مورد دشمنانشان آنچه که می ترسیدند، ای خدای حق اجابت نما، ای صاحب جلالت و اکرام، ای مهربانترین مهربانان.»

ص: 216

«... اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا مُجِيَ [اُمْتَحِيَ] مِنْ دِينِكَ وَ أَحْيِ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ كِتَابِكَ وَأَظْهِرْ بِهِ مَا غُبِيَ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ عَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا خَالِصًا مُخْلِصًا لَا شَكَّ وَلَا شُبُهَةَ مَعَهُ وَلَا بَاطِلَ عِنْدَهُ وَلَا بَدْعَهُ لَدَيْهِ اللَّهُمَّ نَوِّرْ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ وَ هُدِّ بِرُكْنِهِ كُلَّ بَدْعَةٍ وَ أَهْدِمْ بِغُرَّتِهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ وَ أَفْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ وَ أَحْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ وَ أَهْلِكْ بِعَدْلِهِ كُلَّ جَبَّارٍ وَ أَجْرِ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حَكَمٍ وَ أَدِلَّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ...» (1)

یعنی: «...خدایا برگردان به وسیله او آنچه نابود شده از دینت، و زنده ساز به وسیله او آنچه از کتاب تو تغییر یافته، و آشکار کن به او آنچه که تقصیر یافته از احکامت، تا اینکه برگردد دین تو، و به دستش (دین تو) تر و تازه و پاک و بی آلایش که شکی در آن نباشد، و شبهه ای با او نباشد، و باطلی همراه او نباشد، و بدعتی نزد او نماند، خدایا روشن گردان به نورش هر تاریکی را، و نابود کن با قدرتش هر بدبختی را، و یران کن با عزتش هر گمراهی را، و بشکن به وسیله او (کمر) هر جباری را، و خاموش کن با شمشیرش هر آتشی را، و هلاک کن با عدالتش ستم هر ستمگری را، و به جریان درآور حکمش را (با غلبه) بر هر حکم دیگری، و دلیل کن با سلطنتش هر سلطانی را...»

ص: 217

«اللَّهُمَّ احْبُبْنِي عَنْ عُيُونِ أَعْدَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي وَأَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَاحْفَظْنِي فِي غَيْبَتِي إِلَيَّ أَنْ تَأْذَنَ لِي فِي ظُهُورِي وَأَحْيِي بِي مَا دَرَسَ مِنْ فُرُوضِكَ وَسَدِّ نَنِكَ وَعَجِّلْ فَرَجِي وَسَهِّلْ مَخْرَجِي - وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُدَّ لَطَانًا نَصِيْرًا وَافْتَحْ لِي فَتْحًا مُبِينًا وَاهْدِنِي صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا وَقِنِي جَمِيعَ مَا أَحَادِزُهُ مِنَ الظَّالِمِينَ وَاحْبُبْنِي عَنْ أَعْيُنِ البَاغِضِينَ النَّاصِبِينَ العَدَاوَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَلَا يَصِلْ إِلَيَّ مِنْهُمْ أَحَدٌ بِسُوءٍ فَإِذَا أَذْنَتَ فِي ظُهُورِي فَأَيِّدْنِي بِجُنُودِكَ وَاجْعَلْ مَنْ يَتَّبِعُنِي لِنُصْرَةِ دِينِكَ مُؤَيِّدِينَ وَفِي سَبِيلِكَ مُجَاهِدِينَ وَعَلَى مَنْ أَرَادَنِي وَارَادَهُمْ بِسُوءٍ مُنْصُورِينَ وَوَفَّقْنِي لِإِقَامَةِ حُدُودِكَ وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ تَعَدَّى مَحْدُودَكَ وَأَنْصُرِ الحَقَّ وَأَزْهِقِ البَاطِلَ إِنَّ البَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا وَ أورد علي من شيعتي و أنصاري من تقر بهم العين و يشد بهم الأزر و اجعلهم في حوزك و أميك برحمتك يا أرحم الراحمين.» (1)

یعنی: «بار الها! مرا از دیده دشمنانم ببوشان، و مرا با دوستانم گرد هم بیاور، و آن چه را به من وعده فرموده ای به انجام برسان، و مرا در زمان غیبت و پنهانیم تا آن گاه که اجازه آشکار شدنم را صادر می فرمایی در حفظ و نگهداری خود بدار، و واجبات و مستحباتی که کهنه شده اند به دست من زنده کن،

ص: 218

و در گشایش امرم شتاب فرما، و شرایط قیام مرا آسان و فراهم گردان، و از جانب خودت برایم سلطنتی یاری کننده مقرر دار، و پیروزی آشکاری نصیبم ساز، و مرا در راه راست رهنمون باش، و مرا از ستمگرانی که حذر می کنم در حفظ و حراست بدار، و مرا از دیده کینه توزان و دشمنان سرسخت آل پیامبرت که پرچم دشمنی به دوش دارند پنهان بدار، و مگذار هیچ گزندی از هیچ کسی به من رسد، آن گاه که اجازه ظهور و آشکار شدن مرا دادی نیز با سپاهیان خودت موفق و تأییدم فرما، و پیروانم را که برای یاری دینت گرداگرد من هستند و در راه تو جهاد می کنند نیز تأیید کن و موفق فرما و (این دوستانم را) بر بدخواهان من و ایشان یاری کن. مرا موفق کن تا حدود تو را برپا گردانم، و بر هر کسی که پا از مرز و حدود تو فراتر گذاشته است مرا یاری فرما و غالب گردان. حق و راستی را یاری کن، و باطل را نابود و نیست گردان، چرا که باطل رفتنی است. آن دسته از دوستان و پیروان و

یاران مرا که موجب چشم روشنی و پشت گرمی هستند، نزد من بیاور، و ایشان را نیز در نگهبانی و امنیت ویژه ات قرار بده، (این کارها را) با رحمت خود انجام بده، ای مهربان ترین مهربانان.»

جناب سید بن طاووس رحمه الله بعد از نقل این دعای حجاب و حجابهای دیگر فرموده است: «این حجاب ها، از جمله چیزهایی هستند که به ما خواندن آنها الهام شد هنگامی که سیل آمد و موجب غرق شدن عدّه ای شد و آب همه جا را فرا گرفته بود و به سختی می توانستیم جان سالم به در ببریم، و شدت سیل باعث ویرانی مناطق سیل زده شده بود. با اجابت این دعاها امکان ماندن

ما در آن جا و دفع شدن این گرفتاری ها حاصل شد و ضامن سلامتی ما از این حوادث گشت و خداوند را سپاس.»

25- در کتاب وسائل الشیعه در بابی که نماز مخصوص هر امام را جداگانه آورده، بعد از نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه این دعا را ذکر کرده است:

«... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَمَرْتَنَا بِطَاعَتِهِمْ وَعَجَّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ وَأُظْهِرْ إِعْرَازَهُ...» (1)

یعنی: «... خدایا درود فرست بر محمد و خاندانش، کسانی که امر نمودی به ما اطاعتشان را و تعجیل گردان خدایا فرجشان را بوسیله قیام کننده شان، و عزتش را نمایان ساز...»

در این دعا پس از صلوات، به صراحت فرج آل محمد و ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه بیان شده و پس از آن نیز آشکار شدن عزت و سربلندی دولت مهدوی مسئلت شده است.

26- از امام جعفر صادق علیه السلام دعایی نقل شده است که حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها برای فرج بقیه الله ارواحنفاذ دعا نموده و آن این است که فرمود:

برای امر مخوف و بزرگ دو رکعت نماز می گذارید و این همان نمازی است که فاطمه سلام الله علیها آن را به جای می آورده، در رکعت اول بعد از حمد 50

ص: 220

مرتبه «قل هو الله احد» و ركعت دوم را هم مثل ركعت اول به جاى مى آوريد و هنگامى كه سلام داديد بر پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم صلوات مى فرستيد و دستها را بلند مى كنيد و مى گوييد:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجِّهُ بِهِمْ إِلَيْكَ وَ أَتُوسَّلُ إِلَيْكَ بِحَقِّهِمُ الْعَظِيمِ الَّذِي لَا يَعْلَمُ كُنْهَهُ سِوَاكَ وَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عِنْدَكَ عَظِيمٌ وَ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى وَ كَلِمَاتِكَ الثَّمَامَاتِ الَّتِي أَمَرْتَنِي أَنْ أَدْعُوكَ بِهَا وَ أَسْأَلُكَ بِأَسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي أَمَرْتَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَدْعُو بِهِ الطَّيْرَ فَأَجَابَتْهُ وَ بِأَسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي قُلْتَ لِلنَّارِ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ فَكَانَتْ وَ بِأَحَبِّ أَسْمَائِكَ إِلَيْكَ وَ أَشَدَّ رِفْهًا عِنْدَكَ وَ أَعْظَمَهَا لَدَيْكَ وَ أَسْرَعَهَا إِجَابَةً وَ أَنْجَحَهَا طَلِبَةً وَ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ مُسَدِّحُهُ وَ مُسَدِّ تَوَجُّبُهُ وَ أَتُوسَّلُ إِلَيْكَ وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَ أَتَصَدَّقُ مِنْكَ وَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَسْتَمْنِحُكَ وَ أَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ وَ أَخْضَعُ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ أَخْشَعُ

لَكَ وَ أَقْرُ لَكَ بِسُوءِ صَنِيعَتِي وَ أَتَمَلِّقُكَ وَ أَلْحَ عَلَيْكَ وَ أَسْأَلُكَ بِكُتُبِكَ الَّتِي أَنْزَلْتَهَا عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ مِنْ أَوَّلِهَا إِلَى آخِرِهَا فَإِنَّ فِيهَا اسْمَكَ الْأَعْظَمَ وَ بِمَا فِيهَا مِنْ أَسْمَائِكَ الْعُظْمَى أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّىَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تَجْعَلَ فَرَجِي مَفْرُوعًا بِفَرَجِهِمْ وَ تَبَدِّأَ بِهِمْ فِيهِ وَ تَفْتَحَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لِدُعَائِي فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ تَأْذَنَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ هَذِهِ اللَّيْلَةَ بِفَرَجِي وَ إِعْطَاءِ سُؤْلِي وَ أَمَلِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَقَدْ مَسَّنِي الْفَقْرُ وَ نَالَني الضَّرُّ وَ سَلَّمْتَنِي الْخِصَاصَةَ وَ الْخِصَاصَةَ،

وَ

الْجَاتِي الْحَاجَهُ، وَتَوَسَّمتُ بِالذَّلهِ، وَغَلَبْتَنِي الْمَسَدُ كَنَهٍ وَحَقَّتْ عَلَيَّ الْكَلِمَةُ وَأَحَاطَتْ بِي الْخَطِيئَةُ وَهَذَا الْوَقْتُ الَّذِي وَعَدْتِ أَوْلِيَاءَكَ فِيهِ
 الْإِجَابَةَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْسَحْ مَا بِي بِيَمِينِكَ الشَّافِيَةَ وَانظُرْ إِلَيَّ بِعَيْنِكَ الرَّاحِمَةَ وَأَدْخِلْنِي فِي رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ وَأَقْبِلْ إِلَيَّ بِوَجْهِكَ
 الَّذِي إِذَا أَقْبَلْتَ بِهِ عَلَيَّ أَسِيرَ فِكْرَتِهِ وَعَلَيَّ ضِدَّ هَلْ هَدَيْتَهُ وَعَلَيَّ جَائِزِ أَدْبَتِهِ وَعَلَيَّ فَكِيرِ أَعْيَتِهِ وَعَلَيَّ صَدْعِيهِ قَوِيَّتِهِ وَعَلَيَّ خَائِفِ أَمْنَتِهِ وَلَا
 تُخَلِّنِي لِقَاءَ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ وَحَيْثُ هُوَ وَقُدْرَتِهِ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ وَكَبَسَ
 الْأَرْضَ عَلَيَّ الْمَاءِ وَاخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ يَا مَنْ سَمَّى نَفْسَهُ بِالْإِسْمِ الَّذِي بِهِ يَقْضَى حَاجَهُ كُلُّ طَالِبٍ يَدْعُوهُ بِهِ وَأَسْأَلُكَ بِذَلِكَ الْإِسْمِ
 فَلَا شَفِيعَ أَقْوَى لِي مِنْهُ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُقْضِيَ لِي حَوَائِجِي وَتُسْمِعَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَفَاطِمَةَ
 وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ وَعَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا وَمُوسَى وَعَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَالحَسَنَ وَالحُجَّةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَبَرَكَاتُهُ وَرَحْمَتُهُ صَوْتِي
 لِيَشْفَعُوا لِي إِلَيْكَ وَتُشَفِّعَهُمْ فِيَّ وَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَعَلْ بِي كَذَا
 وَ كَذَا يَا كَرِيمُ.» (1)

يعنى: «بارخدایا! من به وسیله آنان به توروى آوردم، و به حق آنان به تو توسل می جویم، همان حقی که کنه و حقیقت آن را کسی جز تو
 نمی داند، و

ص: 222

به حق آن کس که حَقّش در نزد تو عظیم است و به نامهای نیکو و کلمات تامّه ات، همان نامها و کلماتی که به من دستور داده ای تو را به آنها بخوانم و از تو مسئلت دارم به همان نام بزرگی که به ابراهیم آموختی تا پرنده را بدان اسم بخواند و پرنده او را اجابت کرد. و به آن اسم عظیمی که به آن آتش گفتی «سرد و سلامت باش بر ابراهیم» و چنان شد و به محبوب ترین و گرمی ترین و بزرگ ترین نامهای خود در نزد خودت و به نامهایی که سریع تر از همه به اجابت می رسد و نامهایی که از همه موفق تر است و به آنچه که تو اهل آن و سزاوار و شایسته آنی به تو متوسل می شوم، و به تو روی می آورم، از تو می پذیرم و راست و درست می دانم، از تو خواه-ان آمرزشم و خواه-ان بخششم. زاری و التماس به پیشگاه تو می کنم و در برابرت به نشان فروتنی سر فرود می آورم و برای تو خشوع می نمایم و به بدرفتاری خود نزد تو اقرار دارم و اصرار و پافشاری و خواهش و تمنا از تو دارم و از تو می خواهم، به کتابهایت که بر پیامبران که درودها و رحمت تو بر همه آنان باد نازل فرمودی، از تورات و انجیل و

قرآن

عظیم، از آغاز تا پایان آنها، که اسم اعظم تو وجود دارد و به آنچه که در آن کتابها از نامهای بزرگت وجود دارد به تو نزدیکی می جویم و از تو می خواهم که بر محمد و آل او درود بفرستی و از محمد و آل او مشکلات و ناراحتی ها را بگشایی و فرج و گشایش کار مرا با گشایش در کار آنان همراه سازی و مقدّم داری آنها را در هر خیری و از آنان آغاز کنی و در چنین روزی درهای آسمان را بر دعای من بگشایی و در این روز و این شب اجازه فرج و گشایش و بخشش

آنچه که مورد درخواست و آرزوی من در دنیا و آخرت است صادر فرمایی که فقر و تهیدستی به من رسیده، زیان و آسیب مرا فرا گرفته و تنگدستی بر من سایه افکننده، نیازمندی بیچاره ام کرده، ذلت و خواری داغم ساخته، بیچارگی بر من چیره شده، بدبختی و عذاب بر من ثابت شده و خطا و اشتباه احاطه ام نموده است و این همان هنگامی است که به اولیائت نوید اجابت و پاسخ به تقاضا و مسألت و گدایی به پیشگاه درگاهت داده ای، پس بر محمد و آل او درود فرست و دست شفاعت خود را بر من بکش، و با دیده رحمت به من بنگر، و مرا در رحمت بیکران خود داخل ساز، و با آن چهره و وجهه ای که اگر بر اسیر نظر نمایی، آزادش می سازی و بر گمشده و گمراه بنگری، رهنمونش شوی و بر سرگردان توجّه کنی، به مقصدش رسانی و به فقیر نظر افکنی و روی آوری، بی نیازش سازی و بر ضعیف روی آوری توانایش نمایی، و بر خائف ترسان امن و امانش بخشی، با این توجّه و عنایت بر من نظرافکننده و روی آور، و در برخورد با دشمنت و دشمنم مرا تنها مگذار، ای دارنده شکوه و بزرگواری، ای کسی که جز او کسی نمی داند که چگونه است و کجاست و قدرتش چه اندازه است، ای کسی که جوّ را به آسمان مسدود ساخته و زمین را نگه داشته بر روی آب و انتخاب نموده برای خودش نیکوترین نامها را، ای آنکه نامید خود را به اسمی که به آن اسم روا شود حاجت هر طلب کننده که بخواند او را به آن اسم و من از تو به حق آن نام که شفیع توانا تر از آن ندارم و به حقّ محمّد و آل محمد درخواست می کنم که بر محمد و آلش درود فرستی و حاجت ها و نیازهای مرا

برآورده سازی و صدای مرا به گوش محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حجت که صلوات و برکات و رحمت خداوند بر آنان باد برسانی تا برای من در نزد تو شفیع شوند و شفاعت آنان را در مورد من بپذیری و مرا ناامید و مأیوس بر نگردانی به حق «لا اله الا انت» و به حق محمد و آل محمد و حاجتت را می خواهی و می گویی: برای من این کار را این چنین انجام بده ای بخشنده.»

27- روز عید غدیر خم، روز تجدید عهد و پیمان با وارثان غدیر است و دعا نمودن برای تعجیل فرج، یکی از مصادیق تجدید عهد و پیمان است، شاهد این مطلب دعایی است که مرحوم سید بن طاووس رحمه الله در کتاب شریف اقبال الاعمال در اعمال روز عید غدیر خم آورده است:

«... اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَلْعَنَ مَنْ جَحَدَ حَقَّ هَذَا الْيَوْمِ وَأَنْكَرَ حُرْمَتَهُ فَصَدَّ عَنْ سَبِيلِكَ لِإِطْفَاءِ نُورِكَ فَأَيُّ اللَّهِ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ اكْشِفْ

عَنْهُمْ وَ بِهِمْ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ الْكُرْبَاتِ اللَّهُمَّ أَمَلًا الْأَرْضِ بِهِمْ عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ أَنْجِزْ لَهُمْ مَا وَعَدْتَهُمْ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ» (1)

یعنی: «... خدایا همانا من از تو می خواهم به حق محمد و خاندان محمد اینکه صلوات بفرستی بر محمد و خاندان محمد و اینکه لعنت کنی کسی را

ص: 225

که منکر شده حقانیت این روز را، و منکر شده حرمتش را، پس جلوگیری کرد از راهت برای خاموشی نورت، پس نخواست خدا مگر اینکه تمام گرداند نورش را، خدایا گشایش بده به اهل بیت محمد پیامبرت صلی الله علیه و آله و سلم و برطرف کن از آنها و به وسیله آنها از مؤمنان اندوه ها را، خدایا پر کن زمین را به وسیله آنها (از) عدالت همچنانکه پر گردیده از تاریکی و ظلم، و وفا کن برایشان آنچه را وعده دادی به آنها، همانا تو تخلف نمی کنی در وعده ها.»

28- در دعای روز دحو الارض اینگونه آمده است:

«... اللَّهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ أَوْلِيَانِكَ وَازْدُدْ عَلَيْهِمْ مَظَالِمَهُمْ وَأَظْهِرْ بِالْحَقِّ قَائِمَهُمْ وَاجْعَلْهُ لِدِينِكَ مُتَّصِراً وَبِأَمْرِكَ فِي أَعْدَائِكَ مُؤْتِماً...» (1)

یعنی: «... خدایا و تعجیل کن در فرج دوستانت و رد کن به آنها (حقوق) ظلم شده شان را و آشکار کن به حق قائم شان را، و قرار بده او را برای دینت یاری دهنده و به فرمانت در مورد دشمنانت فرمانبردار...»

29- امام سجاده علیه السلام در دعای چهل و هشتم صحیفه برای عید قربان و روز جمعه، پس از اشاره به غضب حق وصایت و امامت اهل بیت علیهم السلام ابتدا برای دشمنان آنان لعن و نفرین خدا را طلب می کند و سپس با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم خواستار تعجیل در فرج و نصرت اهل بیت علیهم السلام می شود:

«... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، كَصَلَوَاتِكَ

ص: 226

وَبَرَكَاتِكَ وَتَحِيَّاتِكَ عَلَىٰ أَصْفِيَاكَ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، وَعَجَلِ الْفَرَجِ وَالرَّوْحِ وَالنُّصْرَةَ وَالتَّمَكِينَ وَالتَّأْيِيدَ لَهُمْ...» (1)

یعنی: «... بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست، که تویی خداوند ستوده صاحب مجد و عظمت، آن سان که به اصفیای خود ابراهیم و آل ابراهیم درود و برکات و تحیات خویش را فرستادی، و در گشایش و آسایش و یاری کردن و تسلط بخشیدن و تأییدشان تعجیل فرما...»

30- از امام ابی جعفر محمد باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: در روز جمعه، عید فطر و قربان، وقتی قصد خروج از منزل نمودی، بگو:

«اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فِي هَذَا الْيَوْمِ، أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِفَوَادِهِ إِلَىٰ مَخْلُوقٍ، رَجَاءَ رِفْدِهِ وَجَائِزَتِهِ وَنَوَافِلِهِ، فَإِلَيْكَ يَا سَيِّدِي كَأَنْتَ وَفَادَتِي وَتَهَيَّيْتِي وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ، وَجَوَائِزِكَ وَنَوَافِلِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَعَلَىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِكَ، وَصَلِّ رَبِّ عَلَىٰ أَيْمَةِ الْمُؤْمِنِينَ، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ وَمُحَمَّدٍ ...»

یعنی: «خدایا! هر کس در این روز مهیا گشته یا آماده شده یا حاضر شده یا آمادگی یافته تا نزد مخلوقی برود و امید پاداش و عطیه و بخششی از او دارد، پس ای آقای من! کوچ کردن من و مهیا شدن من و حاضر گشتن من و آمادگی من به سوی تو به امید پاداش و بخشش تو است. بار خدایا! بر بنده و فرستاده ات و برگزیده از بندگان، محمد صلی الله علیه وآله وسلم، و بر علی -

ص: 227

علیه السلام امیرمؤمنان و وصی پیامبرت درود فرست، و ای پروردگارم! درود فرست بر پیشوایان مؤمنان: امام حسن و امام حسین و امام سجّاد و امام باقر ...»

و امامان را تا آخر نام ببر تا به نام صاحب (حضرت مهدی ارواحنا فدا) برسی و بگو:

«اللَّهُمَّ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَأَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيمًا. اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ رَسُولِكَ، حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمِهِ تُعَزِّزُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ مَا أَنْكَرْنَا مِنْ حَقِّ فَعَرَفْنَا، وَ مَا قَصَرْنَا عَنْهُ فَبَلَّغْنَا.»

یعنی: «خدایا! گشایشی آسان برایش مقرر فرما و نصرتی باعزت عنایتش فرما. خداوندا! دینت را و نیز سنت پیامبرت را به وسیله او ظاهر فرما تا هیچ حقی را از ترس هیچ کسی پوشیده ندارد. خدایا! ما به سوی تو مشتاق هستیم در مورد دولتی باکرامت که اسلام و اسلامیان را بدان عزیز نمایی و نفاق و اهلش را خوار و ذلیل کنی، و ما را در آن دولت، از فراخوانان به فرمانبرداریت، و از رهبران راه خودت قرار دهی و کرامت دنیا و آخرت را روزیمان فرمایی. خدایا! آنچه از حق و حقیقت را که نشناختیم، به ما بشناسان و به آنچه دست نیافتیم، ما را به آن برسان.»

ص: 228

در این جا برای امام عصر صلوات الله علیه دعا کن ، و دشمنانش را نفرین نما ، و حاجتت را درخواست کن ، و سخن آخرت این گونه باشد:

«اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَذَكَّرُ فِيهِ فَيَذَكَّرُ.» (1)

یعنی: «خداوندا! (دعای ما را) به اجابت برسان، خداوندا! ما را از کسانی قرار ده که تذکر دهند و متذکر شوند.»

31- در دعای "کنز العرش" که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است، پس از اینکه خداوند را به چهارده معصوم و انبیای الهی و مقربان درگاهش قسم می دهد، بعد از صلوات در جملاتی که شبیه به دعای مشهور سلامتی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه است، عرضه می دارد:

«يَا رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةً كَثِيرَةً دَائِمَةً ... اللَّهُمَّ وَ كُنْ لَوْلِيَّكَ فِي أَرْضِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ عِبَادِكَ وَ لِيَّآ وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسَدَّ كِنَهُ أَرْضِكَ طَوْعًا وَ تُمَتَّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا وَ عَجَّلْ فَرْجَهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْ شِيَعَتِهِ وَ أَوْلِيَانِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ وَ مُجِيبِيهِ وَ أَتْبَاعِهِ...» (2)

یعنی: «پروردگارا! صلوات فرست بر محمد و خاندانش، صلواتی زیاد و دائم ... خدایا و باش برای ولی خویش در زمینت و حجتت بر بندگانت سرپرست و نگهبان و پیشوا و یاور و راهنما و دیده بان تا او را با رغبت در زمینت ساکن گردانی و زمانی طولانی بهره مندش سازی و تعجیل فرما در فرجش و ما را از شیعیان و فرمانبرداران و کمک کنندگان و یاوران و دوستان و تابعینش

ص: 229

1- . اقبال الاعمال، ج 1، ص 280

2- . البلد الامین، ص 356

در این دعا نه تنها برای فرج دعا می کند، بلکه از خداوند می خواهد که ما را از شیعیان و یاوران قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم قرار دهد.

32- امام صادق علیه السلام در دعا برای گروهی که قصد مسافرت داشتند، برای تعجیل در نصرت و یاری آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ولی آنان دعا می کند و از خداوند خواری و زبونی سریع دشمنانشان را طلب می نماید:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا مَا أَذْنَبْنَا وَ مَا نَحْنُ مُذْتَبُونَ وَ تَبَتْنَا وَ إِيَّاهُمْ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْآخِرَةِ وَ الدُّنْيَا وَ عَافِنَا وَ إِيَّاهُمْ مِنْ شَرِّ مَا قَضَيْتَ فِي عِبَادِكَ وَ بِلَادِكَ فِي سَنَتِنَا هَذِهِ الْمُسْتَقْبَلَةِ وَ عَجِّلْ نَصْرَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ وَلِيَّهِمْ وَ اخْزِ عَدُوَّهُمْ عَاجِلًا»⁽¹⁾

یعنی: «خدایا پیامرز ما را در آنچه از گناهان که انجام دادیم، و ما نیستیم از گناهکاران و ثابت قدم بدار ما را و آنها را بر قول ثابت در آخرت و دنیا و عافیت ده ما را و آنها را از شر آنچه که قضاوت کردی در بندگان و در بلاد در این سال و آینده و تعجیل فرما نصرت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را و نصرت و لیسان را و ذلیل نما دشمنانشان را سریعاً.»

33- در جملاتِ حرز امام سجاد علیه السلام درخواست تعجیل فرج شده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ يَا أَسْرَعَ-

ص: 230

الْحَاسِبِينَ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ يَا خَالِقَ الْمَخْلُوقِينَ يَا رَازِقَ الْمَرْزُوقِينَ يَا نَاصِرَ الْمَنْصُورِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا ذَلِيلَ الْمُتَحَيَّرِينَ يَا غِيَاثَ
الْمُسْتَغِيثِينَ أَعْنِي يَا مَالِكَ يَوْمَ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ يَا صَرِيحَ الْمَكْرُوبِينَ يَا مُجِيبَ

دَعْوِهِ الْمُضْطَرِّينَ أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ الْكَبِيرُ يَا رِذَاؤُكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ
عَلَى عَلِيِّ الْمُرْتَضَى وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى وَ الْحَسَنَ الْمُجْتَبَى وَ الْحُسَيْنَ الشَّهِيدَ بِكَرْبَلَاءَ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ زَيْنَ الْعَابِدِينَ وَ
مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ الْكَاطِمِ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ النَّقِيِّ وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ
النَّقِيِّ وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ وَ الْحُجَّهَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ بْنَ الْحَسَنِ الْإِمَامِ الْمُنتَظَرِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُمْ وَ
عَادِ مَنْ عَادَاهُمْ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُمْ وَ اخذْ مَنْ خذَلَهُمْ وَ العَنُ مَنْ ظَلَمَهُمْ وَ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ انصُرْ شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِكَ أَعْدَاءَ
آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارزُقْنِي رُؤْيَاهُ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَتْبَاعِهِ وَ أَشْيَاعِهِ وَ الرَّاظِينَ بِفِعْلِهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (1)

يعنى:

«بنام خداوند بخشنده مهربان، ای شنواترین شنوندگان، ای بیناترین بینندگان، ای زود حساب کننده ترین حساب کنندگان، ای حکم کننده
ترین حکم کنندگان، ای خلق کننده همه آفریدگان، ای رزق دهنده همه رزق داده شدگان، ای یاری کننده همه یاری کرده شده ها، ای
رحم کننده ترین همه

ص: 231

رحم کنندگان، ای راهنمای گمراهان، ای فریادرس طلب فریادرس کنندگان، فریادرس مرا، ای صاحب روز جزا ترا پرستش می کنیم و از تو طلب امداد می نمایم، ای فریادرس اندوهناک ها، ای برآورنده دعای بیچارگان، تویی خدای پرورنده همه عالمیان، تویی خدا، نیست خدایی مگر تو که پادشاهی به حق و ظاهر، بزرگی رداء توست. بار خدایا رحمت فرست بر محمد برگزیده و بر علی مرتضی و بر فاطمه زهرا و بر خدیجه کبری و بر حسن مجتبی و بر حسین شهید شده در کربلا و بر علی فرزند حسین که زینت عبادت کننده هاست و بر محمد پسر علی که جامع علمهاست و بر جعفر فرزند محمد که راست گوشت و بر موسی فرزند جعفر که فروبرنده خشم است و بر علی پسر موسی که رضاء خدا و رسول است و بر محمد فرزند علی که پرهیزکار است و بر علی پسر محمد که پاک است و بر حسن پسر علی که صاحب لشکر است و بر حجت که برپا دارنده دین خداست و راه یافته است فرزند حسن و پیشوا و انتظار کشیده شده است رحمتهای خدا بر ایشان همگی باد. خداوندا دوست دار کسی را که دوست دارد ایشان را و دشمنی نمای کسی را که دشمن باشد ایشان را و یاری کن کسی را که یاری نموده باشد ایشان را و ترک یاری نمای کسی را که ترک معاونت ایشان نموده باشد و لعنت کن بر کسی که ستم نموده بر ایشان و تعجیل کن در فرج آل محمد و یاری نمای پیروان آل محمد را و هلاک گردان دشمنان آل محمد را و روزی کن مرا دیدن پای دارنده دین را که از آل محمد است و بگردان مرا از جمله تابعین آن حضرت و پیروان او و از جمله خشنودهای به

فعل آن حضرت به حق رحمت خودت، ای مهربانترین مهربانان.»

در این حرز، علاوه بر دعا برای فرج و لعن بر دشمنان اهل بیت علیهم السلام توفیق زیارت و دیدار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز خواسته شده است.

34- حسن بن قاسم می گوید: دیدم امام رضا علیه السلام در غروب روز جمعه نماز جعفر طیار خواند و سپس دعایی قرائت فرمود که در اواخر آن پس از صلوات، فرمود:

«...اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ قَائِمِهِمْ بِأَمْرِكَ وَانصُرْهُ وَانصُرْ بِهِ دِينَكَ الَّذِي عُيِّرَ وَبُدِّلَ وَجَدُّهُ بِمَا امْتَحَى مِنْهُ وَبُدِّلْ بَعْدَ نَبِيِّكَ...» (1)

یعنی: «... خدایا تعجیل کن در فرج قیام کننده ایشان به امر تو، و او را یاری کن و به وسیله او دینت را که تغییر کرده و عوض شده است یاری نما، و تجدید کن توسط او آنچه را که از دینت بعد از پیامبرت محو و عوض شده است...»

35- مرحوم شیخ طوسی رحمه الله در کتاب مصباح المتعجد از یونس بن عبدالرحمن روایت می کند که:

«أن مولانا أبي الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام كان يأمر بالدعاء لصاحب الأمر بهذا الدعاء...»

یعنی: «امام رضا علیه السلام پیوسته با این دعا امر به دعا کردن برای حضرت صاحب -

ص: 233

«اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَلِيَّكَ وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ لِسَانِكَ الْمُعَبَّرِ عَنكَ النَّاطِقِ بِحُكْمِكَ وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ بِإِذْنِكَ وَ شَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ الْجَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ الْعَانِدِ بِكَ الْعَابِدِ عِنْدَكَ وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يُصْبِحُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ أَبَاءَهُ أَيْمَتَكَ وَ دَعَائِمَ دِينِكَ وَ اجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضْيَعُ وَ فِي جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُخْفَرُ وَ فِي مَنْعِكَ وَ عِزِّكَ الَّذِي لَا يُفْهَرُ وَ آمِنُهُ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ الَّذِي لَا يَخْذُلُ مَنْ آمَنَتْهُ بِهِ وَ اجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ وَ انصُرْهُ بِنَصْرِ رِكَ الْعَزِيزِ وَ أَيَّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ وَ قُوَّةِ بَقْوَتِكَ وَ أَرْزُقْهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَ وَالٍ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادٍ مَنْ عَادَاهُ وَ أَلْبَسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِيصَةَ وَ حُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ حَفًّا اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ وَ ارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ وَ أَمِتْ بِهِ الْجُورَ وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ زَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ وَ أَيَّدْهُ بِالنَّصْرِ وَ انصُرْهُ بِالرُّعْبِ وَ قَوِّ نَصِيرِيهِ وَ اخْذُلْ خَادِلِيهِ وَ دَمِّدْ مَنْ نَصَبَ لَهُ وَ دَمَّرْ مَنْ غَشَّاهُ وَ اقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ عَمَدَهُ وَ دَعَائِمَهُ وَ اقْضِمْ بِهِ رُءُوسَ الصَّلَالَةِ وَ شَارِعَةَ الْبِدْعِ وَ مُمِيتَةَ الشُّنَّةِ وَ مَقْوِيَةَ الْبَاطِلِ وَ ذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَ أَبْرِ بِهِ الْكَافِرِينَ وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَارًا وَ لَا تَبْقَى لَهُمْ آثَارًا اللَّهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَ اشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ وَ أَعِزَّ

بِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَخِي بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ وَدَارِسَ حُكْمِ النَّبِيِّينَ وَجَدُّدَ بِهِ مَا افْتَحَى مِنْ دِينِكَ وَبُدَّلَ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ
جَدِيداً غَضّاً مَحْضاً صَحِيحاً لَا عَوْجَ فِيهِ وَلَا بَدْعَهُ مَعَهُ وَحَتَّى تُبَيِّرَ بَعْدَ ظَلَمِ الْجَوْرِ وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ وَتُوضِحَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَمَجْهُولَ
الْعَدْلِ فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَاصْطَفَيْتَهُ عَلَى غَيْرِكَ وَ

عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَسْتَهْدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ أَنَّهُ لَمْ
يُذْنِبْ ذَنْباً وَلَا أَتَى حُوباً وَلَا لَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً وَلَا لَمْ يَضَعْ لَكَ طَاعَةً وَلَا لَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً وَلَا لَمْ يَبْدُلْ لَكَ فَرِيضَةً وَلَا لَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيْعَةً وَأَنَّ
الْهَادِيَ الْمُهْتَدِيَ الطَّاهِرُ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَتَسْرُّ بِهِ
نَفْسُهُ وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكَ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا قَرِيبَهَا وَبَعِيدَهَا وَعَزِيْزَهَا وَذَلِيلَهَا حَتَّى يُجْرِيَ حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَتَغْلِبَ بِحَقِّهِ كُلَّ بَاطِلٍ اللَّهُمَّ
اسْمُكَ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجِ الْهُدَى وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى وَالطَّرِيقَةِ الْوَسْطَى الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْعَالِي وَيَلْحَقُ بِهَا التَّالِي وَفَوَّانَا عَلَى طَاعَتِهِ وَتَبَيَّنَا
عَلَى مُسْتَأْيَعَتِهِ وَآمَنَّا عَلَيْهِ بِمُتَابَعَتِهِ وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ الصَّابِرِينَ مَعَهُ الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَرَتِهِ حَتَّى تَحْشُرَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي
أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَمُقَوِّبِهِ سُلْطَانِهِ اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصاً مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا
وَجْهَكَ وَحَتَّى تُحَلِّنَا

مَحَلَّهُ وَتَجَعَلْنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ وَاعِدْنَا مِنَ السَّمَاءِ وَالْكَسَلِ وَالْفِتْرَةِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَتُعِزُّ بِهِ نَصْرَ رَ وَّلِيكَ وَ لَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا
فَإِنَّ اللَّهَ يَبْدَأُ الْكَيْدَ بِمَا غَيْرُنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَهُوَ عَلَيْنَا كَثِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلَاةِ عَهْدِهِ وَ الْأَيْمَةِ مِنْ بَعْدِهِ وَ بَلِّغْهُمْ أَمَالَهُمْ وَ زِدْ فِي آجَالِهِمْ وَ اعِزِّ
نَصْرَهُمْ وَ تَمِّمْ لَهُمْ مَا اللَّهُ نَدَّتْ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِكَ لَهُمْ وَ ثَبَّتْ دَعَائِمَهُمْ وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا وَ عَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ وَ خُزَّانُ
عِلْمِكَ وَ أَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ وَ دَعَائِمُ دِينِكَ وَ وُلَاةُ أَمْرِكَ وَ خَالِصَةُ تِكِّ مِنْ عِبَادِكَ وَ صَفْوَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَوْلِيَاؤُكَ وَ سَلَائِلُ أَوْلِيَايِكَ وَ صَفْوَةُ
أَوْلَادِ نَبِيِّكَ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. (1)

ترجمه: «خدایا (هر بلایی را) دفع بفرما از ولایت و خلیفه ات و حجتت بر بندگان و زبان گویای تو که با اجازه تو، از طرف تو مطالب را بیان می کند، آن که زبانش به حکمت تو گویا است و چشم بینای تو است که بر بندگان نظارت دارد، او که شاهد تو بر آفریده های تو و از بزرگان مجاهد در راه توست. او که نزد تو به تو پناه می برد. او را در پناه خود قرار ده از شرّ هر آنچه آفریده و پدید آوردی، و ایجاد کردی، و صورت و شکل بخشیدی، او را از روبرو، پشت سر، طرف راست و طرف چپ، و از بالای سرش و زیر پایش، حفظ کن به نگهداری و حفظی که وقتی کسی را به آن حفظ کنی ضایع و تباه نمی شود، و حفظ کن در وجود او رسول خودت و پدران او را که امامان تو و ستون های دین تو

ص: 236

هستند. و قرار ده او را در ودیعه خودت که از بین رفتنی نیست، و در همسایگی خود که مورد خیانت قرار نگیرد، و در حمایت و سایه عزت خودت که مقهور نگردد. و او را در امان محکم خود ایمن بدار که هرگز آن که در سایه امن تو باشد ذلیل و خوار نگردد و او را در کنف حمایت خویش قرار ده، زیرا حمایت شده تو هرگز مورد سوء قصد کسی قرار نخواهد گرفت و او را با یاری شکست ناپذیرت کمک فرما، و با سپاه پیرومندت تأییدش کن، و با نیروی خود نیرومندش فرما، و فرشتگانت را با او

همراه ساز و دوستش را دوست دار، و دشمنش را دشمن بدار و زره محکم و محافظ خود را بر او بپوشان و فرشتگان را گرداگرد او در آور . بار خدایا او را به برترین مرتبه ای برسان که هر یک از برپاکنندگان قسط و عدل از پیروان پیامبران را بدان مرتبه رسانیدی. خداوندا اختلاف ها را به واسطه وجود مقدّسش برطرف گردان و تفرقه ها و پراکندگی ها را به واسطه او از میان بردار . و ظلم و ستم را به وسیله او بمیران، و عدل را به وسیله او آشکار ساز، و زمین را با باقی ماندن طولانی اش زینت و کمال بخش و او را به یاری خودت تأیید کن و با رعب افکندن بر دل دشمنانش پیروزش گردان، و یارانش را نیرومند ساز، و خوارکنندگان او را خوار و ذلیل گردان، و آن که رو در رویش به جنگ ایستد به هلاکت برسان، و آن که با او مکر و خدعه کند نابودش ساز، و با دست توانایش ستمگران و کافران و سردسته ها و ارکان آنان را به خاک هلاکت انداز، و پشت سران گمراهی، بدعت گذاران و نابودکنندگان سنت الهی و تقویت کنندگان باطل را به واسطه او بشکن. با وجود شریفش، زورگویان متکبر را ذلیل کن، و

همه کافران و ملحدان را در شرق و غرب، دریا و خشکی، کوه و دشت ریشه کن فرما تا کسی از آنان بر جای نهد، و اثری از آنان باقی نگذاری.

بارخدا یا سرزمینت را از وجود آن ها پاک گردان و قلب بندگان را با نابودی آن ها شفا ده، و به واسطه آن وجود مقدّس، اهل ایمان را عزیز گردان، و سنّت های رسولان و آنچه از حکمت های پیامبران مندرس گشته به وسیله او زنده کن، و آنچه از دین تو که از بین رفته و از احکامت که دگرگون شده به وسیله او بازسازی کن تا دین حقیقی خود را به وسیله او و به دست توانای او به گونه ای تازه و بی آرایش و صحیح اعاده کنی و بازگردانی که هیچ کجی در آن نباشد و هیچ بدعتی با آن آمیخته نباشد. و تاریکی های ظلم و بیداد با عدل او روشن گردد، و آتش کفر به وسیله او خاموش شود، و در نتیجه، پیچیدگی های حقّ آشکار گردد، و اساس عدل و قسط که مجهول مانده است معلوم و روشن شود. زیرا آن حضرت، بنده توست که برای خودت خالصش گردانیدی، و از میان بندگان او را برگزیدی، و بر آن ها اختیار کردی، و او را برای سپردن غیب خودت، امین یافتی و از گناهان، او را نگه داشتی، و از هر عیبی پیراسته اش کردی، و از هر پلیدی آراسته اش گردانیدی، و از هر ناپاکی رهایش ساختی. خدایا ما در روز قیامت و آن حادثه بزرگ محشر، گواهی می دهیم که او هرگز گناهی نکرده، و جرمی انجامی نداده، و معصیتی مرتکب نشده، و طاعتی را از تو ضایع نساخته، و حرمتی را از تو هتک نکرده، و فریضه ای از تو را دگرگون ننموده، و قانونی از دین تو تغییر نداده است و او هدایت گر انسانها، و هدایت -

یافته پاک سیرتِ باتقوای پاکیزه پسندیده آراسته است. خدایا برای او نسبت به خودش، اهلش، فرزندان، امت و همه زیر دستانش، چیزی عطا کن که چشمش را به آن روشن نمایی و روانش را به آن شاد گردانی و حکومت سراسر کشورهای نزدیک و دور، سرفراز و خوار را به او عطا فرما تا حکمش بر حکم هر حکمرانی جاری گردد، و حقّ او بر هر باطلی غالب گردد. خدایا ما را به دست او، بر طریقت هدایت، و بر راه روشن عظیم و راه میانه و اعتدال سالک گردان، راهی که هر افراطگر پیشی گیرنده، و هر کوتاه نظر عقب مانده، باید بدان باز گردد. و ما را بر طاعتش قوی گردان، و بر پیرویش ثابت قدم بدار، و با نعمت پیرویش بر ما منت بگذار، و ما را در سپاه او قرار ده، که اجراکننده فرمان اویند، و در راهش صابر و شکیبیا هستند، و از خیرخواهی او فقط

رضا و خشنودی تو را طالب اند تا در روز رستاخیز ما را در میان یاران و مددکاران و تقویت کنندگان حکومت بابرکتش محشور فرمایی.

خدایا این را از ما، خالص و به دور از هر شک و شبهه و ریا قرار بده، آنگونه که با این کار، به غیر تو اعتماد نکنیم و از این کار، جز تو را نطلبیم، و تا این که به لطفت ما را به محلّ و مقام او وارد نمایی و در بهشت با او و در جوار او جای دهی؛ و ما را از خستگی و تبلی و سستی در طاعت، در پناه خویش قرار دهی؛ و ما را از کسانی قرار دهی که دینت را به سبب او یاری می دهی و یاری ولّیت را تقویت می گردانی. و کسی را غیر از ما جایگزین ما مفرما، زیرا که این جایگزینی برای تو بسی سهل و آسان است؛ ولی برای ما بسیار گران و سنگین می باشد.

خدایا رحمت فرست بر فرمانداران او و پیشوایان از فرزندان او و آنان را به آرزوهایشان برسان، و بر عمرهای شان بیفزای، و نصرت باعزت به آن ها عنایت فرما، و آنچه از امر دین خود را مربوط به آنان فرمودی به حدّ کمال و اتمام برسان و اساس حکومت آنها را ثبات و پایداری عنایت کن، و ما را برای آنان یار و برای دینت یاور قرار بده، زیرا آنان معدن های کلمات تو، و پایه های توحید تو، استوانه های دین تو، و سرپرستان امر از طرف تو و خاصان و خالصان از بندگان تو، و برگزیده از خلق تو، و دوستان تو، و فرزندان اولیای تو و برگزیده از فرزندان پیامبران تو هستند، و درود بر آن ها و رحمت و برکات الهی بر آنان نثار باد.»

36- از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که مستحب است بعد از نماز عصر روز جمعه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صلوات فرستاده شود، در قسمتی از این صلوات آمده است:

«... اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِكَ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ...»⁽¹⁾

یعنی: «... خدایا تعجیل کن در فرج خاندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم و دشمنان جنی و انسی ایشان را به هلاکت برسان...»

37- امام صادق علیه السلام در فرازهای پایانی دعایی که پس از نماز ظهر و عصر در روز عرفه از ایشان نقل شده، بعد از درود بر محمد و آلش، فرج آنان را مسئلت می نماید:

«... اللَّهُمَّ عَجِّلِ الرَّوْحَ وَالْفَرَجَ لِآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ اجْمَعْ عَلَيَّ الْهُدَى

ص: 240

أَمْرُهُمْ وَاجْعَلْ قُلُوبَهُمْ فِي قُلُوبِ خِيَارِهِمْ وَأَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِهِمْ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ...» (1)

یعنی: «... خدایا! تعجیل کن آسایش و گشایش را برای فرزندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم، خدایا! کار آنان را بر هدایت گرد آور و قرار ده (آنچه در) دل‌هایشان هست در دل‌های دوستان آنها و رابطه میان آنها را اصلاح گردان، به راستی که تو ستوده و بلندپایه ای...»

38- در دعای وقوف امام زین العابدین علیه السلام در روز عرفه، دعا برای آن حضرت و طلب فرجشان گردیده شده است:

«...اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّجْ عَنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْهُمْ أئِمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ وَانصُرْهُمْ وَانْتَصِرْ بِهِمْ وَأَنْجِرْ لَهُمْ مَا وَعَدْتَهُمْ وَبَلِّغْنِي فَتْحَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاكْفِنِي كُلَّ هَوْلٍ دُونَهُمْ ثُمَّ اقْسِمِ اللَّهُمَّ لِي فِيهِمْ نَصِيبًا خَالِصًا يَا مُقَدِّرَ الْأَجَالِ يَا مُقَسِّمَ الْأَرْزَاقِ وَافْسَحْ لِي فِي عُمْرِي وَابْسُطْ لِي فِي رِزْقِي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَأَصْلِحْ لَنَا إِمَامَنَا وَاسْتَصْلِحْهُ وَأَصْلِحْ عَلَيَّ يَدِيهِ وَآمِنْ خَوْفَهُ وَخَوْفَنَا عَلَيْهِ وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ الَّذِي تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ اللَّهُمَّ أَمْلَأِ الْأَرْضَ بِهِ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلِئْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَآمِنُ بِهِ عَلَى فُقَرَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَارَامِلِهِمْ وَمَسَاكِينِهِمْ وَاجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيهِ وَشَيْعَتِهِ أَشَدَّهُمْ لَهُ حُبًّا وَأَطْوَعَهُمْ لَهُ طَوْعًا وَأَنْفَذِهِمْ لِأَمْرِهِ وَأَسْرِعِهِمْ إِلَيَّ مَرْضَاتِهِ وَأَقْبَلِهِمْ لِقَوْلِهِ وَ

ص: 241

یعنی: «خدایا بر محمد و آل او درود فرست و فرج آل محمد را برسان، و قرار بده آنها را امامانی که به حق هدایت می کنند و به حق اجرای عدالت می نمایند و آنها را یاری کن و به وسیله آنها یاری بخش و برای آنها آنچه وعده فرمودی وفا کن و پیروزی آل محمد را به من برسان، و کفایت کن مرا هر هول و غمی که به آنها برسد، سپس تقسیم کن خدایا برایم در آنها نصیب و بهره پاک، ای تقدیر کننده آجال، ای تقسیم کننده ارزاق، و دراز گردان عمرم را، و زیاد گردان رزقم را، خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و برای ما امامان را اصلاح کن و برای او طلب اصلاح کن و با دستان او (جامعه را) اصلاح کن، و ترس او را و ترس ما را نسبت به (وجود مبارک) او ایمن گردان، و او را کسی قرار بده که به وسیله او دینت را یاری نماید. خدایا به وسیله او زمین را پر از عدل و داد کن چنان که از ستم و جور پر گشته است، و به وسیله او بر فقرای مسلمین و یتیمان و بی سرپرستان و از کار افتادگانشان منت گذار و مرا از برگزیدگان دوستان و شیعیانش، و شدیدترین آنها نسبت به او از نظر محبت، و رامترین شان در فرمانبری قرار ده. (مرا) نافذترین آنها در مقابل فرمان او، و شتاب کننده ترینشان به سوی خرسندی و رضایت او، و روکننده ترین آنها به سوی سخن او، و پایدارترینشان در امر او قرار ده، و شهادت در پیشگاه او را روزی من گردان، تا تو را در حالی که از من راضی هستی ملاقات کنم.»

ص: 242

39- در تسبیح ده جزئی که برای روزهای مبارک رمضان آمده است، می خوانیم:

«سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي السَّمِّ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ...»

یعنی: «منزه است خدا آفریننده هر جاننداری، منزه است خدای صورت دهنده، منزه است خدای خلق کننده جفتها...»

سپس صلوات بر هر یک از ائمه علیهم السلام جداگانه ذکر شده و پس از صلوات بر همه امامان آمده است:

«...اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِي مَنْ وَالَاهُ وَوَعَادِ مَنْ وَعَدَاهُ وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُ...»⁽¹⁾

یعنی: «...خدایا صلوات بفرست بر جانشین بعد از او امام مسلمانان، و دوست بدار آنکه دوست بدارد او را و دشمن بدار آنکه دشمن بدارد او را، و تعجیل کن خدایا در فرجش...»

40- روایت شده است که حضرت امام صادق علیه السلام در روز بیست و یکم ماه رمضان، در حال سجده با این عبارات با خدای خود راز و نیاز می کردند:

«... أَسْأَلُكَ بِجَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ وَ مَا لَمْ أَسْأَلْكَ مِنْ عَظِيمِ جَلَالِكَ مَا لَوْ عَلِمْتُهُ لَسَأَلْتُكَ بِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنْ تُؤَدِّنَ لِفَرَجِ مَنْ بِفَرَجِهِ فَرَجُ أَوْلِيَانِكَ وَ أَصْفِيَانِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ بِهِ تُبِيدُ الظَّالِمِينَ وَ تُهْلِكُهُمْ

ص: 243

یعنی: «... و از تو می خواهیم به تمام آنچه از تو سؤال نمودم و آنچه از تو درخواست نکردم از جلالت عظیم تو که اگر آن را می دانستم به آن از تو درخواست می کردم، اینکه بر محمد و آلش درود فرستی و نیز اجازه فرج آن کسی را صادر فرمایی که اگر فرج او انجام شود، فرج همه اولیاء و برگزیدگان خواهد شد و به وسیله او همه ستمگران را نابود و هلاک خواهی کرد. ای پروردگار عالم در این امر تعجیل فرما
«...»

41- شیخ طوسی اعلی الله مقامه می گوید: مستحب است در تعقیب دو رکعت اول نماز شب، این دعا خوانده شود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَ لَمْ يَسْأَلْ مِثْلَكَ أَنْتَ مَوْضِعُ مَسْأَلَةِ السَّائِلِينَ وَ مُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاعِبِينَ أَدْعُوكَ وَ لَمْ يَدْعَ مِثْلَكَ وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَ لَمْ يُرْغَبْ إِلَى مِثْلِكَ أَنْتَ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ أَسْأَلُكَ بِأَفْضَلِ الْمَسَائِلِ وَ أَنْجَحِهَا وَ أَعْظَمِهَا يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ وَ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى وَ أَمْثَالِكَ الْعُلْيَا وَ نِعْمِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى وَ بِأَكْرَمِ أَسْمَائِكَ عَلَيْكَ وَ أَحَبِّهَا إِلَيْكَ وَ أَقْرَبِهَا مِنْكَ وَ سَبِيلَهُ وَ أَشْرَفِهَا عِنْدَكَ مَنْزِلَهُ وَ أَجْزَلِهَا لَدَيْكَ ثَوَاباً وَ أَسَدَّ رَعِيهَا فِي الْأُمُورِ إِجَابَةً وَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْأَكْبَرِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَعْظَمِ الْأَكْرَمِ الَّذِي تُحِبُّهُ وَ تَهْوَاهُ وَ تَرْضَى بِهِ عَمَّنْ دَعَاكَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَ حَقَّقْتَ عَلَيْكَ أَنْ لَا تَحْرِمَ سَائِلَكَ وَ لَا تَرُدَّهُ وَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي التَّوَرَاهِ

ص: 244

وَ الْإِنْجِيلِ وَ الرَّبُّورِ وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَ بِكُلِّ اسْمٍ دَعَاكَ بِهِ حَمَلَهُ عَرْشِكَ وَ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلُ طَاعَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَ ابْنِ وَلِيِّكَ وَ تُعَجِّلَ خِزْيَ أَعْدَائِهِ. (و بعد از آن هر چه دوست داری دعا کن)» (1)

یعنی: «بار خداوندا؛ همانا من از تو می خواهم، در حالی که کسی مانند تو نیست که سؤال شود، تو محلّ خواسته در خواست کنندگانی و نهایت شوق مشتاقانی، تو را صدا می زنم در حالی که مثل تو کسی نیست که خوانده شود، و به سوی تو مشتاقم در حالی که کسی چون تو نیست که به او میل شود، تو اجابت گر دعای بیچارگانی و مهربان ترین مهربانانی. از تو می خواهم به برترین خواسته ها و کامیاب ترین و بزرگ ترین خواسته ها، ای خدا، ای بخشنده، ای مهربان، و به نام های نیکویت و مثل های بلندمرتبه ات و نعمت های که به شمارش نیاید، و به گرامی ترین نام های، و محبوب ترین آنها نزد تو و نزدیک ترین آن ها از نظر وسیله بودن به سوی تو، و باشرافت ترین آنها نزد تو از نظر قدر و منزلت، و فراوان ترین آن ها از نظر پاداش، و سریع ترین آن ها در امور از نظر اجابت، و به نام پنهان بزرگ تر، عزیزتر، بزرگوارتر، عظیم تر و گرامی تر که آن را دوست می داری و می خواهی و به واسطه آن از کسی که با آن نام تو را بخواند راضی و خشنود می شوی و دعایش را اجابت می کنی، و بر تو سزاوار است که خواننده خود را محروم نساخته و او را رد نکنی، و به هر اسمی که برای

ص: 245

توست در تورات، انجیل، زبور و قرآن عظیم، و به هر اسمی که حاملان عرش و فرشتگان و پیامبران و فرستادگانت و مخلوقات فرمانبرداری تو را به آن اسم می خوانند، که بر محمد و آل محمد درود فرستی و در فرج و گشایش کار ولی و فرزند ولی خود تعجیل کنی و در خواری و ذلت دشمنانش شتاب نمایی.»

مرحوم کفعمی رحمه الله می گوید: مستحب است که این دعا بعد از هر دو رکعت از نمازهای شب خوانده شود. (1)

و همچنین شیخ طوسی اعلی الله مقامه در جای دیگر می گوید: بعد از رکعت چهارم نماز شب، دو سجده شکر می گذاری و در آن دو سجده صد مرتبه می گویی: «ما شاء الله، ما شاء الله»، سپس این دعا را می خوانی:

«يَا رَبَّ أَنْتَ اللَّهُ، مَا شِئْتَ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ لِي فِيهَا تَشَاءُ أَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ، وَ تُعَجِّلَ فَرَجِي وَ فَرَجَ إِخْوَانِي مَقْرُونًا بِفَرَجِهِمْ وَ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا (و برای هر چه دوست داری دعا کن).» (2)

یعنی: «ای پروردگار من! تو خداوندی، هر چه از امور بخواهی انجام می شود، پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و برایم در آنچه می خواهی این را قرار بده که فرج آل محمد را تعجیل فرمایی که خدا بر آن حضرت و آنان درود فرستد و گشایش کار مرا و گشایش کار برادرانم را همراه با فرج آل محمد

ص: 246

1- . مصباح کفعمی، ص 51

2- . مصباح المتهجد، ج 1، ص 145

42- در دعای قنوت نماز وتر اینگونه برای فرج امام زمان علیه السلام دعا می شود:

«... اللَّهُمَّ أَظْهِرِ الْحَقَّ وَ أَهْلَهُ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ أَقُولُ بِهِ وَ أَنْتَظِرُهُ اللَّهُمَّ قَوْمَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَظْهِرْ دَعْوَتَهُ بِرِضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ أَظْهِرْ رَأْيَتَهُ وَ قَوِّ عَزْمَهُ وَ عَجِّلْ خُرُوجَهُ وَ انصُرْ جُيُوشَهُ وَ اعْضُدْ أَنْصَارَهُ وَ أَلْبِغْ طَلِبَتَهُ وَ أَنْجِحْ أَمَلَهُ وَ أَصْلِحْ شَأْنَهُ وَ قَرِّبْ أَوَانَهُ فَإِنَّكَ تُبْدِي وَ تُعِيدُ وَ أَنْتَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ...»(1)

یعنی: «خداوندا آشکار ساز حق و اهلش را و قرار ده مرا از کسانی که به آن معترف هستم و انتظار آن را می کشم، خداوندا بپا دار قائم از فرزندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم را و آشکار ساز دعوتش را با خشنودی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، خداوندا آشکار ساز پرچم او را و محکم ساز عزمش را و تعجیل کن خروجش را و پیروز گردان لشکرش را و یاری نما انصارش را و برسان خواستش را و برآور آرزویش را و اصلاح نما امورش را و نزدیک گردان زمانش را که همانا تو می دهی و می گیری و تو آمرزنده و بسیار مهربانی.»

ص: 247

مؤیدات "وجوب دعا برای فرج"

در این قسمت از این رساله به تشرفات و روایاتی می پردازیم که مؤید "وجوب دعا برای فرج" می باشند نه دلیل، زیرا دلیل به روایتی گفته می شود که از جهت سند و متن، صحت آن احراز شده باشد و تشرفات به جهت اینکه از افراد مؤمن و ثقه نقل شده می توان از آنها به جهت مؤید بودن استفاده کرد.

امر به دعا برای فرج پس از ذکر مصائب امام حسین علیه السلام

در ابتدا به پیامی از مولایمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گوش جان می سپاریم که صاحب مکیال آن را ذکر کرده است:

«هر مؤمنی که در مجالس سوگواری پس از ذکر مصائب حضرت سیدالشهدا علیه السلام برای من دعا کند، من برای او دعا می نمایم.»⁽¹⁾

امر و پیام امام محمد باقر علیه السلام در امر دعا برای فرج

آیت الله شیخ محمد باقر فقیه ایمانی رحمه الله در کتاب "لواء الانصار" نقل

ص: 248

می کنند که:

حضرت امام محمد باقر علیه السلام در عالم رؤیا در جواب سؤال کننده که عرض نمود: حکمت چیست که در امتهای گذشته هرگاه حجت‌های آنها غائب می شدند به این مقدار طولانی نمی شد که در این امت واقع شده است؟ جواب فرمودند:

«چون در امتهای گذشته هر گاه غیبتی برای حجت آنها واقع می شد، برای توبه و تضرع و دعا اجتماع می کردند، و لکن در این امت چون چنین اجتماعی واقع نشده از این سبب غیبت به طول انجامیده است.»⁽¹⁾

تشریح شیخ حسین سامرائی

حضرت آیت الله حاج میرزا احمد سیبویه ساکن تهران به نقل از آقا شیخ حسین سامرائی که از اتقیای اهل منبر در عراق بودند، فرمودند:

در آن ایامی که در سامرا مشرف بودم، روز جمعه ای طرف عصر در سرداب مقدس رفتم، دیدم غیر از من کسی نیست و من حال و توجهی پیدا کرده و متوجه حضرت صاحب الأمر صلوات الله علیه شدم. در آن حال صدایی از پشت سر شنیدم که به فارسی فرمود:

«به شیعیان و دوستان ما بگویند که خدا را به حق عمه ام حضرت زینب سلام الله علیها قسم دهند که فرج را نزدیک گردانند.»⁽²⁾

ص: 249

1- . لواء الانصار، شیوه های یاری قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، ص 69

2- . شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، ج 1، ص 251

جناب آقای قاضی زاهدی از جناب حاج محمد علی فشندی که از اخیار و مؤمنان و شیفتگان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه بودند نقل می کنند که:

در مسجد مقدس جمکران اعمال را به جا آورده و با همسرم می آمدم. دیدم آقای نورانی داخل صحن شده و قصد دارند به طرف مسجد بروند. گفتم: این سید نورانی در این هوای گرم تابستان از راه رسیده، تشنه است. ظرف آبی به دست او دادم. ظرف آب را پس داد، گفتم: آقا شما دعا کنید و فرج امام زمان علیه السلام را از خدا بخواهید تا امر فرجش نزدیک شود، ایشان فرمودند:

«شیعیان ما به اندازه آب خوردنی ما را نمی خواهند. اگر بخواهند دعا می کنند و فرج ما می رسد».

این را فرمود و تا نگاه کردم ایشان را ندیدم، فهمیدم امام زمان علیه السلام را زیارت کردم و ایشان امر به دعا نموده اند. (1)

فرمان امام حسن مجتبی علیه السلام در امر دعا برای فرج

صاحب مکیال نقل نموده که: امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند: «بر منبرها به مردم بگویید و دستور دهید که توبه کنند و برای فرج و تعجیل ظهور امام زمان علیه السلام دعا کنند. این دعا، مانند نماز میت، واجب کفایی نیست که اگر یک یا چند نفر از مردم آن را انجام دادند تکلیف از دیگران برداشته شود،

ص: 250

بلکه همانند نماز های واجب روزانه، بر هر یک از مکلفان واجب است که انجام دهند...» (1).

قصیده سید حیدر حلاوی

سید حیدر حلاوی شاعر اهل بیت علیهم السلام قصیده ای سرود و در ضمن آن از گرفتاری های شیعیان و درد، رنج، شکنجه و مصائب آن ها به پیشگاه امام عصر علیه السلام شکایت کرده و این قصیده را در چندین مجلس خوانده بود:

«فرأی واحد من صلحاء المجاورین فی النجف الأشرف الحجه المنتظر علیه السلام فقال له (ما معناه) قد أقلقنی السید حیدر قل له لا یؤذینی فإن الأمر لیس ببیدی»

پس دید شخصی از صلحا از مجاورین مرقد شریف نجف اشرف حضرت حجت منتظر علیه السلام را که به او به این مضمون فرمودند:

سید حیدر دل مرا به درد آورده، برو به او بگو اینقدر مرا با اشعارت آزار مده، بدرستی که امر در دست من نیست... (از خدا بخواهید و دعا کنید فرج مرا برساند)

«ورفع الله عنهم القرعه فی آیامه و بعده بسنین»

پس خداوند در همان ایام آن قرعه و ستم حاکم ظالم را تا چندین سال از آنان برداشت. (2)

ص: 251

1- . مکیال المکارم، ج 1، ص 438

2- . بحار الانوار، ج 53، ص 332

رؤیای آیت الله سید محمد هاشمی گلپایگانی رحمه الله

جناب آقای قاضی زاهدی نقل نموده اند: حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج محمد باقر ملبوبی، صاحب کتاب «الوقایع و الحوادث» خوابی را که خود از مرحوم آیت الله سید محمد هاشمی گلپایگانی شنیده اند طبق درخواست نویسنده چنین مرقوم فرموده اند: حجه الاسلام مرحوم سید محمد گلپایگانی فرزند آیت الله سید جمال گلپایگانی رحمه الله فرمود:

پس از فوت مرحوم پدرم، شبی در خواب دیدم که حضور پدرم مشرف شدم و ایشان در اطاق مفروش به زیلو و فاقد اثاث نشسته اند.

گفتم: پدر! اگر خبری نیست ما هم به دنبال کارمان برویم، وضع طلبگی در گذشته و حال همین است که می بینم.

پدرم فرمود: پسر، حرف مزین! هم اکنون ولی امر عجل الله تعالی فرجه الشریف تشریف می آورند.

آنگاه پدرم از جا برخاست، متوجه شدم محبوب کل عالم، حضرت ولی عصر علیه السلام تشریف آوردند. پس از عرض سلام و جواب حضرت، قبل از این که من حرفی بزنم، حضرت فرمودند: سید محمد! مقام پدرت این حجره محقر نیست، بلکه مقامش آنجاست (به محل مورد اشاره دست حضرت نگاه کردم) قصری باشکوه و ساختمان با عظمتی را که از وصف آن عاجزم، دیدم و بسیار خوشحال گردیدم.

عرض کردم: یابن رسول الله! آیا وقت ظهور رسیده است تا دیدگان همه به

جال مبارکتان روشن شود؟

حضرت فرمود: «لم تبق من العلامات الا المحتومات وربما وقعت فی مده قليله، فعليكم بدعاء الفرج.»

یعنی: از علائم ظهور، فقط علامات حتمی مانده است و شاید آنها نیز در مدتی کوتاه به وقوع بپیوندد، پس بر شما باد که برای فرج (ظهور) دعا کنید. (1)

پیام امام زمان علیه السلام به حاج آقا حسن قمی رحمه الله

حاج آقا اثنی عشری که از مروجین دین و خاندان رسالت می باشند و در تهران سکونت دارند، داستان شنیدنی از مشهد و از بیت آیت الله حاج آقا حسن قمی رحمه الله نقل کرده و فرموده اند:

هر هفته شبهای سه شنبه آیت الله حاج آقا حسن قمی در منزل خویش مجلس دعا و توسل داشتند و برای سلامتی و فرج امام عصر علیه السلام دعا می خواندند. راستی مجلس پرمعنویت و با روحی بود، خودشان با گریه و خلوص وصف ناپذیری دعای توسل را می خواندند و همه را دگرگون می ساختند.

یکی از شبهای سه شنبه، پس از مراسم دعا، من در گوشه ای نشسته و غرق در شور و اخلاص بودم که یکی آمد و گفت: آیت الله شما را می خواهد.

رفتم، دیدم که آقای قمی تنها در اطاق نشسته است. سلام گفتم و نشستم و فرمودند: کسی برای من و شما پیامی آورده است.

نگاه کردم، دیدم جوان خوش چهره و زیبایی آمد و کنار درب ایستاد و روبه

ص: 253

آیت الله کرد و گفت: «من از طرف حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه برای شما و آقای اثنی عشری پیام دارم.»

آیت الله فرمودند: بگو پیامت چیست؟

گفت: من مأموریت دارم به شما بگویم که حضرت فرمود: «برو به حاج آقا حسن قمی و اثنی عشری بگو، برای فرج من دعا کنید تا این که خدا مرا از زندان غیبت نجات دهد.»

این جمله را گفت و رفت و من از پی او روان شدم تا بیشتر با او صحبت کنم، اما گویی یک لحظه از نظرم ناپدید شد. دیدم آیت الله قمی هم حالش منقلب شده و در گریه و اضطراب است. (1)

مرحوم شیخ احمد کافی رحمه الله می فرمود

مرحوم شیخ احمد کافی رحمه الله نقل می کرد: یک نفر از رفقا از یزد نامه ای به من نوشته، آدم دینی خوبی است، از عاشقان امام زمان علیه السلام است، از رفقای من است، در نامه مطلبی نوشته که من را چند روز است منقلب کرده، اگر چه این پیغام خیلی به علما رسیده (به مرحوم مجلسی گفته، به شیخ مرتضی انصاری گفته، به مرحوم حاج شیخ عبدالکریم گفته، به مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی گفته، به بعضی از اوتاد دیگر گفته) این بنده خدا نوشته:

من چهل شب چهارشنبه از یزد می آمدم قم، مسجد جمکران توسلی و حاجتی داشتم، نوشته شب چهارشنبه چهلمی دو هفته قبل بود، در مسجد

ص: 254

جمکران خسته بودم، گفتم ساعتی اول شب بخوابم سحر بلند شوم برنامه ام را انجام بدهم.

صحن حیاط هوا گرم بود، خوابیده بودم یک وقت دیدم از در مسجد جمکران یک مشت طلبه ها ریختند تو، گفتم: چه خبر است؟

گفتند: آقا آمده.

گفت: من خوشحال دویدم، رفتم جلو آقا را دیدم، اما نتوانستم جلو بروم، گفتم: آقا آمده اند که آمده باشند؟ یعنی ظهور کرده اند؟ خودش فرمود: «نه، برو به مردم بگو دعا کنند خدا فرجم را نزدیک کند.»

به خدا قسم، آی مردم دعاهایتان اثر دارد، ناله هایتان اثر دارد، خود آقا به مرحوم مجلسی فرموده: «مجلسی به شیعه ها بگو برایم دعا کنند.» هِی پیغام می دهد، به خدا دلش خون است، اما مصلحت در این است که فعلاً پسر فاطمه علیهما السلام در پس پرده غیبت باشد، تا کی؟ نمی دانم؟ حالا می خواهم دعا کنم: الهی به پهلوی شکسته زهرا علیها السلام، خدایا به صورت سیلی خورده زهرا علیها السلام، الهی به جگر پاره پاره امام حسن علیه السلام، الهی به سر بریده امام حسین علیه السلام، قَسَمَت می دهم که دیگه فرجش را نزدیک کن. (الهی آمین) آقاجان، آقاجان، آقاجان به خدا ما دلمان خون است.»⁽¹⁾

تشریف مشهدی حسن یزدی

در جنوب شرقی مشهد مقدس کوهی است به نام کوه خلیج که از قدیم الایام

ص: 255

1- نغمه هایی از بلبل بوستان حضرت مهدی علیه السلام، ج 2، ص 255

دوستان حضرت و عشاق آن امام همام بدان جا می رفته و مشغول توسل به آن جناب و دعا برای حضرتش می شدند.

از جمله مرحوم مغفور مشهدی حسن یزدی که از صلحا و منتظرین وجود مقدس حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه بوده بدان کوه می رفته و مشغول توسل به آن جناب می شده و اکثر متدینین مشهد مرحوم مشهدی حسن یزدی را به خاطر دارند که چگونه در انتظار و فراق امام زمانش می سوخت.

این تشرف را مشهدی حسن نقل نموده، چون بسیار حائز اهمیت است آن را نقل می کنیم تا ان شاءالله مردم و بالاخص جامعه روحانیت بیشتر به یاد امامشان باشند، او می گفت:

تقریباً در سنه 1350 شمسی یک روز صبح زود به کوه خلیج رفتم و در آنجا مشغول زیارت خواندن و توسل به امام زمان ارواحنا فداه شدم. حال خوبی داشتم و دائماً با حضرتش مناجات می کردم و می گفتم ای کاش ظهور می کردید و من ظهور شما را درک می کردم. آن روز، روز تعطیلی بود بعد از توسل از کوه خلیج به منزل رفتم و قدری استراحت کردم.

در عالم رؤیا دیدم در همان مکان روی کوه خلیج هستم و آقایم و مولایم صاحب الزمان روحی له الفداء هم هستند. آقا در حالی که دست هایشان را بر پشت گذاشته بودند به طرف شهر مشهد نگاه می کردند.

گفتم: آقا تشریف بیارید داخل شهر (منظورم ظهور آن حضرت بود).

فرمودند: من در این شهر غریبم.

گفتم: آقا اگر کاری دارید بفرمایید تا برایتان انجام دهم.

فرمودند: ما کارگران زیادی داریم ولی آنها حق ما را می خورند و اکثراً یک قدم برای من بر نمی دارند و به یاد من نیستند.

در این هنگام از خواب بیدار شدم و در فراغ آن حضرت و برای غربت آن حضرت بسیار اشک ریختم. (1)

شیخ عبدالعلی بحرانی و نقل دعا برای فرج

آیه الله سید مهدی خراسان، محقق بی نظیر دوران، مجاور حرم مطهر امیرمؤمنان علیه السلام (2) بدون واسطه از مرحوم شیخ عبد العلی بحرانی نقل می کند که گفت:

روزی در حرم امیر مؤمنان علیه السلام شخصی را دیدم که این دعا را می خواند:

«اللَّهُمَّ هَذَا دِينُكَ أَصْبَحَ بَاكِيًا لِفَقْدِ وَلِيِّكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ رَحْمَةً لِدِينِكَ.

اللَّهُمَّ هَذَا كِتَابُكَ أَصْبَحَ بَاكِيًا لِفَقْدِ وَلِيِّكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ رَحْمَةً لِكِتَابِكَ.

اللَّهُمَّ وَهَذِهِ أَعْيُنُ الْمُؤْمِنِينَ أَصْبَحَتْ بَاكِيًا لِفَقْدِ وَلِيِّكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ»

ص: 257

1- عنایات حضرت ولی عصر علیه السلام، ص 435

2- آیه الله سید محمد مهدی خراسان، صاحب موسوعه ابن ادریس، موسوعه ابن عباس، السجود علی التربة الحسينية، محسن السبط، مُزِيل اللَّبْسِ فِي مَسْأَلَتِي شَقَّ الْقَمَرِ وَرَدَّ الشَّمْسِ، عَلَى إِمَامِ الْبَرَّةِ وَدَهْرِهَا أَرْزَشْمَنْدِ دِيْغَر، از حسنات دهر و افاضل علمای عصر می باشد.

یعنی: «خداوندا! این دین توست که در نبود ولایت گریان است، پس بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ولایت، از باب ترحم بر دین خود تعجیل بفرما.

خداوندا! این کتاب توست که در نبود ولایت گریان است، پس بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ولایت، از باب ترحم بر کتاب خود تعجیل بفرما.

خداوندا! این دیدگان مؤمنان است که در نبود ولایت گریان است، پس بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ولایت، از باب ترحم بر مؤمنان تعجیل بفرما.»

شیخ عبد علی بحرانی کوفی گوید: با خود گفتم شاید این شخص امام عصر علیه السلام باشد، در همان لحظه آن شخص از مقابل ضریح به سمت پشت ضریح حرکت کرد، من نیز در جهت مخالف او حرکت کردم تا روی در روی، او را ملاقات کنم، ولی او را ندیدم. به سرعت از حرم خارج شدم، از خادمین و دیگران درباره او سؤال کردم، کسی چیزی نمی دانست. به ذهنم رسید شاید از سمت ایوان طلا خارج شده است، در صحن شریف گشتم ولی او را ندیدم، لذا یقین کردم که این شخص وجود نازنین امام عصر علیه السلام بود، که اینگونه برای فرج خود دعا می کرد. (1)

ص: 258

مقدمه..... 5

سرود

غربت..... 11

معرفت..... 15

اقسام واجب..... 16

ترک دعا برای فرج از گناهان کبیره است 22

تقسیم دیگری از واجبات 25

فرق میان وجوب و لزوم 26

ادله وجوب دعا برای فرج 28

دلیل عقل..... 28

دلیل نقل..... 39

دلیل انتظار..... 66

موارد دعا..... 91

آثار و برکات دعا برای فرج 92

این واجب الهی دارای احکامی می باشد 96

برهان چیست؟..... 100

تقسیم برهان عقلی به مستقلات عقلیه و غیر عقلیه 104

برهان عقلی..... 107

برهان لیم..... 108

برهان إن..... 109

برهان حکمت..... 113

برهان صدیقین..... 118

فضیلت صلوات همراه با "عجل فرجهم" با توجه به برهان صدیقین 121

دعا برای فرج در سجده 132

دعا برای فرج در قنوت نماز 136

دعا برای فرج امام زمان علیه السلام در تعقیبات نمازها 142

گلایه سید بن طاووس رحمه الله از کسانی که دعا برای فرج نمی کنند و امام زمانشان را به فراموشی سپرده اند 151

اهمیت دعا برای فرج امام زمان علیه السلام در کتاب مستطاب اقبال الاعمال سید بن طاووس رحمه الله 163

آیا امام زمان علیه السلام احتیاج به دعای ما دارد؟! 167

آیا امر به دعا برای فرج امام زمان علیه السلام با احادیثی که از تعجیل در ظهور نهی شده است، در تناقض نیست؟! 171

اگر ظهور امام زمان علیه السلام امری است که نزد خدای تعالی تقدیر یافته و تا زمانش فرا نرسد صورت نمی گیرد، پس دعای ما چه فایده

ای دارد؟!..... 173

جای خالی دعا برای فرج در رساله های عملیه 176

اهمیت دعا برای ظهور امام زمان علیه السلام در نظر علمای گذشته 183

دلیل عدم ذکر وجوب دعا برای فرج در کتب فقهی 191

عوامل منفی عدم دعا برای فرج 195

دعا برای تعجیل در فرج امام زمان ارواحنا فداه در ادعیه و زیارات 197

مؤیدات "وجوب دعا برای فرج" 248

ص: 260

دیگر آثار مؤلف

* ترجمه مزجی قرآن کریم

این ترجمه کلمه به کلمه بوده و برای واضح شدن معنای کلی آیات مبارکات شرحی در پرانتز آمده است.

* ترجمه مفاتیح الجنان (ترجمه مزجی)

ترجمه سلیس و کلمه به کلمه مفاتیح الجنان و باقیات الصالحات.

* ترجمه صحیفه سجادیه (ترجمه مزجی)

در ذکر مناجات ها و رساله ی حقوق امام زین العابدین علیه السلام.

* صحیفه فاطمیه علیها السلام

مجموعه ای از دعاها و نمازها و زیارتها و توسلات که از ناحیه مقدسه حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها صادر شده یا از دیگر معصومین علیهم السلام راجع به آن حضرت نقل شده است.

* صحیفه صالحین - ارتباط با خدا

برنامه عملی یک مسلمان که در شبانه روز به آنها احتیاج دارد.

* تزکیه روح

کتابی عملی در پیاده نمودن صفات حسنه ی اخلاقی.

* ماه درخشان صاحب مفاتیح الجنان

شرح زندگانی مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمه الله صاحب کتاب گرانسنگ مفاتیح الجنان.

* الدرجات الرفیعه فی وقایع الشیعه

در شرح تاریخ وقایعی که در جهان تشیع رخ داده است به صورت روزشمار.

* نور علوی در عید غدیر شمسوی و قمری

انطباق اول فروردین (عید غدیر شمسوی) با 18 ذیحجه سال 10 قمری است، زیرا شکوفایی گلها و نباتات و بطور کلی حیات کره زمین به برکت ولایت امیرالمؤمنین -

علیه السلام است که ادله آن را در این کتاب می خوانید.

* اسرار فاطمیه علیها السلام

حقایق ناگفتنی پیرامون مناقب و فضائل حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها.

* سه بانوی بهشتی

شامل سه کتاب در احوالات و زندگانی و معجزات حضرت زهرا و حضرت زینب و حضرت رقیه سلام الله علیهم.

* فرمانده کل قوا، از لشکر حسینی تا لشکر مهدوی

در ذکر معجزات و مناقب و در اثبات ولایت کلیه حضرت ابوالفضل علیه السلام.

* تفسیر و شرح زیارت جامعه کبیره

با بیانی بسیار رسا در مناقب و فضائل اهل بیت علیهم السلام.

* طب الزهراء سلام الله علیها

در شرح روایات طبی از ناحیه حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها.

* طهر مطهر در تبرئه جناب جعفر عموی امام زمان علیه السلام

جناب جعفر طاهر فرزند امام هادی علیه السلام یکی از بزرگترین مظلومین جهان اسلام است که مورد اهانت و تحقیر جامعه مسلمین قرار گرفته و حال آنکه آن حضرت از فرزندان پاک و مطهر امام هادی علیه السلام بوده و از روی تقیه خود را پیش مرگ امام زمانش قرار داد و دشمن از این عمل او کمال سوء استفاده را کرده و با روایات جعلی در مقام ضربه زدن به آن حضرت برآمده است.

* منشور سعادت 1: برنامه عملی برای خوشبختی فرزندان 10 تا 21 سال

منشور سعادت برنامه ای است عملی برای سعادت‌مندی و موفقیت در زندگی

ص: 262

یک نوجوانی که به سنینی رسیده است که در گرداب و تلاطم های زندگی بسیار مورد حمله های شیاطین قرار می گیرد. این برنامه با بیانی کوتاه و مختصر، یک دستورالعمل در نهایت شیوایی و روشنگر مسیر سعادت فرزندان است که تلاش پدران و مادران و مربیان را می طلبد تا با بکارگیری این منشور در تربیت فرزندان خود، زمینه سعادت آنان را چه در جنبه امور مادی و دنیایی و چه در جنبه روحی و آخرتی فراهم آورند.

* منشور سعادت 2: آیا من چنین بانویی هستم؟

در این اثر سعی شده راهکارهایی عملی با بیانی بسیار ساده و کارشناسی شده، به منظور تحکیم پیوند زناشویی ارائه گردد. این «منشور» مخاطبش خانمها هستند و در آن رهنمودهایی در خصوص زن نسبت به شوهر و فرزندانش بیان شده و وظایف تحت قالب "راهکار" تعریف شده است که با عمل به آن شیرینی زندگی دوچندان می شود.

ما در این اثر سعی کردیم این آموزه ها را با بیانی بسیار ساده و رسا هماهنگ با دو منبع گرانسنگ «قرآن و عترت» استخراج کنیم و در اختیار زوج های جوان قرار دهیم تا هم خود از زندگی خود خشنود باشند و هم خدایتعالی را از خود خشنود سازند.

* منشور سعادت 3: شخصیت مرد موفق در خانواده

مخاطب این منشور مردان می باشند و سعی شده است راهکارهای عملی در تعلیم و تعلم مردها برای تحکیم خانواده و ایجاد صفا و صمیمیت بین خود و همسر و فرزندانشان، ارائه شود. آنچه در این اثر می خوانید چیزی جز الفبای اولیه زندگی سعادت‌مندان نیست که با الهام از مکتب وحی و تعالیم قرآن و عترت آمده است که می سزد آنها را بیاموزیم و به کار بندیم.

* تربیت فرزند

یکی از نگرانی های همیشگی والدین، تربیت صحیح فرزندان و داشتن فرزندی صالح و شایسته است. در این اثر آموزه هایی برگرفته از معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام، برای تربیت صحیح فرزندان، از همان ابتدای انعقاد نطفه فرزند تا زمانی که وی به سنین هفت سالگی، نوجوانی (چهارده سالگی) و جوانی (بیست و یک سالگی)

می رسد، ارائه شده است.

ص: 264

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

